كتب خطى

فارسى وعربى

فهرست
كتابخانهٔ مجلس شوراى ملّى

تأليف

عبدالحسين حائرى

جلد نهم از انتشارات كتابخانه

(ادارهٔ بررسى وتحقيق)

(بخش دوم)

تهران - ۱۳۴۷

چاپخانهٔ مجلس شوراى ملى

کتب خطی

فارسی و عربی

فهرست

کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی

تألیف

عبدالحسین حائری

جلد نهم از انتشارات کتابخانه

(ادارهٔ بررسی و تحقیق)

(بخش دوم)

تهران - ۱۳۴۷

چاپخانهٔ مجلس شورای ملی

کتب خطی

فارسی وعربی

فهرست
کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی

تألیف

عبدالحسین حائری

جلد نهم از انتشارات کتابخانه

(ادارهٔ بررسی وتحقیق)

(بخش دوم)

تهران - ۱۳۴۷

چاپخانه مجلس شورای ملی

مقدمه

این مجلد فهرست که با توفیق پروردگار توانا اینک در دست نشر قرار میگیرد بخش دوم از مجلد۹فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شوری و با بخش یکم مجموعاً حاوی معرفی ۹۱۰ نسخه ارزنده است که این نویسنده با تعداد زیادی از آنها تاکنون آشنا نبود ویا درفهارس ومراجع یادنشده بوده وبرای شناختن برخی از آنها بارها سراسر نسخه‌را خوانده و بمراجع دورونزدیك مراجعه کردم تاآنجا که برخی از کتابها ونسخه‌ها که همچنان ناشناس مانده بود ویا در شناسایی آن سهوی رفته‌بود ، در تعلیقات بار دیگر از آن سخن گفته ونکاتی را که بعدازچاپ فهرست بدست‌آورده‌ام در آنجا یاد کردم (۱)

خوشوقتم باطلاع اهل تحقیق برسانم که اینك که این‌مجلد نشر میگردد بر اثر توجه خاص جناب‌آقای‌عبدالله ریاضی ریاست‌محترم مجلس شورای ملی بخش نخستین مجلددهم‌فهرست (شامل ۵۵۵ صفحه ومعرفی ۶۱۱ رساله و کتاب) انتشار یافته و بخش‌دوم‌آن‌نیز در ۶۰۰صفحه (ازص ۵۵۶-۱۱۰) وشامل معرفی۶۵۲رساله (شمارهٔ ۶۱۲-۱۲۷۴) در دست صحافی وتجلیداست و دنباله آن‌نیز زیرچاپ‌است .

کوشش همکاران عزیز اداره بررسی و تحقیق و کارکنان محترم چاپخانـه اختصاصی مجلس نیز پیوسته ازعوامل‌مؤثر پیشرفت سریع‌کار فهرست کتب خطی وموجب تشکر بوده و هست .

عبدالحسین حائری ۱۲ر۹ر۴۷

---

۱ - در مقدمه بخش یکم این فهرست از مراجعان درخواست کردم ودراینجا درخواست خودرا تکرار میکنم که به تعلیقات‌ذیل‌بخش‌یکم ودوم مراجعه‌فرمایند ونیزدرمقدمه‌آن‌بخش‌درباره شیوهٔ این دو بخش توضیحاتی بعرض‌رسیده‌است.

[۱۸۲۵]

نسخه شمارهٔ۷ دفتر (ص ۳۲ - ۴۱ دفتر) است .

ارجوزه فی المجربات (عربی)

ازآثار ابن سینا دربارهٔ برخی از احکام نجوم ودستورهای پزشکی .
این ارجوزه بنام ارجوزةالخواص نیز آمده‌است .
الذریعة ج ۱ ـ ٤٩٥ دانشگاه ج٦ - ٢٤١٩ ـ مصنفات٢٧ :

آغاز:

ابدء باسم الله فی‌نظم حسن — اذکرماجربت فی طول‌الزمن

انجام : وغفرالله تعالی لی‌وعفی — عنا و عن آبائنا و قد کفی.

[۱۸۲۵]

نسخه شمارهٔ۸ دفتر (ص - ۴۴ - ۵۹ دفتر) است

خیرالوصیة (منظومه) (عربی)

از شیخ محمدبن عبدالله بن‌رمضان احسایی(قرن ۱۳ ـ ۹) .
رجوع شود به الذریعة ج ۷ ـ ٢٦
آغاز: خیرالوصیة ، بسمله ، ومما قاله‌الشیخ محمدبـن عبدالله بن رمضـان الاحسائی فی ذم‌الدنیا والزهدفیها والوصیة باداء الواجبات والمندوبات...

انجام : بخیرالوصیة سمیتها — فطوبی لعبدبها یعمل
و صلی‌الاله علی المصطفی — و عترته ما استقامت سما .

[۱۸۲۵]

نسخه شماره ۹ دفتر (ص۷۰ - ۷۷دفتر) است .

ارجوزه ای درمعانی وبیان (عربی)

از میرزا محمدبن محمدرضا بن اسماعیل بن جمال الدین قمی مشهدی شاگرد مجلسی ومؤلف کنزالحقایق در تفسیر. مؤلف خود در سال ۱۰۷۴ شرحی براین ارجوزه نگاشته و آنرا انجاح‌الطالب نامیده است .

این منظومه دارای یکصد بیت است و در سال ۱۳۰۰ در تهران بچاپ رسیده است .

رجوع شود به‌الذریعه ج ۱ـ ۴۹۶ و فهرست کتب چاپی‌عربی مشار :۳۹

آغاز:

الحمدلله و صلی‌الله

علی رسوله‌الذی اصطفاه . . .

فی علمی البیان و المعانی

ارجوزة لطیفة المعانی

ابیاتها عن مائة لم تزد

فقلت غیر آمن من حسد

انجام : اوکانت‌الدعوی علی میتی

او ادعی الایفا علی المدعی

(۱۸۲۵)

صفحه شمارۀ۱۰دفتر (ص۷۸ـ۱۰۰دفتر) است

ارجوزة فی‌اصول الفقه (عربی)

میرزاقوام‌الدین محمد فرزند محمدمهدی حسینی سیفی‌قزوینی (م ـ ۱۱۵۰) کتاب زبدة‌الاصول شیخ بهائی را به‌نظم درآورده است . این ارجوزۀ مورد گفتگو همان‌منظومۀ زبده‌شیخ بهائی‌است .

تحفةالقوامیة او درفهرست مجلس ج ۷ با شمارهٔ ۴۶/۱ یاد شد .

الذریعة ج۲ : ۴۶۱ احوال‌وآثار شیخ بهایی ازسعیدنفیسی ــ ۱۶۷ فهرست مجلس ۷: ۴۲

آغاز: بسمله ، الحمدلله‌العلی‌العالی ذی‌النوروالبهاء والافضال...

انجام : عبادة صحیحة فلیعلما ماوافق‌الشرع‌لدی‌من‌کلما .

[۱۸۲۵]

نسخه شماره۱۱دفتر(ص۱۰۸-۱۲۴دفتر) است

طالع نامه **(فارسی)**

آغاز: بسمله،وبه‌نستعین‌طالع‌نامه‌ابجدصغیر ازجهة مرد : حمل ، ثور،جوزا . سرطان، اسد ، سنبله ، میزان ، عقرب ، قوس ، جدی...

انجام : فصل حیات وممات ، بدانکه‌آن‌پرندگان این لوحرا بردولوح ..

[۱۸۲۵]

نسخه شماره ۱۲دفتر (ص۱۲۶-۱۲۷دفتر) است

زحافات شعری **(عربی)**

نویسنده، زحافات شعری را دردو دائره وبرروی دوصفحه‌بیان داشته‌است .

فهرست دانشگاه : ۲۲۲۱-۲۴۰۹

آغاز: صورت دایرهٔ اخرب که‌دراصل‌شجره بوده‌است .

[۱۸۲۵]

نسخه شماره ۱۳ دفتر (ص۱۳۰ - ۱۳۱ دفتر است)

نامه‌ای دربارهٔ نماز آیات **(فارسی)**

پاسخ نامه ایست (وآنطوری که از مطاوی پاسخ آن‌پید است)متضمن‌سؤال

از تاریخ تشریع نماز آیات و وجه‌تسمیت آن به «آیات» و کیفیت‌آن بوده‌است .
و نیز معلوم‌است که‌نویسنده نامه یکی‌از شاهزادگان قاجاریه بوده که‌در پاسخ،ازاو باعنوان‌نواب «اشرف والا» یادشده .

ازیادداشتی که نویسندهٔ این‌پاسخ در ذیل‌آن‌نوشته،پیداست که در فرحزاد از قراء تهران ـ بوده‌وفرزند نویسندهٔ سؤال را تعلیم میکرده است .

آغاز: بعداز طی‌مراحل عبودیت وفراغ ازمراسم دعای دوام وعمر و دولت عرض میشود که چندی قبل نیمه شبی بود که رقیمهٔ کریمه در باب کیفیت نماز آیات که به افتخار این‌دعاگو عزصدور یافته بود واصل‌شد وچون مذکور شد که درهمان‌شب،چاپار عازم نواب‌اشرف والاست ومن درشب عاجزم ...ازنوشتن،جواب اینرا بشیخ‌جلیل املاء نمودم و اونوشت و انفاذ حضورمبارك شد نمیدانم شرف وصول خدمت روزی آن گشته یا خیر.باری‌نماز آیات درسال دهم هجرت شروع شد ...

پایان: و قنوت آن پنج وسجود آن چهار وتشهد وسلام آن‌یك،مانند نماز صبح الباقی امرکم‌الاشرف‌الارفع مطاع .

پس از پایان‌پاسخ، یادداشتی خصوصی از صاحب پاسخ ونیز نوشته‌ای بخطی دیگردربارهٔ کیفیت نماز آیات دیده میشود.

[۱۸۲۵]

نسخه شماره ۱۴ (ص ۱۳۳- ۱۴۰ دفتر)وناقص است .

رسالهٔ فروع دین برای مبتدی **(فارسی)**

ترجمه‌فارسی رساله‌ایست بعربی از امام‌محمدغزالی(بطوریکه‌ازآغازرساله معلوم میشود) و کسی که ترجمه کرده نام‌خودرانیاورده .

درمراجع وفهرست مؤلفات غزالی در باره این رساله مطلبی بدست نیاوردم .

این رساله دارای پنج باب است بدین قرار : باب‌الایات ، باب‌الاحسان ، باب الاسلام ، باب دعای وضو و باب غسل . و هرباب خود دارای چندمسئله است که مجموعاً ١٦مسئله میشود و مسئله آخر رساله،درحد مسح است .

آغاز: بسمله ، الحمدلله خالق الخلق و رازق‌الرزق ... ! امابعد بدانکه این رساله‌ایست از امام محمدبن محمدبن محمدالغزالی ساخته است ازجهـة مبتدیان تا ... سؤال از دانشمندان وبدین‌قدر قانع باشند وهر مبتـدی که اینقـدر بداند ازمسلمانی اورابس باشد ...

انجام : مسئله ، و اگر گوشت ناشسته یادنبه یا آنچه بدین‌ماند دردیـك کنند این‌طعام‌جمله نجس گردد و بباید ریختن پس چنان باید بدوسه‌آب‌بشویند تاپاك گردد .مسئلهٔمسح،بدانکه‌رواباشد مسح برموزه که درست‌باشد یااز کعب تا زیر قدم واگرزیر کعب دریده باشد درست نباشد واگر بالای کعب دریده باشد .

[١٨٢٥]

نسخه شماره ١۶ (ص ١۴۶ - ١٧١ دفتر است)

رساله درتوحید **(عربی)**

از سیدمحمدحسین بن‌عبدالباقی بن‌محمدصالح‌خاتون‌آبادی(م -١١٣٢)

دراین‌رساله‌وی‌برای‌اثبات‌واجب‌الوجود بودن‌حقتعالی ٥مقدمه‌یاد کرده‌است.

رسالهٔ خلق‌الافعال او درهمین‌دفتر ١٨٢٥ (ص ١٧١ - ٢٠٢) موجوداست .

فهرست مجلس ج ٥ : ٢٤٨

آغاز: رسالةفی‌التوحید علی‌طریق المتکلمین ، بسمله ، الحمدلله‌الواحدالفرد

القديم البصير السميع . . وبعد يقول سيدنا ومولانا العلامة جامع المنقول حاوی الاصول والفروع انموذج السلف ...

انجام : وكن على بصيرة وخذ بما آتيتك وكن من الشاكرين كتبه مع تراكم افواج العوايق فی شهر ذيقعدة جعفر بن محمد حسين کاتب کلام الله عفی عنهما فی عام سنة ۱۲۱۱

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۱ دفتر (ص ۱–۲ دفتر) است

نامهٔ بهایی به همدانی **(عربی)**

شیخ بهایی این نامه را در پاسخ نامه میرزا ابراهیم همدانی (شمارهٔ ۳۲۶۰/۵ دانشگاه) نوشته است.

فهرست دانشگاه ج ۳:۵۰۳ و ۱۱ : ۲۲۲۲

آغاز: مکتوبی که شیخ الکاملین وخاتم المجتهدین بهاء الملة والدین محمد رضی الله عنه بعالیحضرت سید المحققین میرزا ابراهیم همدانی نوشته، یا غائب عن عینی لاعن بالی – والقرب اليك منتهی آمالی – ایام نواك لاتسل كيف مضت – بالله باسوء الاحوال...

انجام : الكمال لكنت تعبد الله هكذا نحن روحان قد حللنا بدنا و السلام عليكم ابدا تمت الرقعة الشريفة بعون الملك المعبود .

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۲ (ص ۳ دفتر) است

اثبات الواجب **(عربی)**

از ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (م – ۴۶۰) در اثبات خدا بروش متکلمان بدون استدلال به بطلان دور و تسلسل .

رجوع به‌فهرست دانشگاه ج ۳: ۱۱۶ شود

آغاز: برهان شریف فی اثبات الواجب تعالی غیر متوقف علی ابطال الدور... للمحقق الطوسی و بیانه موقوف علی تقریر مقدمتین احدیهما تصوریة والاخری ...

انجام: واجباً واجاب عنه‌بان الخلاف انماهو فی المباشر القریب وهوالعبد ضرورة ولیس بتام فی التأثیر فسقط النقصان کمالایخفی علی من له‌ادنی مسکة فتأمل .

[۱۸۳۰]

نسخه شماره۳ دفتر (ص۳دفتر) است

آداب تعلم (گفتاری در..) (عربی)

منقول ازخط غیاث‌الدین منصور (م ـ ۹۴۸) .

آغاز: منقول من خط استادالبشر غیاث الاسلام والدین منصور بواسطة واحدة قال المعلم الثانی ابونصر الفارابی طالب العلم ینبغی ان یکون شاباصحیح المزاج...

انجام: والمبالغة مؤکد فی ترك النفاق والکذب معهم .

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۴ دفتر (ص ۳ـ۴دفتر) است

خواص سورهٔ یس (فارسی)

ازسعدالدین حموی(ازخاندان حموی بحرآبادی که درجامع مفیدی یادشده ومجموعه‌هائی بخط سالك‌الدین حموی‌از خاندان اودردست است)

صاحب‌ذریعه‌نوشته‌اند«خواص سورهٔ یس گردآوری سعدالدین محمد محمودی در ۱۰۰ بیت است ونسخهٔ آن‌رادر مجموعه‌موسوم به‌مضیءالحق در کتابخانهٔ شخصی آقای سیدجلال محدث دیده‌ام »

ظاهرا محمودی غلط نسخهٔ مذکور بوده وصواب همان حموی است

آغاز: بسم‌الله مجریها ومرسیها ، بدانکه این چند کلمه دربعضی از خواص سورهٔ‌یس است که بعداز استخاره‌از ارواح ائمه‌معصومین‌علیهم‌السلام که‌مستخرجان علم جفراند مرقوم قلم‌بندهٔ ضعیف سعدالدین الحموی گشته تاسالکان طریق الهی‌از خواص . . . .

انجام : فسبحان‌الذی بیده‌ملکوت کل‌شیء والیه‌ترجعون وسه‌مرتبه‌بگوید یامفرج‌الهم فرج .

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۶دفتر (ص۶دفتر) است

آداب‌قرائت قرآن (گفتاری در) (عربی)

گفتاری است ازغیاث‌الدین منصور وظاهرا بخشی است از یك‌رساله‌او .

آغاز: منقول من کلام غیاث المدققین منصورا ، المقالة‌الرابعةٔ‌النصوص الدالة علی‌فضیلة القاری و القراءة کثیرة عدیدهٔ معروفهٔ مشهورة غیر مستورة ومن الاداب ان ینبغی‌للقاری السواك ...

انجام : الاستحسان وجوز وا فی‌الصلوةوا کثرهم علی‌ان‌السجدات اربع‌عشر والاکثرون‌اوجبوا الطهارة فی‌سجدة التلاوة و کذا استقبال‌القبلةوقدیجوزخلاف‌هذا

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۷ دفتر (ص۶ـ۷ دفتر) است

معادن وجواهر (گفتار درشناخت..) (عربی)

ازیعقوب‌بن‌اسحاق کندی (م- حدود ۳۵۰)درشیوهٔ شناختن معادن جواهرو کوههایی که‌رگه‌های جواهردارند .

رجوع شود به‌یادنامه کندی ٣٦-٣٧

آغاز: بسمه ، قال یعقوب بن اسحق الکندی فی معرفه الجبال و جواهرها و معادنها اذارایت طیفاً ابیض فی سفح مخالفا للتربة التی یلیه قبل تلك التربة البیضاء فان صلحت .. فاحفر . .

انجام : کان ابیض اواصغر فخذمنه . . . فان الاصفر جوهر الذهب والابیض جوهر الفضة طیناً کان او رملا ومش بعدذلك ودبر الاحمر علی ماوصفت من جوهر الا-رضین ان شاءالله رب العالمین .

[١٨٣٠]

نسخه‌شماره ٨ دفتر (ص٧ -٩دفتر) است

شرح مواقف (بخشی از) **(عربی)**

تألیف میرسیدشریف گرگانی دراین بخش پاره‌ئی ازمباحث مقصدسوم ونهم آمده.

دانشگاه ج ٣- ٥٩٤ مشارعربی ٥٦٧ معجم المطبوعات ٦٧٩

آغاز: المقصدالثالث فی توحیده تعالی افرده عن سایر التنزیهات اهتماماً بشانه و هومقصد واحد وهوانه یمتنع وجود الهین اماالحکماء فقالوا...

انجام : ولایکون بین امرین آخرین اوبین احدهما و امر آخر بیناً منقول من شرح المواقف للسیدالشریف الجرجانی . . . ، بغفرانه واسکنه بحبوحة جنانه

[١٨٣٠]

نسخه شمارهٔ ٩ (ص٩- ١٠دفتر) است. سطوراین نسخه به چلیپا است.

برهان التوحید **(عربی)**

مختصری است در برهان بر اثبات یگانگی خدا و تعلیقی است بر صحیفهٔ سوم از کتاب الصحائف الالهیة

صاحب ذریعة و کشف الظنون از صحائف یاد کرده‌اند بدون تصریح بنام مؤلف آن در کشف الظنون شرح صحائف بنام «المعارف» یادشده و صاحب ذریعه نسخه‌ای از این شرح را که در ۷۳٦ نوشته‌شده دیده‌اند .

کشف الظنون ۲ : ۷۲ ذریعه ۱۵ : ۹

آغاز: برهان التوحید من صاحب الصحائف قد افاده بفکره الصائب ، قال الصحیفة الثالثة الی قوله من حالة واحدة لاغیر اقول البرهان ...

انجام : وان لم یکن لازماجاز انفکاکه وانفکاك التعین .

[۱۸۳۰]

نسخهٔ شماره ۱۰ دفتر (ص۱۰-۴۲ دفتر) است

الاضحویه فی المعاد **(عربی)**

ازشیخ الرئیس ابن سینا (حسین بن عبدالله م ۴۲۷)

در دوجا ازدیباچه (نسخه‌ما) از «الشیخ الامین» بدون ذکر اسم یادشده‌است شیخ رساله‌ای دیگر در این باب بنام المبدء و المعاد یا « المعاد » دارد که نسخه‌ای از آن در ج ۵ ص ۴٦۳ معرفی گردید .

اضحویه دارای ۷ فصل است که خود شیخ، فهرست آنهارا درپایان و دیباچه آورده بدین گونه :

الفصل الاول ـ فی مائیة المعاد

الفصل الثانی ـ فی اختلاف الاراء فیه

الفصل الثالث ـ فی مناقضه الاراء الباطله فیه

الفصل الرابع ـ فی الشی الذی هو الانیة الثابتة من الانسان ...

الفصل الخامس ـ فی ان هذا الشی غیر قابل للفساد وانه جوهر سرمدی

الفصل السادس ـ فی وجوب المعاد

الفصل السابع ـ فی معرفة احوال طبقات الناس بعد الموت و تحقیق النشئة الثانیه.

رجوع شود به فهرست مصنفات شیخ از دکتر مهدوی : ۳۹ـ٤۰، الذریعة ج ۲:۲۱٤ فهرست دانشگاه ج۳:۱٤۷ و سپهسالار ج۳:۱٥٦ فهرست رضوی ج٤:۲٥ ، ۲٦

آغاز: بسمله، افاض الله علی روح الشیخ الامین فی الدارین انوار الحکمة وطهر نفسه من ادناس الطبیعه و آتاه من البقاء ما یفی با کتساب السعادة الحقه و اقاه الخیر ...

انجام : و اصلاح ماوقعت فیه الزلة منعما ان شاءالله تعالی والحمدلله رب العالمین والصلوة علی نبیه بید اقل العباد محمد بن حسین العقیلی الاستر ابادی سنة ثمان و خمسین بعد الف من الهجرة النبویه

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۱۱ دفتر (ص ٤۲ـ٥۲ دفتر) است

الامامة (رسالة فی ...) **(عربی)**

از خواجه نصیر طوسی و در جشن هفتصدمین سال خواجه بچاپ رسید

ذریعه ۲ : ۳۳٦ فهرست مجلس ٤ :۷،۱٥٤ : ۱۸ دانشکده ادبیات:۳۳ دانشگاه ۱۱ : ۲٤٦٦

آغاز: بسمله ، الحمد... واسع الرحمة وسابغ النعمة و صلی... علی شافع الامة وکاشف الغمة ... و بعد فقد التمس منی من هو اوحد زمانه و افضل اقرانه ...

انجام : من الناظر فیه اصلاح خلل وقع نظره علیه مستغفرین من جمیع ما کره... وهو حسبنا و نعم الوکیل تم .

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۱٥ دفتر (ص ۹۳ـ۱۲٦ دفتر) است

مسائل (عربی)

از اثیر الدین ابهری (م — ٦٦٠)

وی در این رساله ۱۸ موضوع مورد اختلاف میان فلاسفه و متکلمان و ملیون را با عنوان «المسئله» آورده .

این مسائل بترتیب عبارت‌اند از :

عدم قدمت عالم ، اتحاد وجود و ماهیت، عدم تقرر ماهیات ممکنه، اثبات علم صانع وجود خدا ، یگانگی خدا، خدا فاعل باختیار است ، صفات خدا ، عدم حدوث صفات باری ، جواز رؤیت خدا ، جوهر فرد، ابطال هیولی و صورت، خلاء ، خالق افعال ، اعادهٔ معدوم، نفس ناطقه ، حدوث عالم ، اثبات نبوت .

آغاز: هذه رساله تألیف العلامه المحقق لسان الحکماء و المتکلمین اثیر الحق و الملة و الدین الابهری، مشتملة علی ثمانی عشرة مسئله فی الکلام وقع فیها النزاع بین الحکماء و المتکلمین و ارباب الملل و الادیان المسئلة الاولی فی ان العالم لیس بازلی خلافا للفلاسفة و الدهریه . لنا فی المسئلة ان نقول لازمة ازلیة العالم منتفیه فینتفی ازلیته . . .

پایان: فاقتضت الحکمة الالهیه ان یبعث شخصا مخصوصاً بآیات و معجزات لیتکلم معهم بالسنتهم... و تعلیمهم عبادة ربهم و یذکرهم الرحیل الیه و هدایتهم الی صراط مستقیم تمت المسائل و الحمد لولی الحمد و الصلوة علی الذوات الشریفه ذوی العلم و المجد .

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۱۹ (۱۳۰ — ۱۳۱ دفتر) است .

اثولوجیا (بخشی از . . .) (عربی)

بخش کوتاهی است منقول از رساله تؤلوژی (اثولوجیا) منسوب به ارسطو

رجوع شود به فهرست ٥ : ٣٨_٤٠

آغاز: قدعبر المعلم الاول فی کتاب اثولوجیا عن الوجوب بالذات بالسکون ...

[١٨٣٠]

نسخه‌شمارهٔ ٢٠ (ص ١٣١ دفتر) است .

المدخل الکبیر (بخشی از...) **(عربی)**

بخشی است از کتاب المدخل فارابی در موسیقی .

دانشگاه ج ٣ . ١٠٣ .

آغاز: من المدخل الکبیر للفارابی الحروف منها مصوت و منهـا غیر مصوت و المصوت مثل الالف والواووالیآء و مثل الفتحه والکسرة والضمه ...

[١٨٣٠]

نسخه شمارهٔ ٢١ (ص ١٣١– ١٣٢دفتر) است .

مباحثات (بخشی از...) **(عربی)**

از شیخ الرئیس ابن سینا .

رجوع شود به‌فهرست مصنفات شیخ الرئیس از دکترمهدوی : ٢٠٢وفهرست دانشگاه ٣:٣٣٧ .

نسخه حاضر چند فقره پراکنده است از آن کتاب .

آغاز: من مباحثات الشیخ الرئیس النفس اذافارقت لاتشتاق الی ماخلفه فان قوتها الشوقیة قدبطلت و کذلك سائر القوی البدنیة من ...

[١٨٣٠]

نسخه شمارهٔ ٢٤ (ص١٣١–١٥٢ دفتر) است

سؤال و جواب منطقی وفلسفی (عربی)

سیدرکن الدین استرآبادی ازشاگردان خواجه نصیرالدین طوسی (م-۶۷۲) وصاحب ترجمه فصول نصیریه خواجه بـه عربی، ۲۰ سؤال ازخواجه کرده و ایـن سؤالهارا با پاسخهای خواجه در این رساله گردآورده بدین گونه کـه جواب هر سؤال را پس ازذکرمتن سؤال یادکرده است:

رکن الدین درآغاز این رساله نوشته.

« پاسخ این مسائل راازدو روی از خواجه خواستارشدم یکی اینکه مشکلی حل گردد و دیگراینکه موجب شودخط خواجه را نزدخود داشته باشم »

خواجه درپایان پاسخ آخرین مسائل تاریخ آنرا ۶۷۱ یادکرده نوشته پایان مسائل ازآن خواجه و دیباچه ازآن استرآبادی است.

رجوع شود به احوال وآثار خواجه ازمدرس رضوی ص ۲۸۳

آغاز: قال السیدرکن الملة والدین، کتب الی حضرة المولی سلطان المحققین نصیرالملة والدین الطوسی قدس سره بعدة مسایل لامرین احدهما للحل والکشف والثانی لیکون خطه الشریف مذکرة عندالعبدالمخلص. الاول قال المنطقیون فی سبب احتیاج الناس الی علم المنطق ان العلوم ینقسم الی فکری ...

پایان: و اذا یسرالله تعالی لی فراغا یمکن ان اخوض معه فی هذه المسائل وفیما هومن قبیلها اواهم منها کتبه محرره منتصف محرم احدی وسبعین وستمائه حامداً و مصلیا علی نبیه وآله.

[۱۸۳۰]

نسخه شماره ۲۵ (ص ۱۵۲-۱۵۳ دفتر) است.

قاعدة صدور کثیر از واحد (عربی)

گفتاری است ازخواجه نصیرطوسی (منقول ازیکی از کتابهای او) .

آغاز: و من فوایده قدس سره فی کیفیة صدورالکثرةعن المبدأ الواحد مع القول بان الواحدلایصدرعنه الاالواحدالمبداء الاول الواحدهوالمعلول .

انجام: واحدةالی مالاتتناهی وذلك ما اردناه .

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۲۶ (ص۱۵۲-۱۶۲ دفتر) است.

نامهٔ کیشی به خواجه (فارسی)

شمس الدین محمد کیشی ازمعاصران خواجه و(قرن ۷ ـ ه) خواجه نصیر مراسلاتی بفارسی دارد و این یکی ازنامه‌های اوست که از اصفهان به خواجه نگاشته است . ازمفاد دیباچه نامه کیشی برمیآید که مواصلات ومراسلات وی با خواجه بااین نامه آغازشده (۱) ، زیرا که پیش ازذکر سؤال نخستین گوید «سه مسئله القاءمیفتدتاابتداء مواصلت از استفادهٔ علمی عاطل نماند .

کیشی پاسخ ۳ مسئله را که در این نامه مفصل نوشته ازخواجه خواسته و مسئله های مزبوراینهاست :

مسئله ـ نخستین شیخ رئیس روح‌رمسه ... فرق میان موجبهٔ معدوله‌وسالبهٔ بسیطه بیان کرده . . .

مسئله دوم ـ شیخ ببرهان ثابت کرده است که صورنوعی‌بسائط نزدامتزاج باقی‌اند ، پس لازم‌آید که مواد ایشان‌همچنان که در حالت انفراد متحصل الوجود بوده‌اند بصورت نوعی درحالت امتزاج متقوم‌الوجود باشند ...

---

(۱) این نکته ازآغازپاسخ خواجه‌نیزهویداست .

مسئله سوم ـ وجودخاص که حاصل است مرجوهرمفارق‌را که بدان وجود موجوداست‌درعین‌خودهمان‌است که خودبدان معقول است ... و این شك‌رابزیادت ملاحظه مخصوص‌نمایند .

آغاز: پرتو خورشید ضمیرمنیرمخدوم‌ولی‌الانعام صاحب‌الایات‌العظام . . . خلاصة الانام قبلة‌المحصلین . . . رئیس‌المحققین نصیرالمله والدین حجة‌الاسلام و المسلمین که سبب اهتداء سالکان طریقت ونوربخش دیدهٔ و اصلان حقیقت‌است چندانکه مقتضای‌رأی‌حکمت‌زدای اوباشد . . .

پایان: از کمال فضل و تمام افضال مخدومی ... توقع است که‌این تصدیع را تحمل فرمایند وخادم وداعی را از جمله مستفیدان شمرد ... حق تعالی ازهمه مکاره حارس ودرهمه مطالب معین بادبمنه وسعة‌لطفه وجوده .

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۲۷ (ص۱۵۶ـ۱۶۲ دفتر)است .

پاسخ خواجه به کیشی (فارسی)

خواجه نصیرطوسی دراین‌نامه‌به نامه کیشی(شمارهٔ قبل) پس ازیك‌مقدمه متضمن‌سخنان‌دوستانه ومودت‌آمیزعین سؤال‌های‌شمس‌الدین کیشی‌را (باتفاوتهای لفظی) نقل‌بمعنی کردهوپس‌ازنقل هریك،آنرا پاسخ گفته .

ازسخنان خواجه درپایان این‌پاسخها استفاده میشود که کیشی درنامه خود یك‌نسخه تحریر مجسطی ازخواجه‌طلب کرده و خواجه در پاسخ بدین گونه عذر خواسته :

« ونسخت‌مجسطی وغیرآن که طلب فرموده فرستادن آن در اینوقت متعذر بود . . »

آغاز: تاذکر مناقب وفضائل ذات شریف ونفس نفیس خداوندملك الحکماء والعلماء سیدالاکابر . . مفخر ایران ادام میامن ایامه وحصل جوامع مرامه بمسامع دعاگوی مخلص او محمدالطوسی رسیده است مریدصادق بل محب وعاشق شده است

پایان: فیمابعداگرخدای تعالی فراغتی کرامت کنداین خدمت بجای آورده آید کامرانی وشادمانی وحصول امانی میسر باد ببقاء جاودانی بحمدو آله اجمعین .

متن سؤال های کیشی راکه خواجه نقل کرده با آنچه ما درنامه کیشی می‌بینیم متفاوت است(همانگونه که قبلاً اشارت رفت)ونیز نسخه‌ما با نسخه‌ای که استاد مدرس رضوی از نامه وسؤالات کیشی دیده و نقل کرده‌اند بسی تفاوت دارد آقای مدرس متن هرسه‌سئوال را نقل کرده‌اند و بطوری که از ذیل سخنان ایشان پیداست مرجع ایشان دراین باب یکی جنگی است حاوی رسائل متفرقه و این دو نامه متعلق به کتابخانه ملك(تهران) ودیگری مجموعه‌ای در کتابخانه مجلس جزء کتب مرحوم تنکابنی .

(نسخه حاضر نیز جزء مجموعه ایست از کتب تنکابنی بنابراین یا ایشان سئوالات را ازنسخه ملك نقل کرده‌اند یا در کتب تنکابنی نسخه متعدد است و نگارنده هنوز ازآن اطلاع ندارد) .

[١٨٣٠]

نسخه شمارهٔ ٢٨ (ص ١٦٤ ـ ١٦٢ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق محمدبن حسین عقیلی استرابادی ومورخ ١٠٥٨ .

اقسام حکمت (عربی)

ازخواجه نصیرطوسی دربیان شاخه‌های علوم حکمی .

شیخ‌الرئیس نیز رساله‌ای درهمین موضوع باهمین نام‌نوشته و نوشته خواجه ازلحاظ ترتیب اقسام وشیوه تقسیم کاملا باآن مطابقت دارد .

ترتیب تقسیم دراین‌رساله بدینگونه است :

اقسام حکمت علمی .

اقسام اصلی حکمت طبیعی (٨قسم) .

اقسام فرعی طبیعی (٧قسم) .

اقسام اصلی علوم ریاضی (٤قسم) .

اقسام فرعی ریاضی (٧قسم) .

علم الهی ـ اقسام اصلی (٥ قسم) .

فروع الهی(٢قسم).

درپایان،اقسام منطق است .

این‌همان ترتیب تقسیم دررساله «اقسام الحکمه» ابن سیناست و تنها تفاوت فاحش دورساله دراین‌است که شیخ برای هریك ازعلوم تعریفی اجمالی یاد کرده وجزاین تفاوتی‌ندارند . امادرنسخ‌رساله خواجه اختلافات واشتباهاتی‌شگفت وجود داردبدینگونه که دربعضی ازنسخه‌ها (نسخه دانشگاه بطوری که ازنوشته فهرست نگاربرمیآید)اقسام منطق پس‌ازاقسام حکمت‌عملی یادشده ونیز درنسخه ما اقسام منطق درآغازهفت(سبعه) است ، سپس هشت قسم بیان‌شده (ازقیاس‌یادنکرده) و خواجه‌درآخرآنرانه‌قسم‌دانسته زیرا میگوید : «پس‌اقسام حکمة با شمردن‌منطق ٤٤وبدون آن٣٥است.درنسخه دانشگاه نیزنظیرهمین تناقض وجود داردومسلماً از اشتباهات‌ناسخان‌است .

خواجه،دانش نواختن با ارغنون ومانند آن‌را جزء اقسام فرعی ریاضی و موسیقی‌راجزء اقسام اصلی آن‌شمرده وعلوم‌غریبه را ازفروع حکمت‌طبیعی‌دانسته.

ازفروع علم الهی‌را یکی بحث‌از حقیقت وحی ودیگری علم معادیاد کندو گوید معاد جسمانی‌را عقل درك نمیکند وازآیین وشریعت حقه‌است .

رجوع شود به‌آثار واحوال خواجه‌ازمدرس رضوی: ۳۱۳ . ذریعه ۲ : ۲۷۲ فهرست‌مصنفات ابن‌سینا : ص ٤١ ـ ٤٢ ، فهرست‌دانشگاه ۳: ...

آغاز: فصل فی‌بیان‌اقسام‌الحکمة علی‌سبیل‌الایجاز... الحکمة قسمان‌نظری وعملی فالعملی ثلثه اقسام ... والنظری ثلثة اقسام طبیعی وریاضی والهی‌فالحکمة الطبیعیة‌لها فروع . . .

پایان: فجمیع اقسام‌الحکمة اربعة و اربعـون قسماً مع اقسام المنطق‌و الافخمسه وثلثون .

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۲۹ (ص۱۶۴ دفتر) است بخط محمد حسین عقیلی .

رساله درتعریف مکان وزمان (عربی)

ازخواجه نصیرالدین طوسی این رساله یکی ازفوائد ثمانیه است که استاد مدرس رضوی آنرا یاد کرده و گفته‌اند « هریك از آنها در دو مجموعه کتابخـانه ملك بطورمستقل وجوددارد » . درنسخه ماهریك ازاینهابا عنوان فائده‌آمده و در کنارنخستین آنها که در باب مکان و زمان است (نسخهٔ حاضر) نوشته شده «فوائد ثمانیه حکمیه‌للعلامة‌الطوسی) .

آقای مدرس رضوی گویا این فوائدثمانیه را در دفتری دیگر در کتابخانه مجلس یکجا دیده‌اند که درترتیب‌بااین دفترحاضر متفاوت‌است.

اما همانگونه که ایشان خود یادآور شده‌اندبیشتر این‌فائده‌هاهر یك خود رساله‌ایست مستقل ازخواجه ونسخه‌های مستقل ازآنها موجود است .

آغاز: المکان ماله وضع‌لذاته . الزمان مایقدر به کل‌ما ینقضی و یتجدد و بقاء مالایتجدد ولاینقضی بحال واحد ..

پایان: مقولة الملك والجدة وله‌هوان یعبرعنه بذی جنس یقال الحیوان ذوالنطق ای‌الناطق .

[۱۸۳۰]

نسخه شماره۳۰ (۱۶۴-۱۶۵ دفتر) است به‌خط شکسته نستعلیق نویسنده تمام‌سراسر این دفتر: محمدحسین عقیلی استرآبادی

رساله درعلل ومعلولات (عربی)

از خواجه نصیرطوسی‌فائده دوم‌استازفوائد ثمانیه دفترحاضر که‌در آثار و احوال خواجه نیزجزء فوائد وهم جداگانه آمده.

رجوع شود به ص۲۸۸ و ۲۸۹ از کتاب‌آثار واحوال خواجه

آغاز: ان‌کانت علل ومعلولات مرتبه بلانهایه من‌جانب اومن جانبی‌التصاعد والتنازل کانت تلك‌المراتب بعینها باعتبار سلسلة العلل ...

انجام: فـاذا لا یمکن ان یوجد علل و معلولات مترتبه لانهایة لهـا و هوالمطلوب .

[۱۸۳۰]

این‌نسخه شمارهٔ۳۱ (ص۱۶۵-۱۶۶ دفتر)است‌بخط شکسته نستعلیق عقیلی مزبور .

رساله در تعریف عصمة **(عربی)**

گفتاری است کوتاه در تعریف عصمة از خواجه نصیر و جزء فوائد ثمانیه او است .

احوال و آثار خواجه : ۲۸۹ .

آغاز: العصمه هی ان یکون العبد قادر اعلی المعاصی غیرمریدلها

[۱۸۳۰]

این نسخه شماره۳۲(ص ۱۶۶ ـ ۱۶۷ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق عقیلی .

رساله درمعانی طبیعت **(عربی)**

یکی از فوائد ثمانیهٔ خواجه نصیر الدین طوسی .

آثار و احوال ۲۸۹ .

آغاز: الطبیعه باشتراك الاسم تتعلق تارةعلی ماهو مبدأ الحرکه والسکون بالذات والیها ینسب العلم الطبیعی ...

پایان: فان کل سرعته تکون سرعة بالاضافه الی بطن وبالعکس وهذا غیر معنی الشدة والضعف وینبغی ان یحقق هذه المعانی .

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۳۲ (ص ۱۶۷ دفتر) است .

اثبات وحدة مبدأ **(عربی)**

یکی ازهشت فائدهٔ خواجه نصیرطوسی . خواجه گفتاری دیگر در این باب دارد که مفصلترین فوائد ثمانیه است وپس ازاین میاید .

آثار و احوال : ۲۸۹

آغاز: المبدأ الاول الذی لااول قبله ولامبدأ له یستحیل ان یکون اکثر من واحد ...

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۳۴ (ص ۱۶۷ - ۱۶۹ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق سید محمد حسین استرابادی عقیلی

وحدة واجب الوجود (رساله در...) (عربی)

از فوائد ثمانیه خواجه نصیرطوسی .

آثار و احوال : ۲۸۹

آغاز: المبدأ الاول الذی لامبدأ له لایجوز ان یکون ممکن الوجود لان کل ممکن الوجود .. فله مبدأ .. و لا یجوز ان یکون واجب الوجود مشتملا علی کثرة ..

پایان: فهذا ما اردنا ایراده فی اثبات الواحد الحقیقی الذی هو المبدأ لجمیع الموجودات تعالی حده وتقدست ذاته وصفاته .

[۱۸۳۰]

این نسخه شمارهٔ ۳۵ (ص ۱۶۹ - ۱۷۰ دفتر) است .

افعال عباد (عربی)

یکی از فوائد ثمانیه خواجه نصیرطوسی .

آثار واحوال :۲۸۹

آغاز: افعال العباد تنقسم الی مایکون تابعا لقدرته والی مالایکون مثال الاول المشی و الاکل من الانسان...

پایان: فلایکون الفعل بالجبر ولا بالایجاب والله الهادی الی الصواب .

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۳۶ ۷۸ (ص ۱۷۰ - ۱۷۲ دفتر) است .

اثبات العقل المجرد (عربی)

از خواجه نصیر طوسی . این همان رساله جوهر مفارق است که در همین فهرست شمارهٔ ۱۸۰۰/۲۶ (ص۳۳۵) آمده و دوانی و شمساء وحنفی بر آن شرح و حاشیه نوشته اند و در این مجموعه جزء فوائد ثمانیه خواجه بشمار آمده و در آثار واحوال نیز یکجا (درص . . .) جداگانه وبار دیگر (درص۲۸۹) جزء فوائد ثمانیه یادشده .

آغاز: اعلم انا لانشك فی کون الاحکام الیقینیه التی قد حکم بها اذهاننا مثلا . .

پایان: وتارة بالکتاب المبین المشتمل علی کل رطب ویابس وذلك ما اردنا والله الموفق والمعین .

[۱۸۳۰]

این نسخه شمارهٔ ۳۷ (ص ۱۷۲ - ۱۹۴ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق عقیلی استرآبادی .

نامهٔ قونوی به خواجه نصیر و رسالهٔ مفاوضات (عربی)

صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی (م-٦٧٣) که باخواجه نصیر طوسی همزمان بوده با این نامه باب مراسله و مفاوضه را باخواجه افتتاح کرده و بطوری که مطالعه این نامه که به نثر شیوای فارسی است نشان میدهد ، قونوی از این پیش رساله ای «ساخته ومسئله ای چند ازمشکلات مسائل درآن درج کرده و بصورت مفاوضه با بعضی ازاکابر فضلاء دوستان دربحث آورده (۱) درصحبت این مکاتبه به خدمت خواجه فرستاد » .

۱ - ص۱۷۲ دفتر سطر۱۳ ازپائین صفحه

گویا وجه تسمیهٔ این رساله به مفاوضه همین سخن قونوی است و خطاباتی که درا ثناء رساله هست باخواجه نیست بلکه با بعضی ازاکابر فضلا دوستان است که در سطور قبل قونوی ازاو یاد کرد .

قونوی در این نامه تصریح کرد که بوسیله این نامه مراسلات خودرا باخواجه آغاز نهاده ولذافاتحه آنرامفاتحه نام داده. عین گفته او در این باب اینك نقل میشود : «چون التقاء من حیث الصورة .. تعذری داشت . طلب مواصلت بطریق مکاتبه که آنرا احد اللقائین نام نهاده‌اند متعین بود ونخواست که ازفوائدعلمی .. این مفاتحه خالی باشد.. لهذارساله‌ای که پیش از این بمدتی مدید... ساخته بود... بخدمت فرستاد».

مسئله‌هایی که دراین رساله مطرح شده برخی بصورت پرسش آغاز شده و برخی دیگر بصورت طرح یك بحث است. اینك فهرست رؤس مطالب رساله بطوری که موضوع سؤال معلوم گردد نقل میشود:

المسئلة الاولی ـ هل ثبت عندکم ان وجود الواجب امر زاید علی حقیقته اموجوده عین ماهیته . . . فان جمیع ماذکر فی تحقیق کل واحد من الامرین غیر تام ولامقنع للبیب .

(در پایان این مسئله نیز قونوی این مطلب را که ادلهٔ طرفین بحث مذکورهیچ یك تمام ومقنع نیست تاکید کرده است) .

المسئلة الثانیه ـ هل الماهیات الممکنه مجعوله اوغیر مجعوله وعلی کلا التقدیرین فهل هی من حیث کونها ماهیات فقط امور وجودیه بمعنی ان لهاضربا من الوجود اوهی امور عدمیه ..

اختیار خود اودر این مسئله این است که ماهیات غیر مجعول و دارای نوعی (یامرتبه‌ای) از وجودند المسئلة الثالثه ـ السمی بالوجود العام المشترك فی کونه

وجودا فقط‌هل‌هو من‌جملة الممکنات ام‌لافان‌کان ممکنا فهل‌له حقیقه وراء کونه وجوداام‌لا المسئله الرابعه ـ الواحد لایصدر عنه الاالواحد هذه‌المسائل (ظاهراً صواب. هذه‌المسئله) یتفرع علیها من‌امهات المسائل مسائل شتی کثیره...

دراین مسئله مسائل متفرع براصل مذکور رایادوخرده گیری کرده است.

عنوانهای بعد دراین رساله چنین است :

مسئله یحتوی علی مسائل :

١ـ من‌البین ان‌الاجسام متناهیة القوه والقبول

٢ـ مسئله ان‌الانسان فی‌هذه النشئه والدار یتعذر علیه التجرید‌التام‌المفسر بانقطاع تعلق النفس المدبرة للبدن عن‌البدن

٣ـ مسئله ماحقیقة الفیض الصادر من‌الحق

٤ـ النسب التی بین‌الوجودات غیرمتناهیه عندنا ویجب‌ان یکون بالنسبة الی علم‌الحق متناهیه

٥ـ مسئله الجوهر لایبطل ببطلان کیفیة من کیفیاته

٦ـ الهیولی المجرده لاتقبل القسمه‌عقلا

آغاز: رساله المسئله الاولی‌هل ثبت‌عند کم..

پایان: کما سبقت‌الاشارة الیه فی‌بعض الاسؤله‌المتقدمه تمت‌الاسؤله بحمدالله وحسن توفیقه.

[١٨٣٠]

نسخه شمارهٔ٣٨(ص١٩۴ـ٢١١دفتر) است بخط عقیلی مزبور

پاسخ خواجه‌به قونوی **(فارسی‌وعربی)**

خواجه نصیر رساله قونوی را دیده و نظرات خود را بصورت شرح‌بررساله

قونوی باعنوانهای قوله و اقول نوشته ودر آغاز رساله پاسخ نامه قونوی‌را بپارسی

لطیف و شیوایی داده

آغاز نامه: بسمله.

اتانی کتاب ماراه مشابها لغیر کتاب‌الله من سائر‌الکتب

خطاب عالی مولاناالمعظم هادی‌الامم .. افضل واکمل جهان .. بخادم دعاء

وناشرثناء مریدصادق ومستفید عاشق محمد الطوسی رسید بوسید و برسر و چشم

نهاد وگفت :

از نامهٔ توملک‌جهان یافت دلم وزلفظ‌توعمرجاودان‌یافت دلم

آغاز رساله:قوله‌المسئله الاولی‌الی قوله هذاخلف اقول اماالبرهان . . .

تحقیق کون وجوده عین‌ماهیة وان‌لیست‌له حقیقة وراءالوجود فهوانه لوکان..

پایان: ویسبغ علیه‌فیضه‌الذی لایزال‌انه اللطیف‌المجیب.

[۱۸۳۰]

نسخه شمارهٔ ۳۹ دفتر (ص ۱۷۲-۲۱۱ دفتر)است .

نامه خواجه به کاتبی (بخشی از..) **(عربی)**

نجم‌الدین کاتبی (م - ٦٧٥) از خواجه نصیر سؤالاتی کرده و خواجه باو

پاسخ گفته .

نسخه حاضر بخشی ازپاسخ خواجه است به او

رجوع شود به‌احوال وآثار خواجه از مدرس رضوی ص۲۸۹

آغاز: اذا قیل‌شی علی شی‌کان المقول علیه و المقول متحدین بالحقیقه

ومتغایرین من‌حیث کون‌احدهما وحده مأخوذاً مع‌اعتبار...

انجام : کماهوعادته الکریم‌ادام‌الله ظله‌وحرس مجده بحق الحق وصلی‌الله علی سیدنا بحمدالنبی‌و آله‌الطاهرین.

[۱۸۳۳]

این نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۱–۶۵دفتر) است .

حاشیهٔ من لایحضره‌الفقیه (عربی)

ازشیخ بهاءالدین عاملی.صاحب‌ذریعه از نسخه عصرمؤلف که در کتابخانه سیدشیرازی است ونیز از نسخه‌دیگری که‌درآن اجازه مجلسی به‌محدث جزائری آمده یاد کرده است .

دردانشگاه نسخه‌ای است که بانسخهٔ‌ما کاملا مطابقت دارد.

دانشگاه ج۵-۱۲۷۸الذریعه ج٦-٢٢٤ احوال واشعار بهایی -۹۷

آغاز: ابهی خبر یبتدء به‌الکلام واحسن حدیث یفتتح به‌المرام حمدالله سبحانه... وبعدفان اقل‌العباد محمدالشهیر ببهاءالدین . . .

انجام : قال‌قدس سره وسأل یعقوب بن عثیم الی آخرالباب اقول عثیم بضم العین المهملة وفتح‌الثاء المثلثه والیاء

[۱۸۳۴]

این نسخه شمارهٔ ۱(ص ۱ - ۵۵ دفتر) است.

اثبات الواجب (عربی)

ازجلال‌الدین محمد دوانی (م-۹۰۷) است.

دوانی دو رساله دراین باب وباهمین نام نگاشته و یکی از آنها بنام اثبات الواجب قدیم ودیگری بنام اثبات‌الواجب جدیدآمده.

رساله حاضر اثبات الواجب قدیم اوست

مجلس ج۵: ۳۶ دانشگاه ۳: ۱۲۲ ـ ۱۲۴ و۱۲: ۲۸۰۷و۱۴ ۳۶۱۷: و ۳۷۰۴

ذریعه ۱: ۱۰۶ ۱۳: ۵۹ ـ ۶۰

آغاز: سبحانك سبحانك ما اعظم شأنك...

انجام : ولهذه المباحث مزید تفصیل... وبیده الحسنی والیه الرجعی. قدوقع الفراغ من تسویده فی العاشر من شهر ذی الحجة لسنة تسع وثلثین وتسعمأیه.

[۱۸۳۴]

این نسخه ش ۳ (ص ۶۱ ـ ۱۱۳) دفتر است .

اثبات الواجب (عربی)

ازمیر صدرالدین محمد بن ابراهیم دشتکی شیرازی (م-۹۰۳)

این کتاب دارای ۱۲ فصل است در اثبات وجود و وحدة واجب تعالی

غیاث الدین منصور فرزند مؤلف این رساله، شرحی بر آن نگاشته بنام کشف الحقایق المحمدیه و در آن، شرح حال اورا آورده است و ۷ فصل بر آن افزوده

مؤلف این رساله در ذریعه در چند جا اشتباهاً صدرالدین محمد بن غیاث الدین منصور دشتکی معرفی شده و اساساً بسیاری از مؤلفات صدرالدین مقتول در ۹۰۳ از صدرالدین فرزند غیاث الدین منصور دانسته شده است.

از آن جمله همین اثبات الواجب، حاشیهٔ قدیم و جدید بر شرح تجرید و حاشیه‌های او بر شرح مطالع و جواهر نامه.

این اشتباه منحصراً در ذریعه نیست صاحب مجالس المؤمنین ، صدر الدین محمد شیرازی معروف به صدرالحقیقه را پسر غیاث الدین منصور و مقتول در ۹۰۳ بدست ترکمانان دانسته است . در فهرست دانشکدهٔ ادبیات جواهر نامه تألیف

صدرالدین محمد مقتول در۹۰۳ و فرزند غیاث‌الدین منصور دانسته شده وفهرست نگاربه نوشته قاضی نورالله شوشتری استناد کرده است .

درفهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه سخن صاحب ذریعه در ذیـل معرفی اثبات‌الواجب عینا نقل‌شده است .

اما مسلم است وجای هیچ تردید نیست که مؤلف‌این‌رسالهٔ‌اثبات‌الواجب و حاشیه‌های قدیم وجدید شرح تجرید وشرح‌مطالع‌ومقتول‌در۹۰۳بدست‌ترکمانان، صدرالدین محمد شیرازی پدرغیـاث الدین منصور بوده ونسب او بطوری کـه در روضات واحادیث مسلسل با لاباء سید علی‌خان مدنی (شمارهٔ .....) یاد شده از این‌قرار است:

محمدبن ابراهیم‌بن محمدبن اسحاق حسنی حسینی دشتکی است .

و هیچ‌یك از پدران صدرالدین کبیر شیرازی و اجداد غیاث‌الدین منصور غیاث الدین‌منصورخوانده نمیشده است .

شاید موجب اشتباه شوشتری و دیـگران این باشد که یکی از فرزنـدان غیاث‌الدین منصور نیز صدرالدین محمد نام داشته که معروف به صدر الحقیقه و صدرالدین ثانی بوده وجداورا بخاطر تمییزازاوصدرالدین کبیر لقب داده‌اند.این صدرالدین ثانی صاحب‌توبه‌نصوحی است که داستانش درروضات آمده امااز‌اوتالیفی یاد نکرده‌اندجز «الذکری» که‌پس‌از‌توبه‌وترك مشروبات ومنهیات درتحریم‌خمر ، ودیگرملاهی‌ساخته‌ودیگری اجازه ایست از او به یکی ازفضلاء یزد که صاحب روضات قسمتهایی از آن را نقل کرده است.

قاضی شوشتری تمام مؤلفات صدرالدین کبیر را بدو نسبت داده و او را

بدینگونه معرفی کرده : « صدر الحقیقه محمد بن امیر غیاث الدین منصور بن صدرالدین محمد ...»

اما مسلم است که این مؤلفات از آن صدرالدین کبیر نیای این صدرالحقیقه است وشگفت آنست که خوانساری با اینکه ترجمه حال هریك از این ۳ تن را بدرستی نوشته و تمام مؤلفات که قاضی ازفرزند غیاث‌الدین‌منصور دانسته درفهرست مؤلفات صدر کبیر آورده و ازصدرثانی جز کتاب«ذکری»و اجازهٔمزبورتألیفی ندیده ویادنکرده، وجودخطا وسهو قاضی نورالله شوشتری‌رانا دیده گرفته و بدان‌هیچ اشارت نکرده است .

در مورد مؤلف جواهر نامه فارسی‌شماره۲۱۶۶مجلس‌وشماره۳۶ـد ادبیات ما درکف آنچه مسلم است بدانگونه که در فهرست کتابخانه ملی پاریس وفهرست دانشکده ادبیات معرفی شده خطاست‌وصدرالدین مقتول در ۹۰۳ پدر غیاث‌الدین اینست نه فرزنداو . و نسبت آن به‌صدرالدین دشتکی‌ثانی نیزبغایت دوراست‌زیرا همانگونه که گفتیم وی‌جز آنکه یادشده تألیفی‌نداشته‌واصولا نام‌او در عدادمؤلفان نیامده بنابراین‌نام محمدبن منصور که دردیباچه نسخه‌های‌آن کتاب آمده ناچار کسی دیگر است .

نکته ای دیگر که براشکال میفزایدآنست غیاث‌الدین منصور درپایان شرح اثبات الواجب پدر (نسخه۱۹۴۵ مجلس) فهرست مؤلفات اورا آورده ویکی از آنهاجواهر نامه‌فارسی‌است .

غیاث الدین درشرح خود براین‌رساله در پایان فصل اخیر ، ترجمه والد خود وفهرست مؤلفات اورا آورده است . ما درفهرست ۵ درضمن معرفی کتاب تاریخ تولد تطبیقی صدرالدین کبیررا ازآن کتاب، نقل کردیم ودراینجا قسمتهای

جالبی از ترجمه حال را و فهرست مؤلفات اورا که نوشته بطور خلاصه نقل میکنیم:

«اساتید او : سید نظام الدین احمدازبنی اعمام‌او، سیدمجدالدین حبیب الله پسرعم دیگرش ، مولی قوام الدین کرمانی (از بزرگترین شاگردان سیدشریف گرگانی) وسیدمسلم فارسی.

مؤلفات او : غیاث‌الدین این ۱۰ تألیف را از پدر خود یاد کرده است :

۱ـ حاشیه شرح قطب بر شمسیه .

۲ـ حاشیه شرح مطالع .

۳ـ رساله‌در تحقیق حروف (نسخه این رساله بنوشتهٔ غیاث‌الدین، در دست نیست)

۴ـ رساله فیاض .

۵ـ حل مغالطه معروف به جذراصم .

۶ـ تعلیقات بر تیسیرالفقه .

۷ـ شرح بزرگ بر شرح تجرید جدید .

۸ـ رساله فارسی درقوس وقزح .

۹ـ کتابی فارسی درجواهر .

۱۰ـ رساله دراثبات واجب وصفات او که من آن را الحقائق المحمدیه نام داده وشرحی بر آن نوشته‌ام . (۱)

وی با صنایع وهنرها و حرفه های زیاد آشنابود. کشاورزی ، قنات سازی ومعماری‌میدانست . بازی‌شترنج خوب‌میدانست وفراوان بازی‌میکرد اما دراواخر عمرآنرا حرام دانست‌وترك گفت».

---

(۱) با اینکه درآغازفهرست (درنسخه‌ما) گوید پدرم ۱۴ تألیف‌داشته ، بیش‌از ۱۰ تألیف درشمار نیاورده است .

رساله اثبات الباری دشتکی که (از نوشته فرزندش در کشف‌الحقائق فهمیده میشود که مؤلف خود آنرا نام گذاری نکرده بلکه فرزندش نام الحقایق المحمدیه را بدان داده است) دارای این ۱۲ فصل است :

فصل اول ـ اثبات واجب الوجود بدلیل .

فصل دوم ـ در اقامه براهین بر توحید واجب الوجود .

فصل سوم ـ در اینکه واجب الوجود قابل قسمت نیست.

فصل چهارم ـ در عدم اتصاف واجب الوجود بصفات زائد بر ذات ؛ این فصل کوچکترین فصول رساله است .

فصل پنجم ـ در علم باری تعالی. این فصل مبسوط ترین فصلهای رساله و دارای یك مقدمه و هفت مطلب است .

فصل ششم ـ در قدرت واجب الوجود.

فصل هفتم ـ در اراده حق تعالی.

فصل هشتم در حیوة حق است .

فصل نهم ـ در شنوایی و بینایی خدا .

فصل دهم ـ در تکلم خدا و معانی کلام .

فصل یازدهم ـ در قضاء و قدر .

فصل دوازدهم ـ در دیگر صفات خداوند .

رجوع شود به کشف الظنون ۱ : ۵۳۹، فهرست دانشگاه ۳ : ۶،۱۳۰ : ۲۱۱۸ و ش : ۱۵۵۶/۱ و ۱۴ ش : ۴۶۶۸/۲ فهرست سپهسالار ۳ : ۳۸ مجلس ۵ : ۴۵۰ کشف الحجب : ۴

ذریعه ۱ : ۱۰۸ ، ۱۳ : ۶۰

آغاز: الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی منه الابتداء و به البقاء و الیه الرجعی

انجام : و مایکون فی نفس الامر من غیر تعقل النقص هو الوحدة والحمدلله اولا واخرا... الطاهرین.

[۱۸۳۵]

این نسخه‌شمارهٔ ۱ (ص۱-۲۲۴ دفتر) است .

تشریح الافلاك (عربی)

ازشیخ بهایی است، ومکرر چاپ شده است.

الذریعة ج٤-١٨٥ فهرست مشارعربی-١٨٥ دانشگاهٔ ٤ : ٨٥٨

آغاز: ربناماخلقت هذاباطلا...

انجام : الی خلاف جهة الظل هذا ماغفلت عنه عوایق الزمان ولم یتنبه له طوارق الحدثان... وقدوقع الفراغ فی یوم الخمیس سنهٔ ١٢٠٥

[۱۸۳۵]

این نسخه‌شمارهٔ۲ (ص ۲۶ - ۲۱۳) دفتر است .

شرح ملخص (عربی)

این شرح ازقاضی زاده رومی (موسی بن محمدبن محمود) است بر الملخص فی الهیئة البسیطة ازمحمودبن محمدبن عمرچغمینی خوارزمی (م - ٧٤٥) .

کشف الظنون: ملخص دانشگاه ج ٤ : ٩١٧ فهرست عربی مشار - ٥٦٦ .

آغاز: الحمدلله الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نوراً ...

انجام : فالا ولی ان اقتصر علیه فلیکن هذا خاتمة الکتاب ... قدفرغ من تسویده ... المسمی باسم خاتم النبیین .... محمدبن ملابنیاد علی مراغی فی السابع والعشرین من شعبان المعظم یوم الاحد فی سنه ١٢٠٥ خمس ومأتان بعدالف .

[١٨٣٦]

نسخه شمارهٔ ١ (ص ١ ـ ١٨دفتر) است .

الاعضالات العويصات (عربی)

ازمیرمحمد باقربن‌محمدحسینی استرابادی(م ـ ١٠٤١)درحل‌بیست مسئله از علوم‌مختلفه وصنعتهای گوناگون .

رجوع شودبه : الذریعة ج ٢ : ٢٣٧ ، فهرست مشار: ٧١

آغاز: هذا کتاب الاعضالات ، بسمله ، لله‌الحمد والصلوة علی عباده المصطفین فیاولدی الروحانی‌ویاحبیبی‌الفضلانی‌یاشرف آل‌خاتون‌ویامن هوبقریحته الساهبه الملکوتیه کل عالم عامص قانون تارك ...

انجام : النبویه حامدا مصلیاًمسلماً مستغفراً تم‌بحمدالله وعونه هذه‌الرساله علی یدافقر عباداللہ الملك المتعال فضل‌الله بن محمد بن فضل‌الله البسهم الله لباس الغفران بالنبی محمد والال فی‌شهر ربیع الاول . .

[١٨٣٦]

نسخه شمارهٔ ٢ دفتر (ص ١٩ ـ ٩٠ دفتر) است .

انموذج العلوم (عربی)

جلال الدین دوانی این‌رساله رابرای سلطان محمود ساخته است .

دانشگاه ج ٣ : ١٥٨ حقوق : ٢٥٥ همین‌فهرست ص ٣٤١

آغاز: رساله‌انموذج العلوم ، بسمله ، والاعتصام بکرمه‌العمیم ، الله المحمود فی کل فعاله وهوالمشکور علی‌جزیل نواله و جمیل افضاله و الصلوة والسلم علی

مظهر کماله ومظهر . . . وبعد فیقول الفقیر الی الله تعالی ولطفه الحقیقی محمدبن اسعدالدوانی ...

انجام: کتب بعضها مصنفها و کتب فی آخرها نجز تحریر الوریقات الاخرة مؤلفه محمدبن اسعدالصدیقی الدوانی ملکها الله نواصی الامانی .

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص ۹۱ ـ ۹۴ دفتر) است .

جمله‌های اسمیه مبدوة به فعل (رساله در.....) **(عربی)**

مؤلف این رساله دربارهٔ جملات اسمیه که با فعل ابتداء شده سخن گفته است.

آغاز: بسمله ، اعلم ان قولهم ضرب فعل ماض ومن حرف جر مثلا مماخفی علی جمع کثیر من المحصلین بل اشکل علی جم غفیر من المحققین حتی قال الامام فی بعض تصانیفه ان المحکوم علیه فی قولکم ضرب فعل ماض مثلا ان کان اسماً ...

انجام: هذا خلاصه الکلام فی توضیح المرام وفی کل مرتبه کلام طویناه لضیق المقام والتوفیق من العلیم العلام والصلرة والسلام والصلوة و السلام علی خیر الانام محمد وآله الکرام تم بعون الله .

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۴ دفتر (ص ۹۴ - ۹۶ دفتر) است .

اقسام الحکمه **(عربی)**

ازخواجه نصیرالدین طوسی (م ـ ٦٦٧) .

نسخه‌ای دیگر ازاین رساله درهمین فهرست با شمارهٔ ۱۸۳۰/۲۷ یادشد .

آغاز: اعلم ان للنفس الناطقه قوة نظریه لدرك الحقایق کما هی وعملیة للقیام

و بالاعمال علی‌ما ینغنی واتفق الملة والفلسفه علی الاعتناء بتکمیلهـا فی‌القوانین تحصیلا لعادة الدارین العقل ینبیع‌الهدی فی‌الملة .

انجام : مایفهم من‌رسالة‌الشیخ الرئیس اربعه واربعون مع‌اقسام‌المنطق والا فخمسه وثلثون .

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص ۹۷ - ۱۰۲) دفتر است .

رساله وضعیة (عربی)

ازقاضی عضد الدین عبدالرحمان ایجی (م - ۷۵۶).

این‌رساله دربارهٔ چگونگی وضع‌لفظها و اینکه آیاواضع خداست یا انسان گفتگو میکند .

دانشگاه ج ۲ :۳۴۰و۳۴۹- کشف الظنون ج ۱ : ۵۶۹ .

آغاز: بسمله‌وبه‌ثقتی، هذه رساله افادها المولی المعظم‌وینبوع الحکم‌افضل المتقدمین والمتأخرین عضدالحق والملة والدین طیب‌الله قده ...

انجام : یکونان جزئین الثانی‌عشرلایریبنك تعاور الالفاظ بعضها‌مکان‌بعض ان المعتبر الوضع تم‌الرسالة ...

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۷ (ص ۱۱۷ - ۱۴۱ دفتر) است .

شرح زوراء (عربی)

ازجلال الدین دوانی بررسالهٔ زوراء ازخود او .

ذریعه ۱۳ :۳۰۳فهرست‌مجلس‌٤-۱۸۱و۵:۳۳۵-۳۳٦

آغاز: امابعد ، الحمدلله والصلوة علی نبیه فانی لمافرغت من تهذیب الرساله الموسومه بالزوراء ...

انجام : یحسنون صنعا اولئك کالانعام بل هم اضل اعاذنا الله وسایر المسلمین... ویکافی مزید فضله و کرمه و الصلوة والسلم علی سیدنا محمد و الحمدلله علی کل حال تم .

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۸ (ص ۱۴۳ ـ ۱۷۹ دفتر)است .

تهلیلیه **(فارسی)**

از جلال الدین محمد دوانی (م-۹۰۷) این رساله تفسیر و شرح است بر کلمه توحید فهرست سپهسالار ج ـ ۳ : ۵۴۳ دانشگاه ج ۱ : ۶۷۴ : ۲۲۴۶ ، ۸ : ۵۳۸ و ۱۳ : ۳۴۲۸ ذریعه ۲ : ۵۱۶ .

آغاز: رساله تهلیلیه، بسمله، آفتاب جمال قدم از آن متعالیست که خفافیش ظلمت سرای حدوث...

انجام : کمابدا کم تعودون منه بدا و الیه یعود کل شی والله اعلم بالصواب اللهم ارنا الحق وارزقنا اجتبائه .

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۹ دفتر (ص ۱۸۱-۱۷۸ دفتر) است.

تحقیق قبله عراق عجم وخراسان **(عربی)**

از شیخ بهاء الدین محمد عاملی (م-۱۰۳۱)

دراحوال واشعار شیخ بهائی رساله‌ای در تحقیق قبله عراق عجم از پدر شیخ بهائی یاد

شده واز لؤلؤةالبحرین بحرانی نیز آنرا نقل کرده است. خود بهائی رساله‌ای در تحقیق جهت قبله داردکه نسخه‌ای از آن درس این فهرست معرفی شده‌است.

احوال واشعار ص۲۰و۱۵۲ سپهسالار ج ۴۱۹:۱

آغاز: بسمله، اللهم اهدنا اخلقت فیه‌الحق باذنك انك تهدی . . . مقدمات الاولی لاخلاف بین‌علماء الاسلام ان‌القبله الکعبه عینها اوجهتها ...

انجام: الانحراف من‌القبله فلوانحرف المصلی ولوقلیلا ابطل‌صلوته انتهی اللهم اکفناشرور انفسنا وسیات اعمالناانك‌سمیع‌الدعا.

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۱۰ دفتر (ص۱۸۹– ۱۹۰ دفتر) است.

اجتهاد وتقلید (رساله در...) **(عربی)**

ازشیخ حسین بن‌عبدالصمد حارثی (م – ۹۴۸)

درهمین‌فهرست‌رساله‌ای‌ازاویادکردم که درآن‌بیشترمتاخران‌رامقلدان‌شیخ طوسی‌وشاگردان او خوانده وخودچندمسئله‌راباتحقیق‌واجتهادبعنوان نمونه‌آورده

این رساله گویا بخشی است از یکی از رساله‌های پدر شیخ بهایی که در موضوع اجتهاد وتقلید نگاشته‌است

آغاز: بسمله،من تحریرات حضرة الشیخ‌الکامل حسین‌بن‌عبدالصمد رحمه‌الله تبصرة یجب‌بیان الحق فی‌الاحکام‌الشرعیه علی کل من‌علم به‌مجتهداًکان اوغیره ...

انجام: والمبارات فاجعلناممن‌اذارای‌حسنة اراهاوعثرعلی‌سئیة واراها انك جواد کریم.

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ۱۱ (ص۱۹۱–۲۱۶ دفتر) است.

صلوة الجمعه (رساله...) (عربی)

ازعزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی م - ۹۸۴.

وی در این رساله وجوب عینی صلوة جمعه را در زمان غیبت اثبات کرده است.

ذریعه ۱۴، ۷۰ .

آغاز: بسمله ، اللهم اجعلنا علی الحق و الهدی وارفعنا عن الاثام و موجبات الردی واجعلنا ممن تنتصر به لاظها رما اندرس من الاحکام ولاتجعلنا ممن یتعصب علی الحق بغیر علم انك انت الملك العلام وصل علی سیدنا محمد الذی جاء باحسن ..

انجام: الاخرة الممدوحین بقولك فی کتاب العزیز تلك الدار الاخرة نجعلها للذین لایر یدون علوا فی الارض ولافسادا والعاقبة للمتقین

[۱۸۳۶]

نسخه شماره ۱۲(ص ۲۱۷ - ۲۳۰ دفتر) است ،

رسالة الحصر والبواری وسهم الامام (عربی)

از شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (م-۹۸۴).وی با روش فقیهان همزمان خود که در فتوی ، بیشتر پیرو گذشتگان بوده اند سخت مخالفت داشته ودر چند اثر فقهی خود بر این شیوه فقهاء معاصر خرده گیری کرده . در همین فهرست رساله ای از او شناختیم که چند مسئله فقهی را بعنوان نمونه یاد کرده و انظار و ادلهٔ گذشتگان را در آن مسائل نادرست داشته است . در رساله حاضر نیز وی چنین قصدی داشته است.

وی در مقدمه این رساله گوید:

«در ۹۶۸ در مجلس شاه طهماسب دو مسئله فقهی عنوان شد وحاضران همه دربارهٔ آن دو مسئله نظر گذشتگان را نقل کردند بدون اینکه بدلیل آنان بدقت

بنگرند و من از آنجا که واقف بودم و میدانستم ادلهٔ گذشتگان برای اثبات مدعای آنان کافی نیست ، با نظر های آنان مخالفت ورزیدم . اما با اعتراض و استنکار همگی مواجه شدم . اینك برای توضیح بیشتر و دفع اشکالات آنان این رساله را نگاشتم» .

این رساله در ذریعه یکجا بنام تطهیر الحصر والبواری وجای دیگر با نام الحصر والبواری وسهم الامام (ع) یاد شده .

در اعیان الشیعه از دو رساله با شمارهٔ ۱۹ و ۲۰ یاد شده : یکی با نام « رساله فی طهارة الحصر و البواری» و دیگری با نام «رساله فی صرف سهم الامام .. الی فقراء السادة» وامین عاملی در ذیل رساله دوم بنقل از ریاض العلماء گوید «رساله ایست لطیف وخوب و در ۹۶۸ از آن فراغت یافته »

در نسخه حاضر این دومسئله عنوان شده و مسئله دوم بهیچوجه صورت رسالهٔ جداگانه ندارد علاوه بر آنکه در آغاز رساله نیز مؤلف خود از عنوان شدن دو مسئله درحضور شاه طهماسب سخن گفته است .

صورت دومسئله مزبور چنین است :

المسئلة الاولی ــ ان الحصر والبواری اذا اصابها بول اونجاسة رطبه و جفت بالشمس فهل تطهر ام لا .

المسئلة الثانیه ــ هل یجوز صرف مال الامام علیه السلام حال الغیبه لفقیر الساده سواء کان ذلك خمسا اونذرا .

رجوع شود به ذریعه ٤ : ۲۰۱-۲۰۲ ، ۲۴ : اعیان الشیعه ۲۶ : ۲۲۶-۲۷۰

آغاز: الحمدلله کما ینبغی لجلاله و جماله وبعد فیقول فقیر رحمة الله الغنی حسین بن عبدالصمد الجباعی لما تشرف بالحضرة العلیه الشاهیه لازال عالیه اللواء غالبة

علی‌الاعداء الی یوم‌الدین و ذلک فی اواخر ذی‌القعدة سنه ثمان وستین (۱) و تسعمائه مع جماعة من‌الاصحاب وقع‌الکلام‌فی‌مسئلتین فتکلم فیهابعض‌الاخوان بماهوالمشهور بین المتأخرین غیرناظرالی مأخذهم‌فی‌ذلک‌بل مقتصرین‌علی النقل عنهم وکان للفقیر وقوف علی ان‌ادلتهم لاتنهض بمدعاهم ذکرت خلاف مانقلوه و قویته فاستنکروا‌ذلک واستهجنوه فبینت بهذه الکلمات الحال لیزول الاشکال .. . المسئلةالاولی ان‌الحصر والبواری...

پایان مسئله اولی : ولهذا قیل‌ای‌مجتهد سلم من‌منتقد وای شخص سالم‌من نقص وفقنا الله و ایاکم للعمل بمایحبه ویرضاه انه‌جواد کریم .

آغاز مسئله‌ثانیه : المسئله‌الثانیه هل‌یجوز صرف مال‌الامام (ع) حال‌الغیبه لفقیرالساده سواء کان ذلک خمسا اوقدرا فاقول مال‌الامام فی‌یومناهذا تنقسم الی قسمین‌الانفال ...

پایان: وهوصرف حقوقهم علیهم‌السلام الی فقراءالساده وهوالکریم عن‌ذلک نسال‌الله تعالی حسن‌الهدایه والوقایه لنا .

---

(۱) اگر منظور شیخ حسین آنست که این‌مباحثه در وقتی‌جریان یافت که وی‌برای‌نخستین بار شاه طهماسب را دیدارکرده ویا در وقتی‌که بپایتخت شاه رسیده بنابراین معلوم‌میگردد که‌شیخ که‌در ۹۶۵ به ایران و به‌اصفهان آمده ۳سال در اصفهان بوده وسپس (پس‌از اینکه شیخ‌علی منشار شیخ‌الاسلام وقت اصفهان خبرمهاجرت این عالم‌بزرگ‌را از عامل‌به‌ایران‌برای شاه‌صفی که‌در آنوقت درقزوین پایتخت داشت بفرستد) باجمعی‌ازیاران بقزوین رفته وایں‌بحث و تألیف این‌رساله درقزوین وقوع‌یافته .

رجوع‌شود به اعیان‌الشیعه صفحات ۲۳۹ـ۲۴۳ .

[۱۸۳۶]

نسخهٔ شمارهٔ ۱۳دفتر(ص۲۳۱ - ۲۵۲دفتر) است .

مسار الشیعه فی تواریخ الشریعه **(عربی)**

از شیخ مفید بغدادی (م - ۴۱۲) در تواریخ و اعیاد و جشنهایی که در اسلام بدانها اهمیت داده شده و عباداتی در آن روزها توصیه شده .

این رساله در ایران بچاپ سنگی رسیده است.

فهرست ادبیات : ۴۲۳ دانشگاه ج ۵ : ۱۵۲۸ عربی مشار : ۸۳۷

آغاز: بسمله ، . . . و بعد فقد وقفت ایدك الله تعالی علی ما ذکرت من الحاجة الی...

انجام : کتاب تواریخ الشریعه عن الائمه المهدیه من مصنفات شیخ الطایفه الناجیه مفیدالدین محمد رحمة الله علیه ،

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۴ : (ص۲۵۳ - ۳۵۷ دفتر) است .

سرگذشت انبیاء پس از اسلام **(عربی)**

گزیده‌هایی است از کتاب عروة ، شذور العقود ابن جوزی و کتاب مفتاح التنزیل که کفعمی درحاشیه کتاب خود « جنة الامان الواقیه وجنه الایمان الباقیه » نوشته و درپایان آن ، ابدال واوتاد ونجباء واقطاب راشناسانده است .

آغاز: هذه الرسالة ، حاشیة ملحضة من کتاب العروة و کتـاب شذورالعقود لابن الجوزی و کتاب مفتاح التنزیل ، آدم(ع)عاش تسع مأیه ..

انجام : ذکر ذلك الکفعمی رحمه الله فی حاشیه کتابه المسمی بجنة الامان الواقیه وجنة الایمان فی دعاء الاستفتاح تم .

[۱۸۳۶]

نسخه شمارهٔ ۱۵ (ص ۲۵۹ ـ ۲۶۲ دفتر) است .

الفوائد المدنیة **(عربی)**

ازمحمد امین بن محمد شریف استرآبادی اخباری دریك مقدمه و۱۲ فصل ویك خاتمه.مؤلف تألیف آنرا درسال ۱۰۳۱ بپایان رسانیده‌است .

این نسخه دیباچه ندارد و ناقص است .

محمد امین استرآبادی کتابی دیگر درهمین باب بنام الفوائدالمکیه دارد که‌تاکنون‌درهیچ یك از کتب ترجمه وفهارس ذکری از آن ندیدم ولی نسخه‌ای ازآن در کتابخانه مجلس موجود است .

کشف‌الحجب:۴۰۶،دانشگاه۵:۱۷۱۵ سپهسالار ۱ : ۵۹۹ ـ ۶۰۰ مشار۶۸۳

آغاز: ولما اراد جمع من الا فاضل فی‌مکة المعظمه قرائةبعض الکتب الاصولیه لدی جمعت فواید مشتمله علی جل ما استفدته ...

انجام : فی‌حواشی الشرح الجدید للتجرید و فوایدی المتعلقه بدقایق الفنون العربیه وحقایقها المخفیةوالله‌الموفق للصواب‌والیه المرجع‌والماب تم ..

[۱۸۳۹]

نسخه شمارهٔ ۱۶ (ص ۲۶۲ ـ ۲۸۱ دفتر) است .

تقریظ فوائد مدنیه (رساله در...) **(عربی)**

از حسین بن حسن . وی درآغاز رساله از کتاب فوایدالمدنیه تعریف وآنگاه‌دربارهٔ آن مختصر گفتگو کرده است.

آغاز: بسمله ، نحمدك يا من هدانا سبيل الرشاد و دلنا على المنهج الواضح والصواب ونشكرك يا من جعلنا من المتمسكين بالعروة الوثقى من اولى الاسباب ونصلى ونسلم على النبى المصطفى ... كتابه الذى جادبه على كل كتاب المبعوث كافه للناس من عجم وعراب وبعد فانى وان كنت قاصرا عن رتبة المحصلين و غير داخل فى زمرة العلماء .. لكنى ... راج ان اكون من المصنفين والان قدوفقنى الله للوقوف على كتاب الفوائد المدنيه والعوائد المحمديه ...

انجام : حسين بن حسن اقل الخدام المنسوب الى ظهير الدين بن الحسام وانه فى سبعة من شوال ... على كل حال وانتم فى امان الله ورعايته تم ...

[۱۸۳۷]

این نسخه ش (ص ۱ ــ ۲۶ دفتر) است .

فصوص **(عربی)**

از ابونصر فارابی محمدبن محمدبن طرخان (م ــ ۳۳۹) است .

این کتاب بارها با نسبت به ابونصر فارابی بچاپ رسیده و کسانی مانند قطب‌الدین شیرازی ، شهاب‌الدین سهروردی ، امیر اسماعیل شنب غازانی بر آن شرح وتعلیقات نوشته‌اند ، ونیز کسانی مانندمیرداماد از آن یاد کرده واز فارابی دانسته‌اند . اما جالب آنستکه «الفردوس فی ماهیة الانسان» از رسائل ابن سینا عیناً همین فصوص فارابی ونیز رساله «قوی النفس وادراکاتها» که از رساله‌های ابن سیناست ودرضمن مجموعه رسائل ابن‌سینا چاپ‌شده بخشی ازفصوص است. نکته‌ای که این شك را تأیید میکندآنست که درقدیمترین کتب فهرست و تراجم مانند فهرست ابن ندیم، تاریخ الحکماء قفطی ، تاریخ الحکماء وصوان الحکمه بیهقی وتتمه صوان وعیون الانبیاء ابن ابی‌اصیبعه نام‌فصوص درضمن مؤلفات فارابی یاد نشده است .

رجوع شود به کشف الظنون : فصوص ، فهـرست مصنفات ابن سینا تألیف دکترمهدوی ، فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۰ ، فهرست آستان قدس رضوی ٤ : ۱۸۰ ۱۸۹ مجلس ٥ : ۳٤۳ - ۳٤٤ .

آغاز: قال الفیلسوف... ابونصرالفارابی . الامورالتی قبلنا لکل منها ماهیة و هویة ولیست ماهیتههویتهولاداخلة فی هویته...

انجام : وسلب الماهیات مایستحقها بنفسها من البطلان و کل شیء هالك الاوجهه وله الحمد علی ماهدانا الی سبیله واولانا من تفضیله . تمت الفصوص للعالم الحکیم الفارابی .

[۱۸۳۷]

این نسخه ش۲(ص۲۷-۳۶) دفتراست

رساله فی العلم الالهی **(عربی)**

شرح وتحریر رساله زنون رواقی (زیتون کبیر)متولد قرن ٤- ق،م است ازابو نصرفارابی.درمجلد ۷فهرست کتابخانه به تفصیل دربارهٔ این رساله وزنون بزرگ سخن رفته است.

فهرست آستان قدس ج٤:۱۷۸دانشگاه ج۳ : ۹۸فهرست مجلس ج۷:۱۸۷-۱۹۱ ۱۷۹:٤ فهرست مشار عربی - ٥٤۹

آغاز: قال الفیلسوف الاعظم ابونصرالفارابی ... قال زیتون الاول فی الدلالة علی وجود المبدءالاول..

انجام : فاذافارقته بقیت فی حسرة وبلاء نعوذبالله...وآله الطاهرین الاخیار.

[۱۸۳۷]

این نسخه ش۳(ص۳۷-۷۲) دفتر است.

نسخه بخط نسخ وبسیار نیزغلط و دارای سقطات و تحریفات بسیاراست .

الجمع بین رأیی الحکیمین (عربی)

از ابونصر فارابی درجمع میان آراء افلاطون و ارسطو .قفطی این‌رساله را بانام «کتاب فی‌اتفاق آراء ارسطوطالیس و افلاطون» یاد کرده است.

منظور وهدف فارابی ازتألیف این‌رساله برطبق‌آنچه اوخود در مقدمه آن نگاشته وفق‌دان یعنی‌اثبات توافق است میان‌آراء افلاطون وآراء ارسطو،درمسائلی مانند: حدوث وقدم عالم، اثبات مبدءِ اول،صدور اسباب از حق،نفس،عقل، ثواب و عقاب وبرخی‌دیگرازموضوعات اجتماعی، اخلاقی ومنطقی .

وی ۱۷ موضوع را که مردم‌تصورمیکنندارسطووافلاطون دربارهٔآن اختلاف عقیده دارند ویـا خود ارسطو در بارهٔآن دو سخن متناقض دارد ونیز منشأ تصور اختلاف رایاد کرده ودرارجاع سخنان متناقض ایشان بیك‌حقیقت،کوشیده است.

آقای بدیع‌الزمان فروزانفر درمقالهٔ محققانه‌ای که دربارهٔ فارابی ومؤلفاتش نوشته‌اند ومرحوم دهخدا تمام‌آن رادرلغت‌نامه آورده است نوشته‌اند:

فارابی یازده مسئله فلسفی که بعقیدهٔ افلاطون مختلف تعبیر شده . . طرح میکند.. وبخیال خودآنها را بریکدیگر تطبیق میکند. وبعضی آراء را باهم وفق داده وبعضی رانتوانسته است وفق‌دهد مانند مسئلهٔ ابصار که در نتیجه، اشکـال را برطرفین واردمیداند...

درگفته استاد چند نکته را یاد آورد میشود:

اولاچنانچه ملاحظه‌میگردددراین‌رسالهٔ۱۷مسئله‌طرح شده که ۷ مسئله‌آن فلسفی وبقیه منطقی، اخلاقی واجتماعی یابقول خودفارابی مدنی است.

ثانیاً درموردمسئله ابصار باتوجه بروشی که فارابی در اثبات توافق دوفیلسوف بکاربرده باید گفت که موفق بانجام مقصود گردیده است.

فارابی خود در ذیل مسئلهٔ ابصارروش خود رابدینگونه بیان میکند:

«فلاسفه برای اداء مقاصد فلسفی وانظار لطیف و دقیق در نتیجه کوتاهی و ناتوانی لغات از تعبیر کامل، بناچار متوسل به الفاظی میشوند که هرچند قالب کامل آن معانی نیستند ولی تاحدی مقاصد آنان را تعبیر میکنند بدین معنی که لغاتی مشترك که اعم از مقصود است بکار میبرند، بطوریکه اگر کسی بدیدهٔ عیبجوئی بنگرد بآسانی میتواند خرده گیری کند واما صاحب فهم درست وعقل کامل که نه بمنظور مغالبت و تعصب ورزی بلکه برای فهمیدن حقیقت، سخنان ایشان را بنگرد اندك اتفاق میفتد که گمراه شود و در شبهه افتد».

از آخرین مسئله‌ای که فارابی دراین رساله طرح کرده (مسئلهٔ ثواب وعقاب) برمیآید که در تألیف این رساله منظور دیگری نیز داشته وعلاوه براثبات توافق افلاطون وارسطو میخواسته است بعضی مسائل فلسفی را که باظواهر شرع مخالف مینموده است بر اصول دینی وشرعی تطبیق کند و بعبارت دیگر برخی مسائل را که این دو فیلسوف متهم بداشتن عقیده‌ای برخلاف اصول و مبانی شرع دربارهٔ آنند بنحوی تأویل کند که رفع تهمت از آنان شود.

در بارهٔ اینکه چه عاملی او را وادار کرد تا بگفتهٔ خود «شبهت اختلاف افلاطون و ارسطو را رفع و مردم را متوجه توافق عقیدهٔ آنان کند» وی خود چنین میگوید:

«چون دیدم اکثر مردم این عصر در حدوث وقدم عالم بحث میکنند، ناچار شدم رساله‌ای تألیف کنم تاسخن آنان رادرضمن آن رساله روشن ونزاع راازمیان

مرتفع سازم زیرا این مقصود مهم واین منظور نافع است. چـه در تعریف فلسفه میگوئیم: « فلسفه شناختن حقائق موجودات است همچنانکه هستند». و این دو حکیم خود اصول ومبانی فلسفه راتقریر کرده‌اند وآنچه ایشان میگویند اصل و قانون فلسفه ومرجع ومنبع این فن‌است واین سخن رااگرکافهٔ ارباب عقل‌تصدیق نکنند، بیشترصاحبان فهم‌درست وعقل صافی بدان گواهی میدهند. و چون سخن راست (خبرصادق) آنست که بامحکی‌عنه (واقعیت) مطابق باشد پس‌اگراختلافی میان سخن این دوحکیم باشد ناچار، یا تعریف فلسفه نادرست است و یا برخلاف مفروض، این دوتن حکیم نیستند . ولیکن تعریف فلسفه درست است و همچنین شهرت عظیم فضیلت ارسطو وافلاطون وارجمندی مقام ایشان درفن فلسفه بی‌اصل نیست ، زیرا هیچ حجتی‌قوی تر از توافق عقلاء بیشمار مخصوصاً پس‌از تأمـل و مطالعه‌ بریك‌رای نیست ، بخصوص که این‌اتفاق‌سخن دراین‌موردبجایی رسیده که فلسفه دانی این دوحکیم ضرب‌المثل شده است و سخن ایشان در مسائل فـلسفی معتمد و دلیل شمرده‌میشود. بنابراین‌مقدمه‌ناچارباید قبول کنیم که‌مردم‌بخطاتصور میکنند که‌این‌دوفیلسوف بایکدیگردربرخی از مسائلی‌اختلاف‌اساسی‌دارند» .(۱)

۱ـ استاد بدیع الزمان فروزانفر در مقاله ای‌که بدان اشارت رفت گفتهٔ فـارابی را دربـارهٔ سبب تألیف چنان تفسیرکرده‌اندکه با تفسیر ما مطابق نیست و نقاط ضعفی دارد ، عبارت ایشان چنین است : « علت تألیف‌کتاب مزبور وتطبیق آراء این دوحکم بریکدیگر این است‌که بـالنتیجه ثـابت شودکه از علوم حقیقی است : زیرا اگر این دو حکیم بـا هم مخالف‌باشند لازم میایدکه رأی یکی از این دوبـاطل بـاشد زیرا اجتماع نقیضین محال است بدینجهت در مسائل تردید حاصل و فلسفه جزو علوم ظنی محسوب میگردد ابونصر بدین نظر نـاچار است هرطورباشد اختلاف آراء ارسطووافلاطون رابه‌اختلاف لفظی راجع نموده وعقیدهٔ آنها را یکسان شمارد، قصد ابونصرشریف است . ولی نتیجه این جمع وتطبیق وقوف و انحطاط فلسفی است . زیرا مردم فکرمیکنندکه فلسفه علم حقیقی است و ارسطو وافلاطون تـاجاییکه طاقت بشری مقتضی است حقائق آنها را یافته‌اند و فکر ما دراین مسائل بیجهت است .رجوع بلغت‌نامه دهخدا«ابونصر» مقاله‌آقای بدیع الزمـان شود .

فارابی پس از بیان مطالب فوق بشرح علل وموجبات اساسی پیدایش عقاید نادرست وشیوع مطالب مخالف واقع درمیان مردم پرداخته و بادقت وموشکافی در عین حال سادگی مخصوص بخویش تحلیل کرده و بنکات روانی واجتماعی جالبی اشاره کرده است .

رجوع شود بکشف الظنون ۱:... ذریعه ۵ : ۱۳۵ و ، ۱ : ۸۰، معجم المطبوعات ١٤٢٥ ، فهرست دانشگاه ۳ : ۹۰ ، مشار ـ عربی چاپی ـ ۲۵۲ مجلس ۲: ۵۹ـ۶۰ .

آغاز: الحمد لواهب العقل و مبدعه و مصور الکل قال .... انی لمارایت اکثر اهل زماننا و قد خاضوا ...

انجام : وعند هذا الکلام نختم القول فیما رمنا بیانه فی الجمع بین رأیی الحکیمین افلاطون وارسطو...من اصحابه وذریته.

[۱۸۳۷]

این نسخه شمارهٔ ۴ ـ(ص ۷۳ـ۸۶ دفتر) است .

عیون المسائل **(عربی)**

از ابونصر فارابی دربیان چند مسئله فلسفی

معجم المطبوعات ۲: ١٤٢٤ فهرست ـ چاپی عربی ـ مشار: ٦٤٤ دانشگاه ۳ : ۹۹ و ۳۱۲ـ۳۱۳، مجلس ۵ـ۴۲۵ .

آغاز: الحمدلله رب العالمین ... وبعد هذه کتاب عیون المسائل ..... المسئلة الاولی العلم ینقسم الی تصور مطلق کما یتصور الشمس والقمر ...

انجام : وان فات الخیر الکثیر الی الشر لاجل الیسیر من الشر الذی لابدمنه کان الشر حینئذ اکثر.

[۱۸۳۷]

این نسخه‌شمارهٔ ۵ (ص ۸۷-۱۲۵ دفتر) است. این نسخه ناقص است و مجلی ۷ تا آخر را ندارد

مرآة الحقایق ومجلی الدقایق [۱] (عربی)

رسالدایست از غیاث‌الدین منصور دشتکی که آنرا دربیان پاره‌ای ازمسائل فلسفی بروش عرفانی (کشف وشهود) برای غیاث الدین ابوالمظفر بهادرخان در- هفت «مجلی» ساخته است.

المجلی الاول- برخی‌ازاحکام ومسائل‌فلسفه الهی‌ومباحث عامه‌بدون استدلال و گاه با اشاره به دلیل.

المجلی الثانی- فلکیات با همان شیوهٔ مذکور.

المجلی الثالث - ایضاً درمسائل فلکی است با همان روش دراین مجلی از کتاب «معارج» خود یاد کرده است.

المجلی الرابع - برخی‌ازمسائل‌فلسفه طبیعی‌والهی‌بمعنی‌اعم ومباحث‌نفس.

المجلی الخامس- مقولات و یك تکمله متضمن‌بیان‌آراءِ خاص او که مخالف آراء جمهور فلاسفه است.

المجلی السادس - عوالم وجود ومبداءِ عالم.

المجلی السابع - معاد. این‌دوبخش‌اخیر درغایت اختصاراست.

درذیل المجلی الخامس تکمله‌ای افزوده و درآن انظار فلسفی‌خود راکـه مخالف جمهور فلاسفه است یاد کرده وتعدادآنرا به ۳۰ رسانیده است.

دشتکی‌دراین‌رساله‌همانگونه‌قبلا‌اشاره کردیم‌برای‌آراء فلسفی‌خود که‌ابراز داشته دلیل نیاورده ودر تکملهٔ مزبورمیگوید:

---

(۱) بروکلمان: مرآة الحقائق ومجالی‌الدقائق.

« چون این رساله بدون استدلال انتشاریافت و از طرف عده‌ای اعتراضات فراوان بر مطالب آن وارد میشد این تکمله را افزودم و براهین آراء خاص خود را در آن یاد کردم . »

از آغاز این تکمله استفاده میشود که آن را بسال نهصد بر رساله افزوده وخود رساله را پنج سال پیش از آن ساخته و از آنجا که رساله معارج را «درهیئت» در ۱۸ سالگی نوشته ودر این رساله مرآة الحقایق ازمعارج یاد کرده بنابراین مرآة وخاصه این تکمله درآغاز شباب وآغاز دوران تألیف او نبوده است .

غیاث‌الدین دراین رساله وعدهٔ تألیف رساله‌ای در مسئله قوس وقزح داده است .

عناوین این رساله بدینگونه است :

نورشرقی، ظل غربی ، تبصرة ، اشراق شمسی، نورقمری ، اشراق شمسی فی نورقمری اشراقات شمسیة ، اظلال غربیة ، انوار شرقیة، تنبیه ، تذکرة ، تتمیم ، تکملة ، اشراق فی ظل قمری تلویح ، نورکاشف ، لمعة اشراقیة ، تفریع ، اشارة ، رجوع شود به برو کلمان ذیل ۲ : ۵۹۳ دانشگاه ج ۳-۳۵۳ .

آغاز: یا غیاث المستغیثین نورنابانوارك و کملنا بمعرفة اسرارك ..... و بعد فیقول ... غیاث المشهور بمنصور بن محمد .... هذا ما یحضر الان مما حصلته بالبرهان من المطالب...

انجام : فروح وریحان وجنة نعیم وذلك هوالفوزالعظیم والمن الجسیم وان کفروا فنزل من حمیم وتصلیة جحیم وهناك .

[۱۸۳۷]

این نسخه ش ۶ (ص ۱۲۷ - ۱۴۲) دفتر است .

ازلیة النفس (مقاله فی..) (عربی)

رساله‌ایست در اثبات ازلیة وبقاء نفس از ابن کمونه سعدبن منصور .

عزالدوله سعد بن منصور طبیب و فیلسوف معروف به ابن کمونـه بنوشتهٔ الدومیلی،در ۱۲۸۰ ـ م (= ۶۷۹ ـ هـ) مسلمان شده و اگر ایـن سخن درست باشدناچاربیشترمؤلفات خودرا در دوران یهودی بودن خود ساخته است . زیـرا (همانگونه که‌درفهرست۵ ذیل معرفی کتاب شرح‌تلویحات‌او گفته‌شد) ابن کمونه اندکی پس از۶۸۳ ـ هـ در گذشته وهمه آثاروی که نگارنده‌تابحال از آن‌اطلاع‌دارم بجزرساله« تنقیح‌الابحاث‌عن‌الملل‌الثلاث‌ونیز «الکاشف» او نیز (درفهرست‌دانشگاه: رساله فلسفه) مسلماً پیش از۶۸۰نوشته‌شده.رساله تنقیح‌الابحاث بنوشته‌ابن‌الفوطی در۶۸۳شهرت یافت (وشاید پیش از این تاریخ تألیف شده)و تاریخ تألیف‌موجود در ذیل نسخه«الکاشف»موجود درمجلس و دانشگاه‌نیز بنظر این نگارنده ساختـگی است .

از عنوان رساله‌هایی که‌دو تن از دانشمندان همزمان یا نزدیك به زمـان ابن کمونه در رد بر اونوشته‌اند چنین برمیآید که‌اسلام اومشهور ویامسلم ومقبول نبوده . این‌رساله‌ها یکی‌رساله « الدرالمنضود فی‌الردعلی‌فیلسوف‌الیهود » تـألیف احمدبن علی معروف به ابن‌الساعاتی (م ـ ۶۹۴؟) ودیگری « نهوض‌حثیث‌النهود الی‌دحوض خبیث‌الیهود » تألیف شیخ‌زین‌الدین بن محمد مغلطی شافعی (م ـ ۷۸۸) است . علاوه‌براینهـا ابن کمونه در کتب‌بسیاری از متکلمان‌علماء و فلاسفه‌متأخر از او ، یهودی خوانده شده است .

وجود مجموعه‌ای‌ازمؤلفات ابن کمونه‌بخط خود اودر کتابخانه حیدری نجف

اشرف که بنوشتهٔ صاحب ذریعه دارای خطبه و ذیل بشیوهٔ علماء مسلمان و شیعه است قبول سخن الدومیلی را دشوار میسازد.

این رساله‌ها که از تاریخ ۶۷۰ تا ۶۷۹ نوشته‌شده گزیده‌ها و التقاطات ابن کمونه است از آثار الباقیه بیرونی، شمسیهٔ کاتبی و قانون مسعودی و نیز از کتاب هیئت مؤیدالدین عروضی و التقاط از اعتراضات نجم‌الدین نخجوانی بر ابن‌سینا در کتاب زبدة النقض ولباب الکشف فی شرح الاشارات و نیز یك نسخه از اللمعة الجوینیة فی الحکمة العلمیه والعملیه (۱).

همچنین ابن کمونه از خواجه نصیر طوسی سؤالاتی کرده و خواجه در پاسخ او رساله‌ای نگاشته و (بنوشته مدرس رضوی ص ۱۵۰ و ۲۸۴) او را با احترام و تجلیل نام برده.

اینك برخی از اطلاعاتی که نگارنده دربارهٔ زندگی و عقائد و آراء فلسفی ابن کمونه از بررسی ومطالعه ومقایسه آثار او بدست آورده است یادآور میگردد:

۱ـ ابن کمونه فلسفه را از استاد فرانگرفته بلکه کتب گذشتگان را مطالعه کرده و از کتاب شفا و نجات ابن‌سینا، رساله‌های افلاطون و ارسطو ابن مسکویه و هبة‌الله

---

(۱) این کتاب را ابن کمونه در ۲ جمله هر جمله ۲ باب و هر باب ۵ فصل ساخته و به‌شمس الدین محمد جوینی صاحب جهانگشا اهداء کرده و نسخه‌ای از آن در دانشگاه و بنوشته صاحب ذریعه نسخه‌ای نیز در کتابخانه رضوی موجود است.

بنوشته آقای مدرس رضوی در آن کتابخانه نسخه‌ایست از کتابی که بنام «مطالب مهمه تألیف عزالدوله سعدبن حسن بن هبةالله بن کمونه» معرفی شده وظاهراً این همان لمعه است. و استاد مدرس بخاطر عدم تطبیق کامل نسب مذکور در آن نسخه با نسب ابن کمونه معروف در صحت نسبت آن به او تردید کرده‌اند، این کتاب از جمله مؤلفات ابن کمونه است که در نزد کلمان و دیگر مراجع یادنشده.

ابن ابی‌جمهور احسائی رساله‌ای بنام «الدرة المستخرجه من اللمعه» دارد وصاحب ذریعه احتمال داده‌اند گزیده از همین لمعه باشد.

بن ملکا فیلسوف یهودی که در حدود نیم قرن پیش از او میزیسته فایده برده . وی در ضمن یکی ازمقالات خود (که تاکنون تنهایك نسخه‌ازآن‌درمجموعه کتب مرحوم تنکابنی در کتابخانه مجلس دیده‌ام و در جای دیگر یادی ازآن نیافتم) دلیلی‌را که‌ابن‌مسکویه بنقل از افلاطون برای اثبات‌بقاء نفس‌اقامه کرده نقل کند و گوید « این ادله را درفوز اصغر از افلاطون نقل کـرده و من آنراآنگونه کـه شایسته است نمیفهمم . شاید فلاسفه بعدها آنهارا روشن‌تر ساخته و مقدمات آنـرا بترتیبی درآورده‌باشند که‌نتیجهٔ منظور را تضمین کنداما ازآنجا که‌من فلسفه رادر نزد معلمی نیاموختم ودر کتابهای ایشان نیز بیانی نیافته‌ام که مقدمات این‌برهان را استوار سازد و بااصطلاحات‌آنان نیز آشنانیستم، دربارهٔ درستی یا نادرستی ایـن براهین حکم قاطع نتوانم کرد . . . »

۲ ـ بانجم الدین دبیران کاتبی علاوه برمراسلة ، ملاقات ومباحثاتی شفاهی داشته‌اما برخلاف‌نظری که برخی ابراز داشته‌اند ،شاگرد کاتبی نبوده . درالکاشف بخش منطق به‌مذاکرات‌شفاهی خود باکاتبی اشارت کرده است .

۳ ـ به قـدم و ازلی بودن نفس انسان عقیده داشته وبـرای اثبات ایـن مدعی ، بدلیل هایی که در کتب فلسفه متداول و منقول است از افلاطون که سر دستهٔ قائلان به ازلیت نفس‌بوده درمقابل ارسطو که قائل به حدوث بوده (۱)

---

(۱) مسئله‌حدوث وقدم‌عالم‌خودیکی از مسائلی‌است‌که فارابی‌دررساله جمع بین‌الرایین کوشیده‌است اختلاف نظر بین‌این دوفیلسوف بزرگ راتأویل کند و ابن‌کمونه نیز بدون اینکه این بحث رابدان‌مرتبط‌کند دریکی‌ازمقاله‌های خودخواسته است اختلاف نظرقائلان‌به‌حدوث وقدم راتوجیه‌کند .

البته بحث دراین مقام وآن مسئلهٔ فارابی ازیك‌روی نیست‌وصدرالمتالهین‌این‌دوبحث‌را بایکدیگرخلط‌کرده است .

استناد نکرده بلکه خود برهانی «اختراع» کرده که مدعی تفرد درآنهاست وبارها این نکته راتصریح کرده .

این برهان همانگونه که خود او گوید ازمقدماتی تشکیل یافته که هریك درکتب فلسفه (بطور جداگانه ونه بصورت برهان) یادشده مگر دوقضیه که طرح واقتراح خودابن کمونه و روح برهان او است برقدم نفس و در اثبات آنها کوشش کرده وداد سخن داده است .

قضیهٔ اول ـ آنست که هرحادث مرکب است. نه هیچ مرکب قدیم تواند بود ونه هیچ بسیط حادث .

قضیه دوم ـ آنکه هرچه دارای علت مرکب است خود او ناچار مرکب است .

ابن کمونه برهان اختراعی خودرا برقدم نفس، ونیز مقدمه های اساسی آنرا درنومقاله باتفصیل وشرح وبسط فراوان وباصورتها وبیانهای مختلف تقریر و اعتراضات ممکنةالورود رادفع کرده. درشرح تلویحات والکاشف نیز بااشاره ازآنها یاد کرده است .

اینك موجز ترین تقریر برهان وی ازمقالات نقل میگردد :

الاولی ان تقرر قدم النفس بوجه یسقط به اکثرتلك السؤالات لئلایتشعب الکلام بکثرة السؤالات والاجوبه اقول قد صح ان النفس بسیطه ولیست بمرکبه و صح ان کل ما علته التامه مرکبة فهو مرکب فلوکانت النفس حادثه لکانت علتها التامه التی هی دائمه بدوامها اما ان یکون قدکانت موجودة قبل حدوث النفس اولا یکون والاول یقتضی ان یکون النفس موجوده قبل وجودها لاستحالة تخلف المعلول عن علته هذاخلف والثانی لایخلو اماان یکون تلك العله بسیطه او مرکبه لاجائزان یکون بسیطه والا لافتقرت حیث انها حادثه الی علة اخری ومن حیث انها

بسیطه الی ان یکون بسیطه ایضاً ... ولاجائز ان یکون مرکبه لماتقدم من ان کل ما علته التامه مرکب فهو مرکب واذابطل القسمان بطل حدوث النفس وهو المطلوب»

ابن کمونه درپایان فصل ٥ ازمقاله اولی دراثبات ازلیت نفس درمحل نزاع قائل به‌تفصیل شده وچهاروجه یاد کرده و گوید بر بعضی ازوجوه حدوث نفس قابل انکار نیست وبنابریکی‌ازاین وجوه است که قائل به‌قدم نفس شده واین وجه آنست که مقصود مصداق نفس انسان است فی‌الجمله ، وی‌خود نفس بدین معنی را ازلی داند و گوید گویا آن‌دسته ازمتقدمان که نفس راحادث دانسته‌اند ناظر به‌دیگر معانی و وجوه نفس بوده‌اند .

تفصیلی که‌ابن کمونه درنفس گفته وتفسیری که‌برای‌ازلیت‌نفس کرده شاید با تعبیردیگر همان وجودمراتب مختلف و تشکیك‌در جوهر نفس است که صدر المتالهین ابرازداشته ومعتقداست‌اختلاف‌انکار وعقاید درباره‌حدوث‌وقدم‌نفس‌ودیگر مسائل مربوط بدان ناشی‌است ازغفلت گذشتگان ازوجود مراتب‌درذات‌این‌جوهر که‌درمرتبه ای‌عقل نام‌دارد ودرمرتبه‌ای نفس .

اسفار چاپ سنگی مبحث «کیفیة تعلق النفس بالبدن» دیده شود.

البته تعبیر ابن کمونه یك تعبیرلفظی است نه فلسفی وابن ناشی ازهمان آشنانبودن‌او به اصطلاحات است که خوداو بدان اعتراف دارد .

٤ ــ ابن کمونه قائل به‌تعدد نفوس است‌برحسب‌تعداد افراد انسانها . وبنابر این دلیل حدوث نفس را که فلاسفه آورده اند و مبتنی بروحدت نفوس است مردود دانسته .

٥ ــ دربارهٔ تناسخ معتقد است دلیلی قاطع برابطال آن‌دردست نیست .

وی‌درکاشف وشرح تلویحات دربارهٔ‌تناسخ سخن گفته ودر مقالات خود بدان اشاره کرده است .

۶ـ ابن کمونه قایل به توحید بوده و شبهه‌ایکه در این باب بدو منسوب است در سخنان شیخ اشراق نیز دیده میشود. ابن کمونه شبهه مزبور را نقل ورد کرده است. ودوانی در شرح هیاکل النور سهروردی رد شبهه مزبور را از «الکاشف» نقل کند و گوید «شبهه با این پاسخ نیز برحال خود باقی است و من هنوز پاسخی برای آن نیافتم».

رجوع شود به فهرست مجلس ج ۵ ص ...

تعداد مؤلفات ابن کمونه را بدرستی بدست نیاورده‌ام بروکلمان ۹ یاد کرده اما گویا وی بسیاری از آثار او را یاد نکرده. ازمیان شبهه‌هائیکه بدو منسوب است یکی شبهه قدم حوادث یومیه است که مولی حسین بن صدرالدین آستاری رساله‌ای بنام حدیقة الانوار در حل آن نوشته و این نگارنده نمیداند شبهه مزبور تا چه حد میتواند بارساله‌ای که دردست معرفی است مربوط باشد.

ابن کمونه ۲ مقاله درنفس دارد که تا کنون درهیچ یك ازمراجع و کتب ترجمه وفهرست ذکری از آن نیافته‌ام. یکی ازاین دومقاله در اثبات ابدیت نفس است و دیگری در باره ازلیت نفس و اینکه نفس نه‌مزاج است نه‌متولد ازمزاج.

مقاله اول دارای ۱۰ فصل است وفصل ٤ و ۵ آن نیز اثبات ازلی بودن نفس است مقاله دوم دارای ۱۱ فصل است.

نسخه حاضر بخشی (یاخودفصلی) است از مقاله اول که فقراتی ازچند فصل در آن تلفیق شده است.

نگارنده با آشنایی قبلی که با شیوهٔ سخن ابن کمونه داشت ومقالات او را دیده بود، با دیدن نسخه حاضر دریافت که باید از مقالات او باشد وسپس آنرا با نسخهٔ مقالات سطر بسطر تطبیق کرد نتیجه چنین بود:

قسمت اول این رساله حاضر (پس از خطبه) که بدینگونه شروع میشود:

«هذا تقریر صیغة البرهان: احدالامرین لازم ...» مطابق است با « صیغة ثانیه فی تقریر بقاء النفس ... » که فقره ایست از فصل ۹ از مقاله اول. این مطابقت تا یك صفحه از نسخه ماادامه دارد .

پس از ۳ سطر (که این ۳ سطر نیزعین عبارت فصلی ازهمین مقاله است) باز نسخه مطابق است بافصل ٤ (فی ان واجب الوجود لایعدم ابدا) وفصل ٥ (فی ان نفس الانسان قدیمه) . وبهمین گونه است بقیهٔ رساله .

ابن کمونه این رساله را برای اثبات بقاء نفس بابعضی ازبراهین اختراعی خویش پرداخته ودراثناء آن بمناسبت ، برهان خود را برقدیم بودن نفس نیزحکایت کرده و در آغاز نقل آن گوید « وقد اخترعت لذالك برهانا هذه حکایته » وسپس عیناً همان برهان که در فصل ٥ از مقاله اول و درفصل دهم ویازدهم از مقاله دوم آورده در اینجا نقل کرده. بنابراین پیداست خود ابن کمونه در این رساله بەدو مقاله مزبور ناظر بوده است .

در دیباجه رساله حاضر نیز پس از اینکه از برهان اختراعی خود با اشارة یاد کند گوید « دراین مقاله تنها بتقریر برهان ساخته خود پرداختم و در مقالات دیگر خود اعتراضات جمعی از فضلاء را بر مقدمات برهان خود با جوابها و توجیهات آن یاد کرده‌ام ... » .

ابن کمونه در مقالات دیگر از سخنان اوحد الزمان در معتبر (مقصود هبة الله بن ملکای یهودی (م ـ ۱۱۵۵م) است ابن مسکویه امام فخررازی وغزالی یاد کرده اما در این مقاله نام کسی یا کتابی را نیاورده است .

رجوع شود بذریعه ۲ : ۲۸۶ـ۲۸۷ ٤ : ٤۵۹ و٦ : ۸،۳۸۱ : ۸۹ و۱۳ : ۲۵ : ۱۸: ۳۵۱ آثار و احوال خواجه نصیر از مدرس رضوی ص ۱٤۷ـ۱۵۰ و ۲۸۷ ، فهرست

دانشگاه ۳-۲۶۵ و ۳۰۰۰ ، العلم عندالعرب تألیف الدومیلی ترجمه عربی ص ۵۶۷ ، فهرست مجلس ۵ : ۴۳۹-۴۴۴ فهرست خزائن عراق از کورگیس عواد : ۳۵ و ۱۳۸ بروکلمان ذیل یکم: ۷۶۸ یادداشتهای قزوینی .

آغاز: الحمدلله عدد مننه الذی تفجرعن عدها و حصرهـا . . . و الصلوة علی ملائکته المقربین .. خصوصاً محمدوآ له الطاهرین وبعدفان نتایج الافکار و نفائس الانظار ممایجب اذاعتها لاجل الانتفاع بهاولاینبغی اخفائها عن الراغبین و ان قل الراغب فی طلبها سیما اذاکانت من اهم المطالب العلمیه وانفع المباحث الیقینیه وقداتیت فی هذه الاوراق ماقدحه زنادخاطری وحصلته بفکری ونظری برهاناشریفا...

انجام : ومن اراد ان یتحقق صحته وافضائه الی المطلوب فعلیه بالالة التی تسمی بالمنطق یعتبره بهـاوالاستقضاء فیما علیه من السؤالات والاجوبة فنذکر فی غیر هذه المقالة فلیطلب من اماکنه . . وآله اجمعین . . .

[۱۸۳۷]

این نسخه ش ۷ (ص۱۴۳ - ۱۵۵ دفتر) است .

معانی العقل (رسالة فی . . .) **(عربی)**

از ابونصر محمد بن طرخان فارابی

صاحب ذریعة نسخه‌ای از این رساله رادر کتابخانه سید شیرازی دیده است وازعیون الانباء ۲:۱۳۹ نقل کرده که فارابی را دربارهٔ عقل دورساله است کوچك وبزرگ که در مصر وبیرت چاپ شده و به عربی ولاتین تـرجمه گردیده است .

در دانشگاه نیز از ایندو رساله در فهرست تـألیفات فارابی یادشده است .

وآغاز وانجام آن نقل شده

این رساله‌در بیان ماهیت عقل‌است وفارابی در آن ازعقلهای گونا گون‌سخن گفته است .

دانشگاه ج ۳ : ۹۶و۳۰۳ الذریعة ج ۱۵ : ۳۰۰ .

آغاز: اسماءالعقل یقال علی اسماء کثیرة الاول الشی الذی به یقول الجمهور من الانسان انه عاقل. الثانی العقل الذی یردده المتکلمون علی السنتهم فیقولون هذا مما یوجب العقل...

انجام : وهذا شی قد بینه ارسطاطالیس فی کتابه فی النفس ایضاً و الحمدلله رب العالمین . . . یاارحم الراحمین .

[۱۸۴۳]

نسخه شماره ۱ دفتر (ص ۱ـ۳۲ دفتر) است .

این نسخه بخط شکسته جعفر بن بابای تبریزی است.

تفسیر آیه نور **(عربی)**

ازصدر المتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی (م ـ ۱۰۵۰)

رجوع شود به الذریعه ج ٤ ـ ۳۳٤ و فهرست عربی مشار ص ۱۹۷ فهرست سپهسالار ج ۳ - ٤٦۵

آغاز: بسمله . الحمد لواهب العقل والخیر والجود والصلوة والسلام علی نقطة دائرة الوجود ونکتة سر الله فی کل الموجود المقصود ... المبعوث ...

انجام : محمد بن ابراهیم المعروف بالصدر الشیرازی حامداً مساماً مستغفراً

[۱۸۴۴]

نسخهٔ شمارهٔ ۲ (ص ۳۳ـ۵٦ دفتر) است. نسخه ناقص است

تفسیر سورهٔ یس **(عربی)**

از ملاصدرا شیرازی : در مجموعه تفسیر او بچاپ رسیده .

ذریعه ٤ ' ٣٤٤ یادنامه : ۱۰۹

آغاز: بسمله ، یس ای یا انسان اعنی محمداً صلی الله علیه وآله و ذلك لانه الانسان الحقیقی المعنوی الذی اجتمعت فیه صور الاسماء کلها مفصلة فی العقل الاول ...

پایان : ثم یظهر بعد هذه الامور لذة الریاسه والعلو ... وآخر مایخرج من رؤس السالکین .

کلمه آخر را ده ص بعد است که از نسخه ساقط شده .

[۱۸۴۲]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص۵۷ - ۷۰ دفتر) است .این نسخه نیز ناقص است

تفسیر یس **(عربی)**

بخشهایی است پراکنده از تفسیر برخی از آیات سورهٔ یس منقول از تفسیر صدرا

آغاز: وقال فی تفسیر والشمس تجری ... المستقر هوالحد الموقت المقدور الذی ینتهی الیه حرکة الشمس ...

پایان: ولکن من هؤلاء من یحتج و یقول معنی الرجوع الی الله ابن الی ثوابه قوله لینذر من کان.

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۴ دفتر(ص ۷۱ دفتر است) .

اسفار اربعه **(عربی)**

گفتاری است مختصر در بیان ٤ سفر برزبان عرفاء .

آغاز: بسمله ، اعلم ان للعارفين اربعة اسفار السفر الاول انماهو من خلق الى الحق فان المتأمل لما تأمل فى الخلق وحده ...

انجام : الغناء المطلق للممكنات وظهور البقاء الحقيقى للحى الحقيق فيصر المقيد ح باقيا بالبقاء الحقيقى فانيا عن الاعتبارات الفانية والسلام على من اتبع الهدى تمت الرساله .

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص ۷۱–۷۲ دفتر است) .

العروس (سلسلة الفلاسفة)

از مؤلفات شيخ الرئيس ابن سينا .

دانشگاه ج ۳ :۳۰۱ مصنفات همين فهرست شماره ۱۸۰٤/۷

آغاز: بسمله ـ . . . كل شئ فى عالم الكون و الفساد مما لم يكن فكان فقبل الكون ...

انجام : عاملا بالفعل من له النفس القدسيه النبويه والحمدلله رب العالمين .

[۱۸۴۴]

نسخه شمارهٔ ۶ دفتر (ص ۷۲ـ دفتر) است .

شرح حديث **(فارسى)**

در حديث است كه يهوديان به پيغمبر (ص) گفتند «انسب لنا ربك » . وپس از ۳ روز سورهٔ توحيد نازل شد و پيغمبر آن سوره را در پاسخ يهود ميخواند .

نسخه حاضر گفتارى است از فاضل قزوينى در تفسير اين حديث .

قال الفاضل القزوينى فى تفسير ان اليهود سألوا رسول الله ع فقالوا انسب لنا

ربك فمكث ثلاثا لایجیبهم فنزل ... عبارت از فاعل نفوس ناطقه و مـا تحت فلك قمر است ...

[۱۸۴۲]

نسخه شمارهٔ ۷ دفتر(ص۷۶ـ۷۶ دفتر) است .

شرح الناس معادن ... (عربی)

گفتاری است از ملاصدرا (گویا ملتقط ازیکی از تفاسیر او) در توحید و شرح حدیث الناس معادن کمعادن الذهب والفضه .

آغاز: واعلم ان الاعیان والمهیات متنوعه والصفات... والارواح بحسب الفطرة مختلفه فی الصفاء والکدورة والضعف والقوة مرتبة فی درجات القرب والبعد .

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۸ ص۷۶ـ۹۰ دفتر)است .

تفسیر سورهٔ طارق (عربی)

تفسیر سورهٔ طارق ازملاصدرا (م - ۱۰۵۰) ، این تفسیر در مجموعه تفسیر او چاپ شده .

ذریعه ٤ : ۳۳۸ یادنامه : . . . مشارعربی چاپی ـ : ۲۰۳ سپهسالار۳: ٤٦٨ .

آغاز: بسمله والسماء والطارق ممافیهامن الشواهدالجلیه والخفیه . . .

پایان: و بلفظ الهدایه نختم الکلام . . . وحرر هذه السطور محمدالمشهور بصدرالشیرازی . . فی آخر یوم الجمعه شهرالله الاصب رجب . . .الف وثلثین ۱۲۶۰

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۹ (ص۹۱ـ۱۰۴دفتر) است .

تفسیر سورهٔ سجده (عربی)

تفسیر آیاتی از سوره الم سجده است بدون ترتیب از صدر المتالهین شیرازی.

این تفسیر نیز درمجموعه تفاسیر او چاپ شده است.

مشار- عربی چاپی - : ۲۰، ذریعه ٤ : ۳۳۷ و یادنامه : ۱۰۸

آغاز: شبهة المنکر للمعاد الجسمانی فی تفسیر المحقق الشیرازی لسوره الم السجده انه یلزم من اعادة الانسان بعدموته ...

پایان: ومزابل الملاعین الامن هذا الباب کما اشیر الیه فی قوله تعالی فضرب بینهم اعلم بالصواب والیه المرجع والماب

[۱۸۴۳]

نسخه شماره ۱۰ (ص ۱۰۵-۱۱۴؛ دفتر) است.

تفسیر سورهٔ جمعه (عربی)

ازملاصدرا شیرازی. این تفسیر نیزچاپ شده.

این نسخه تفسیر آیاتی چنداست ازسورهٔ مزبور بدون رعایت ترتیب اصل کتاب.

آغاز: قال فی تفسیر سورة الجمعه الحق ماله وجود کل شیء ویفتقر الیه کل شیء ...

پایان: فکانه اراد به تفسیره باللازم الاعم اوالمساوی.

[۱۸۴۴]

نسخه شمارهٔ ۱۲ (ص ۲۱۱ - ۲۱۲ دفتر) است.

حل شبههٔ استلزام (عربی)

شبههٔ استلزام مغالطهٔ معروفی است که درصدرنسخه ما به ابن کمونه منسوب واز کتاب قسطاس نقل شده است.

آقا حسین خوانساری، میرداماد، کلباسی، محمدباقر سبزواری، سلطان العلماء، شیروانی ورفیعا نائینی دردفع این شبهه رساله نوشته‌اند و خوانساری وسبزواری هریك رساله‌ها در نقض دیگری ساخته‌اند. چند نسخه از رساله خوانساری وسبزواری درج ٤ فهرست مجلس معرفی شده است.

رجوع شود به ذریعه ۱۳ : ۲۵ ، ۷ : ٦٩ ، ۸ : ۲۱۹ ـ ۲۲۰ ، فهرست مجلس ٤ : ۱۷۲، سپهسالار ۳ : ٤۳۰ - ٤٤۰ .

آغاز: کل شی یکون بحیث لووجد لم یکن مستلزما لرفع امر واقع فهل یکون موجوداً ازلا وابداً اذلوکان معدوما کان عدمه امرا واقعیا فی ذلك الوقت فاذا وجدکان مستلزما لرفع عدمه الواقعی ..

انجام: ولا یذهب علیك ان المغالطة المذکوره لها تقریرات .. واحسن لتقریرات هوالذی ذکرنا و هو مطابق لما ذکره صاحب القسطاس . . . ملك الناس اله الناس من شرالوسواس الخناس وصلی الله علی محمد وآله خیار الناس .

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۱۳ (ص ۲۱۲ ـ ۲۱۳ دفتر) است .

اثبات واجب (رساله در ...) **(عربی)**

رساله‌ایست مختصر دراثبات واجب به مذاق اهل تصوف واشراق .

دراین رساله ۳ طریقه یاد شده و کاتب دفتر (جعفر تبریزی) که خود اهل فضل بوده و با سخنان متصوفه مخالفت داشته درحاشیه رساله، مؤلف آنرا تکفیر کرده است .

آغاز: الحمد لله الاحدالفرد الصمد والصلوة علی سیدالانبیاء محمد و آله المکرم الممجد اما بعد فهذه رسالة فی اثبات الواجب و توحیده وصفاته ....

جمیع الممکنات الصرفه التی نسبتا الوجود والعدم الیه والی کل من اجزائه متساویین یکون باعتبار ماهیتها غیر متصفة بالموجودیه ..

پایان: فاعلم ذلك فانه یظهر بملاحظه ماذکر قبل من ان الوجود الحقیقی واحد قد یتقید بتقیدات اعتباریه یترائ منه المهیات المتغایرة التی منها تعدد الذوات .

[۱۸۴۲]

نسخه شمارهٔ ۱۴ (ص ۲۱۳ دفتر) است بخط شکسته جعفر تبریزی .

رساله دروجود **(عربی)**

گفتار مختصری است دروجود وتعریف وجود حقیقی بمذاق اهل عرفان.

آغاز: بسمله ، لاشبهة فی ان الممکن بالامکان الخاصی لایمکن ان یوجد الا بارتباطه بالوجود الحقیقی الذی هو واجب الوجود...

پایان: ومن هذا قیل انت تراه فی عین الامور ممتزجا ومقیدا فالقرآن یتضمن الفرقان والفرقان لایتضمن القرآن .

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۱۵ (ص ۲۱۴ ـ ۲۱۶ دفتر) است .

النفس (رساله فی ..) **(عربی)**

ازرساله‌های منسوب به ارسطو .

شیخ الرئیس ابن سینا نیز رساله‌ای دارد در نفس دارای ۷ باب وعناوین ابواب وموضوعات آنها عیناً (دربعضی ازآنها با تفاوتی لفظی) همین ابواب رساله ارسطو است ، اما سخن شیخ درهنگام بحث درهریك ازابواب با نوشتهٔ رساله ارسطو تفاوت فراوان دارد .

فهرست ابواب این رساله درنسخه ما :

باب اول ـ ذکرالوجوه التی یدرک منها علم الاشیاء (دررساله نفس شیخ : فی درک کل معلوم) .

باب دوم ـ فی اثبات وجودالنفس (شیخ : فی وجودالنفس) .

باب سوم ـ فی ان النفس جوهر (شیخ : فی انها جوهر) .

باب چهارم ـ فی ان النفس جوهرغیره (شیخ : فی انها روحانیه) .

باب پنجم ـ فی ان النفس بسیطه غیرمرکبه (شیخ : فی انها بسیطه) .

باب ششم ـ فی ان النفس حیةغیرمائته (شیخ : فی انها حیه) .

باب هفتم ـ فی ان النفس مفکره عاقله (شیخ : فی انها مفکره عاقله) .

بنابرین رساله نفس شیخ الرئیس (شمارهٔ ۱۲٤ دکترمهدوی) یاتفسیریست ازرساله ارسطو ویا اقتباسی است درابواب ازآن .

رجوع شود به فهرست مصنفات شیخ ازدکترمهدی ص ۲٤۹ ـ ۲۵۰ ، مجلهٔ معهدالمخطوطات (مقاله دکتر بدوی در بارهٔ مؤلفات ارسطو) سال ۲ ص ٤۸ فهرست دانشگاه : ۳۸۹ .

آغاز: الحمدلله کماهواهله ومستحقه والصلوة علی محمد وآله الطاهرین و بعد هذا مختصر فی النفس لارسطوروبناه علی سبعة ابواب الاول منها ذکـرالوجوه التی یدرک ومنها علم الاشیاء الثانی فی اثبات ...

انجام : ممیزة عاقلة اضطرارا وبالله عزوجل التوفیق والهدایة .

[۱۸۴۲]

نسخه شمارهٔ۱۶ دفتر (ص۲۱۷-۲۲۵ دفتر) است

اثبات الواجب **(عربی)**

ازشمس الدین محمد خفری (م ـ ۹۵۷)

وی، چندرساله دراین باب دارد و نسخه حاضر یکی‌از آن رساله‌هاست (نسخهٔ شماره۹۲۶/۷ دانشگاه نیز همین رساله‌است)

این رساله دارای یك مقدمه و ٤ مقصد است بدین ترتیب :

مقدمه ـ دربیان اصول موضوعهٔ این باب(که‌ده اصل است) .

مقصداول ـ دلائل وجود واجب بالذات.

مقصددوم ـ دلائل توحید. وی ده دلیل بر توحیدآورده.

مقصدسوم ـ اثبات علم حق‌تعالی و دیگر صفات او.

مقصد چهارم ـ نقل سخنان فیلسوفان قدیم یونان در بارهٔ وجود و توحید واجب تعالی.

در فهرست‌دانشگاه نوشته شده که این‌رساله ۳ مقصد دارد وسخنان فلاسفه بعنوان خاتمه آمده. دردیباچه نسخه تصریح‌شده که‌رساله دارای ۳ مقصد است‌اما مقصد چهارم دارد . شاید نسخه های این رساله ازاین‌نظر متفاوت است.

خفری این رساله رابرای حسین خان مبارزالدوله (۱) نوشته

نسخه ماقسمتی ازاول خطبه را ندارد.

آغاز: بلاد الله مغیث المؤمنین مجبر المظلومین مستعدالاصرار بالاداره مستخدم الجباره بالاجبارالمنصور بالتأئیدات النازلـه من‌السماء ... مشتملة علی مقدمة وثلاث مقاصدالمقدمه فی‌الاصول الموضوعه ...

انجام : وهذامعنی قول فیثاغورس ان‌الباری تعالی عالم بجمیع المعلومات علی طریق الاحاطه بالاسباب انتهی. و بـالمقادیرالافلاك والکواکب و حرکاتها الطولیه والعرضیه .

(۱) درنسخه دانشگاه: مبارزالدین

رجوع شود به فهرست دانشگاه ۳ : ۱۲۴ ـ ۱۲۵ ذریعه ۱ ! ۱۰۶:

[۱۸۴۲]

نسخه شماره ۱۷ (ص ۲۲۵-۲۵۴ دفتر) است.

اثبات الواجب (عربی)

رساله دیگری است از خفری مؤلف رساله پیش. خفری این رساله را نیز برهمان اساس رساله بالاو بااختلافاتی اندك نوشته است.

این رساله دارای یك مقدمهٔ، ۳ مقصد و یك خاتمه است بدین گونه:

مقدمه ـ دراصول ومبانی این باب دارای ۶ مطلب

مقصد اول ـ در اثبات وجود واجب الوجود بالذات دراین مقصد براهین وجود واجب رادو دسته ودردو کرده فصل بیان داشته است.

فصل اول ـ براهین غیرمتوقف برابطال دورو تسلسل.

فصل دوم ـ براهین متوقف برابطال آن دو. برای مسلك اول در فصل اول ۱۲ برهان (۱۲ طریق) در فصل دوم یك دلیل آورد و گوید « این دلائل برای عوام است وبراهین خواص وخاص الخاص در این مختصر نگنجد.»

مقصد دوم ـ اثبات توحید . دراین مقصد ده دلیل برای توحید آورده (مانند رساله سابق)

مقصد سوم ـ اثبات علم باری تعالی و وی گوید در این باب دو مسلك است. مسلك عوام و مسلك خواص، نخست ۷ برهان مسلك عوام و سپس براهین مسلك خواص رابرای اثبات علم باری نقل کرده است.

خاتمه ـ درنقل کلمات فلاسفه متقدم ومتاخر و بسیار مبسوط است

خفری در خاتمه این رساله از مثل افلاطونـی و از تناسخ سخن گفته و از بوذاسف بدین گونه یاد کرده : «بوذاسف منجم‌تناسخی (با) رئیس‌المنجمین‌الذین هم‌شیاطین‌الانس» . وی ازشفاء شیخ‌الرئیس، مطارحات‌صاحب‌اشراق ، و بهمنیار و فارابی نیز یاد کرده است.

رجوع شود به : الذریعه ج ۱۰٦:۱ فهرست دانشگـاه ج ۳ :۱۲٤ تـا ۱۲۸ فهرست طوس ج ٤:٤ و ۵ .

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین و بعدفیقول اخرج خلق‌الله محمدالخفری هذه رساله فی‌اثبات واجب الوجود بالذات وصفاته بالدلائل التی تقرر عندی قطعیتها و تحصیل‌العروج من حضیض‌التقلیدالی اوج‌ذروة...

انجام : العلم‌التفصیلی‌فهی‌اربعة علی‌التفصیل المذکور ولما کـان بحرالعلم بحراً عمیقاً لاساحل له اقتصر ماذکر و الحمدلله علی‌افضاله و الصلوة والسلام علی سیدنا محمدوآله .

[۱۸۴۳]

نسخه شمارهٔ ۱ (ص ۲ ـ ۶۳ دفتر) است

اثبات‌الواجب **(عربی)**

رسالهٔ اثبات الواجب قدیم دوانی است که نسخه‌های متعدد از آن در این کتابخانه ونیز کتابخانه دانشگاه موجود است.

دانشگاه ج۳:۱۲۲ـ وش: ۲۰۸۹/۳ و۳۸۲۸/۲ مجلس ج۵:۳٦

آغاز: سبحانك سبحانك مااعظم شأنك..

انجام : ولیکن هذا آخرماقصدت‌الیه فی‌هذه الرسالة مع تفرق‌الحال .... ویبطل‌الباطل‌بعده‌بیده‌الحسنی... وآله‌اجمعین.

[۱۸۴۴]

نسخه شمارهٔ ۱ دفتر (ص۱ـ۷۰ دفتر) است،

اثبات الواجب (عربی)

نسخه‌ای دیگر است از اثبات‌الواجب قدیم جلال‌الدین محمددوانی.

نسخه‌شمارهٔ ۱۸۴۳/۱ این فهرست‌دیده شود .

[۱۸۴۴]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص۱۶۵ـ۲۰۸ دفتر) است.

این نسخه ناقص است وبرگوائی ازآخرندارد

شرح آداب‌البحث (عربی)

شرح کمال الدین مسعود شروانی (م ۹۰۵) بر آداب البحث شمس‌الدین سمرقندی (م ـ ....).

ذریعه ۱۳:... کشف‌الظنون ج۱ص۶۸ دانشگاه ج ۳ـ۵۹ ۱۳:۳۰۱۵۰. آستان قدس ۴۱:۱ (منطق)

آغاز: بسمله، وبه نستعین، الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد وآله اجمعین وبعد، فقدقال الامام المحقق والهمام‌المدقق سلطان الحکماء والمتاخرین جامع فضایل المتقدمین شمش‌الملة والدین محمد السمرقندی تغمده‌الله‌بغفرانه واسکنه باعلی جنانه .

انجام : اولم‌یکن تلك‌القابلیة کذلك فان‌کانت تلك‌القابلیة لازمة له فلایخ وجودالمتغیرالذی هومحل‌الحوادث وفهالان‌الملروم یمتنع‌خلوه عن‌لازمه .

[۱۸۴۵]

نسخه شمارهٔ ۱(ص۱ــ۲۸ دفتر است) بخط نسخ زین‌الدین شیرازی ۱۰۸۸

تفسیر سورهٔ فاتحه (عربی)

تفسیریست به شیوه عرفان بسیار دقیق و عالمانه.

صدرالدین قونوی دو تفسیر فاتحه دارد بنامهای اعجاز البیان و... و نسخه حاضر باهیچ کدام از آنها تطبیق نمیکند و همچنین باتفسیر فاتحه صدرالمتالهین و دیگر تفاسیرفاتحه که درفهرست رضوی وسپهسالار وذریعه وظاهریه وخدیویه مصر ودارالکتب معرفی شده وامکان تطبیق وجود داشت.

آنچه مسلم است مؤلف شیعه بوده، از حضرت جعفرالصادق (ع) بارها نقل کرده ونیزاز این چندتن از قدماء عرفاء ومتصوفه شبلی، جنید، ابوعلی جرجانی واسطی، بایزید بسطامی وسری.

وی از جز اینان که‌نام بردیم نام نبرده است. دریکجا روایتی نبوی‌ازابوهریره نقل کرده وپس‌از نام‌ابوهریره «علیه‌اللعنه» گفته و باحتمال قوی‌کار ناسخ است. مطالبی که‌درتفسیر آیات وکلمات سوره‌بحث شده نشان میدهد نویسنده مسلماً در فن‌عرفان بسیارعمیق واستاد بوده.

درتفسیر آیه«غیر المغضوب...»بحث تازه‌ای کرده و بتفصیل‌درآن سخن گفته دراین‌بحث‌میگوید دعوةموسوی برجانب‌افراط و مبالغه درپرداختن بعالم شهود و صورت بود تا آنجا که بدستور موسی توراه رابه‌زر نوشتند.

و مذهب عیسی درجانب‌تفریط از مسامحه درصورت و شدت توجه به معنی و روحانیت بوده و این هردو از اعتدال خارج واز استقامت‌منحرف‌است. استقامت واعتدال خاص دعوة محمدی(ص) است.

امر بین‌الامرین رانیز ازهمین باب داند ودریکجا از رساله‌اصطلاح «کشف داودی» و «کشف‌محمدی» بکار برده.

دو قطعه شعر نیز در کتاب آمده کـه ظاهراً از خود اوست زیرا از تکرار قافیه درقطعه اول‌عذرخواسته .

قطعه اول: ٤بیت‌است که اینك ۳بیت‌آن نقل‌میشود (ص۱۱دفتر) :

کان رقیبامنك یرعی خواطری	و آخر یرعی ناظری و لسانی
فما رمقت عینای بعدك منظر	لسواك الاقلت قـد سمعانـی
وما بدرت من فی دونك لفظة	بغیرك الاقلت قـد سمعانـی

قطعه دیگراین دوبیت است (ص۱٦ دفتر):

هوای لـه فرض تعطفام جفا	و مشربه عذب تکدر ام صفـا
وکلت الی‌المحبوب امری کله	فان شاءاحیانـی وان شاءاتلفا

از این تفسیر نسخه‌ای در کتابخانـه تیموری و نسخه‌ای نیز در کتابخانـه دانشکدهٔ الهیات است. نسخه تیموری (بنوشته فهرست‌آن کتابخانه) درآغازتفسیر مولی عبدالرزاق‌کاشی واز ص۱ـ۱۳ آن دفتر و تاریخ آن ۱۰۷۰ (اندکـی مقدم برنسخهٔ ماست) . نسخه الهیات نیزدرآغاز تفسیرکاشی ـ تاویل‌الایات ـ(۲پ ـ۱۹ر) قراردارد وشاید این قرینه‌است براینکه این‌تفسیر از عبدالرزاق کاشانی است ویا نویسندگان‌این‌دونسخه چنین‌پنداشته بوده‌اند .

رجوع شود به فهرست تیموری ج ۱ ص ۷۹و۱۷۵ فهرست دانشگاه الهیات ص۴۹۲و۱۹۷ـ۱۹۸ ـ

آغاز: بسملـه و بـه نستعین ، الحمدلله الحامد المحمود الواجدالموجود ، الشاهدالمشهود. الذی لیس‌لـه کفو ولاوالدولامولود .. .. فهذا بعض ماسنح‌لی من

الفتوحات الغیبیة والمکاشفات العینیة فی معنی الفاتحه اعلم ان الباء فی بسم الله الرحمن-
الرحیم للدلالة علی السببیه کما فی قولك کتبت بالقلم و معناه ان الحق سبحانه
ابدأ الخلق واعاد بواسطة اسم...

انجام: وبیان ذلك لایحتمله المختصرات فلنکتف بهذه الخاتمة من تفسیر
سورة الفاتحة جعلها الله للمتقین وسیلة الاهتدا وللمبتدین ذریعة الاجتباء والحمدلله
رب العالمین وصلی الله علی نبیا محمد المصطفی صلوة دائمة النور الی یوم النشور وسلم
تسلیماً دائما ابداً کثیرا اتمت .

[۱۸۴۵]

نسخه‌شماره ۲ دفتر (ص ۵۳–۵۴) دفتر است

الوان (رساله فی . . .) **(عربی)**

ازشیخ الرئیس ابن‌سینا در بارهٔ ماهیت رنگها وتبدیل رنگ سفید به دیگر
رنگها در فهرست مصنفات ابن‌سینا رساله‌ای بنام «بیان بیاض وحمرة» بفارسی از
فهرست بادلیان شماره .... نقل کرده .

آغاز: سبله ، هذه رسالة لابی علی‌سینا قدس سره اعلم ان البحث المتقصی قد
یتشکل فی امر الصور الدی یری ان الاجسام الملونه .. هل هو می عز الفعل اوالحمرة اتس
بالفعل بحیث .

انجام: بل نفس کونه شفا هوالامر . . . فی ذلك یمر امر آخر یجذب منه
الاستضائه فامر لایحتاج الان الی شرحدفیه فقد .. فی موضع تمت الرسالة بعون الله
تعالی وعنایته .

[۱۸۴۵]

نسخه شماره ۴ دفتر (ص۵۵ - ۵۶ دفتر) است

خلسة الملكوت (عربی)

تألیف میرمحمدباقر داماد (م ـ ۱۰۴۰)

رجوع‌شود به : الذریعه ج ۷ـ۲۴۰فهرست عربی‌مشار ـ۳۳۷

آغاز : من کلام سیدالسادات میرمحمدباقر داماد ره‌الحمدلله رب‌العالمین .... و بعدانی ذات‌یوم من‌ایام شهدناهذا وقدکان یوم‌الجمعه ۱۴ شهر...

انجام : البوار وبقعة الزور وقریةالغر ورتارة اخری‌تمت‌الرسالة

[۱۸۴۵]

نسخه شماره ۵دفتر (ص۵۶ـ۵۷ دفتر) است خط زین‌الدین شیرازی . این نسخه ناقص است

رسالةمابال (بخشی از) (عربی)

مسائل طبیعیه منسوب به‌ارسطو نسخه‌ای‌دیگر درهمین‌فهرست یادشد .

آغاز : من‌مقالات ارسطاطالیس ، مسئله ، مابال الحیوان الغیرالناطق ...

انجام : فلذلك‌یسکن تشنج‌الحمی‌التی ینوب بادوار یعرض‌فیهاالاقشعرارلان الحرارة الطبیعیة

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۱ دفتر (ص۱ـ۱۰۵ دفتر) است بخط نستعلیق علی‌نوری

مناظره انسان وحیوانات (فارسی)

مؤلف بااقتباس از محاکمه انسان بوسیله حیوانات که رساله‌ای از رسائل طبیعی اخوان‌الصفاست این کتاب راساخته‌است امابنوعی‌دیگر (همچنانکه‌خوداو دردیباچه یادآورشده) درصدر نسخه ونیز در پشت‌نخستین برگ ودر ورقه دفتر

این رساله باعنوان ترجمه اخوان‌الصفا یادشده . ودرست همان‌است که‌نوشتیم .

این کتاب ۱۴ فصل‌دارد و از فصل‌سوم تاآخر در هر فصل مناظره یکی از حیوانات است باحکمی ازدیاری بدینگونه:

فصل‌ششم ـ مناظره شعرباحکیم حجاز

فصل نهم ـ مناظره کردن موریاحکیم شام

فصل دهم ـ مناظره روباه با حکیم ترك

فصل یازدهم ـ مناظرهٔ عنکبوت باحکیم روم

فصل دوازهم ـ درمناظره کشف‌باحکیم عراق

فصل سیزدهم ـ مناظره‌طاوس‌باحکیم هند

فصل‌چهاردهم ـ مناظره همای باحکیم خراسان

رجوع شود مسار ... فهرست

آغاز: (بسمله) درفضیلت وشرف انسان برجمیع حیوانات برچهارده‌فصل این قسم مشتمل‌خواهد بود تاارباب عقل هویم واصحاب قلب‌سلیم ... معلوم انسان شود که فضیلت ایشان .. نه ارخلف ظاهراست . . . دراین معنی‌چند فصل برنهج رسالت (گویا دراینجا چندکلمه افتاده) از رسائل اخوان الصفا که اهل حکمت صحیح کرده‌اند درقلم‌آمد وبحث ومناظره ... بنوعی دیگر ترتیب یافت . . . فصل اول درآغاز مناظره بدان .. که چون‌آدم صفی ...

پایان : حکیم خراسان چون باین حرف‌رسید جماعت حیوانات سربرقدم اونهادند وبعذر واستغفار درپایگاه ...

دراین مرتبه هیچ فاضل‌نبود چه حسان چه سحبان وائل‌نبود

قدتم‌هذا الکتاب علی‌یداقل‌العباد .. ابن‌عـالیجناب .. آخونـد مـلامحمد

اسماعیل علی النوری الطبرسی الانکر و د مولدا وفی الدار الخلافه . . ساکنا فی عهد السلطان .. ناصر الدین شاه .. فی سنه اثنا و ثلثمائة بعد الالف ... فی عشر الاول من الربیع الاول مطابق ایچی ایل ترکی موافق مردادماه قدیم ... درنهم ربیع الاول و یازدهم مردادماه فارسی ... سنهٔ ۱۳۰۲ هجری .

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۲ دفتر (ص۱۰۹ - ۱۱۳ دفتراست)

دعاء هول قیامت (عربی)

فقراتی است مسجع و بدون معنی درست، از مناجات .

آغاز: بسمله ، اللهم یارب النور تنورت بالنور والنور فی نور نـورك یانور یا عزیز تعز زت بالعزه والعزة فی عزه عزتك یاعزیز یاجلیل تجللت ...

[۱۸۵۱]

نسخه شماره۳ دفتر(ص ۱۱۸-۲۲۶ دفتر است)

النافع لیوم الحشر (عربی)

شرح (الباب الحـاد یعشر) علامهٔ حلی تألیف فاضل مقداد ابو عبـدالله سیوری حلی (م-۸۲۱).

ج۵ - مجلس - ص ۳۱ ذریعه ۳:۰۵-۱۳۷ :۱۲۳ دانشگاه۳ : ۵۴۲ فهرست مشار- چاپی عربی :۹۴۲-۹۴۳

کاتب دفتر فقراتی از شرح صفی الدین طریحی و نیز از اصول کافی در کنار صفحات نسخه آورده ،کلمات مشکل براسرار تفسیر کرده .

آغاز: الحمدلله الذی دل علی وجوب وجوده افتقار الممکنات وعلی قدرته و علمه احکام المصنوعات المتعالی عن مناسبته الناقصات نحمده حمداً ملأ اقطار الارض...

انجام: باصله و ان یجعله خالصاً . لوجهه انه سمیع مجیب والله خیرموفق و معین بیداقل عبادالله .. علی النوری یوم احد وعشرین ، شهر جمـادی الاولی سنه اثنین وثمانیه بعدالالف .. ۱۳۰۲

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۴ (ص۲۲۹ ـ ۲۴۷ دفتر)است. بخط نستعلیق علی نوری.

آداب المتعلمین **(عربی)**

این کتاب به خواجه نصیر طوسی منسوب شده ومجلسی وخوانساری ودیگران آنرا از خواجه دانسته‌اند اما اکنون بتحقیق معلوم شده که این رساله همان تعلیم المتعلم شیخ برهان الدین زرنوجی است (م ـ ۹۱) است.

نسخه تعلیم المتعلم در کتابخانه سپهسالار موجوداست ونویسندگـان فاضل مجلد۳ فهرست آن کتابخانه با دیدن نسخه تعلیم المتعلم ، حقیقت رادریافته ودر فهرست مزبور حقیقت را روشن ساخته‌اند.

چلبی در کشف الظنون صدر خطبهٔ تعلیم المتعلم زرنوجی را نقل کرده و نیز خطبه آداب المتعلمین است چنین معلوم است که خطبه کتاب بدست منتحل تغییر یافته. آغاز خطبه‌ای که چلبی نقل کرده این است:

الحمدلله الذی فضل بنی آدم بالعلم والعمل..

رجوع شود به فهرست سپهسالار ۳ : ۱۶

ذریعه ۱:۲۶ مشار چاپی عربی ـ : ٤

آغاز: علیه توکلی بسمله ،و به نستعین ، الحمدلله علی آلائه واشکر علـی نعمائه والصلوة علی سیدانبیائه وخیرا وصائه امابعد فکثیر من طلاب العلم لایتیسر لهم التحصیل و ان اجتهد و اولا ینتفعوا عن ثمراته و ان اشتغلوا الانهم ...

انجام: ان یتعلم شیئاً من الطب و ترک بالاوثار الواردة فی الطب ، الـذی

جمعه الشیخ الامام ابوالعباس المستغفری فی الکتاب المسمی بطب النبی یجده من .

[۱۸۵۱]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص ۲۴۹ دفتر است)

فرق بین واحد و احد (عربی)

سخنی است از بعضی ازاعلام در فرق لغوی واحد و احد . بنقل از مجمع البحرین طریحی .

[۱۸۵۱]

نسخه‌شماره ۶ دفتر (ص۲۴۹ دفتر) است

حدیث دربارهٔ روح (عربی)

حدیثی است منقول ازحضرت حسن(ع) در بارهٔ روح انسان بهنگام خواب.
امام (ع) به سؤالی که از او شده در این‌حدیث‌پاسخ گفته‌است .
کاتب نیزاین‌حدیث را ازمجمع‌البحرین نقل کرده .

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۷ (ص۲۵۰ دفتر)است.

مناجات موسی (عربی)

مناجاتی‌است منسوب به حضرت‌موسی (ع) بنقل‌از مجمع‌البحرین طریحی.
آغاز: قال یارب لم فضلت امة محمد(ص) علی‌سایرالامم..

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۸ (ص ۲۵۰ دفتر) است.

تفسیر آیه انی لاجد ریح یوسف (عربی)

حدیثی است منقول ازحضرت صادق (ع) درتفسیر آیه مزبور ازسورهٔ یوسف. منقول ازمجمع البحرین طریحی.

آغاز: عن الصادق (ع) اقول یعقوب انی لاصدر شیخ یوسف ...

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۹ (ص۲۵۳ - ۲۸۶ دفتر) است. بخط نستعلیق علی نوری

اعتقادات (عربی)

از شیخ صدوق محمد بن علی بن موسی بن بابویه (م - ۳۸۱)

این رساله درچند مجموعه رسائل چاپ شده است.

رجوع شود به: الذریعه ج ۲ - ۲۲۶.

فهرست دانشگاه ۳ : ۵۲۹ فهرست سپهسالار ۳: ۱۵۹ ، مشار- چاپی عربی: ۲۰

آغاز: الحمدلله رب العالمین باب فی صفة اعتقاد الامامیه فی التوحید قال ... اعلم ان اعتقادنا فی التوحید ...

انجام: سادة الا نبیاء خمسة الذین دارت علیهم الوحی وهم اصحاب الشرایع وهم اولوا العزم نوح.

[۱۸۵۱]

نسخه شماره ۱۰ (ص۵۹۷-۶۰۹ دفتر) است

وجیزه (عربی)

از شیخ بهاءالدین محمدعاملی (م-۱۰۳۱). درعلم درایة الحدیث

این رساله چاپ شده.

رجوع شود به فهرست مجلس ج ٤ ص۲۹۹ دانشگاه ۵ :...

آغاز: بسمله ، الحمدلله علی نعمائه المتواتره .. امابعد فهـذه رسالة عزیزه موسومة بالوجیزه تتضمن خلاصةعلم الدرایه ویشتمل علی...

انجام : بعین البصیرةو یحمله الشماءاو لول بیدغیر قصیرةواسئل الله تعالی التوفیق لاتمامه و الفوز بسعادة اختتامه انه سمیع مجیب .

[۱۸۶۴]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص۴۹ـ۶۳ دفتر) است بخط خلیل قزوینی (مؤلف) قرن۱۲ـ ه .

علم الهی (رساله در ...) **(عربی)**

خلیل بن محمدزمان قزوینی (قرن ۱۲ـ ه)معاصر و شاگرد سیدامیر ابراهیم بن محمد معصوم حسینی قزوینی (م ـ۱۱۴۹) این رساله را در تفسیر علم باری به اشیاء در ۱۱۴۹ نوشته است .

وی در دیباچه توضیح داده که یکی از معاصران ازسید استاد ماهر امیر محمد ابراهیم قزوینی در بارهٔ علم باری سؤال کردو مضمون سؤال این است که احاطه علم ازل بزمانیات که مستلزم حصول همه معلومات زمانی است در ازل در علم باری تعالی باادله امتناع مالایتناهی و نیز بعضی ادله نقلی که مخالف با این مطلب است چگونه ساز گار میگرددو چگونه علم باری را توجیه میتوان کرد که موجب این تناقض نشود . (قزوینی سؤال را بالفاظها آورده) .

امیر سید ابراهیم به این ایراد پاسخ داد (وی پاسخ را نیزعیناً نقل کرده) و در این پاسخ از رساله علم خواجه نصیر یاد کرده و گواه آورد ..مولی خلیل قزوینی که پاسخ استاد خود را درست نمیداند و برای علم باری توجهی دیگر دارد که بعقیده خود او مطابق ادله عقل و نقل است و هم خرده براو نتوان گرفت . وی میگوید « علم بـاری تعالی همچون قدرت از صفات فعل است و قبل از ایجـاد

باری تعالی را التفاتی به اشیاء نیست . البته باری همیشه دارای علم ذاتی هست بدین معنی که هر گاه بخواهد خلق میکند و میداند بنابراین دیگر بری تقسیم علم به اجمالی و تفصیلی نیز جای نمیماند » .

وی این رساله‌را دراین‌باب نوشته ودرانبات گفته خود داد سخن داده است .

قزوینی پس از نوشتن این رساله ، چون با انکار و اعتراض معاصران خود روبرو شد نسخه‌ای ازاین رساله را بنزد مولی رفیع قزوینی ونسخه‌ای دیگر بنزد استاددیگرش صدرالدین(۱)(ظاهراً همانکه‌رساله‌صدریه‌رادر۱۱۰۰نوشته)واز آنان خواسته‌است تادر بارهٔ این‌رساله نظر بدهند، صدرالدین محمد ولی رفیعاً هر دو در پاسخ نظر اورا بچند وجه رد کردند .

وی‌جوابهای آنانرادریك‌رسالهٔ‌دیگر آورده ودلائلی که در منع نظراو نوشته بودنددرآن‌رساله‌نقل کرده‌وپاسخ گفته‌وبار دیگر خواسته‌تا استادان مزبورپاسخهای او را مورد دقت قرار دهند .

آن رساله دیگر نیز بخط خـود مؤلف در همین دفتر موجوداست و آنرا معرفی خواهیم کرد .

صاحب ذریعه رساله‌ای در علم‌الهی‌به‌مولی خلیل بن‌حاج بابامُلقب به‌زرکش نسبت داده و گفته‌اند « شاگردش‌شیخ عبدالنبی قزوینی درتتمهٔ امل‌الامل از این رساله‌یاد کند و گویدوی‌رساله‌های درحکمت دارد که‌مورد پسندمعاصران اوواقع نشده است » .

۱ـ صدرالدین محمدبن محمد صادق قزوینی از علماء قرن ۱۱ و۱۲- قزوین بوده ورساله‌ای درصلوة جمعه (رساله صدریه) نوشته است .

رجوع شود به(ذریعه ۱۱ : ۲۰۳) .

نام و نسب او را صاحب ذریعه بدینگونه ضبط کرده‌اند « حاج خلیل بن حاج بابا قزوینی معروف بزرکش » .

در ذریعه و اعیان الشیعه و مستدرك الوسائل رساله‌ای در اثبات حدوث ارادهٔ باری تعالی از خلیل بن حاج بابای زرکش یاد شود .

در ذیل نسخهٔ حاضر و نیز در چند جا از دفتر ۱۸۶۲ که سراسر بخط مؤلف است وی نام خودرا خلیل بن محمد زمان قزوینی یاد کرده » درهر حال مؤلف این رساله همان خلیل قزوینی است که شاگرد امیرسید ابراهیم بوده و تا اواسط قرن ۱۲ـ ه میزیسته است .

بر پشت نخستین برگ دفتر ، تملك «خلیل قزوینی ولد عبدالرزاق زرکش » دیده میشود .

رجوع شود بذریعه ۱۵ : معجم المؤلفین ٤ : ۱۲۷ اعیان الشیعه ۳:۱۱۱-۱۱۲ مستدرك الوسائل ۳:۲۱۳ بروکلمان ذیل ۲:۵۸۱

آغاز: بعد الحمد و الصلوة فقد سئل بعض المعاصرین السید السند والاید المؤید الامیر المتبحر والاستاد الماهر قدوة السادات والفضلاء و نخبة الفقهاء والعلماء استاد الکل فی الکل امیر محمد ابراهیم الحسینی متعنا الله ببقائه فـی مسئلة علم القدیم تعالی شأنه . ... فکتب الاستاد دام ظله العالی...

انجام : فلا یجوز ان یحمل اسم الشی علی فاعله بهوهو لاعلی سبیل الاجمال ولاعلی سبیل التفصیل فلایکون علم الفاعل بذاته علما بمعلولاته وذلك آخر ما اردنا ایراده فی جواب هذا السؤال والحمدلله علی کل حال ..... و قدکان هذا الجواب بید مؤلفه خلیل بن محمدزمان القزوینی عفی عنهما وغفرذنوبهما .

(۱) درفهرست ۵ بهنگام نسخه‌شناسی شرح رساله علم خواجه که در این دفتر است ، خلیل بن محمدزمان را خلیل سمی محمدزمان خوانده بودم وصواب همین است که در اینجا نوشته‌ام

[۱۸۶۴]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص۶۵-۱۱۲ دفتر) است .

الجمع بین الرأیین (عربی)

از ابو نصر محمد بن طرخان فارابی است

در باره این رساله درص ... این فهرست سخن گفته شده است . مزیتی که این نسخه دارد وجود حاشیه‌های میرداماد است بر کنار آن.

میرداماد رساله‌ای درحدوث ذاتی عالم نوشته ودر آن بر فارابی که خواسته است آراء افلاطون وارسطو راسازش دهد خرده گرفته وخلیل قزوینی نویسندهٔ این دفتر، گویا چند فقره از آن‌را بر کنار این نسخه نقل کرده . این حواشی چهار فقره است وهمه متعلق به بحث قدم وحدوث عالم است که فارابی میکوشد قول قدم عالم منسوب به ارسطو را تاویل کند وبا حدوث عالم منقول از افلاطون ساز گار سازد .

اولین سخن فارابی آنست که نسبت اعتقاد به قدم به ارسطو ازاین ناشی شده که وی برای قضایایی که برسلب وایجاب آنها قیاسی مرکب ازمقدمات مشهوره اقامه میشود ، حدوث وقدم عالم رامثال آورده و گفته است «بر قدم عالم نیز میتوان اقامت قیاس کرد» واین تمثیل هیچ دلالت براعتقاد نمیکند .

میرداماد درحاشیهٔ این سخن فارابی گوید «شدت تعصب شیخ فارابی نسبت به ارسطو وی رابراین داشته که چنین تأویلی کند وچگونه میتوان ادعا کرد که علماء تنها بدلیل ذکر مثال، ارسطو راقابل به قدم عالم شناخته‌اند . خاصه اینکه نظیر این سخن را شیخ الرئیس نیز دارد . او نیز درطوبیقا از کتاب شفا تصریح کرده که مسئله حدوث وقدم درطرف نفی واثبات آن اقامه حجه وقیاس جدالی شده ».

میرداماد درپایان حاشیه‌ای دیگر گوید «ازمجموع سخنان ارسطو برمیآمد

که قائل به‌حدوث دهری کل‌عالم‌بمعنی ابداع آن دفعة واحده بدون زمان نبوده بلکه‌بعضی‌ازعالم‌را قدیم دهری وبعضی‌ازآن‌راحادث‌میداند (دامادقبلا درحاشیه‌ای دیگر توضیح داده که ارسطوعالم رادو قسم میکند مبدعات و مصنوعات و مبدعات‌را قدیم‌میداند‌اما افلاطون‌وپیروان،همه‌عالم رامصنوع ومحدث دانند).

آغاز: الحمدلواهب العقل ومبدعه ... وبعد ... انی‌لمارایت اکثر اهل‌زماننا قدخاضوا وتنازعوا فی حدوث‌العالم ...

انجام: وعند هذا الکلام نختم‌القول افلاطون وارسطاطالیس . . . . وعلی عترته الطاهرین تمت سنهٔ ۱۱۰۶ .

[۱۸۶۴]

این‌نسخه ش ۴ (۱۱۳ – ۱۵۶ دفتر)است .

شرح حدیث الفرجه (عربی)

شرحی است ازخلیل بن محمد زمان‌قزوینی‌مؤلف‌رساله علم اولی وشاگرد سید ابراهیم‌قزوینی‌بر مناظرهٔ‌امام‌صادق (ع) بازندیق‌درباب‌توحید که‌حدیث‌الفرجه نام یافته ووجه این‌تسمیه آنست که‌دراین حدیث اززبان امام صادق (ع) این‌جمله نقل شده :

«فلوکانا اثنین‌فلابد من‌فرجة بینهما حتی یکونا اثنین فصارت الفرجه ثالثا بینهما قدیمامعهما» .

راوی‌این مناظره هشام‌بن حکم است وکلینی دراوائل کتاب التوحید اصول کافی آنرا بتفاریق آورده.صدوق نیزدرکتاب توحید آنرا نقل کرده‌است .

درذریعه دوشرح براین حدیث یاد شده یکی بنام حثیث الفلجه فی شرح حدیث‌الفرجه ازبهاءالدین محمدبن محمدباقر سبزواری حسینی مولود درحدود

۱۰۸۰ که شرحی است مبسوط و بنوشته علامه سید شهاب‌الدین مرعشی حاوی ـ سه‌هزار بیت است .

دیگر همین شرح است که صاحب ذریعه مؤلف آنرا نشناخته و نـوشته‌اند نسخه‌آن که در ۱۳۰۰ از نسخه‌ای مورخ ۱۱۹۷ رونویس شده در کتابخانه شخصی ایشان موجود است نسخه‌حاضر فاقد خطبه‌است ولی نسخه‌ای دیگـر از این شرح که‌جزء مجموعه ۱۸۶۶ این کتابخانه است ودرهمین فهـرست معرفی خواهد شد کامل ودارای خطبه ودیباچه‌وهمانست که در کتابخانه صاحب ذریعه موجوداست و صدرآن درذریعه نقل‌شده .

قزوینی‌دردیباچه‌این شرح،ازدیگرشروح این‌حدیث‌یاد کنند و گوید « حل شبهه‌زندیق‌وفهم‌حقیقت‌پاسخ امام(ع) رااِئمة(ع) به‌من‌تلقین کرده‌اندوناظربصیری که‌شروح‌معروف‌ومتداول‌این‌حدیث‌را دیده وشرح مرا نیزمطالعه کرده میداند که سخنی‌بگزاف‌نگفتم ودعوی خلاف‌نکردم خداراشکر که‌پس‌از هزارسال‌عقدهٔ این حدیث ناگشوده‌نماندومن‌طریق حل‌آن‌را دریافتم وبرای توحیدبراهینی‌بمن الهام وتلقین‌شد که شبهه رئیس شیاطین‌را درآنها راهی‌نیست» .

این شرح را مؤلف در۱۱۳۷ ساخته وحاشیه‌هایی نیزخود با نشان « منه » بر کنارآن‌نوشته‌است . یك‌حاشیه بزرگ نیز که سراسر کنارهای‌صفحه‌اول‌نسخه رافراگرفته بانشان «منه ایده‌الله» دیده‌میشودوبخطی دیگراست.

این‌شرح برقسمتی است ازحدیث‌مناظره‌مزبور که دربارهٔ توحیدباری بحث شده و کلینی‌آنرا جدا ازدیگر فقرات حدیث‌آورده‌وشارح‌هربار قطعه‌ای‌بزرگ ، یا کوچك‌ازحدیث راآورده‌وشرح کرده است .

قاضی سعیدقمی درشرح بر توحید ومجلسی دربحار وفیض‌کاشانی دروافی نیز

این‌حدیث را شرح کرده‌اندودربارهٔ دلیلی که درآن برتوحید اقامه‌شده‌وتطبیق آن باادله متداوله سخن گفته‌اند .

رجوع شود به‌ذریعه ۱۳ : ۲۰۴– ۶،۱۰۵ : ۲۴۸ وافی: ۱ و بحار : ۱ .

آغاز رساله (درنسخه‌کامل) : بسمله، الله احمدعلی مافرج فی حل حدیث الفرجه بعد ما مضی علی عدم انحلاله قرب الف سنین وعلی نبیه واوصیائه ...اصلی علی ما لقنونی لتوحیدالله حل حلاله حججا لاینطرق الیه شبهه رئیس‌الشیاطین فالمنصف البصیر الناظرفیما قیل فی‌حل هذاالحدیث الشریف وما اقول، خبیر بانی مادعبت خلافا ... فروی شیخنا الجلیل . . . عن‌هشام بن الحکم‌فی‌حدیث‌الزندیق الذی اتی ابا عبدالله (ع) . . . اقول الضمیر فی‌قوله انهما اثنان راجع الی المبدأ القدیم‌الذی لامبدأ له ...

آغاز نسخه‌ما : عن هشام‌بن الحکم فی حدیث‌الـزندیق الذی اتا ابا عبدالله علیه‌السلام وکان من‌قول ابی‌عبدالله ... اقول‌الضمیر فی قوله انهما اثنان راجع الی المبدء القدیم الذی لامبدأله ...

انجام : والدهر اسم لقوة تصرمها ومضیها الی‌العدم هذا آخرمااردناایراده فی‌شرح هذا الحدیث الشریف ... تمت سنة ۱۱۳۷ .

[۱۸۶۳]

این‌نسخه ش ۵ (ص ۱۵۷ – ۱۷۲) دفتر است .

رساله درعلم ازلی (عربی)

خلیل قزوینی دربارهٔ علم ازلی رساله‌ای نگاشت که درش۲ این‌دفتریادشد. پس‌ازنگارشتن‌آن رساله براواعتراضاتی‌شده است واو آن اعتراضات‌رابردوتن از

استادان خود که گویا یکی از آنان میرزا رفیعا است عرضه داشته و پاسخ آنان را با نظر خود در این رساله آورده است .

آغاز: الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله اجمعین اما بعد فانی بعد ما کتبت جواب هذا الاشکل لبعض المعاصرین الاذکیا انکره ... قبل التدبر فی مفاده و مقصوده فعرضته علی الاستاد . . . لازال کاسمه رفیعا فی الدارین و ارسلت نسخه اخری منها ...

انجام : فهذا مایخطر بالبال . . . اعرضها لی خدمتهما وانتظر الجواب والله اعلم بالصواب والیه المأب فی شهر رجب من سنة ۱۱۴۸ هجریة .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱ (ص۱–۳۸ دفتر) است.

مشاعر (عربی)

از صدر المتالهین شیرازی (م– ۱۰۵۰) در کنار نسخه ما چند فقره حاشیه با نشان « نوری دام‌ظله » و نیز فقراتی بنقل از شواهد الربوبیه و اسفار نقل‌شده .
مجلس ۵ -۴۷۱ ذریعه ۶: ۲۰۰–۲۰۱ دانشگاه ۳ : ۳۵۵

آغاز: بسمله ، وبه نستعین ، بحمدالله و نستعین بقوته التی اقام بها ملکوت الارض والسماء وبکلمته . . .

انجام : فیه وقف ترتیب الخیر والجود واتصل باوله آخر دایرة الوجود انه مفیض الخیر تمت .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص۳–۴۶ دفتر) است .

اتصاف الماهیةبالوجود (عربی)

ازصدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی (م - ۱۰۵۰) است .

این رساله در ایران درضمن مجموعه رسائل بچاپ رسیده .

رجوع‌شود به:الذریعة ج۱-۹۲ وفهرست دانشگاه ج ۳ - ۷۷ یادنامه:۱۰۸ فلاسفه‌الشیعه ازعبدالله نعمه : ۳٦۵ - ۳٦٦ .

آغاز: بسمله ، الحمدلواهب‌الحیوة والعقل والصلوة علی‌النبی والاهل‌امابعد اعلم‌ایدک‌الله‌تعالی‌قداضطربت‌الاهوآء واختلف‌الاراء فی‌باب‌اتصاف‌الماهیة‌بالوجود...

انجام : معنی کلی‌صادق‌علیه متحدة معه‌فوجوده‌به‌لابنفسها الابمجردالاعتبار والحمدلله‌اولا وآخراً والصلوة علی محمد وآله‌الاخیار ، تمت .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۳(ص۴۶-۵۶ دفتر) است .

التشخص (مقاله فی‌تحقیق . . . .) (عربی)

از رسائل ملاصدرا شیرازی . این‌رساله نیز در مجموعه رسائل چاپ شده‌او بطبع رسیده در ذریعه ایـن رساله در زمرهٔ رساله‌ها و بـدین گونه معرفی شده : « رساله فی‌التشخیص ومایمتازبه‌شخص عن‌شخص» وصاحب ذریعه نـوشته‌اند صاحب روضات نسبت‌این رساله را به‌صدراز سیدابراهیم قزوینی نقل کرده است .

رجوع شود به یادنامه : . . . بروکلمان ذیل ۲ : ۵۸۹ فلاسفةالشیعه‌عبدالله نعمه : ۳٦٦ ذریعه۱۱:۱۴۷ دانشگاه ۹ : ...

آغاز: بسمله ، حمداً لواهب‌العقل والحکمة والصلوة علی‌محمد وآله‌الائمة وبعدفیقول المفتقرالی‌ربه‌محمدالشهیر بصدرالدین‌الشیرازی ان‌هذه تعالیق فی‌تحقیق

التشخص وتعين مـابه‌يمتازشخص من افراد نوع‌عن‌غيره منها فنقول ذهب جمهور اهل البحث . . .

انجام : بعدالتأمل‌على كل‌من له‌فطنه‌صحيحةوقريحة سليمه والله ولى‌العصمه والتوفيق و بيده‌مقاليدالعلم‌والتحقيق تمت .

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۴ دفتر (ص ۵۶-۶۰ دفتر)است.

التشكيك (رساله فى . . .) **(عربى)**

از رفيع‌الدين محمدبن حيدر حسينى نايينى‌معروف به‌ميرزا رفيعا ومتوفى در۱۰۹۹ .

وى درمقدمهٔ اين‌رساله گويد «برخى ازبرادران‌ودوستان‌ازمن خواستند كه دربارهٔ مسئله تشكيك چيزى‌بنويسم بطوريكه در اين‌موضوع شك‌ازميان‌برداشته شود لذا اين‌رساله‌رادر كمال اختصارنگـاشتم‌وآنرادرپنج مقام‌آوردم» .

اين پنج مقام عبارتند از :

مقام اول ــ تحقيق اختلاف تشكيكى. دراين مقام گويد اختلاف‌تشكيكى ٤ قسم است .

مقام دوم ــ حمل‌ذاتى وعرض و مصداق حمل درآن دو .

مقام سوم ــ دربيان‌اينكه ذاتى قابل‌تشكيك نيست وهيچ‌يك ازاقسام‌تشكيك درآن راه ندارد .

مقـام چهار ــ نقل‌دليل نقضى مثبتان تشكيك درذاتى وپاسخ‌دليل آنان .

معاصر اوآقا حسين خوانسارى نيزدراين باب‌رساله دارد .

اين رساله در كنار شرح هدايه صدرا چاپ شده .

ذریعه ۱۱ :۱٤۸؛ فهرست‌مجلس ٤ : ۱۷٤ ـ ۱۷۵، سپهسالار۳: ٤۳۹.

آغاز: ـ بسمله ، من‌الله التوفیق وبه‌الاستعانه انه‌خیر موفق ومعین اما بعد حمدالمتعال‌عن‌الوصف والمتخلی عن‌الصفات المتجلی علی‌القلوب الزکیه ... فیقول اقل‌الخلیقه واحوجهم الی فضل ربه‌الجواد انغل‌محمد الملقب‌برفیع الدین‌الحسینی وفقه‌الله لمایحب ویرضاه ورزقه‌الوصول ... ان‌جمعاً‌من الاخلاء والاخوان ، سالونی مقترحین ان‌اقررلهم مسئلة التشکیک ...

انجام : الجحود فانه مایتبع لحوقه عروض الحداوکونه علی‌الحد هذا مـا قصدنا ایراده فی‌تحقیق ذلك المرام وعلی‌الله التوکل وبه‌الاعتصام تمت .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص۶۰ ـ ۶۴ دفتر است)

اسفار (بخشی از...) (عربی)

بخشی‌است ازموقف تاسع اسفار اربعه تألیف صدرالمتالهین‌شیرازی .

آغاز: قال‌العارف الربانی مولانا صدر الدین الشیرازی فی‌الموقف التاسع المقصود بیان من الهیات الاسفار هذه‌المقاله اصل آخرفیه قانون انحاء ...

انجام : کالسوادوالحرکة انمایصح اجتماعهمافی‌موضوع واحدبحسب وجود بشرط ان‌یکون ولاقتران بهامن‌حشین‌تحتلعین‌تقیدمتین لامن‌حیثیةواحده‌تمت .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۶ دفتر (ص ۶۴ ـ ۶۶ دفتر است)

حاشیه شرح الاشراق (بخشی از ...) (عربی)

بخشی‌است ازحاشیه صدر المتألهین شیرازی برشرح قطب الدین شیرازی (م‍‍ـ۷۱۰) برحکمة الاشراق شهاب الدین سهروردی .

این حاشیه کاملا در کنار شرح حکمة الاشراق بچاپ رسیده .

رجوع بشود ، فهرست مشار : ٤٠ ذریعه ٦ : ١٢١ یادنامه : ١٠٩

آغاز: اعلم ان الصورة العقلیه فی الادراك الحصولی علی مـا حققه الشیخ ، وغیره من الحکما لایکون الاکلیا وان تخصصت بالت تخصیصات فالصورة ...

انجام : کصور المرآة الکثیرة فقیبة من افـادات العارف الالهی مولانا صدرالدین الشیرازی فی تعلیقاته علی شرح حکمة الاشراق للقطب الشیرازی .

[۱۸٦٦]

نسخه شمارهٔ ۷ دفتر (ص ۷۰ – ۷۱ دفتر است)

مفهوم مشتق (تحقیق در ...) (عربی)

گفتاریست دربیان مفهوم مشتق که ازبرخی ازرساله های صدرای شیرازی دراین دفتر آورده است .

آغاز: بسم‌الله الرحمن الرحیم ، قال العارف الالهی مولانا صدر الشیرازی فی بعض رسائله فی تحقیق مفهوم المشتق اعلم ان مفهوم المشتق سواءکان ذاتیاً . . .

آغاز: نقلت من بعض رسائل مولانا العارف الالهی صدر الشیرازی تمت .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۷ دفتر (ص ۷۱ دفتر است) . این نسخه علیحده نوشته شده

سؤال وجواب فلسفی (عربی)

سؤال وجوابی است منقول ازیکی ازمؤلفات ملاصدرا شیرازی دربارهٔ مکثر بودن حیثیة تقییدی مضمون این سؤال همان اشکال است که درضمن یکی ازمسائل فلسفی که ازخواجه نصیر الدین طوسی سئوال شده وخواجه بدان پاسخ گفته آمده است.

خلاصه ایراد آنست که اگر حیثیات راموجب کثرت بدانیم این سخن مستلزم تبدل اشخاصند به‌کلیات . پاسخ ملاصدرا ازاین اشکال براساسی‌همان‌پاسخ خواجه‌است امابدین‌نکته اشارت نشده .

آغاز: سؤال الحیثیة التقیدیه مکثرة للذات ویلزم من‌ذلك ان‌یکون زید متلاکلیا ...

پایان: ولکن لیست هی‌بعینها التی کانت‌اولا. نقلت من‌بعضی رسائل مولانا .. صدرالشیرازی .

[۱۸۶۶]

نسخهٔ شمارهٔ ۸ دفتر (ص ۷۲ ــ ۹۰ دفتر است)

شرح حدیث فرجه **(عربی)**

ازخلیل بن‌محمدزمان‌قزوینی‌درشرح‌مناظرهٔ زندیق با امام‌صادق(ع)بروایت هشام بن حکم .

نسخه ای دیگر ازاین شرح که فاقد دیباچه وبخط مؤلف است باشمارهٔ ۱۸٦۲/٤ یادشد ودرآنجا دربارهٔ این رساله ومؤلف آن بتفصیل سخن رفت به همین فهرست ص ٥۳٥ ــ٥۳۷ رجوع شود .

آغاز: بسم‌الله الرحمن الرحیم، الله‌احمد علی‌مافرج‌لی‌فی حل‌حدیث الفرجه بعدما مضی‌علی عدم‌انحلاله قرب الف سنین وعلی‌نبیه‌واوصیائه‌صلوات ...

انجام : الوجود والدهر اسم لقوة تصرفها وتولیها ثم‌الوجود هذا آخرما اردنا ایراده فی‌شرح هذاالحدیث الشریف والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً

[۱۸٦٦]

نسخه شماره۹ دفتر(ص۹۰ ـ ۹۱دفتر است)

العلم (رساله...) **(عربی)**

رساله‌ایست منسوب به خواجه‌نصیرالدین طوسی در اقسام ومراتب‌علم.

در آثار و احوال خواجه یاد شده و نسخه‌ای دیگر از آن درهمین فهرست آمده است.

فهرست‌دانشگاه، ۳: ۳۰۶احوال‌وآثار:۳۱۲

آغاز: بسمله، اعلم وقفنا الیه وایاك انه لابدمن معرفةالعلم والعالم‌والمعلوم فالعلم تصورالنفس‌المطمئنه الناطقه الکلیه حقایق‌الاشیاء المجرده ...

انجام: من یشاء من عباده وحسبنا الله ونعم‌الوکیل تمت‌الرساله‌المنسوبة الی‌المحقق‌الطوسی نصیرالدین محمد قدس‌سره فی‌العلم‌اللدنی.

[۱۸۶۶]

نسخه‌شماره ۱۰ (ص۹۱-۹۵دفتر) است.

حدوث‌عالم **(عربی)**

رساله ایست در اثبات حدوث عالم و ابطال زمان موهوم از شیخ حسین تنکابنی (م - ۱۰۵۰) وی‌یکی از شاگردان ملاصدرا بوده.

شرح حال شیخ‌حسین تنکابنی‌درفلاسفةالشیعه عبدالله‌بن نعمه آمده. نسخه‌ای دیگر از این رساله‌باشمارهٔ ۱۸۰۳ موجوداست.

مجلس ۵: ۲۰۳ فلاسفةالشیعه:۲۵۵

آغاز: الحمدلله‌المحتضجب‌بوجوب‌وجوده‌من کل‌عین‌المتعالی .. وبعدفیقول المحتاج الی الجلیل العبدالذلیل‌شیخ‌حسین‌بن ابراهیم .. عفی‌عنهما هذه‌رساله فی‌اثبات حدوث‌العالم ...

انجام : و کلماکان یکون مصحاالانتزاع المکان .. تعالی عن‌ذلك علواً کبیراً تمت‌الرساله فی‌یوم‌الثلثا من‌شهر صفر سنه‌مأتین وتسعه عشر بعد الف مـن‌الهجرة النبویة علی‌هاجرها الف‌الف سلام وتحیه .

[۱۸۶۶]

نسخه شماره۱۱(ص۹۵ دفتر) است

ماهیت دهر (فارسی)

گفتاریست منقول از بعض رساله‌های فلسفی وسخن افلاطون است در بارهٔ حقیقت دهر .

آغاز: چنین گوید افلاطون حکیم که دهر چیزیست که‌اوپاره نشودبوقتی از وقتها چه‌وقت‌را از وتوان دانستن‌نه‌اورا ...

پایان: پس دهر چیزی است که وی شمرده‌نشود بشمار وپاره‌نشود وهمیشه بریکحال بود . من رسائل‌الحکماء

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۱۲ (ص۹۶دفتر) است.

گفتاری در بارهٔ زمان (عربی)

از گفته‌های بابا افضل‌کاشی (م ـ ...) در بارهٔ زمان و آغاز و انجـام اشیاء وبیان‌عوالم وجود .

آغاز: نقل دربیان آغاز و انجام واولیه ونخستین‌چیزها نخستین‌بردو گونه بودیکی چنانکه چیزی بیشتر بود که چیزی بوقت وزمان...

پایان: همچنین‌زمان که عمر این جهان است ممکن است نباشد که‌بیش‌از این‌جهان‌بود .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱۳ (ص۹۷-۹۸ دفتر) است.

رساله‌حرفیه **(عربی)**

بخشی است از رساله‌حرفیه‌میرسید شریف گرگانی (م-۸۱٦).دانشگاه شماره ۳۳۷۰/۲.

آغاز: امام ان‌نسبة البصیرة الی‌مدرکاتها کنسبةالبصر الی‌مبصراته وانت اذا نظرت فی‌المرآة و شاهدت صورة فیها فلك‌هناك حالتان احدیهما ...

پایان: لالماقیل من ان الواضع اشترط فی دلالته علی معناه الـآخر . . . ذکر متعلقه .

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۱٤ (ص۹۸-۹۹ دفتر) است.

قبسات(بخشی‌از...) **(عربی)**

بخشی از قبسات میرداماد دربارهٔ ارتفاع نقیضیین .

آغاز: ومیض‌یتمجمج‌بعض.. من‌المقلدین‌بتسویغ‌ارتفاع‌النقیضیین‌فی‌المرتبه لکون مرتبه نفس المهیه المرسله من حیث هی لابشرطشیء ..

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱۵ (ص ۹۹ دفتر) است .

فتوحات مکیه (بخشی از ...) **(عربی)**

بخشی است از فتوحات محیی‌الدین اعرابی در وجود .

آغاز: قال‌الشیخ العارف‌الربانی محیی‌الدین . . اعلم ان‌الوجودلهذاالعین کالصورة‌التی فی‌المرآة ماهی عین الرائی ولاغیره ...

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱٦ (ص۹۹ دفتر) است .

تاویلات (بخشی از ...) **(عربی)**

بخشی از تاویلات یـا تاویل الایات عبدالرزاق کاشانی (م ـ ۷۳۷) در بیان‌مراتب غیب (باصطلاح‌عرفا) .

آغاز: اعلم ان للغیب مراتب اولها غیب الغیوب وهو علم الله تعالی المسمی بالغایه الاولی ...

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱۷ (ص ۱۰۵ـ۱۱۱ دفتر) است .

حقیقت موجودات و تسلسل اسباب ومسببات (رساله ..) **(عربی)**

منسوب‌به‌ابن‌سینا . ازاین‌رساله‌نسخه‌ای دیگر در همین فهرست یاد شده . فهرست مصنفات ۲۷۰ همین فهرست ص ...

آغاز: بسمله ، وله الحمد دایما و کیفی جوده والصلوة علی رسله ، وانبیائه علیهم السلام خصوصاً محمد المصطفی ص باکرم دوستی که دوستی وی خدایرا بودنه ریا را درخواست تا در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات وتسلل اسباب و مسببات بیانی رود ...

انجام : عمرها باید ووقتهای‌مساعدمیبایداما بر سبیل‌اجمال‌اینقدر گفته شد والله‌اعلم بحقایق الاشیاء تمت بعون الله تعالی .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱۸ (ص ۱۲۵ ـ ۱۲۲دفتر) وناقص‌است .

کشف الحق (بخشی از ...) **(عربی)**

از علامه حلی (م ـ۷٤٦) . این نسخه بخشی است از بحث ۱۱ از آن کتاب در باب مسئله عدل .

آغاز: قال العلامه ... قالت الامامیه نحن نرضی بقضاء الله کله حلوه ومره لانه لایقضی الابالحق وقالت الاشاعره ...

پایان: لامن قبل صاحب الولیمه والحمدلله ...

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱۹ (ص ۱۴۱ ـ ۱۴۹ دفتر) است .

حاشیهٔ شرح تجرید **(عربی)**

تعلیقاتی است از آقاجمال خوانساری برمسئله تحسین و تقبیح عقلی از شرح تجرید .

مؤلف درآغاز گوید این مسئله ازمسائل عظیم است که اقدام فحول علماء در آن دچار لغزش شده ، ازپدرم خواستار شدم آنچه در اثناء درس میگوید و رأی مقام دررساله بنویسد ...

اغاز: قوله ، ثم نقول العقل لایحکم بحسن فعل. لماکان هذاالمقام من المباحث العظیم و المطالب المهمه وقد ضل فیه فهم العقول وزل قدم الفحول .. سالت والدی طاب ثراه ان یکتب علی هذاالموضع ...

انجام : زیدامتلااتفق ان قتل عمروا وکان یمکن ان یتفق ان لا یقتل ککالحیه اتفق ان قتلته مع الامکان .

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۲۱ (ص ۱۸۹ ـ ۲۲۰) دفتر است . بخط شکسته نستلیق مورخ ۱۲۱۷ .

حل المغالطه (عربی)

از جلال الدین محمد دوانی (م ـ ۹۰۷) در حل مغالطه «کل کلامی کاذب» که منسوب به ابن کمونه و معروف است به مغالطهٔ جذر اصم. این رساله دوانی نیز بنام حل مغالطه الجذر الاصم خوانده میشود .

ابن کمونه در منطق «الکاشف» این مغالطه را طرح کرده و خود بحل آن پرداخته وحل کاتبی را که به او نوشته بود نقل کرده .

دوانی در این رساله نخست درعنوان «فاتحه» مغالطه را روشن ساخته پس از آن درزیر عنوان «واسطه» پاسخ های قدما و متأخرین ومعاصرانش را نقل کرده و اشکالات آنها را باز گفته ، آنگاه در «خاتمه» پاسخ وحل خودرا تقریر کرده است. وی در(واسطه) از این دانشمندان طریق حل مغالطه‌را نقل کرده :

۱ ـ نخست از تفتازانی در شرح مقاصد . دراینجاوجه تسمیهٔ این مغالطه‌را به جذر اصم از تفتازانی حکایت کرده است .

۲ ـ از کاتبی دبیران قزوینی درشرح کشف الاسرار .

۳ ـ از شرح قسطاس . (قسطاس یااز محمدبن ابراهیم عتایقی حلی است که شارح آن در ذریعه شناخته نشده ویا شمس الدین سمرقندی)اماچنین پیداست که دوانی مؤلف شرح قسطاس را نمیشناخته است .

٤ ـ ازصاحب قسطاس .

۵ ـ از سیدشریف گرگانی . سخن سیدشریف را بوسیلهٔ «بعض الناس» نقل

وسپس دربارهٔ صحت نقل تردید کرده است . قرائن نشان‌میدهد که‌مقصوددوانی‌از «بعض‌الناس» سیدصدرالدین دشتکی است .

۶ ـ از سید صدرالـدین (بشهـادت قرائن) وازاوبدینگونه یاد میکـند «ومنها ما ابدعه بعض ابناء زماننا ..»

این مسئله نیز از مسائلی است که بین دوانی وصدرالدین دشتکی برسر آن جدالهای کتبی‌وشفاهی‌فراوان بوجود آمده . صدرالدین دشتکی نیـز رسالـه در تحقیق مغالطه معروف به‌جذر اصم نگاشته اماچنین پیداست کـه دوانی در وقـت تألیف‌این،رسالهٔ صدرالدین‌راندیده‌بوده ویااوخودهنوزآنراننوشته‌بوده .درسراسر این‌رساله دوانی (برطبق متداول در حواشی‌شرح‌تجرید ومطالع)باتعریض‌و کنایت ازصدرالدین دشتکی یاد ویا سوء تعبیری از او نسبت بخودنقل کرده. سخنان او را درباب این مغالطه ازحواشی شرح تجرید میآورد و از اوبدینگونه یادمیکند «ماحشی به حاشیه‌التجرید» وگاه‌نیزازاوبا عنوان‌شارح‌التجریدیاد کرده‌ودریکجا این قصه را نقـل میکند « معـروف است و ما ودیگران همه شنیده‌ایم که‌وقتی حواشی من (دوانی دراینجا خودراهذاالقائل خوانده) رادیدوچندبار مطالعه کرد آنرا افکند و گفت مانند اینهارا درسرزمین ماتزریق مینامد . حال آنکه کلمهٔ «تزریق» در این‌بلاد معمول‌نبوده و پس از این داستان برسرزبانها افتاد».

چندنسخه از رساله‌هایی که دوانی وصدردرنقض‌یکدیگر وبعنـوان تعلیق بررساله دیگری نوشته‌اند دردانشگاه موجود است . وهمچنین نسخه‌ای‌از رساله بزرگ‌صدردشتکی درحل‌شبهه‌جذراصم(با شمارهٔ ۱۹۲۸/۹) درآن کتابخانه هست. نسخه‌ای نیز ازهمین رساله دوانی درآن کتابخانه است که‌فهرست‌نگار مؤلف‌آنرا نشناخته وشمارهٔ آن ۱۹۲۸/۸ است.

در فهرست کتابخانه رضوی نیز یك نسخه از رساله حل مغالطهٔ دوانی معرفی شده است.

رجوع شود به فهرست مجلس ۵:۲۳۵ و ۲۷۲ رضوی ٤: ۳۸۰ فهرست دانشگاه ۲٦٦۸:۷ – ۲٦٦۹ و ۸ :٥٤۳ ذریعه ۵ : ۹۲ ،۷ و ۷٦–۷۷ .

آغاز: بسمله ، اما بعد حمدالله فاتح مفاتیح المعضلات فتاح مغالیق المشکلات والصلوة ... فاقول اخوانی انه طلاب الیقین سلام علیکم لاینتغی الجاهلین هذه نهایة الکلام فی حل المغالطة التی طالما تعارکت فیه انظار الائمه...

انجام : بین الخصوصیات محتملا للصدق والکذب و بالنظر الیها لایحتملهما فان الاحکام تختلف باختلاف الحیثیات و الاعتبارات .

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۲۲ دفتر (ص ۲۲۲ دفتر است)

مصباح الشریعه (بخشی از...) **(عربی)**

باب ۹۹ ازمصباح الشریعه منسوب به حضرت صادق (ع). مجلسی درمجلد اول بحار و بحرانی در اول عوالم دربارهٔ این کتاب بحث کرده اند . مصباح الشریعه شروح فراوان دارد که یکی از شروح آن بنام ... فی شرح مصباح الشریعه و مصباح الحقیقه با تصحیح و تعلیق و کوشش آقای سید جلال محدث ارموی چاپ شده .

فهرست دانشگاه ج ۳ : ٤۸۵ مقدمه آقای محدث .

آغاز: قال فی مصباح الشریعه فی باب التاسع والتسعون الحکمة ضیاء المعرفة ومیزان التقوی وثمرة الصدق ...

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۱۸ (ص ۲۲۳ – ۲۲٦ دفتر) است. بخط شکسته نستعلیق. محمد تقی بن احمد حسینی مورخ ۱۲۱۰

الماء و تحدیده (رساله فی...) (عربی)

از قاضی بن کاشف‌الدین اردکانی (م - ۱۰۷۵) پزشك وفقیه وقاضی معاصر شاه عباس صفوی ثانی.
قاضی بن کاشف‌الدین رساله‌ای بنام جام جهان‌نمای عباسی دردستور ساختن و نوشیدن خمر برای شاه‌عباس نوشته.
موضوع رساله حاضر تعریف ماهیت و بیان خـواص آب است و از شفـاء شیخ‌الرئیس نقل فراوان دارد. وی میگوید «طبیعت آب سرد خشك و جامداست و ابن سینا نیز همچنین گفته و کسی که گمان کند ابن سینا جز این گفته و یا تردید کند سخنش شایستهٔ جواب نیست».

بروکلمان از او و آثارش یاد نکرده است.

اعیان الشیعه ۴۳ : ۱۵ فهرست ادبیات : ۱۴۱

آغاز: بسمله ، قال عبدالله اللائذ ببابه العائذ بفناء ربه قاضی بن کاشف الدین محمد الیزدی اعانه بلطفه الابدی واعانه بعطفه السرمدی اقول الماء بطبعه بارد غیر رطب بل جامد ، یابس کما ان الارض کذلك الا انه ایبس وفا قالما ذهب الیه قائد الصناعة ورئیسهم ابوعلی سینا ویشهد العقل والنقل ...

انجام : و من ارتاب بعد مانقلناه . . . فهولا یستحق الخطاب و حـری ان لایتعرض له بالجواب تمت الرساله سنه ۱۲۱ .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱۲۳ دفتر (ص ۲۳۳-۲۵۲ دفتر) است بخط نستعلیق علی بن محمد محسن قزوینی ومورخ ۱۲۱۸ .

جبروقدر (دررساله ...) **(عربی)**

ازخواجه نصیرالدین طوسی (م - ۶۷۲) .

چند نسخه ازاین رساله در فهرست ۵ با نام قضاء وقدر و نسخه‌ای در جلد ۷ با نام جبروقدر یاد شده . این رساله بچاپ رسیده است .

رجوع شود به الذریعه ج ۵ : ۸۳ واحوال وآثار خواجه ازمدرس رضوی : فهرست مجلس۵ : ۴۳۰ ، ۷ : ۵۹، ۴۳۳ فهرست دانشگاه ۳ : ۲۲۲، ۶ : ۲۲۶۳ ، فهرست عربی‌مشار : ۲۴۸

آغاز: بسمله ، رب‌زدنی علما نافعا الحمدلله‌رب الارباب‌ومسبب‌الاسباب‌ومفتح الابواب ....

انجام : اذابلغ الکلام ... فامسکوا وقد وقع‌الفراغ عن کتابته‌قبل الظهر من‌یوم السبت فی‌الرابع والعشروین‌من شهرربیع الآخر ختم بالخیروالظفرفی‌سنه الف وماتین وثمایه عشر علی ید .. علی‌بن محمد محسن قزوینی .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۲۴ (ص ۲۶۱-۲۷۳ دفتر است) بخط نستعلیق زیبا

التصور والتصدیق (رساله فی ...) **(عربی)**

از قطب رازی دانسته شده وبنام اوبچاپ رسیده‌است.

در ذریعه ، ببعضی از اصحاب منسوب ورساله قطب جداگانه با شماره‌ای دیگر معرفی شده .

قطب رازی خود در شرح مطالع (ص ۲ چاپ سنگی ایران) از رساله‌ای که درتصوروتصدیق نوشته‌یاد کرده وحاجی‌خلیفه‌چنین‌آورده که «یکی‌ازشاگردان

قطب که رساله مزبور را ندیده بودند ، و در هنگامیکه ، شرح مطالع را نزد استاد میخواند و به آنجا رسید که قطب،به رساله تصور وتصدیق خود ارجاع کرده بخنده افتاد واستاد که موجب خنده را دانست توضیح داد که این رساله رانوشته امـادر یکی ازسفرها ازبین رفته » بنابراین مؤلف خود اعتراف کرده که آن رساله ضایع شده و شاگردانش چنان از آن بی‌خبر بوده‌اند که از شنیدن نامش تعجب میکردند. بااینحال حاج خلیفه خود پس ازنقل داستان مزبور میگویداین رساله را دیده وآنرا تحسین کرده ومحمد زاهد هروی براین رساله شرح نوشته که در ضمن مجموعه‌ای در کانپور هند بسال ۱۲۸۷[۱] بچاپ رسیده .

مجموعهٔمزبورعلاوه برشرح زاهد حاوی‌رساله‌های‌است با این‌عنوانها :

۱ـ حـاشیه غلام یحیی بن نجم الدین بهاری برشرح زاهد هروی برساله تصورات وتصدیقات‌قطب‌رازی ونام‌این حاشیه «لواء الهدی فی‌اللیل‌والدجی » است.

۲ـ حـاشیه ابوالحسنات محمد بن عبدالحی لکنوی برحـاشیه نجم الدین بهاری بررساله قطب . نام این حاشیه مصباح الدجی فی‌لواء الهدی است .

۳ـ حاشیه ایست از یکی از فضلاءِ قرن ۱۳ـ ه برلواء الهدی‌بنام نورالهدی لحملة لواء الهدی .

این مجموعه در معجم المطبوعات بـا شمارهٔ ۱۰۰ درستون : ۱۹۸۵ و در فهرست خدیوی‌بطورپراکنده ونیز یکجا در ص۸۳ (ازجلدمنطق‌وفلسفه) یادشده است . صاحب ذریعه نیز از این مجموعه یـاد کرده و نوشته‌اند « در این مجموعه رساله تصور و تصدیق قطب با شرح زاهد وغیره بچاپ رسیده » .

در فهرست دانشگاه نیزآمده که پاره‌ای از متن تصور و تصدیق نیز در این مجموعه بچاپ رسیده اما چنانکه ازفهرست خدیوی ومعجم المطبوعات برمیآید،

۱ـ تاریخ‌چاپ‌مجموعه درفهرست دانشگاه ۱۳۰۲ ضبط شده .

متن رساله دراین مجموعه چاپ‌نشده . ازچاپی دیگرنیز تا کنون اطلاع نیافته‌ام .

آقای‌ابن یوسف‌درحاشیه‌فهرست سپهسالار(ج۲ص۴۳۱)نوشته‌اند«نسخه‌ای‌از رساله تصور وتصدیق قطب‌با شمارهٔ ۳۸۷۸در کتابخانه‌مجلس موجوداست» با کمال تأسف شماره‌ای که ایشان یاد کرده‌اند تا کنون مجموعه ایست که این رساله در آن وجود ندارد .

رجوع شودبذریعه ٤ : ۱۹۸؛فهرست دانشگاه ۱۱ : ۲٤٤۳، ۲٤٤٤ (شمارهٔ۱۳ ۳٤۳۰)سپهسالار۲ :۴۳۱و۳:۴۴۳ معجم المطبوعات : ۱۹۸۵ . خدیوی ص ٦ : ۸۳ دارالکتب چـاپ ۱۹۲٤ : ۲۰۰؛اکتفاء القنوع [1] : ۲۰۱ کشف‌الظنون ۱ : رساله شرح مطالع چاپ سنگی .

دراین رساله ازقسطاس نقل شده و اگررساله ازقطب رازی باشد ، مقصوداو همان‌رساله‌قسطاس شمس‌الدین سمرقندی است در تصوروتصدیق که قطب در شرح مطالع نیزازونقلها کرده (قسطاس‌دیگری نیزدرمنطق درقرن۸ بدست کمال‌الدین عبدالرحمان بن محمدبن ابراهیم عتایق حلی تألیف شده است) .

درهرحال رساله ایست درموضوع خود بسیار جامع وجالب و مؤلف رساله تصدیق را اذعـان بنسبت داند وگوید تنها بـا این تفسیراست که‌ایرادات وارده برتقسیم علم بتصور و تصدیق دفع میگردد و این همان عقیده قطب رازی است که درشرح مطالع گوید .

آغاز: هذه رسالـه مشتمله علی تحقیق معنی التصور والتصدیق و تعریفهما صرتها بعض الاصحاب متوکلا علی ملهم الصدق والصواب ... اعلم ان العلم الذی

---

۱ ـ ادوارد فاند یك ازرساله تصور وتصدیق یادنکرده بلکه ازمجموعه مزبور (چاپ هند) ورساله قطبیه یادکرده ومنظور وی ازقطبیه تحریر(ظاهراً) القواعد است .

هومورد القسمة الی التصور والتصدیق هوالمتجدد الذی لایکفی فیه مجرد الحضور لعلم الباری ...

انجام : حاصلة مع اجزاء اعنی الموضوع والمحمول والنسبته بینماوالانتاب و بعد القیاس لایحصل الا الاذعان بتلك النسبة اوالانتساب بانها واقعه‌ای مطابیه لما فی نقل‌الامر .

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۲۵ دفتر(ص۲۷۹_ ۴۲۷ دفتر است) بخط‌نسخ‌قرن‌۱۳۰

الاصول‌الاصلیه **(عربی)**

ازمولی محسن فیض‌کاشانی (م_۱۰۹۱)

رجوع شود به: الذریعة ج۲_۱۷۸ وفهرست دانشگاه ج۸_۲۰۷

آغاز: بسمله، الحمدلله‌الذی‌بعث فی‌الامیین رسولا منهم یتلو... امابعدفیقول خادم‌علوم‌الدین والمجاهدفی معرفة اسرار...

انجام : علی‌الانبیاء والمرسلین والاوصیاء المعصومین وعلی من‌اتبع الهدی تمت ، الاصول الاصلیه الکاملة واتفق لضعف تاریخ تصنیفه هذاالکلام والحمدلله اولاً وآخراً.

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۲۶ دفتر (ص ۴۲۹_۵۶۹ دفتر است) . بخط نسخ (جز بعضی‌ازسطور) مورخ ۱۲۰۴

قرة‌العیون فی‌اعز‌الفنون **(فارسی و عربی)**

ازمولی محسن فیض‌کاشانی (م_۱۰۹۱) دارای یك مقدمه و۱۲مقاله ودرهر مقاله۵ «کلمه» ومجموعاً۶۰کلمه‌است.

این رساله «الکلمات المکنونه» نیز نام دارد و شیخ احمد احسائی بر آن شرحی نوشته و خرده گیری فراوان کرده و حاجی سبزواری ایرادات او را در رساله ای رد کرده است .

این رساله با حقایق فیض چاپ شده است .

رجوع شود و به ذریعه ۱۷:۷۵ حقوق ـ۴۱۳ مشار چاپی عربی ـ۸۰۱

آغاز: بسمله، یا مبدع الارکان والاصول و واهب النفوس والعقول یا مفیض القلوب والارواح وجاعل الصور والاشباح یا مبدئ ویا معید...

انجام : بقرة العیون مضنونا بها عن غیر اهلها ناسب ان یلقب بمکنونة الکلمات الذی هو تاریخ تالیفها فی شهر رمضان سنه اربع وماتین بعد الالف من الهجرة النبویه.

[۱۸۶۶]

نسخه شماره ۲۷ دفتر (ص ۵۷۶-۵۹۲ دفتر است)

مثالیهٔ نوریه **(فارسی)**

از بهائی لاهیجی (بهاءالدین محمد) دارای عنوانهای اشراق ولمعه. وی از غیاث الدین منصور، میرداماد صدرالمتالهین وعبدالرزاق گیلانی (متوفی ۱۰۸۰) یاد کرده در کنار نخستین برگ این نسخه نوشته ایست بفارسی با نشان «ریحان الله» (۱) دربارهٔ لاهیجی مؤلف این کتاب، و نوشتهٔ مزبور این است :

«بعض فضلاء معاصرین بعض مطالب از این رساله نقل نموده اند که مطالعه شد صحیح بود و باین تعبیر میگوید وشیخ بهاءالدین محمد لاهیجی در رساله مثالیه خود گوید» بنابراین یادداشت نام مؤلف این رساله بهاءالدین محمد است. از این رساله نسخه ای دیگر در همین فهرست باشمارهٔ ۱۸۰۳/۳ آمده است و در آن نسخه نیز نام مؤلف تصریح نشده .

(۱) شاید همان آقا سید ریحان الله کشفی از علماء سدهٔ اخیر وساکن تهران است.

مؤلف از خود بدینگونه «فقیر باب الله» یا «این بندهٔ بی بها» یاد کرده است.

در اشراق ٤ گوید: قاضی میرحسین میبدی در شرح دیوان مولی(ع) گفته که یونس بن طبیان نقل کرده که درخدمت امام حسین (ع) نشسته بودم..» و پس از نقل این سخن گوید یونس از یاران حضرت صادق بوده و حضور حسین (ع) را درك نکرده تا به نشستن چه رسد. ظاهراً منشأ اشتباه او این است که چون در این حدیث تعبیر از حضرت صادق (ع) به ابی عبدالله کرده‌اند گمان کرده که مراد ابوعبدالله حسین (ع) است. لیکن جناب قاضی شافعی از این غلطها معذور است»

از «بعض عرفاء معاصرین» نیز در تفسیر آیه «ویلبسون ثیابا خضرا من سندس.» نقل کرده که محتمل است ثیاب خضر کنایت از ابدان مثالیه برزخیه باشد. از رواقیان نقل کند که جابلقا وجابرسارا ازمدائن عالم مثال دانسته‌اند واشعاری از مولوی و عطار، و روایاتی ازکلینی وشیخ طوسی درج کرده. فهرست مطالب رساله مثالیه بترتیبی وباعبارتی که مؤلف خود در دیباچه آورده این است:

«در این شجرهٔ نور، انوار واشراقات ولبعات وتفریع وخاتمه وخاتمة الخاتمه در تلو یکدیگر وبحذاء همدیگر بالیدن گرفت:

نور اول- دربیان عالم مثال واسامی آن و وجه تسمیه.

اشراق اول- درتقسیم عالم مثال بردوقسم

غیب امکانی وغیب محالی

نور دوم- درذکر وساطت اشباح بین اجسام وارواح

اشراق دوم- غیرقائم بذات درعالم مثال قائم بذات است ورفع اشکال میرداماد درتصویر اخلاق مکتسبه

نورسوم- مدائن واصقاع عالم مثال

اشراق سوم- قسمت ووسعت عالم مثال

نورچهارم- بیان اشکال عالم مثال بر مواعید روزرستاخیز

اشراق چهارم- محتوی سه لمعه ویك تفریع

لمعه اول- اثبات هردوقسم عالم مثال غیب امکانی وغیب محالی... واین لمعه ازخصائص این رساله است. تفریع بیان تعلق نفوس ناطقه عالم شهادت به ابدان مثالی

لمعه دوم- ذکر کلمات حکما وعرفا به نثر ونظم

لمعه سوم- دلیل عقلی بروجود عالم مثال

خاتمه- بیان رب النوع واین که مثل افلاطونی رب النوع است نه عالم مثال.

خاتم الخاتمه- رفع غائلهٔ تناسخ درتعلق ارواح به اشباح

مؤلف خود حاشیه هایی براین رساله دارد که در کنار صفحات نوشته شده.

درآخرین صفحه یك سطر ازرساله نانوشته مانده وجای آن را کاتب خالی گذارده است.

رجوع شود به ص ۲۹۳ این فهرست

آغاز: بسمله ، ستایش وافر بی همتایی را سزد که هستی موجـودات صقع کونی، ظلال اشراقات مهروجود او است و نیایش متکاثر بی مثلی را زیبد که صور کونیهٔ عالم عنصری عالم مثال لمعات نورجود او است ... و بعد این ذرهٔ بیقدر - وبهاء بهایی لاهیجی حسب الامر بعرض اخوان معنوی . . . درتحقیق عالم مثال ... درسجنجل بصیرت ثاقبه فقراء باب الله منطبع ومنتقش میسازد ...

انجام : بخاطر میرسید مارا که بیش ازاین تفصیل دهیم اما وقت وفرصت... گنجایش نداشت ... برسبیل ارتجال بدون فکرماضی نمایش یافته حق پژوهـان استقبال برخطا پوشی کنند . . . تحسین نوشند الحمد لله اولا و اخرا و ظاهراً وباطناً وهو بکل شی علیم تمت الرسالة المثالیه النوریه حامدا مصلیاً مسلمامستغفراً .

[۱۸۶۶]

نسخه‌شمارهٔ ۲۸ دفتر (ص ۵۹۴ – ۵۹۹) دفتر است .

خطبه عید **(عربی)**

متن خطبه ایست که برای روز عید و یا نماز آن انشاء شده .

آغاز: بسمله ، الحمد لله الذی جعل الحمد من غیر حاجة فیه الی حامدیه طریقاً من طرق الاعتراف بلا هویته وصمد انیته وربانیته ...

انجام : الی ابی محمد الحسن بن علی علیهما السلام بما امدلهم من طعامه و انصرف غنیهم و فقیرهم برفده الی عیاله .

[۱۸۶۶]

نسخه شمارهٔ ۲۹ دفتر (ص ۶۰۷ – ۷۲۱ دفتر) است بخط نسخ مورخ ۱۲۴۳

اسرار الآیات **(عربی)**

از صدر المتألهین شیرازی محمد بن ابراهیم (م – ۱۰۵۰) .

رجوع شود به : الذریعة ج ۲ – ۳۹ فهرست دانشگاه ۱ – ۷ فهرست – چاپی عربی – مشار : ۵۰ .

آغاز: بحمدك اللهم یا من بیده ملکوت الارض و السما و الیه یتشوق و یدور الاشیاء یا حی یا قیوم...

انجام : نفس احضرت تمت الرساله ، سنه ۱۲۴۳ .

[۱۸۷۸]

این نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۳۲۶ – ۳۳۲ دفتر) است .

بسیط الحقیقة کل الاشیاء **(عربی)**

موضوع این رساله شرح این سخن است از ارسطو :

«بسیط‌الحقیقه بوحدته کل‌الاشیاء الوجود یه ولیس بشی منها» مؤلف این رساله نخست مفردات الفاظ این‌عبارت را شرح کرده وسپس به بیان مقصودومعنی پرداخته است .

احسائی رساله‌ای درباب «بسیط الحقیقه کل الاشیاء» ورد برآن دارد . رساله های دیگرهم دراین‌باب نوشته شده که‌دراین فهرست شناختم . رساله حاضر که ضمیمه شرح هدایه صدرالمتالهین‌است،شاید نگارش او باشد .

رجوع شود به‌ص ۲۶۹-۲۷۱ این‌فهرست ودانشگاه ج ۱۲ ص ۲۶۰۴شماره: ۳۵۹۳ ونشریه کتابخانه مرکزی ، ۳ :

آغاز: قال‌الحکیم ارسطاطالیس فی مقام بیان ان واجب الوجود تعالی فردانی الذات ... بسیط الحقیقة بوحدته کل‌الاشیاء الوجودیة و لیس بشی منها وقبل‌بیان خلاصة ما سمعته من معنی هذه العبارة ینبغی ان نشرح مفردات الفاظ تلک المقالة . .

انجام : ولیس لهذه الصفات و الاوصاف الغنوانیة فرد لایکون هوولافایضاً منه وهو توحید الحق والجمع بین‌الکثرة والوحدة . تم .

[۱۸۸۰]

این نسخه شماره ۱ (ص۱-۳۷۹ دفتر) است بخط نسخ قرن۱۳-ه پایان‌این نسخه ناقص است .

حاشیهٔ حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

حاشیه آقاجمال‌خوانساری (م-۱۱۲۵) است برحاشیه خفری برشرح‌قوشچی بر تجرید طوسی.

ذریعه ۶ : ۶۵ فهرست مجلس ج ۸۴:۵ دانشگاه ج ۳:۲۳۰ .

آغاز: : بسمله الحمد لله رب العالمين و الصلوة على محمد . . . اعتبر فيه حدوث الخلق هذا اشارة الى طريقة جماعة ...

انجام : قد عرفت ان التحقيق هو ثبوت الادراك المسمى بالاحساس بلاآلة .

[۱۸۸۱]

این نسخه‌ش ۱ (ص ۱ ــ ۲۰۵ دفتر) است .

حاشیهٔ کافی (عربی)

حاشیه یا شرح است از میرزا رفیعا نائینی (محمد بن امیر حیدر حسینی حسنی طباطبائی م ــ ۱۰۸۰) صاحب شجرهٔ الهیه و جز آن، بر کتاب کافی کلینی .

این شرح از آغاز کتاب العقل تا کتاب الحجه .

صاحب ذریعه شرحی بر اصول کافی بنام شواهد الاسلام تألیف رفیع الدین محمد گیلانی (م ـ ۱۱۶۰) یاد کرده و نوشته‌اند بر کتاب عقل و علم و توحید و حجة تألیف شده و سطر آغاز آن را (پس از خطبه) که یاد کرده‌اند مطابق است با کتاب حاضر و نیز درهمین ذیل (شواهد الاسلام) افزوده‌اند « این کتاب خطبه‌ای دارد که از مؤلف شرح نیست ومنشی آنرا نشناختم» و آنگاه آغاز خطبه را یاد کرده‌اند .

در ذریعه همچنین درذیل عنوانهای «حاشیه بر کافی» و شرح کافی و شرح اصول کافی نیز از رفیعا گیلانی یاد کرده‌اند و باهر یك از عنوانهای یاد شده تألیفی به رفیع نایینی و تألیفی دیگر به گیلانی نسبت داده‌اند .

نگارنده گوید در اینکه رفیع الدین گیلانی شرح و یاحاشیه‌ای بر اصول کافی نوشته اشکال نیست و شاید شرح او شواهد الاسلام نام دارد . اما کتاب حاضر که آغاز آن عیناً درذریعه نقل شده و تا کتاب الحجه است بدون تردید از رفیع الدین نائینی طباطبائی است .

صاحب‌ذریعه‌خوددرمجلد۶بعنوان‌حاشیه‌کافی‌این کتاب‌رابتفصیل‌معرفی کرده واز محمد رفیع نائینی دانسته‌اند و درآنجا (بنقل از سید حسین قزوینی صاحب معارج‌الاحکام) نوشته‌اند «میرمعصوم قزوینی فرزند محمد فصیح بن میراولیاء و پدرمیرسیدابراهیم‌مزبور که‌ازشاگردان‌رفیعانائینی‌بودحواشی‌استادخودرابراصول کافی گردآوری کرد وخطبه‌ای درآغاز آن نهاد که بدینگونه آغاز شده :

الحمدلله خالق‌الاشیاء ...»

خطبه‌ای که در اینجا بدان اشاره شد در همه نسخ این شرح نیست و ایـن همان خطبه‌است که صاحب ذریعه درذیل عنوان شواهدالاسلام قسمتی ازآن‌رانقل کرده و گفتند«مسلماً ازمؤلف شرح‌نیست‌ونمیدانم از کیست» وجای‌خوشوقتی‌است که خودایشان‌درمجلد ۶ این‌نکته راروشن ساخته که انشاء خطبه ونیز گردآوری مطالب‌این‌شرح(یاحاشیه)ازمؤلف‌شرح(رفیع‌الدین‌نائینی)نیست‌بلکه ازشاگرد او محمد فصیح‌بن‌میراولیاء قزوینی است . نکته‌ای دیگر که در نوشته ذریعه شایسته یادآوری است‌آنست که در ذیـل معرفی « حاشیه‌کافی ازرفیعا نائینی» نوشته‌اند: «کامل‌ترین‌نسخه‌های‌این‌حاشیه‌آنست که‌تا کتاب‌القرآن‌باب«انا‌انزلنا»رسیده‌است». حاشیه نائینی تاباب « اناانزلناه » رسیده امااین‌باب‌در کتاب‌الحجه‌است‌نه‌در کتاب القرآن .

علاوه‌برآنکه‌یادشد، دلیل‌دیگری که‌مسلم میدارد کتاب‌جای گفتگوحاشیه رفیعانائینی است این است که نسخه‌ما که مورخ ۱۰۹۳ است‌پس‌از درگذشت‌مؤلف نوشته شده و میرقلی لر از رجال اواخرعهد صفوی که مالك نسخه وخود از اهل فضل بوده در نزد میرزا رفیع و صادق اردستانی شاگردی کرده ، در کنار چند صفحه از مؤلف یاد کرده و بر او رحمت فرستاده و در یکی از حاشیه های خود

نوشته « این نسخه با نسخه‌ای که برای مصنف رحمه‌الله نوشته بودند مقابله و تصحیح شده است » .

تاریخ این نوشته ۱۰۹۰ است و میرقلی خود (بر طبق یادداشتی که در ذیل نسخه است) در ۱۱۰۹ در قندهار در گذشته. بنابراین، رفیع‌الدین گیلانی که پس از ۱۱۵۰ در گذشته است نمیتواند مؤلف این رساله باشد .

محمدفصیح قزوینی گردآورندهٔ این حاشیه، تعلیقاتی بر آن دارد که صاحب ذریعه از آن یاد کند. همچنین در ذریعه از این نسخه‌ها یاد شده :

نسخه سیدعباس خرسان نجفی مورخ ۱۰۷٤ (عصر مؤلف) ، نسخه مورخ ۱۰۸۰ بخط سید محمدباقر بن هدایة‌الله حسینی و نسخه‌های موجود در کتابخانه سپهسالار، نسخه کتابخانه شوشتری و کتابخانــه شیخ‌الاسلام زنجانی و کتابخانه غروی .

در کتابخانه دانشکدهٔ الهیات نیز نسخه‌ای موجود است (که در ذریعه یاد نشده).

رجوع شود بفهرست سپهسالار ۱ : ۲٤٥-۲٤٧ فهرست الهیات . ٥٨٤ - ٥٨٥ ذریعه ٦ : ۱۸٤، ۱۳: ۹٦-۹۷ و ۱٤ : ۲٤۲، کشف الحجب .

آغاز خطبه : الحمدلله خالق الاشیاء بلا اصول ازلیه . . .

آغاز نسخه ما : الحمدلله رب العالمین والصلوة ...قوله المحمود لنعمته المعبود لقدرته لما کان انعامه باعثالان یحمدشکرا لماوقع وجلبا لما یقع وقدرته علی ما یشاء ...

انجام : قوله اللهم ارزقهم فهمی وعلمی ودعاء الایمة مــن العترة یطلب اعلی مراتب الفهم والعلم . . . وحکم بکونهم مستحقین له مستقرین فیه ودعاء علیهم بقوله اللهم لاتنلهم شفاعتی .

[۱۸۸۱]

نسخه‌ش ۱ (ص ۲ ــ ۸۳)دفتر است بخط نسخ محمدبن حسین شریف مورخ ۹۰۴ .

هدایةالحکمه (عربی)

از اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری (م ـ ٦٦٠)

هدایه دارای بخش‌های منطق طبیعی والهی است . نسخه‌حاضر بخش طبیعی والهی هدایه است .

رجوع شود به کشف‌الظنون ۲:٦٤٢ ، ذریعه ١٤ : ١٧٣ فهرست دانشگاه ۳ : در مجلس ۲:٦٩-٧٠و٥ : ٣٦٠ رضویه ج ٤ : ٢٧٠ معجم‌المطبوعات : ۲۹۱ .

آغاز: بسمله، ومنه‌الهدایه‌الی‌الصراط المستقیم ، القسم الثانی فی‌الطبیعیات وهومرتب‌علی‌ثلثه فنون‌الفن‌الاول فی‌ابطال‌الجزء الذی‌لایتجزی ...

انجام: مخل‌وتطویل‌ممل فی‌شرح‌هذاالمختصر والله اعلم‌بالصواب‌تمت‌الکتاب بعون‌الملک‌الوهاب‌فی‌وقت الظهر یوم‌الخمیس‌اشهر جمادی‌الثانی ٩٠٤ علی‌یدالغریب الضعیف محمد بن‌حسین‌الشریف .

[١٨٩١]

این نسخه‌ش ۲ (٢٨٩-٣٣٣) دفتراست

ترجمه تنکلوشای بابلی (فارسی)

ترجمهٔ صورالدرج تنکلوشای بابلی است و نسخه‌ای ازآن درج ۷ فهرست کتابخانه آمده‌است جزاینکه کتاب حاضرمختصرتر ازآن نسخه‌است .

فهرست مجلس ج ۷ ـ .. ورجوع به‌تعلیقات شود

آغاز : الحمدلله‌رب‌العالمین والصلوة والسلام .... امابعد بررای ارباب خرد پوشیده نماند که فرمان خداوند جهان پادشاه مشرق ومغرب خلدالله‌سلطانه رسید بکمترین بندگان تا کتاب تنکلوشای بابلی را مطالعه کند .

انجام : درجه سی‌ام از برج حوت هر که بر این درجه زاید پابهاش کار کنند . . . ومال او وارثان ببرند تمام شد .

این کتاب چنانکه وعده کرده بودیم . . .

[۱۸۹۳]

این نسخه ۲(ص ۱۵۸–۲۱۵) دفتراست باقلم شکسته نستعلیق بسیارمتقارب‌السطور والکلمات

حاشیهٔ شرح اشارات (عربی)

ازمولی شمسا گیلانی . حاشیه‌ایست براوائل اشارات شیخ‌الرئیس‌وشرح اشارات خواجه (جوهریت جسم تا علیت‌هیولی وصورت) باعنوانهای «قال الشیخ» و « قال الشارح » . در کتب فهرست ومراجع ، نه‌درضمن‌مؤلفات شمساء ونه‌درشمار حواشی شرح خواجه براشارات از این‌حاشیه یاد نشده است .

مولی شمسا دراین حاشیه از « الحکمة المتعالیه » خود ونیزازرساله‌ای که در حدوث عالم نوشته بارها یاد کرده و از آنجمله (در برگ آخر دفتر) گوید: « بیاری خدا رساله‌ای خاص درحدوث عالم ساخته‌ایم شامل همه‌جوانب بحث در این مسئله ودرآن‌رساله براهین یقین بخش برحدوث عالم اقامه کرده‌ام وشبهات قائلان به‌قدم عالم رانیزآورده وجای‌غلط را در آنهانشان داده‌ام » .

نسخهٔ‌حاضر درزندگی مولی شمسا نوشته شده‌وبرکنارهای‌آن حاشیه‌هایی بانشان « منه مدظله‌العالی » دیده میشود .

درصدرنسخه (قبل ازبسمله) نام شمسا آمده ودرپشت برگ‌نخست‌آن‌بخط نسبهٔ کهنه‌ای‌نوشته شده « حاشیه‌شمسیه بر کتاب شرح اشارات خواجه‌نصیرالدین طوسی » دراین نسخه‌خط خوردگی وجبران سقطات و اصلاح کلمات درحواشی

فراوان مشاهده میشود ودر ذیل آن هیچگونه قرینه‌ای بر اینکه مؤلف کتاب را در اینجا پایان داده دیده نمیشود ، جمله آخر نیمه‌تمام مانده وپس از آن چیزی نیامده و این کیفیت نیز خود مؤید آنست که نسخه اصل وبخط شمساست خاصه آنکه حواشی « منه‌مدظله » بقلمی دیگر است .

آغاز : قال الشيخ قدس سره قدعلمت ان للجسم مقداراً كميا متصلاً اشار الى هذا العلم فيماسبق بقوله بل هو فى نفسه كماهو عندالحس و تفصيل الكلام فى هذاالمقام انه لاخلاف بين الحكماء والمتكلمين فى وجود جوهر مجرد بالذات . . .

انجام : قال الشارح قدس سره فى اتصافها بالعلية الى وجود معلولها المتأخر عنها حاصل كلامه اتصاف العله بالعليه بالفعل موقوف على وجود المعلول من ان وجود المعلول متاخر عن وجود العله و تاخر وجود المعلول عن وجود العله لايستلزم تاخر وجود المعلول عن حقيقه العله ..لجواز ان يكون صفه العليه موقوفه على وجود المعلول

[۱۹۱۵]

نسخه شماره ۱ دفتر (ص۱ـ۱۴۰ دفتر) است

تمرين الطلاب فى صناعة الاعراب **(عربی)**

شرح الفيه ابن مالك از خالدبن عبدالله ازهری (م ـ ۹۰۵) .

این کتاب همانست که با نام «ترکیب خالد» یا «اعراب الفیه» شهرت یافته وبچاپ نیز رسیده است .

کشف الظنون ج ۱ : ۱٤۲ معجم المطبوعات : ۱۱۱۲ فهرست سپهسالار ۲ : ۳۱٤ دار الکتب قاهره چاپ ۱۹۶۱ : ۱۸۲

آغاز: بسمله ، وبـه نستعين ، اللهم صلى على محمد وآله يقول الفقير الى عفو ربه الغنى خالد بن عبدالله الازهرى عامه الله بلطفه الخفى الحمدلله الذى رفع قدر

من‌اعرب بالشهرتین ونصب‌الدلیل علی‌وجود ذاته وخفض قدر من‌لم‌یجزم...

انجام : خفض باضافه حیث‌الیهـا وجملة و اولیاء یـاالغاء للمفر معطوفة علی‌جملة رفعاو الالف فی‌اولیا فی‌محل رفع علی‌النایب من‌الفاعل وهو مفعول اول فالفعل مفعوله الثانی .

[۱۹۱۵]

نسخه شمارهٔ ۲ دفتر (ص ۱۴۱ – ۲۴۴ دفتر)است . این نسخه‌بخط نسخ تحریری است وناقص است .

حاشیهٔ مطول (عربی)

ازمیرسید شریف گرگانی (م – ۸۱٦) بر مطول (شرح بزرگ تلخیص المفتاح خطیب تبریزی) تألیف سعدالدین تفتازانی (م – ۷۹۲)

این کتاب بارهابچاپ‌رسیده است .

کشف الظنون : تلخیص المفتاح ، فهرست سپهسالار ۲ :۴۱۳ دانشگاه ۰ : ۳۵۱دارالکتب قاهره چاپ۱۹۳۸ :٦٦ معجم المطبوعات : ٦۷۹

آغاز: بسمله ، الحمدلله رب العالمین و الصلوة علی . . . المشهور بتلخیص المفتاح کنت قد قیدتها علیه محمد حال ماقرأ . علی بعض احبتی فسئالونی ...

انجام : المعنی ایضافان بیان الفرض اولی بحالهم وانفع لهم‌من بیان السبب واعلم ان‌صاحب (ناقص) .

[۱۹۱۵]

نسخه شمارهٔ ۴ دفتر (ص ۴٦۲ – ۴۸۹ دفتر) است .

حیوةالنفس (عربی)

ازشیخ احمدبن زین‌الدین احسائی (م – ۱۲۴۱) .

رجوع شود به : الذریعة ج ۷ : ۱۲٤ وفهرست عربی مشار : ۳۲٦ مجلس ۵ : ۱۱-۱٤

آغاز: بسمله : و بعد فیقول العبد المسکین احمد بن زین‌الدین الاحسائی انه‌قد التمس‌منی‌بعض الاخوان ...

انجام : قدفرغ‌من‌تحریر هذه‌الرساله الشریفه‌فی‌یوم‌الخمیس من‌عشر الثالث من‌شهر الشوال‌من‌سنة اربعون واربعة بعدالالف والماتین من‌هجرة رسول هاشمی (ص)جعفر بن مصطفی خواجه نوری .

[۱۹۱۵]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص ۴۹۱ ـ۵۱۴ دفتر) است

کنز السالکین (عربی)

ازرساله های خواجه عبدالله انصاری (م ـ٤٨١) دارای٦ باب .

این رساله در مجموعه رسائل خواجه عبدالله درمطبعه ارمغان بچاپ رسیده .

دانشگاه ج ۹ ـ ۱۲۰٦ ج ۱۳ ـ ۳٤۳۱ ذریعه ۱۸ : ۱۵۷

آغاز: بسمله ، حمد بیحد الهی را وثنای بیحد پادشاهی را که برداشت ازدیدهٔ دلهارمد ورفع السموات بغیرعمد وبگسترانیدفرش ثم‌استوی علی‌العرش . وبقدرت ازفهم‌دور وجعل الظلمات والنور .

پایان: الهی آنساعت که درشاه مات اجل مانده باشد ازدیوبند شیطان اورا نگاه دار که فرزین طاعت کج میرود ... تمت الرساله علی یـد الحقیر ... لاجل مطالعة العالمین فی‌عشر ثـالث من‌شهر ربیع‌الاول من‌سنه هزار ودویست وچهل و چهار اللهم اغفرله ولوالدیه ....

[۱۹۱۵]

نسخه شماره ۶ (ص۶۳۳ ـ ۵۴۸) دفتراست نسخه‌ایست بدون‌اول وآخر ومغلوط .

رساله دراصول فقه (بخشی از ...) (عربی)

بخشی ازمباحث مبادی احکامی کتابی است دراصول فقه وشرح‌است‌بر کتابی مختصر دراصول فقه. شارح هربار چند سطرازمتن را نقل کرده وسپس به‌شرح‌و توضیح‌متن پرداخته است.

نسخه‌حاضر درصحافی جابجاشده وبرگهای ۲۶۸ و ۲۶۹ باید مقدم شود بربرگ ۲٦٤.

آغازنسخه (پس‌از درست شدن‌صفحات): الاحکام، لایحکم‌العقل‌بان‌الفعل حسن اوقبیح بحکم‌الله تعالی ویطلق لثلاثة امور اضافیه لموافقةالغرض و مخالفته ولما امرنا بالثناء علی فاعله والذم.. قداستوفی فی مبادی هذا العلم من‌اللغات وهاهی‌مبادیه من‌الاحکام والکلام فی‌الحاکم‌ونفس‌الحکم والمحکوم فیه‌والمحکوم علیه اما الحاکم فهوعندنا الشرع دون العقل ولا نعنی به ان‌العقل لاحکم له فی شیٔ اصلا..

پایان: (برگ ۲۶۷ ـ ر): قدبین الحاکم وانه هوالشارع فشرع فی‌ابحاث الحکم وقدلزم مما بین ان‌الحکم انما هوالحکم الشرعی فاخذیتکلم فی حده و اقسامه ومسائل یتعلق باقسامه فهذاحده قیل‌هوخطاب الله ... ولوقال بفعل المکلف لکان احسن لیتناول مالایعم من احکامه کخواص (کلمه اخیر راده صفحه بعد است که درنسخه نیست).

[۱۹۱۵]

نسخه شمارۀ ۷ (ص۱۵۲ ـ ۶۰۹) دفتراست.

شرح‌الفوائد الحکمیه (عربی)

ازشیخ احمدبن زین‌الدین احسائی (م‍ـ۱۲۴۱)

وی نخست رساله‌ای شامل ۱۲ فائده حکمی نوشته و سپس رساله‌ای دیگر درشرح آن پرداخته است .

رساله حاضر نسخه ایست ناقص وبدون سروته که بیشتر رساله را از آخر فاقداست نخستین فائده‌ازفوائداحسائی «فی‌ذکر تفصیل‌الاوله الثلاثه»است ونسخه ما ازشرح این‌فائده اولی آغاز شده‌است وتا اندکی ازشرح فائده دوم « فی‌معرفة ـ الوجود» را دارد .

سیدمحمد حسین شهرستانی ومولی کاظم سمنانی (شاگرد احسائی) نیز فوائد حکمیه را شرح کرده‌اند .

احسائی خود رساله‌ای دیگر نیزدرشرح فائده‌نخستین نوشته است که‌بچاپ رسیده . .

رجوع شود به‌ذریعه ۱۳ : ۳۸۷ فهرست‌مؤلفات‌احسائی ۲ : ۱۷ و ۱۹ فهرست دانشگاه۱۱ : ۲۰۰۵ حقوق : ۳۷۸ .

آغاز: قلت‌الفائدة الاولی فی‌ذکر تفصیل الادله الثلاثه . اقول یعنی فی‌ذکر بیان اقسامها وانها تنقسم باعتبار انواعها الی ثلثه‌اولها ..

پایان: فلووصف نفسه به‌الحمر اشابهه الزنجفر ولو وصف نفسه بالبیاض ..

[۱۹۱۵]

نسخه شمارهٔ ۸ (ص ۵۵۲ ـ ۶۰۹) دفتراست بخط نسخ .

الدرر المنظومه **(عربی)**

شرح است برارشاد علامه حلی (م ـ ۷۲۵) ازمحمدبن محمد طاهر تنکابنی مازندرانی ازفقیهان شیعه قرن۱۳ (وشاید اوائل۱٤) وازشاگردان شیخ‌محمدتقی نوری (م ـ ۱۲۶۳) پدرحاجی میرزا حسین نوری صاحب مستدرک‌الوسائل (م ـ ۱۳۲۰) .

شیخ محمدتقی شرحی مبسوط بر ارشاد علامه دارد که بنوشته ذریعه (بنقل ازحاجی نوری دردارالسلام) کتابهای طهارت وصلوة و زکوة تاحج آن از تألیف خارج شده وازشاگرد خود (مؤلف کتاب حاضر) خواسته است انظار و آراء اورا درجمیع احکام میاه ، مطهرات ، نجاسات ، طریق تطهیر نجات ، احکام ظروف اصل اولی دراشیاء ودیگر احکام ومسائل کتاب طهارة که در کتاب استاد پراکنده بوده دراین رساله گرد آورده .

تنکابنی میگوید «این آراء وفتاوی که دراین رساله گـرد آمده در ۷۰ هزار بیت از کتاب استاد متفرق بود ، ومن آنهارا گرد آورده‌ام» .

مؤلف دردیباچه مفصل این رساله از استاد خود با تکریم وتجلیل فـراوان یاد وسبب تألیف این رساله ونام آنرا بیان داشته .

درذریعه و کشف‌الحجب ازاین رساله (نه‌بنام الدررالمنثوره و نه بنام شرح ارشاد) یادنشده‌است،ترجمه مؤلف وسر گذشت اورا نیز تاکنون درجایی ندیده‌ام .

برای ترجمه شیخ محمدتقی نوری رجوع شود به اعیـان‌الشیعه ۴۴ : ۱۳۶ ومستدرك الوسائل ۳ : ۸۷۷

آغاز: بسمله ، وبه‌نستعین . الحمد لمن جعل‌الشمس ضیاء وبرهانا و قدرها تقدیراً وصیرا لقمرنوراوحسبانا وسخرها تسخیرا و رفع السماء بقدرته و صیرهـا ذات ابواب وبسط‌الارض برافته وجعل فیها الانتقال والانقلاب و دحیها ... اما بعد فیقول‌العبد المفتقر .. محمدبن محمد طاهرالمازندرانی ...

آغازشرح : النظرالخامس فیما یحصل به الطهارة . . . الظاهران غرضه من الطهارة هوالطهارة ...

انجام : والخمر والفاره والمیتة ومامات فیه الوزغ والعقرب قدمر تفصیل ذلك فی‌بحث‌الاسآر فلا نعیدالکلام وان‌شئت الاطلاع فارجع.النظرالسادس یتبـع الطهارةالنجاسات.

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۲–۱۱دفتر) است. (بخط‌شکسته نستعلیق ریز، متقارب‌السطور والکلمات ولی خواناوخوب)

احمدبن علیمحمد رشتی مورخ ۱۲۲۰.

تفسیرسورهٔ طارق (عربی)

از صدرالمتألمین محمدبن ابراهیم شیرازی.

آغاز: بسمله، هوالله ثقتی وعلیه توکلی و به اعتصامی و فیه عن شر خلقه احتجابی و هو ملجائی عند اضطراری و مآبی، اما بعد حمد الله ملهم الحق والصواب...

پایان: و حرر هذه‌السطور احمد بن علی محمدالرشتی فی مدرسة نماورد من مدارس دارالسلطنه اصفهان صانهاالله عن‌الحدثان فی‌اوان تحصیله جعل‌الله عین عقله‌مکحلة‌بنورالهدی‌و کشف عنها غشاوة الامتراء فی‌ثامن شهر شوال‌المکرم لعام الف وماتین وعشرین ... الحمدلله الذی وفقنی علی مقابله هذه النسخه مع‌النسخه التی قوبلت مع‌نسخه الاصل والصلوة علی‌خیرخلقه وآله اجمعین.

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ٤دفتر (ص۱۳ دفتر) است.

تفسیر سورهٔ جمعه (بخشی‌از ...) (عربی)

صدرالمتألهین شیرازی (م–۱۰۵۰)

آغاز: بسمله، اعلم ان‌الموجود اماموجود بذاته قیوم بنفسه واما موجود بغیره قائم بماعداه فالاول هوالله تعالی وله‌الاسماءالحسنی ...

انجام : فقد جاء هم بشیر و نذیر ولیهلك من هلك عن بینه و یحیی من حی عن بینه من افادات صدر المحققین و العرفاء ره فی تفسیر سورة الجمعه اللهم اهدنی الی صراط السوی .

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ٦ (٢٤٣ دفتر) است . بخط احمدبن علیمحمد رشتی

بخط احمدبن علیمحمد رشتی .

تفسیر سورة سجده (بخشی از ...) **(عربی)**

از ملاصدرا شیرازی .

این بخش تفسیر این آیه است :

« ولنذ یقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون » .

کاتب آیهٔ شریفه را با خط ثلث درشت بالای صفحه نگاشته و در ذیل آن نیز حاشیه‌ای را که ملاصدرا بخط خود در کنار تفسیر این آیه نوشته بود ومعادل ۸ سطر این نسخه است نقل کرده .

آغاز: (پس از آیه) : اختلف المفسرون فی ماهو المراد من العذاب الادنی ...

پایان: بقول القائل افعل کذا لعلك تظفری جنك معناه افعل فعلك..و بقولك هکذا بخط الشریف وما کتب علیها .

در کنار این نسخه اشعاری بفارسی از : سیدرضا فانی ، جامی ، انسی، فخری، اهلی ، فرخ رشتی، یتیمی ومیر نجاة و درصفحه مقابل آن اشعاری بعربی از شیخ بهائی و سخنی از شیخ نجم الدین کبری در تقسیم فقر بنقل از کشکول بهائی نوشته شده .

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۸ (٢٤٦ دفتر) است باهمان خط .

تفسیر سورهٔ یس (بخشی از ...) **(عربی)**

از ملاصدرا شیرازی . این بخش تفسیر آیهٔ «وآیة لهم الارض المیتة احییناها...» است و در اثبات حشر و معاداست .

آغاز: لماکانت مسئله المعاد وحشر الأجساد و حضور العباد بابدانهم الاخرویه من عظام ارکان الاعتقاد ... کرر الله ذکره فی القرآن ..

پایان: فقال وجعلنا منها جنات من نخیل .

در کنار این نسخه فقره‌ای دیگر از تفسیر سورهٔ یس صدرا متعلق به آیهٔ «وماعملته ایدیهم...» وروی صفحه مقابل آن فقره‌ای دیگر از آن متعلق به آیه وضرب لنا مثلا ونسی خلقه ... وفقره‌ای ازعلم الیقین فیض کاشانی در باب معاد و گفتاری از میرمحمدباقر داماد باعنوان «استشراق» و سطوری از کشکول شیخ بهائی بخط کاتب دفتر نقل شده .

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۹ (۲۴۷ - ۲۴۸ دفتر) است .

تفسیر سورهٔ یس (بخشهایی از ...) **(عربی)**

ازصدرالمتألهین شیرازی . این بخشها متعلق به تفسیر آیه « اولیس الذی خلق السماوات...) است .

آغاز: ظل فرشی لتمهید نورعرشی وفی قوله ان یخلق ...

پایان: وقد قیل صدور الاحرار قبور الاسرار.

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۱۰ (ص۲۴۹ دفتر) است .

شرح اصول کافی (بخشی از ...) **(عربی)**

ازملاصدرا شیرازی .

این بخش شرح روایتی است از امام‌موسی(ع) در تفسیر «ومنهم من یستمعون الیك ..» کاتب بالای این نسخه نوشته «فی بیان افضلیة السمع والبصر» . در کنار نسخه حاشیه‌ایست که زیر آن نوشته : کذا سمعت میرزا محمدحسین .

آغاز: (بسمله) قوله علیه‌السلام قال (منهم من یستمعون ... اعلم ان الکفار فی الآیة ...

پایان: غیر سدید کمالایخفی علی اهل البصیرة .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۱۱ (ص ۲۵۰ – ۲۵۳) دفتر .

تفسیر سورهٔ یس (بخشی از ...) **(عربی)**

ازصدرالمتالهین شیرازی . دراین بخش بتفصیل دربارهٔ معادسخن گفته‌شده.

آغاز : موعد تحقیقی ان الاعتقاد منافی امرالاعاده هوان المعاد فی المعاد هوالانسان بمجموع النفس والبدن ...

پایان: ومازادهم الحکمة الاسفها .

پس از پایان این بخش باز فقره‌ای دیگر از آن تفسیر متعلق به آیه «انما امره اذا اراد شیأه..» نقل‌شده .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲۱۲ (ص ۲۵۴ – ۲۶۲) دفتراست .

تفسیر سورهٔ سجده (بخشی از ...) **(عربی)**

از صدرالمتالهین شیرازی .

آغاز: حکمة قرآنیه اعلم ان علم المعاد من اعظم امهات الایمان واصوله .

پایان: ریاض الجنان ولاتجعل قبرها حفرة من حفرالنیران .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ۱۴ (ص ۲۶۲ ـ ۲۷۳) دفتراست .

اساس الاقتباس (بخشی از ...) **(عربی)**

ازخواجه نصیرالدین طوسی . بکوشش مدرس‌رضوی بطبع‌رسیده است .

ذریعه ۲ : ۵ مشار : ۸۱ آثار واحوال : ۲۴۰

آغاز: قال المحقق الطوسی قدس سره فی‌الاساس ، فصـل دوازدهم درکلی بحسب‌این‌صناعة درباری ارمیناس گفته‌ایم آن‌قضیه بود که محمولش یك‌یك‌شخص را ازاشخاص موضوع متناول بود وآنجامیان . .

انجام : صورت وطبیعه وقوت درعلم طبیعی با آنکه بحقیقت هرسه‌بحسب ذات یکی‌اند وآن‌حدود حدود مفهومات مختلف‌باشد که ازاین اعتبارات‌لازم آید این است تمامی سخن درحد .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ۱۵ (ص۲۷۴ ـ ۲۷۵دفتر) است

شرح اربعین قاضی‌سعید قمی (بخشی از ..) **(عربی)**

قاضی سعید قمی شرحی بر چهل حدیث تهیه نموده کـه چندبار بچـاپ رسیده است .

آغاز: الجملة الرابعه فی‌ابانة کون‌المراد بالرب هوالمسمی بالاسماءالالهیة اعین‌الذات الاحدیه‌المحضه یحتاج توضیح ذلك الی ذکراصول ، اصل اعلم‌ان‌لکل شیٔ فی‌هذا العالم‌المسمی بعالم‌الملك جوهراملکوتیاومثالا باطنیا . .

انجام : ظهورسیدالمرسلین بمرتبتین هماالسنتان‌احدیهما السنةالملکوتیة التی‌هی‌سبعةالاف سنه والحمدلله ولی‌الفضل والمنه اربعین قاضی سعید .

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۱۶ (ص۲۷۵ ـ ۲۷۶) دفتراست .

تفسیرسورهٔ جمعه (بخشی از ...) **(عربی)**

ازصدرالمتالهین شیرازی (م ـ ۱۰۵۰) .

رجوع‌شود به‌الذریعة ج ٤ : ٣٤٤ وفهرست عربی‌مشار : ٢٠٥ .

آغاز: الاشراق‌العاشر فی‌سرالاسبوع ولمیة وضع ایامها اعلم ان کل وضع من‌الاوضاع اذالم یطلع علی سره‌العقول البشریه فلابدفی ادراك ...

پایان: ای‌سرذلك وحقیقته .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۱۷ (ص ۲۷۶ – ۲۷۷) دفتراست .

تفسیرسورهٔ طارق (بخشی از..) **(عربی)**

ازصدرالمتالهین شیرازی . یك‌نسخه‌کامل ازاین‌تفسیر باشماره یکـم همین دفتر ، دراین‌فهرست یادشد . این‌بخش متعلق به‌آیه « یوم تبلی‌السرائر» است.

آغاز: تبصرة اعلم ان‌الله خلق‌للوجود ثلثه‌عوالم ...

پایان: الی هذه‌المنشآت الثلاث والله اعلم بسرائرالامور .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۱۸ (ص ۲۷۷ – ۲۷۸) دفتراست . این‌نسخه درحاشیه این‌دوصفحه و بخط کاتب‌دفتر است .

حل شبهات ابلیسه **(عربی)**

بخشی‌است‌ازریاض‌السالکین سیدعلیخان‌مدنی(م‍-۱۱۲۰)درحل‌شبهات‌معروف به‌شبهات ابلیسیه .

وی‌نخست سخن فخر رازی را نقل کرده وسپس‌خود به‌حل ورد یکایك آنها پرداخته‌است .

(رجوع شودبه ص ۳۲۸ همین‌فهرست) .

آغاز: فی‌شرح الصحیفه قال شارح‌الاناجیل فاوحی‌الله الی الملائکة قولواله انك ...

پایان: وذلك لقصورهم عن ادراك‌الحكمة العليه وعجزهم عن دفع الاوهام والشبهات فی‌الامور العقلیه والله یقول‌الحق وهو یهدی‌السبیل •• نقلته‌من‌الروضه السابعه عشره من‌ریاض السالکین فی‌شرح صحیفه سیدالعابدین .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۱۹ (ص۲۷۷ ــ ۲۷۸) دفتراست .

تفسیر سورهٔ یس (بخشی از ..) **(عربی)**

ازصدرالمتالهین شیرازی . فقرهٔ اول‌این بخش دربارهٔ شبهات ابلیسیه‌است و ملاصدرا متن‌آنهارا ازملل ونحل نقل کرده .

درهمین فهرست رساله‌ای ازملاصدرا درحل این شبهات یادشد (که بعقیده نگارنده آن نسخه خودرساله‌ای مستقل نیست بلکه‌بخشی‌است ازیکی از مصنفات صدرا) ملاصدرا درتفسیرسورهٔ یس بمناسبت ازاین شبهات‌یادکرده‌اما‌برخلاف آن‌جا دراینجا بااختصار سخن گفته است

آغاز: واختلف الفقهاء فی‌ان کفره اهوقبل‌الاباء عن السجده... وفیه‌قولان... حکی محمدبن‌عبدالکریم الشهرستانی. .

پایان والکفرعین‌الجهل ...

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲۰ (ص ۲۷۹ــ۲۸۱ دفتراست .

رساله اصول دین (ملتقطات از...) **(عربی)**

میثم‌بن‌علی‌بن میثم بحرانی (م‍ـ۶۷۹) رساله‌ای‌داردراصول‌عقائدباعنوانهای قاعده‌ورکن وبحث . احمدبن‌علی محمد رشتی‌کاتب این دفتر که در مدرسه ــ نیماورداصفهان درس‌میخوانده‌خوداین رساله راازرسالهٔ ابن‌میثم برگزیده . نسخه

ناقص است و چنین پیداست که در آغاز درست بوده و بعداً از دفتر بیرون کشیده شده .

آغاز: بسمه تعالی هذا ملتقطات التقطتها من الرساله الموضوعه فی معرفة اصول الدین التی صنفها میثم بن علی بن میثم البحرانی قال الرکن الثالث فی صفاته الثبوتیه وفیه ابحاث البحث الاول فی کونه تعالی قادراً مختاراً...

انجام: لو انفرد لا یستقل وحده شخصاً بتحصیل معاشه وبتولی تدبیر امره من غیر مشارکة ومعاونه علی ضروریات حاجة بل لابدله .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۱۳ دفتر (ص ۲۹۰ دفتر است) .

حل وتوجیه حدیث سهو النبی (ص) درنماز (فارسی)

حل اشکال حدیث مروی در صحیح بخاری که «حضرت سهو فرمودند سلام دادند . یاران پرسیدند ازنماز کم شد و یاسهوی رخ داد حضرت پاسخ فرمود «کل ذلك لم یکن» .

آغاز: نقل فرمودند که در سلطانیه درزمانی که سلطان محمد خدا بنده پی مدرسه را .... ساخت در یك صفه شیخ العارفین و الواصلین و العاشقین شیخ صفی الدین درس تصوف میفرمودند ... و درصفحهٔ دیگر درس صحیح بخاری میگفتند وبه این حدیث رسیدند که حضرت سهو فرمودند وسلام دادند...

انجام: درتوجیه جمع بین الاخبار همیشه مدار براین است والله تعالی اعلم.

در کنار این نسخه، نوشته ایست ازاحمدبن علی محمد رشتی کاتب دفتر بنقل از استاد خود احمدبن زین العابدین درباره حدیث مزبور .

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۱۹ دفتر (ص ۲۹۱–۲۹۷) دفتر است ،

علم الواجب (رساله ...) **(عربی)**

ازمولی شمساء گیلانی (قرن ۱۲ـهـ) .

وی در این رساله برای علم سه قسم یاد کرده حصولی و حضوری و قسمی دیگر (که نامی برای آن یاد نکرده) وعلم باری تعالی را ازقبیل سوم و بمعنی «ما یترتب علیه الانکشاف» دانسته وحقیقت را نیزهمین میداند . وی میگوید علماء فلاسفه این قسم سوم را نشناختهاند زیرا آنکه راشنیده و باآن آشنا بودهاند همان حصولی و یا حضوری ولذا قسم سوم از ذهن آنان دورافتاده و تمام اشکالات و مباحث معضله مسئله علم واجب ازهمین عدم تصور قسم ثالث برای علم ناشی شده.

ازجمله خطاهای ناشی ازاین نکته را اثبات علم تفصیلی وعلم اجمال برای باری میداند و گوید علم اجمالی علم ناقص است واثبات آن برای واجب نارواست .

شمساء درپایان رساله گوید « تحقیقی که درباب علم کردم درحقیقت شرح حدیثی است که درکافی ازصادق (ع) روایت است که ـ کان الله ولاشیٔ غیره ولم یزل عالما بما یکون فعلمه به قبل کونه کعلمه به بعد کونه » .

نگارنده گمان دارد که شمسا اصل سخن خود را از استاد خود میر داماد گرفته . زیرا میر دررساله مختصری که دراین باب نوشته (وجزء رسالههای همین دفتر خواهیم شناخت) برای علم معنی یاد کنند که یکی از آنها « مبدأ انکشاف علوم» است وعلم رابهمین معنی ازصفات باری وعین ذات او میداند . میرداماد در توضیح سخن خودچنین گوید :

« فالاثر المترتب علی منشأ الانکشاف فینا مرتب فی الواجب تعالی علی نفس ذاته فیکون ذاته بهذا الاعتبار علما وعالماً وعلمه بهذا المعنی لایکون عین معلوماته الممکنه المعلوله بل عین احد معلوماته وهوذاته » .

دربارهٔ علم اجمالی حق میگوید علم اجمالی حق علم کامل و کمالی بالفعل است و آنچنانکه توهم شده بالقوه نیست.

شمسا رساله‌ای دیگر برهمین اساس که در این رساله تأسیس کرده نوشته و آنرا باسخنان ائمه(ع) ساز گار ساخته همچنانکه در این رساله باجمال آورده و ما بدان اشارت کردیم. رساله مزبور در دانشگاه باشماره ۹۲۶/۱۵ موجود است اما در ذریعه نیامده رساله حاضر نیز درمرکزی دانشگاه باشماره ۳۰۴/۲ وجود دارد.

در ذیل نسخه دانشگاه اضافه‌ایست از شمسا که وی در آن بنام خود و نام رساله تصریح کرده و مؤسسه در ۱۰۴۸ درمکه از تألیف آن فراغت یافتم.

شمسا دریکی از نسخه‌ها(ش : ۱۷۰۱/۳) نیز از این رساله‌بانام رساله برهانیه یاد کرده.

رجوع شود به ذریعه ۱۵: ۳۲۵ فهرست دانشگاه ۳: ۳۰۷ـ۳۰۸.

آغاز: العلیم الحکیم، الحمد لله خالق الکل وهادی السبل والصلوة والسلام علی افضل الرسل والکل فی الکل وآله المعصومین. من الخطا و الزلل فی العلم والعمل اما بعد فیقول افقر خلق الله الغنی محمد الشهیر بشمساء الجیلانی رساله مفردة فی اثبات ان علم الواجب ... بالاشیاء قبل وجودها ... اعلم ان العالم بالغیر قسمان احدهما العالم الذی یکون علمه زائد اعلی ذاته ...

انجام : البرهان علی ان الاول من الصفات السلبیه بالنسبة الی ساحة عزجل شانه والثانی من الصفات الثبوتیه الکائنة الثابته فی مرتبة ذاته بذاته مع قطع النظر عن کل ماعدا ذاته تمت الرساله سنه ۱۲۲۰.

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲۰ دفتر(ص ۲۹۷ دفتر) است

علم الواجب (رساله در ...) **(عربی)**

از میرمحمد باقر داماد استرابادی (م ـ ۱۰۴۱)

دربارهٔ این رساله در ذیل رساله قبل سخن گفته شده.

این رساله در ذریعه نیامده .

رجوع شود به‌همین فهرست ص۵۸۱ فهرست دانشگاه ج۳ : ۳۰۸ و ۲۱۰۸:۱۱ و ۸۸۰:۹ .

آغاز: بسمله ، بعد ، الحمدلمفیض العلم وواهب العقل والصلوة علی افضل ـ المرسلین وآله الطاهرین فیقول احوج الخلق الی الله الغنی محمد بن محمد لمدعو بباقر الدماد الحسینی عامله الله بالحسنی وضابط مقام التحقیق فی علم الواجب ان ...

انجام : عالم بحقایقها غیر محتاجه الی اکتاب وفکر اصلا فان العلم الحاصل بالاکتاب انما یکون علما تجدد یا والعلم التجددی لایکون علماحضور یا بل کما ارتکب من مدارك المحققین علی مافصل فی زبرهم فتامل تمت

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۲۱ (ص۳۰۱ دفتر) است .

جامع الشتات (بخشی از...) (عربی)

ازمولی اسماعیل خواجویی (م ـ ۱۱۷۷).

وی این کتاب را بشیوهٔ کشکول شیخ و در فوائد متفرقه و نـوادر نگاشته است واین بخش حاضر حدیثی نادر است درباب زیارت قبور .

آغاز: فی باب الزیارة فی روایة رواه الشیخ فی التهذیب عن المفضل بن عمر الجعفی قال دخلت ..

درصفحه مقابل این صفحه نیز فوائدیست که کاتب از جامع الشتات التقاط کرده و درپایان آن نام خودرا گذارده درص بعد نیز قطعه‌ای بفارسی ازجامع الشتات و اشعاری از: هادی بیك ، امیدی تهرانی ، محتشم و کمالی آورده .

روی ۲ صفحه بعد نیز ابیاتی از اسماعیل میرزا ، میرزا اسماعیل وآذری وآقا سیدرضا اصفهانی متخلص به فانی است .

آغاز: نجیبك یااخاالحقیقه بان‌مجرد کون‌الجوهر ماخوذافی ...

انجام : الی‌حله سبیلا ولم یاتوابشیء . . . الاقلیلا امور عامه اسفار .

[۱۹۱۶]

نسخه شماره۲۲ دفتر(ص۳۰۹ دفتر)است .

اسفار (بخشی‌از ...) **(عربی)**

بخشی از امور عامه اسفار صدرا شیرازی است.

[۱۹۱۶]

نسخه‌شمارهٔ۲۳دفتر(ص۳۰۱ـ۳۱۱ دفتراست) بخط و قلمی کاتبی دیگر بجز احمد بن‌محمدعلی رشتی‌کاتب دفتر .

جفر(رساله در...) **(فارسی)**

بخشی از یك رساله است درجفر. دراین‌بخش اقسام بسط بیان‌شده‌است.

آغاز: فی اقسام‌البسط ، بسط عدالت و تحصیل آن به دو نوع است یکی دربسط حروف ودیگری در ترکیب وهردو مستحسن‌ومعمولست اماطریق اولی‌آن است که‌هرکلمه که خواهی حرف‌آنرا قطع کنی...

انجام : م ج ح ع م ف در انتهی مااردنا نقله.

[۱۹۱۶]

نسخه شماره ۲۴ (فهرست ۳۴۴ـ۳۶۴ دفتر) است.

ومضة‌النور **(عربی وفارسی)**

از حاج میرزا محمد اخباری (م ـ ۱۲۳۲) در عرفان . این کتاب دارای یك‌مقدمه (شامل ٤رکن) و ده تجلی است .

تجلی‌اول ـ میقات نقطه .

تجلی دوم ـ میقات الف .

تجلی سوم ـ تطبیق اسم‌الله‌ بامحمد.

تجلی چهارم ـ در اسراء نام علی

تجلی پنجم ـ در میقات زار

تجلی ششم ـ میقات الحار و بیان الثمانیات الالهیات .

تجلی هفتم ـ میقات باء و بیان عشریات.

تجلی هشتم ـ میقات لام و بیان ثلاثیات .

تجلی نهم ـ میقات میم و بیان اربعینیات.

تجلی دهم ـ میقات عین و بیان سبعینیات .

تجلی یازدهم ـ بیان تطبیق عوالم .

تجلی ۱۱ که بیشتر به فارسی است دارای عنوانهای گلبن ، گلشن ، گلگشت ، گل و غنچه است .

حاج میرزا محمد اخباری در عرفان دارای شیوه ایست خاص شبیه بشیوهٔ شیخ احمد احسائی (۱) و او در این رساله از احسائی بدینگونه یاد کند « استادنا فی علم الیقین احمد بن زین الدین » .

در این رساله در تطبیق اسماء‌الله و اسماء ائمه کوشیده و اشکالی خاص رسم کرده.
چند مثنوی نیز بفارسی از سروده های خود آورده که عنوان یکی از آنها «مثلث الاسماء الحسنی» و آغاز آن چنین است :

این مثلث را که من پرداختم — از کلام جان جانان ساختم
غالب اسماء حسینی زین نظر — گشته زین شکل مثلث جلوه گر

۱ ـ از برخی از نوشته‌های پراکنده دفتر پیداست که احمد بن علی محمد رشتی کاتب این رساله‌ها یکی از شاگردان احسائی بوده .

در کنارهای نسخه حاشیه هایی است با نشان «منه» .

نسخه حاضر فاقد دیباچه و خطبه است واز آغاز مقدمه شروع میگردد. واین نگارنده تا این لحظه نسخه‌ای دیگر ازاین کتاب ومضة النوراحسائی بدست نیاورد.

آغاز: مقدمه باید دانست که قطع سبیل معرفت بغیر ازپای مجـاهده و بال مساعده... صورت پذیر نمیگردد وثانی تالی اول. الذین جاهدوا فینالنهدینهم سبلنا.. ومجاهده متوقف برعلم وعلم برعقل است ...

انجام : المربوبیه ودویم قوله(ع)العقل نوریفرق به بین الحق والباطل هذا آخر مـا نقلناه من و مضة النور من مؤلفات مولانا حـاجی میرزا محمد سلمه الله تعالی .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارۀ ۲۵ (ص ۳۷۴ دفتر) است بخط همان احمدرشتی .

جواب سؤال (رساله در...) **(فارسی)**

پاسخی است ازمولی محمدباقر مجلسی به این دوسؤال ذیل که بنوشته خود مجلسی در آغاز جواب، مرد عزیزی جواب آنهارا از اوخواسته .

مسئله اولی - دربارۀ طریقۀ حکما وحقیقت و بطلان آن .

مسئله دوم - طریقت مجتهدان واخباریان وبیان حقیقت دراین باب .

مجلسی درپاسخ سؤال دوم گوید « مسلك فقیر دراین باب وسط است ..»

کاتب دفتر این جواب وسؤال را ازرساله فارسی مجلسی نقل کرده .

آغاز: قال شیخنا المجلسی فی رسالته بالفارسیه مانصه امابعد چنین گوید.. محمد باقربن محمدتقی که این دوکلمه ایست درجواب مرد عزیزی که ازاین فقیر نموده بود .. چون درنامه گرامی مطوی و مندرج ساخته بودند کـه درین زمـان

غیبت شیعیان را اشتباه بسیارعارض میشود واظهار فرموده بودند کـه برین داعی دراین مراتب باعتبار کثرت تتبع اخبار ائمه (ع) وثوقی دارند ... وتفاصیل آنـرا حواله بکتب مبسوطه خود مینماید . .

در کنـار این صفحه فقراتی از کتـاب تسلیه‌القلوب الحزینه درمحاکمه‌بین مجتهدان واخباریان‌ازحـاج میرزا محمد اخباری نقل شده و کاتب درپایان آن نوشته «من التسلیه» .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲۶ (ص۳۷۴ ـ ۳۷۵) دفتراست .

گفتاردرفرق بین‌اخباری ومجتهد (عربی)

ازشیخ سلیمان‌بن عبدالله ماحوزی بحرانی درپاسخ‌سؤالی که‌از او دربن‌باب شده است .

کاتب نسخه این پرسش وپاسخ‌را بطورخلاصه نقل کرده است .

آغاز: قال شیخنا ... مسئلة ماالفرق بین‌الاخبـاری والـمجتهد . الجـواب مضمارالکلام فیها واسع ...

پایان: ووافقهم بعض‌المجتهدین کالمرتضی‌وهوالاقوی‌عندی‌انتهی کلامه‌ملخصا.

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲۷ (ص۳۷۵ ـ ۳۷۹) دفتراست .

منیة الممارسین (بخشی از ...) (عربی)

شیخ عبدالله‌بن‌صالح‌بن جمعه لاهیجی (م ـ ۱۱۳۰) منیةالممارسین‌رادرپاسخ سؤالات شیخ یـاسین نگاشته وسؤال‌هفتم شیخ‌یاسین ازفرق‌بین مجتهدواخباریست ونسخه حاضرجواب به‌این سؤال هفتم است .

شیخ عبدالله لاهیجی ۴۰ فرق بین مجتهد واخباری یاد کرده وچنین پیداست که‌خود برای اخباریان‌سخت‌تعصب میورزیده است .

کشف الحجب : ۵۷۰

آغاز: قال شیخنا الصالح ... المسئلة السابعه قال مـا الفرق بین‌مجتهدنا و الاخباری . اقول‌الوجوه کثیرةالاول ان‌المجتهدین‌یوجبون الاجتهاد عیناًاوتخیراً والاخباریون‌یحرمونه و یوجبون‌الاخذ بالروایه عن‌المعصوم»...

پایان: والاخباریون لایجیزون ذلك الافیمادل علیه کلام اهل العصمه انتهی کلامه ملخصا .

درحواشی این صفحات ، فقراتی مناسب با این‌باب از کتـاب تسلیةالقلوب الحزینه اخباری ، منبع‌الحیوة فیض کاشانی ، مصادرالانوار اخباری نقل‌شده .

[۱۹۱۶]

نسخهٔ شمارهٔ ۲۸ (ص۳۷۹ ـ ۳۸۱) دفتر است .

هدایه (بخشی از ...) **(عربی)**

ازامیر حسین‌بن شهاب‌الدین (م ـ ...) درمحاکمهٔ بین مجتهد واخباری و بیان وجوه اختلاف‌آنها المقدمه فی‌بیان اصل‌الاختلاف و تحریر محل‌النزاع بین من‌قال بالاجتهاد وبین من‌نفاه وتحقیق معنی‌العلم شرعا رفیها بحثان‌الاول فی‌بیان اصل‌الاختلاف ..

پایان: وتمسك فی‌اصول دینه وفروعه‌بما وردعن آل‌الـرسول والله الموفـق والهادی انتهی کلامه زید اکرامه .

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۲۹ (ص۳۸۱ ـ ۳۸۲) دفتراست .

الذخیرة الباقیه (بخشی از...) (عربی)

سیدعبدالله شوشتری (م - ۱۱۷۳) نخست الانوارالجلیه را درپاسخ المسائل الجبلیه الاولی نوشته وذخیره الباقیه را درپاسخ «المسائل الجبلیه الثانیه». مسائل جبلی دوم را که سیدعلی علوی نهاوندی بروجردی نوشته وازشوشتری پاسخ خواسته ۳۰ مسئله است برخی بفارسی وبرخی به عربی وشوشتری نیزپاسخهارا برخی بفارسی نوشته وبرخی به عربی. بنوشته صاحب ذریعه نسخه‌ای دیگرازاین رساله «ذخیرة» درکتابخانه علامه سیدشهاب الدین مرعشی بخط آقا سید ریحان الله بروجردی موجود است.

نسخهٔ حاضر بخشی از رساله الذخیرة الباقیه دربـاره فـرق بین محدثین و مجتهدین وبیان قدرمشترك میان آنان رجوع شود به کشف الحجب: ۲۲۰ ذریعه ۱۰: ۱۵ و ۲: ۴۲۳.

آغاز: قال السید عبدالله ... بعد کلام فی الفرق بین المحدثین ... ما لفظه والقدرالمشترك بینهما هوالعمل بالروایات...

[۱۹۱۶]

نسخه شمارهٔ ۳۰ (ص ۳۸۳ - ۳۸۵) دفتراست.

گفتاری دربارهٔ مجتهد واخباری (عربی)

ازحاج میرزا محمداخباری وکاتب دفترآنرا از تسلیة القلوب الحزینه نقل کرده است.

آغاز: وهناك وجه وفرق آخرلایدرك الا اطیف البصرودقیق النظر..

پایان: وذکرالعلامه فی النهایه ان اکثرالامامیه کانوا اخباریین.

[۱۹۱۷]

نسخه‌شماره ۲دفتر(ص۱۰۹–۱۱۴)دفتر است

رساله در حقیقة توحید (عربی)

رساله‌ایست به‌شیوهٔ عرفان دارای ده‌تمهید .

در تمهید ۶ حضرات خمس را بیان داشته و درتمهید ۷ از فصوص و فکوك (از مؤلفات صدرالدین قونوی) یادکرده از دیباچه برمیاید که مؤلف رساله میخواهد مبانی عرفانی را به‌حدیث وقرآن سازگار سازد ودر اثناء کتاب (درضمن تمهید ۶)

از شرح‌الحدیث یاد کرده وروشن‌نیست که مقصود او شرح کدام‌حدیث‌است بنظر میرسدصاحب‌رساله درنظر داشته دوبیت‌معروف‌ومنسوب به‌محیی‌الدین اعرابی راشرح کند واین ده‌مقدمه را برای بیان آن اشعار تمهید کرده.وی‌پس از بیان‌تمهیدات میگوید:

« واذا عرفت‌هذه المقدمات‌سهل‌شرح قول‌الشیخ‌رضی‌الله‌عنه :

کنـا حـروفـا عالیات لم‌نقل — متعقلات فـی‌ذری اعلـل‌القلـل

انا‌انت فیه‌ونحن انت وانت‌هو — والکل فی‌هوهو فسل عمن‌وصل»

آغاز : بسمله ، الحمدلله‌الذی‌علم‌فی‌الاول بعین‌علم بذاته جمیع ماظهرویظهر الی‌الابدمن مکوناته علی نحوماهی علیه من صفاته علما کلیا بکلیاته جزئیابجزئیاته و کیف لاوانه مع‌الکل حاضر لانه‌الاول والاخر والباطن والظاهرو کل من‌لایخفی علیه‌شی ممافی . . . ثم لاتیقید علمه بزمان اومکان فیحجبه‌حاجب ویستره . . . اما بعد فاعلم‌ایهاالمشوق الـی حقیقة التوحید الذی یطابقه الکتـاب‌المجید و یوافقه صحیح الخبر بالجواب‌العتید . . .

انجام : استبان تقریره من عجالة الوقت فان المقـام مقام الایماء فلایحتمل تمام الاستیفاء و الحمد لفیـاض فنون الالاء لاسیما تحقیق حقایق الاشیاء والحمدلله رب العالمین .

[۱۹۱۷]

نسخه شمـاره ۳ دفتر (ص۱۱۴–۱۲۵ دفتر است)

رساله درسیر وسلوك **(عربی)**

مؤلف دردیباچه این رساله خطاب به یکی از دوستان نوشته که « درخواست تورا اجابت کردم واین رساله را دربیان کیفیت سلوك بسوی حق ساختم»

آغاز: الحمدلواهب العقل ومبدعه وناصب النقل و مشرعه له المنه والطول و منه القوة والحول لااله الا هو رب العرش العظیم وصلی الله علی من اقام به اعلام الهدی اجبت سؤالك ایها الولی الکریم والصفی الحمیم فی کیفیة السلـوك الی رب العـزه والوصول الی حضرته والرجوع من عنده الی خلقه ...

انجام : یتعلق به دایما ابدافلمثل هذا فلیعمل العاملون وفی مثله فلیتنافس المتنافسون والحمدلله ... والصلوة علی سیدنا محمد و آله المرسلین و اصحابه اجمعین انتهی ، تم ...

[۱۹۱۷]

نسخه شماره ٤ دفتر (ص۱۲٦ ـ ۱۳۵ دفتر) است.

الحکمة المتعالیه (بخشی از ...) **(عربی)**

بخشی است از سفر اول از اسفار اربعه (الحکمة المتعالیه) ملا صدرا شیرازی . (م ـ ۱۰۵۰)

آغاز: بحث وتلخیص و اماما تمسك به شیخ الاشراق فی نفی تحـقیق الوجود

من‌ان‌الوجود لوکان حاصلا فی‌الاعیان فهو موجود لان‌الحصول هوالوجود ...

انجام : لاعروض له‌للمهیة فی نفس‌الامر بل فی‌الاعتبار الذی بحسب تحلیل العقل.منقول من‌سفرالاول من اسفار الاربعه ...

[۱۹۱۷]

نسخه شماره ۵دفتر (ص۱۳۸ - ۱۶۱ دفتر) است .

تفسیرسورة زلزال (عربی)

از مولی صدرا شیرازی .

این تفسیر جزء مجموعه تفاسیر صدرا و نیز بطور جداگانه چاپ‌شده.

الذریعه ج۴ : ۳۳۸ طوس ج۴ : ۴۲۱ فهرست‌عربی مشار : ۲۰۳ .

آغاز: بسمله ، وبه نستعین اللهم اهدنی من‌عندك ... وبعد فیقول محمد بن ابراهیم معروف بصدرالدین...

الجام : سبحان‌الله فالانسان اذا انقطع وانکشف عنه‌الغطاء تجردعن‌غشاوة‌ الطبیعه‌کان الغیب له شهادة والعلم‌عینا و الخبرمعاینه.

[۱۹۱۷]

نسخه شماره۶ (ص۱۶۲ - ۲۲۵دفتر است) .

تفسیر آیه نور (عربی)

از ملا صدرا شیرازی .

این تفسیر نیز جداگانه و جزء مجموعه تفاسیر صدرابچاپ رسیده است .

رجوع شود به: الذریعه‌ج۴ :۳۳۴ فهرست‌طوس ج۴: ۴۱۸ مشار عربی:۱۹۷

آغاز : بسمله وبه ثقتی، الحمدلواهب العقل‌والخیر والوجود... وبعد فیقول الملتجی الی‌باب ربه‌الکریم محمد المشتهر بصدربن ابراهیم . . .

پایان : والشك والانحراف‌عن‌المحجه البیضاء . هذا آخر ماقصدنا ابرازه ..

کتبه محمدبن ابراهیم المعروف بالصدرالشیرازی حامدالله مصلیالرسوله مستغفرا لذنوبه فی‌شهر ربیع‌الثانی، سنةالف وثلثین، والحمدلله اولاوآخراًوظاهراًوباطناً

[۱۹۱۷]

نسخه‌شمارهٔ۷ دفتر(ص۲۲۶- دفتر) است

تفسیرسورهٔ جمعه **(عربی)**

ازمولی صدرای شیرازی برسورهٔ جمعه در دوازده مطلع

یادنامه : ۱۰۸ ، فهرست‌دانشکدهٔ‌حقوق : ۲۹٤ ، مشار عربی : ۲۰۲ .

آغاز : الحمدلواهب العقل والعلم والعقل والصلوة علی‌النبی والولی والاهل وبعد، فیقول الملتجی الی‌باب ربه‌الکریم محمد المشتهربصدرالدین بن ابراهیم الشیرازی اعلم ایهاالطالب السالك..

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ۱ دفتر(ص۱-۴۶ دفتر) است

رساله در هیئت **(فارسی)**

از ابواسحاق بن‌عبدالله خادم برهانی کوبنانی (قرن ۱۰-ه).وی این رساله رابامرحسام‌الدوله‌امیرابراهیم(ازسلسله‌امراء روزافزونی) نوشته و درپایان‌دیباچه نیزاز«دولت‌روزافزون»یادکرده و تاریخ پایان آن ۸۸٦ است. در دیباچه از امیر مزبور باتکریم فراوان یاد کند و گوید: «در مجلس منوربااملاء این‌مختصر که متضمن کلیات و مهمات علم حقیقت است قیام نمود» و از این سخن پیداست که مقصود اصلی مؤلف، نوشتن رساله‌ای درهیئت بوده و مباحث حساب و هندسه را بمناسبت درآن درج کرده است .

درمرکزی دانشگاه مجموعه‌ایست‌دارای۷رساله ازمؤلفات کوبنانی که‌تمام

آنها رابنام امیر معین‌الدین عبدالکریم و یـا بهرام روزافزون پادشاه مـازندران نوشته. وتاریخ تألیف آنها از۸٤٦ تا۸٦۸ است.

اسامی رساله‌های کوبنانی که در دفتر شمارهٔ ۲٤۱۷ دانشگاه است از این قرار است:

۱ـ شرح شمسیه نیشابوری

۲ـ حل‌مسئله اقبال وادبار ازمخترعات ابراهیم بن‌نصر بن سنان

۳ـ حاشیه شرح ملخص (در کتاب حاضر از «شرح چغمینی قاضی و حواشی آن» یادشده است.

٤ ـ شرح زیج ایلخانی خواجه نصیر، بفارسی.

۵ ـ التألیفیه درتناسب‌تألیفی بفارسی.

٦ ـ رساله درتضعیف بیوتات عرصهٔ شطرنج بفارسی.

۸ ـ شرح سی‌فصل طوسی بعربی.

رساله حاضر دارای ۳ بخش «قسم» و یك خاتمه است بدین ترتیب:

قسم اول ـ مباحث هیئت افلاك وعناصر.

قسم دوم ـ مباحث حساب وضرب وقسمت درصحاح‌وکسور بطریق‌جمل.

قسم سوم ـ مباحث هندسه،مقادیرومساحت.

خاتمه ـ دراوقات صلوة وسمت‌قبله

وی‌درپایان دیباچه‌چنین گوید:

«مامول که مقبول نظرهمایون ٦۱ گردد وثمره شجرهٔ طیبه‌مبارك نهال ابن زمان فرخ فال‌باشد ومیازآن‌ازاشراقات دولت روزافزون ملازمان‌سرادقات بارگاه حضرة ظل‌اللهی ملك اقتداری محسوب‌افتد».

ظاهراًمقصود اشاره به فرزند پادشاه روز افزونی است.درپایان نسخه (کـه

درحاشیه صفحه ٤٦ است) نوشته شده «قوبل الی...؟نسخةالاصل و قدمت الی عـالی حضرة المؤلف خلد ظلاله علی کافة المسلمین » و چون‌تاریخ موجوددر ذیل‌نسخه ۸۸٦ است معلوم میشود که کوبنانی تاسال ۸۸٦ زنده بوده‌است .

رجوع‌شودبه‌فهرست‌دانشگاه ۹ : ص‌١٠٥٤ ـ ١٠٥٦.

آغاز: لله المنه علی توالی الطافه‌الخفیه والصلوة علـی رسوله ... امـا بعد درعالی مجلس نصفت شعار عدالت پناه قلب غیاث خورشید رای کیوان جاه

آنکه‌بر نه فلك اربرق کمالی بجهد همه از بارقه‌خاطر اومکتسب است

صـاحب دیوان ممالك‌العرب والعجم سلطان اکابرالوزراء فی‌العالم المترقی امره . . .حسام الدوله‌والدنیا والدین...امیرابراهیم . . مباحثی‌از فنون علوم‌ریاضی در اثناء محاورات تحقیق میپذیرفت و بندهٔ جانی ابواسحاق کوبنانی در آن میان سخنی میگفت اشارهٔ همایون بشارة کـه هرآینه متضمن سعادات صوری و معنوی است صادر گشت تا آن تقریر درحیز تحریر درآید و فوائد آن علی‌مرور الدهور طالبان حکمت را فرا رسدباقلت‌بضاعت ... هم در مجلس منور (۱) باملاء این مختصر که متضمن کـلیات و مهمات علم هیئت است قیام نمودو کتـاب‌برسه قسم ترتیب کرد ...

انجام : ذیل‌جدول آنچه برمدخل محرم باید افزود تامدخل برماه معلوم گردد ثبت رفته مقابل هرمه‌آسانی راوالله هوالمیسر للسداد و الموفق للصواب تم فی‌جمادی‌الاولی‌سنه ۸۸٦ .

[۱۹۱۸]

نسخه شماره ۲ دفتر (ص ۴۸ دفتراست)

---

(۱) چنین پیداست‌که این رساله ، ارتجالادریك مجلس املاء ونوشته‌شده است.

آداب البحث (رساله ای موجز در...) (عربی)

رساله ایست مختصر و بگفتهٔ مؤلف «تنبیهاتی» است در آداب بحث، شامل ۶ «تنبیه».

این رساله جز آداب البحث سمرقندی و سید شریف و عضدی است و مؤلف از صاحب التلویح وشیخ الرئیس نقل کرده است و درروز سه شنبه ۱۵ صفر ۹۰۳ نوشتن آن را بپایان رسانیده .

آغاز: بسمله ، هذه تنبیهات شریفه فی آداب البحث ارجو النجاة بتحریرها یوم البعث الاول اذا ذکرت قضیه فان کان بطریق النقل فلامنع علیك باعتبار تلك القضیه اذلیس فیها حکم و هی فی الحقیقة موضوع دعواك وانما المنع فیما تدعیه من نسبة القضیه الی قائلها و یندفع بسهولة وان کنت بصدد ...

پایان: و ان الحیوان مأخوذ من بدن الانسان و الناطق من نفسه الناطقه فتأمل حتی یأتیك الیقین والله ولی المتقین تم وقت صلوة الضحی من یوم الثلاثا الخامس عشر من شهر صفر... لسنة ثلث و تسعمایه . (۱)

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص ۴۹ – ۵۰ دفتر) است و در ۸۹۹ در دارالعباده یزد بخط نستعلیق نوشته شده .

عقائد اهل سنت وجماعت (رساله در...) (فارسی)

رساله ایست (بنوشته بالای نسخه) از میرسید شریف گرگانی در بیان اعتقاد اهل سنت وجماعت وبیان مذاهب حق وباطل.

---

(۱) سه سطر آخر نسخه روی صفحه دیگر وارونه نوشته شده .

از میرسید شریف رساله‌ای «دربیان اسلام و ایمان و اعتقاد و مذاهب» در کتابخانه دانشکده (۱) الهیات جزء مجموعه شماره ۳۰۸ ج موجود است که در چند فصل است و آغاز وانجام آن که درفهرست نقل‌شده با نسخه ما مطابقت ندارد. با مراجعه آن نسخه میتوان ارتباط بین این دو نسخه را دریافت.

این رساله دارای این دوفصل است :

فصل اول دراصول اعتقادات .

فصل دوم دربیان اختلافات مذاهب .

مؤلف در فصل دوم ، سنی رامقابل معتزلی قرارداده واختلافات آنان را درمسئلهٔ رؤیت وقضاء وقدر ودیگرمسائل بدینگونه نقل کند واما ازدیگر فرق یاد نکرده جز در اواخر فصل، در مسئله امامت که از «خارجی» و«شیعی» نیز یاد کرده ودر پایان گوید :

«شیعه وخوارج هر دو برضلالت اند و مذهب حق،مذهب اهل سنت و جماعت است» .

درمراجعی که تاکنون بآنها مراجعه کرده‌ام ذکری از این رساله‌درضمن مؤلفات سیدشریف نیافتم و درهرحال با وجوداین رساله که درعقیده او صراحت دارد، آوردن قاضی نوالله‌شوشتری،شریف را درعداد علماء شیعه شگفت‌انگیزاست.

درفهرست برلن (نسخ عربی) دورساله بنام عقائداهل سنت وجماعت یا«عقائد اهل سنت‌وجماعت» یاعقاید سنیه یادشده بدون ذکرنام مؤلف

رجوع‌شودبه روضات الجنات‌ص ۴۹۷-۴۹۹ فهرست برلین ۸۴۰۵و۱۹۵۴/۷

فهرست الهیات : ۱۰و۲۱۲

آغاز: بسمله،وبه‌نستعین‌الحمدلله وسلام‌علی‌عباده‌الذین‌اصطفی‌علی‌الخصوص...

---

(۱) این‌راهنمایی‌را درگرو منت آقای‌احمد منزوی هستم .

اما بعد این رساله‌ایست در بیان اعتقاد اهل سنت وجماعت و بیان مذاهب حق و باطل فصل اول در بیان اعتقاد بدانکه هیچ بنائی ...

پایان : و مذهب حق مذهب اهل سنت وجماعت است و السلام علی من اتبع الهدی وصلی الله علی سیدنا وحبیبنا محمد وعلی آله وصحبه اجمعین تم الرساله ... لسنة ۸۹۹ فی دار العباد یزد .

[۱۹۱۸]

نسخه‌شمارهٔ ۴ (ص ۵۱ دفتر) است . بخط نسخ تحریری بهم پیوسته ومتقارب السطور بیش از یک صفحه از آخر رساله افتاده است .

رسالهٔ حرفیه (عربی)

از میرسید شریف گرگانی (م - ۸۱۶)

رساله‌ایست بسیار دقیق (و باتاسف در نسخه حاضر ناقص) در شرح حقیقه لحاظ آلی واستقلالی وفرق بین معنی حرفی واسمی .

سید شریف در این رساله از شرح بعض محققین بر مختصر ونیز از ایضاح ابن حاجب یـاد کرده و تحقیق خود را با تعریفی که از ابن حاجب برای ضمیر نقل کرده مطابقت داده است .

میرسید شریف رساله‌ای دیگر در این موضوع دارد که هردو درمرکزی دانشگاه موجوداست باشماره های ۱۵۰۷/۳و۳۴۳۱/۱۴و۱۷۷۳/۲ اما رساله‌دیگر درفهرست آنکتابخانه یکبار بانام « رساله‌درعلم آلی واستقلالی» وبار دیگر بانام «تحقیق العام بالوجه وبالشیٔ من ذلك الوجه » آمده‌است .

رجوع شود به فهرست دانشگـاه ۸ : ۱۴۶و۱۱ : ۲۳۶۹و۲۴۴۴ ، اهاورث (نسخ عربی کتابخانه دولتی برلین) شمارهٔ : ۶۵۷۶ وفهرست الهیات : ۵۴۱

آغاز: بسمله : و به نستعین اعلم ان نسبة البصیرةالیمدر کاتها کنسبةالبصر الی محسوساته و انت اذانظرات فی المرآة وشاهدت صورة فیها فلك هناك حالتان الاول ان تکون متوجها الی تلك الصورة ...

انجام : نسبة غیرمستقله وطرفانصارت النسبه الیه لتعرف حالها کذلك .. نحوقایم یستفادمنه .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۵ (ص۵۳-۶۹ دفتر)است .

خطبة البیان (عربی)

منسوب به امیرالمؤمنین علی(ع) نسخ این خطبه بغایت مختلف است .
رجوع شود به ذریعه ۷ : ۲۰۰-۲۰۱ فهرست دانشگاه ۲:۱۰۸ .

آغاز: مقدمه ، بسمله خطبة البیان الصادرة عن سیدنا . . . الحمدلله بدیع السموات والارض و فاطر هما وساطح المدحیات ووازرها و موطن الجبال وثاغرها ومفجرالعیون و باقرها ومرسل الریاح وزاجرها ...

پایان: ظهور اوقـاتها المتغیب لانه عذاب علی الکافرین و شفاء و رحمة للمؤمنین و یظهرله من العمر اربعون عاما ویمکثفیالقومثمانون عاما و قیلالهم سلاما سلاما .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۶ (ص۷۲-۸۰ دفتر است.

الدرة الباهرة فی الاصداف الطاهرة (عربی)

منسوب بهمحمدبنمکیمعروفبهشهیداول (م-۷۸۶) درسخنان کوتاهمنقول

ازپیغمبر (ص) وائمه(ع).مولی محمد باقرمجلسی این کتاب‌را جزء مآخذ خوددر بحارالانوار یاد کرده وازمؤلفات غیرمشهور شهید اول دانسته.

صاحب ذریعه نوشته‌اند نسخه‌ای از این رساله در کتابخانـه شخصی آقای محیط طباطبائی‌وجود دارد

ملاحظهٔ خطبهٔ رساله که پس از ذکر ائمهٔ اثناعشر «رضوان‌الله‌علیهم» گفته‌و نیز تعبیراتی که‌درپایان‌رساله شده، نسبت‌آنرا بشهید بغایت دورمیسازد.درهرحال از پایان رساله پیداست که مؤلف این رساله رابرای بزرگی ازخاندان پیغمبر نوشته وبدو اهداء کرده. پس‌ازپایان سخنان منقول ازامام دوازدهم گوید:

فهذادرة من‌جبل‌الرحمة و قطرة بحرالحکمه جمعتها لك واتحفتهاالی عالی مجلساك لترتع فی ریاض فوائدها وتحن الی‌لذاتها . . . وخصصت باتحا فها الی‌عالی حضرتك لانك‌الدرة الیتیمه‌من‌ذلك‌الصدف .

رجوع شود به‌ذریعهٔ ۸:۹۰بحارالانوار ۱ : مقدمه

آغاز : بسمله، الحمدلولیه والصلوة علی نبیه‌محمدوآله‌اجمعین الدرةالباهرة من‌الاصداف الطاهرة من کلام النبی ... والائمةالاثناعشر رضوان‌الله علیهم‌اجمعین قال‌النبی(ص) العلم ودیعةالله فی‌ارضه ...

انجام : والحمدلله الازلی والابدی والصلوة علی محمد و عترته من الهادی الی‌المهدی تمت‌الدرة الباهرة .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۷ (ص۸۱ـ۸۴ دفتر) است .

آداب (رساله در..) **(عربی)**

از ابومنصور عبدالملك بن‌اسماعیل‌ثعالبی(م‌ـ۴۲۹)وی دراین کتاب،سخنانی

کوتاه ازقبیل امثال‌سائره را درآداب سیاست وشریعت گرد آورده ودردیباچهٔ آن
ازابن مقفع والادب‌الکبیراو یاد کرده است .

بروکلمان کتابی بنام «کتاب آداب» درشمار مؤلفات ثعالبی (که آنرا به
۵۱ رسانیده) یاد کند و گوید « آنرا برای حمدونی وزیر سلطان مسعود غزنوی
نوشته»ولی نسخه‌ای از آنرا نشان نداده است.

دیباچهٔ کتاب و مضمون کلمات واندرزهایی که در آن گرد آمده همه نشان
میدهد که برای‌فرمانروا و یاصاحب مقامی‌دولتی نوشته شده .

این رساله دارای هشت باب‌است با این‌عناوین :

الباب‌الاول‌فی‌الاستعانه علی‌العقل والعلم

الباب‌الثانی فی‌الاستعانه علی‌الزهد والعباده

الباب‌الثالث فی‌الاستعانه علی ادب‌اللسان

الباب الرابع فی‌الاستعانه علی‌ادب‌النفس

الباب‌الخامس فی‌الاستعانه علی مکارم‌الاخلاق

الباب‌السادس فی‌الاستعانه علی‌حسن‌السیره

الباب‌السابع فی‌الاستعانه علی حسن‌السیاسه

الباب‌الثامن فی‌الاستعانه علی‌حسن‌البلاغه

آغاز : (بسمله) قال ابومنصور عبدالملك بن اسماعیل‌الثعالبی رحمة‌الله
علیه‌امابعد فان احق مانطق‌لسان و اعرب عنه بیان وانطوی علیه کتاب وانتهی الیه
خطاب مازاد قرة‌البصیرة وعاد بصحة‌السریرة وطرق طرائق العدل . .. فصار تذکرة
للاخیار ومزجرة للفجار واماماللعمال و قواماالاکثر الاعمال ترجع‌الیه السیاسه و
تنتظم به‌الاسباب ویحتمل به الآداب فان‌الادب ادبان ادب شریعه وادب سیاسة . ..
و کلاهما یرجعان‌الی‌العدل الذی فیه‌سلامة السلطان وعمارة‌البلدان‌وصلاح‌الرعیه...

لان‌من ترك‌الفرض ظلم نفسه ومن خرب‌الارض ظلم‌غيره...

پایان : اذا ملك الاراذل هلك الافاضل . اذا تغافل اهل التفضل هلك اهل التجمل.من‌عجزعن‌الاحسان ثقل‌على الاخوان والله‌تعالى‌اعلم.

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۸ (ص ۸۴–۸۵ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق قرن ۱۰

شجره نامه‌سلسلهٔ طریقت **(فارسی)**

سلسلهٔ مشایخ طریقت شاه اسماعیل تاشیخ زاهد گیلانی و از شیخ زاهد تا حضرت‌مولی‌علی (ع) .

نویسندهٔ این شجره نامه شاه اسماعیل را سید و سلالهٔ علی (ع) خوانده .

آغاز: الاقتداء بالانبياء والاوليا من سنن الاصفياء كالاقتداء بنورعين‌الانبياء و عين اعيان‌الاصفياء سلالة امير المؤمنين ونتيجة رسول رب‌العـالمين منظور ـ الحق‌محبوب الخلق حضرة شيخ شاه اسماعيل هوفائض الانوار على القوابل من مشكوة اخيه المكرم المعظم المحترم .. سلطان على ، هومن مشكوة ابيه ...

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۹ (ص ۸۵ دفتر است) با همان خطنسخه شجره نامه طریقت .

نسب‌نامهٔ صفویه **(فارسی)**

نسب نامه وشجرهٔسیادت پادشاهان صفویه است. این‌نسب‌نامه (مانند شجره طریقت‌شمارهٔ قبل) برای‌شاه‌اسماعیل صفوی (جلوس : ۹۰۷) ودر زندگی‌اودرست شده و جزءِ قدیمترین اسناد سیادت صفویه است .

نویسنده، نسب‌شاه‌اسماعیل‌را بـا۲۷واسطه‌بحمزة بن‌موسى‌الكاظم(ع)میرساند.

در بـارهٔ نسب صفویه رجوع شود بسلسه‌النسب صفویه‌زاهدی‌چـاپ‌برلین و شیخ صفی وتبارش از احمد کسروی .

آغاز: بیان نسب سلطان العارفین قطب‌الحق خلیل‌الاسلام والمسلمین شیخ سلطان شاه اسماعیل دام سلطانه و بان‌برهانه و اخوه(کذافی‌النسخه) المکرم شاه سلطان علی‌ابنان (کذا) شیخ‌حیدر بن‌شیخ جنیدبن شیخ ابراهیم‌بن خواجه‌علی بن صدرالدین موسی بن شیخ صفی الدین اسحاق بن امین الدین بن جبرئیل بن قطب الدین بن‌صلاح‌الدین بن‌محمد الحافظ بن‌عوض‌الخواص بن فیروز شاه بن محمدبن شرفشاه بن محمدبن حسن بن محمدبن‌ابراهیم بن جعفربن محمد بن اسماعیل بن احمدبن‌ابـی‌الحسن احمد الاعرابی بن ابی القاسم بن ابی محمد قاسم بن حمزة بن موسی الکاظم (ع) ...

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۰ دفتر (ص۸۶–۹۱ دفتراست) باهمان خط.

النفس (مختصر کتاب ..) **(عربی)**

این‌همان جوامع کتاب‌النفس‌منسوب‌به‌ارسطواست در۷بـاب که‌شیخ‌الرئیس و خواجه نصیر طوسی نیز بشیوهٔ آن رساله ای در همین باب نوشته اند و رساله خواجه مفصل تر است (رساله خواجه در این فهرست یاد شده است).

در این نسخه فهرست ابواب در آغـاز رساله نیست و عنوان بابها از این قرار است:

آ ـ کل موجود امـا ان یعلم بالحواس و اما ان یدرك بالوهم.

ب ـ اثبات وجود النفس.

ج ـ اثبات جوهریة‌النفس.

د ـ اثبات ان النفس روح.

هـ ـ اثبات ان النفس بسيطه غير مركبه .

و ـ النفس حية غير مائته .

ز ـ ان النفس مفكرة عاقله .

رجوع شود بفهرست مصنفات ابن‌سينا ازدكترمهدوى ص ٢٤٩ دانشگاه ٣ : ٣٨٩ ، مجله معهدالمخطوطات العربيه ج٢ ص٤٨ (مقاله دكترعبدالرحمان‌بدوى)

آغاز: (بسمله) ، رب نعمت فزد مختصر كتاب النفس عن ارسطا طاليس و هوسبعة ابواب الباب الاول قال الحكيم ان كل موجود اماان يعلم بالحواس و اما ان يدرك بالوهم فما وقع من‌الاشياءتحت الحواس ....

پايان: فما ذاكان كذالك فالنفس اذن مفكرة عاقله اضطراراً كمل ما وضع الفيلسوف فى‌صفة النفس.

[١٩١٨]

نسخه ش ١١ (٩٢ ـ ٩٩دفتر) است .

عيون المسائل (عربى)

از ابونصر فارابى (م ـ ٣٣٩) .

در ذيل اين نسخه نام كتاب «عيون المسائل ونتايج العلوم» ثبت شده .

رجوع شود بفهرست دانشگاه٣: ٩٩ و٣١٢،ذريعه ١٥ :٣٨٣معجم المطبوعات ١٤٢٦ و همين فهرست

آغاز: العلم ينقسم الى تصور مطلق كمايتصور الشمس والقمروالعقل ...

پايان: كماان‌الشر حينئذ اكثر .. تمت عيون المسائل و نتايج العلم‌للشيخ الفاضل ابى‌نصرالفار ابى قدس روحه .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۲ (ص۱۰۲-۱۱۷ دفتر) است بخط نستعلیق که قرن ۱۰ - ه .

کلمات عشره (فارسی)

از اثیرالدین مفضل‌بن‌عمرابهری (م -۶۶۸) ورساله ایست فلسفی درمعرفت مبدءِ ومعاد .

مؤلف خود در دیباچه‌میگوید «این کلمه ای چند است در معرفت مبدء - ومعاد» و درنسخه ما (درفهرستی که در اول‌دفتر نوشته شده) نام آن « رساله در مبدأ و معاد » یاد شده . امادرپایان نسخه‌ای از این رساله که‌در کتابخانه‌ملك‌است (شمارهٔ ۵۶۸۵) نوشته شده « تمام شد کلمات عشره ... » . درذریعه نیز با همین نام اخیروارد شده .

در نسخه دیگری که در کتابخانه مجلس با شمارهٔ ۶۳۹/۶ موجود و از این نسخهٔ حاضر تازه‌تراست نیز همین نام آمده وفهرست نگارنیز آنرا با همین نام « کلمات‌عشره » معرفی کرده‌است .

درذریعه مؤلف این‌رساله شناسانده‌نشده اما درذیل نسخه ما که‌ازنسخه‌ملك کهنه‌تراست (نسخه ملك مورخ‌۹۹۸ است ونسخه‌ما دراوایل قرن‌۱۰نوشته شده) تصریح شده که رساله از اثیرالدین ابهری است ونویسندهٔ فهرست رساله‌های‌این دفتر (درپشت‌برگ نخست دفتر) نیز این‌رساله‌راازاثیرالدین ابهری‌دانسته‌است.

از اثیرالدین ، اشعار فارسی و مراسله‌ای بفارسی با خواجه نصیرطوسی‌نقل شده اما از اثردیگری بنام کلمات عشره یا مبدأ ومعاد تا کنون ذکری ندیده‌ام .

شیوهٔ فارسی رساله نیز کهنه است و خصائص فارسی عصراثیرالدین در آن مشهوداست، خاصه‌آنکه‌کاتب‌نسخه‌ما رسم‌الخط نسخهٔ اصلی رابیشترحفظ کرده‌است

این رساله دارای ده‌کلمه‌است و درهرکلمه مسائلی دربارهٔ مبدأ ومعادیادشده وفهرست‌آنهابطورخلاصه از اینقرار است :

کلمه اول ـ تقسیم وجود وموجود .

کلمه دوم ـ مقولات .

کلمه سوم ـ افلاك ومراتب آنها .

کلمه چهارم ـ فلك‌اعظم ولوح وقلم ووجود حرکت وحیوة در افلاك .

کلمه پنجم ـ عناصراربعه .

کلمه ششم ـ قوای انسان .

کلمه هفتم ـ مراتب عقل .

کلمه هشتم ـ خیروشرو قضاءِ الهی .

کلمه نهم ـ قوای نفسانی انسان و ترتیب‌وجودی‌آنها .

کلمه دهم ـ حال نفس پس ازمفارقت ازبدن ومعنی بهشت و دوزخ .

در پایان‌هریك‌از«کلمات» درزیرعنوان«سر» برخی از اسرار ورموزعرفانی واخلاقی یا فلسفی دقیق ومتناسب با موضوع سخن درآن‌کلمه یادگردیده.

مؤلف از فیلسوفان دیگر یاد نکرده و باستدلال نیز کمتر پرداخته است .

رجوع شود به‌ذریعه ۱۸ : ۱۱۷ و فهرست کتابخانه مجلس ۲ : ۴۰۵ .

آغاز: بسمله ، شکر وسپاس مرخدایرا که بر کشندهٔ عقل وجانست و پدید آرندهٔ زمین و آسمانست ودرودبـه محمد مصطفی علیه‌السلام که‌برگزیدهٔ رحمان است ومهترانبیای آخرزمانست وبرآل و اصحاب او اما بعد ایـن کلمه چندست درمعرفت مبدأ و معاد که بالتماس دوستی از دوستان تحریر افتاده انشاءالله بروفق مراد باشد.کلمه اول هرچه موجود است اگر دروجودو کمال وجود محتاج نیست بل که وجود و کمال وجود او . . .

انجام : کند نجات یابد واگر نه هلاک گردد و نعوذ بالله من الهلاك وصلی الله علی محمد وآله وصحبه . . . الطیبین الطاهرین تم المختصر الذی الفه الامام اثیر الدین الابهری قدس سره العزیز .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۳ دفتر (ص ۱۱۸ – ۱۱۹ دفتر است)

انساب (بخشی ازرساله در . . .) **(عربی)**

بخشی از کتاب یارساله‌ایست‌دربارهٔ نسب صحیح دختران‌پیغمبر (ص) که همسر عمر خطاب وعثمان شدند .

نویسنده کتاب، در این قسمت (نسخه‌حاضر) نخست از انساب مجعول وقبائلی که برخلاف حقیقت منسوب به قریش‌اند سخن گفته ودرپایان آن میگوید «این بحث را ما بمناسبت بحث ازنسبت آن دو دختر منسوب به‌پیغمبر (ص) پیش آوردیم» . کاتب دنباله این رساله‌را ننوشته است . نویسنده، سرگذشت زیدبن حارثهٔ کلبی پسر خوانده پیغمبر (ص) رانیز دراین بخش آورده است .

آغاز: هو، ولقدروینامن طریق علماءاهل البیت علیهم السلام فی اسرارهم وعلومهم التی خرجت منهم الی علماء شیعتهم ان قوما ینسبون مـن قریش ولیسوا من قریش فی حقیقة النسب وهذاممالایجوزان یعرفه . . .

انجام : هذا کله ما اردنا من بیان الابنتین المنسوبتین عند العوام الی الرسول فقد شرحنا خبرهما ووصفنا حالهما اماتزویج عمر . . .

[۱۹۱۸]

نسخه‌شمارهٔ ۱۴ (ص ۱۲۵–۱۲۹ دفتر) است. بخط نستعلیق کاتبی دیگر

زیج کهن (فارسی)

بخشی است از یك زیج که تألیف آن بسیار کهن است و این بخشی متعلق بطالعها واستزاجات‌است .

دریکجا از این زیج آمده :

«وبعضی کسان‌دلائل را بدوتسییر کنند اگرچه اهل روزکار کمتر کنند ما یاد کردیم تا کتاب بیفائده نبود اما اقسام دیگرهست چون دهبهر و نیم بهر و دریحان (کذا وصحیح دریجان است) وجان بختیارومانند این که بیشتربرقول هنداست ودراین عهد متروك‌است» . درجای دیگر چنین آمده :

«پس‌اهل بابل و بزرگان که بتبع ایشان کرده‌اند چون اسحاق کندی و ابومعشوق و دیگر بزرگان بناء استخراج ضمیربرارباب‌ساعات نهاده‌اند» .

آغاز: این قسمت بطالع متعلق است چنانك طالع معین شود افراج معلوم گردد و اصل او آنست که چون عطارد کوکب عقل و نطق است فرح او در طالع باشد و قمر چون نیر اصغر است دلیل حرکت ومصالح این جهانی فرح او در ثالث‌بود ...

انجام : دور فلك است و او نیمه حدتثلیث است بس او را سعدونیم دوستی گفتند اوضاع کواکب در صورت اتصالات . (کلمه اخیر راده صفحه بعد است که از دفتر افتاده) .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۵ (ص ۱۳۳–۱۳۶ دفتر) است بخط نستعلیق ریزوبقلم‌دیگر

صغری (فارسی)

از میرسید شریف گرگانی (م ـ ۸۱۶) این رساله کوچکتر از رساله کبری‌شریف گرگانی و در برابر او موسوم بصغری است .

این صغری در ۲ بخش است اول مباحث معرف دوم مباحث تصدیق. فرزند میرسیدشریف (محمدبن علی گرگانی) این رساله صغری را نیز مانند کبری ترجمه کرده و ترجمه آنرا «غره» نام نهاده.

رجوع شود به ذریعه۱۵۸:۴۲ فهرست دانشگاه۳ : ٦٤

آغاز: بسمله، هرچه در ذهن درآید اگر خالی ازحکم باشد آنرا تصور خوانند چون انسان مثلا و اگر با حکم باشد آنرا تصدیق خوانند و حکم نسبت امریست به امری بروجه..

انجام: العدد اما زوج و اما فرد لکنه زوج فلیس بفرد لکنه فرد فلیس بزوج الکنه لیس بزوج فهو فرد لکنه لیس بفرد فهوزوج، تمت الرساله.

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۶ (ص ۱۳۷ – ۱۴۳ دفتر) است با همان خط رساله صغری و مورخ ۸۹۸.

اعتقاد اهل سنت و جماعت (فارسی)

بخشی دیگر از رساله میرسیدشریف که باشمارهٔ ۱۹۱۸/۳ در این فهرست شناختیم رساله اعتقادیه میرسید شریف چنانکه دیدیم دو باب دارد.

باب اول ـ بیان اصول عقائد.

باب دوم ـ اختلافات بین فرق و باعنوانهای «معتزلی گوید» و «سنی گوید».

دربخش حاضر نخست شبهات فلاسفه درحدوث عالم وحشرجسمانی تقریر و پاسخ گفته شده و سپس ٦ مسئله مورد اختلاف بین معتزل وسنی باعنوانهای «معتزلی گوید» و «سنی گوید» یادشده.

نگارنده گمان دارد که رسالهٔ شمارهٔ ۱۹۱۸/۳ برگزیده ایست از این اعتقادیه

ونسخه‌حاضر بخشی‌است‌از اصل‌آن . زیرا چند مسئله که در آنجا با اختصار آمده در این جا به تفصیل و با همان شیوه یاد شده . در دانشکدهٔ الهیات (ص ۲۱۲) رساله ایست‌درهمین‌باب و دارای چندفصل‌در «بیان اسلام‌وایمان‌واعتقاد ومذاهب».

نویسنده فهرستی که در اول دفتر برای رساله‌ها نوشته شده این رساله را «شریفیه» خوانده‌ودر پایان نسخه‌رساله نیز نام شریفیه قید شده است.

آغاز: بدانکه ارشدك الله فی الدارین که از اهم مهمات دینیه است بیان اختلاف‌فلاسفه درحدوث‌عالم‌ودرحشراجساد ودرشبههٔ ایشان . تقریرخلاف درآنکه فلاسفه گفته‌اند عالم قدیم است وهمیشه بوده است و خواهدبود وتمسك باین‌وجه کرده‌اند که وجود عالم عطائی است ازحضرت خداوند تعالی...

انجام: پس کشته ، باجل مقدر مرده باشد نه باجل مسمی . تمت الرساله الشریفیه فی‌یوم‌الاحد ثانی‌عشرمن‌شهرذی‌القعده الحرام سنه ثمان وتسع وثمانیه .

[۱۹۱۸]

نسخه شماره ۱۱۷ (ص ۱۴۶—۱۵۰ دفتر) است بخط نستعلیق .

آداب‌البحث **(فارسی)**

رساله‌ایست مختصر درآداب بحث و مناظرت و مؤلف آنرا برای بزرگی که او را با این اوصاف یاد کرده : «فخرعترةالرسول وعز اولادالبتول و اختیار‌ـ الاهالی والاصول شرح‌الله صدره...» ساخته‌است. وچون اودرحال سفربوده باشتاب وباختصار نوشته.پس‌ازدیباچه ومقدمه که درتفسیر وتعریف‌بحث ومناظره وطرفین بحث‌است ٤ فصل‌درآداب بحث‌دارد .

آغاز فصل‌ها چنین است :

فصل بدانکه کسی که در صددآنست که مطلوبی وحکمی‌را اثبات کندمادام که بیان مذاهب واقوال ...

فصل اگر خصم متعرض دلیل معلل شود.

فصل مثلا کسی گوید مدعی آنست که لفظ صد اسم است ...

فصل خصم را نیز رسد درمثال مذکور که مقدمه معینه را ازدلیل...

آغاز: بسمله ، الحمد لمن لامانع لحکمه ولا ناقض لقضائه والشکر لمن لامعارض له فی‌ارضه و سمائه والصلوة والسلام اجمالا علی جمیع الرسل ... و بعد فهذه زبدة مقنعه وجملة نافعه فی‌آداب‌البحث والمناظرة کتبتها بالتماس من‌لزمنی اسعافه و اسعاده‌بما شرفنی‌مصاحبته وودادہ ... بدانکه بحث ازروی لغت ، تفتیش وجست وجوی کردن است ودراصطلاح‌علماء ...

انجام : چرانشاید که هرچه بوضع اول مقترن باشد اسم نباشد وصه‌بوضع اول مقترن نیست بلکه بوضع ثانی مقترن است و الله اعلم بالصواب .

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۸ (ص۱۵۱-۱۵۴ دفتر) است .

قصیدهٔ‌طنطرانیه **(عربی)**

از معین‌الدین‌ابونصر احمدبن‌عبدالرزاق‌طنطرانی‌درمدح‌نظام‌الملك‌طوسی.
عده‌ای از ادبا برای قصیده شرح نوشته‌اند .

رجوع‌شودبه کشف‌الظنون ۲ : ۲۳۱ فهرست دانشگاه ۲ : ۲۳۸ .دارالکتب ظاهریه ـ شعر ـ : ۲۸۲ دارالکتب قاهره سال ۱۹٦۲ ج ۲ : ۵۷

آغاز:

یا خلی البال قـد بلبلت بـالبلبال بـال

بالنوی زلزلتنی والعقل فـی‌الزلزال زال

انجام :

دم علی رغم الهدی واربح یعود العود فی

دولـة غراء منهـا ادوم الالطـاف طاف

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۱۹ (ص ۱۵۵ – ۱۵۷ دفتر) است .

اقسام جمل (عربی)

از تاج‌الدین محمد اسفراینی (م – ۶۸۴)

وی این رساله‌را در پاسخ سؤالی که از او شده نوشته و بـرای اقسام جمله ضابطه‌ای بیان داشته .

آغاز: بسمله ، هذه ضابط نافعه‌و قاعدة جامعة من امالی المولی الاستاد العلامه تاج الملة و الدین محمد الاسفراینی . . . اعلم ان الجمله لاتخلو امـا ان لا یحتمل الصدق والکذب کالامر والنهی والاستفهام . . . و اما ان یحتمل ذلك کالجملة الخبریه والقسم الاول لامحل له‌من الاعراب اصلا اللهم الاان یاول . . .

انجام : فهذه عجالة الوقت مماسئلت و اقترحت من الکلام الضابط المجمل و الجوار مع مجروراتها . . . فاعرفها حق العرفان فانها جدیرة ان تکتب بالتبر لابالحبر و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع والماب .

[۱۹۱۸]

نسخه شماره ۲۰ (ص۱۵۸–۱۸۴ دفتر) است.

سی فصل (فارسی)

از خواجه طوسی در معرفت تقویم .

رجوع شود به : الذریعة ج ۱۲-۲۹۱ فهرست ادبیات : ۳۱۸ فهرست فارسی مشار : ۲۴۱۱ آثار و احوال خواجه ازمدرس رضوی ص ۲۲۵-۲۲۸

آغاز: بسمله ، الحمدلله علی افضالـه القدیم و علی انعامه العمیم و الصلوة علی محمد .

انجام : کنیم پس اگر زیادت ازین خواهد با کتب این علم باید رجوع کردن والله اعلم بالصواب ...

[۱۹۱۸]

نسخه شمارهٔ ۲۱ (ص۱۸۵-۲۰۱ دفتر)است بخط نستعلیق تحریری .

اطوار ثلثه (رساله‌در...) **(فارسی)**

ازصائن الدین علی ترکه(م - ۸۳۰).از دیگر مؤلفات عرفانی مؤلف، کتاب مفاحص است که نسخه‌هایی ازآن در این کتابخانه ومرکزی دانشگاه موجود است .

فهرست دانشگاه ۳ :۴۹۸ .

ترکه در آغاز رساله گوید که این کتاب مشتمل بر یك مقدمه وسه اصل است بدینقرار :

مقدمه دربیان منشأ این اطوار سه گانه.

اصل ۱- دربیان مرتبهٔ اهل تحقیق وتنبیه .

اصل ۲- در بیان حقایق بطریق محیی‌الدین .

اصل ۳- در بیان نشاء عنصری انسانی.

آغاز: الحمدلله علی دقایق کماله وجلایل جلاله والصلوة والسلام علی محمد وآله اما بعدوی زمانی در کنج زاویهٔ انزوا پای صبردر دامن فراقت کشیده نشسته بودم وخاطر بخویشتن مشغول...

انجام : حقایق بیش از این، طور این مختصر نیست والله یقول الحق. بختم انبیاء وختم قرآن که ختم کار ما باخیر گردان.

[۱۹۱۸]

نسخه شماره ۲۲ (دفتر ۲۰۵ – ۲۱۳ دفتر) است بخط نستعلیق محمد بن ابی بکر قناة شیرینی مورخ ۸۸۸

رسالة الظل (عربی)

از خواجه میر حسینی درپاسخ سؤالی که از اوشده بوده است .

یکی از «اعیان» از اوسؤال کرده که فاصله بین عکسی که در آب دیده میشود با بیننده ، مساوی با سایه شخص (بیننده) بنظر میرسد، آیا این درست است یا از اشتباهات حس مشترك .خواجه در پاسخ میگوید« برای دفع شك ووسوسه به کتب هندسه مراجعه کردم ودریافتم که تخیل تساوی اشتباهی است که از شدت نزدیکی بین دو خط عارض چشم میگردد ونیز دریافتم سر تقارب این دو را ».

رجوع شود به فهرست مجلس ٥ : ٤١١

آغاز: بسمله، علی الله اتو کل وبالنبی وآله اتوسل وصل الی من بعض الاعیان ان ظل من وقف علی شط النهر ورای شبح الشمس فی الماء ، مساو لبعد قدمیه عن ذلك الشبح فرصد الحس المشترك فی مرصد العین بـالعصبتین المجوفتین القائمین مقام ذات الشعبیتن وترا آی کما وصف فرجعت الی الهندسه...

پایان: و انما اطنبت الکلام فی هذا المرام تشحیذا للطبع والتوکل علی خالق الارض والسموات السبع تم فی خامس من شهر شعبان المعظم سنه ثمان وثمانین و وثمانمایه علی یدی الحقیر الفقیر . محمد بن ابی بکر الثناة شیرینی غفر الله له و لجمیع المؤمنین و المؤمنات والمسلمین والمسلمات آمین یارب العالمین .

[۱۹۱۸]

نسخه شماره ۲۵ (ص ۲۳۰-۲۳۲ دفتر) است .

رساله العلم بالشی من وجه والعلم بذلک الوجه (عربی)

ازمیرسید شریف گرگانی (م- ۸۱۶)

این رساله مطابق بانسخه شماره ۱۵۰۷/۳ و ۱۷۷۳/۲ دانشگاه است .

وی رساله‌ای دیگر دراین موضوع دارد که دربارهٔ معنی حرفی وفرق آن با معنی اسمی سخن گوید ومعروف به رساله حرفیه است.

رجوع به ش : ۱۹۱۸/٤ این فهرست شود.

آغاز: الناظر فی المرآة ربما کان متوجها الی الصورة المرتسمه فیها ... با حثا عن احوالها بحیث تغفل عن المرآة ومالها من صفائها وصفاتها . . . فقد جعل المرآة آلة لملاحظة تلك الصورة ..

انجام : فیستحیل ان یعلم الشی بوجه واحد منفردا عن علم آخر به و هو باطل اتفاقا بل ضرورة .

[۱۹۱۸]

نسخهٔ شماره ۲۶ (ص ۲۳۵ - ۲۵۶ دفتر) است .

شرح خطبهٔ طوالع الانوار (عربی)

گزارشی است ازدوانی بردیباچهٔ طوالع الانوار قاضی بیضاوی .

این نسخه درزندگی دوانی ودراواخر قرن ۹ نوشته شده وحاشیه هایی از دوانی با نشان «منه مدظله» در کنارهای نسخه هست .

(کشف الظنون ج ۲ : ۱۰۲) .

آغاز: بسمله . قال استادنا العالم المحقق المدقق جلال الملة والدین محمد بن

اسعد اسعده الله الصمد .. قال المصنف الحمد لمن وجب وجوده و بقـائه . عدل عن التصريح بالاسم الى الموصول الدال على التفخيم اشارة الى انه لاسبيل الى العلم به الابواسطة الصفات ولاسبيل الى العلم بذاته من حيث هي تعالى ..

انجام : يهتدى بها الى المقاصد ويستنجح بها الاوطار ولله الحمد على ماهدانا وله الشكر على ما اولانا تمت الرسالة .

[۱۹۱۹]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۲۶ – ۲۹ دفتر) بخط شکسته نستعلیق .

ترجمهٔ رساله نفس **(فارسی)**

درفهرست مصنفات شيخ الرئيس چند رساله درنفس ياد شده كه يكى از آنها بنام «النفس على طريق الدليل والبرهان» ورساله ايست داراى ۱۶ فصل و آقاى دكتر مهدوى آنرا باشمارهٔ ۱۲۱ وقنواتى به شمارهٔ ۷۴،۷۷،۱۰۹،۱۹۹و۲۰۱ ياد كرده‌اند .

آقاى دكتر مهدوى براى اين رساله دو ترجمه ياد كرده‌اند :

يكى ترجمه نفس منسوب به شيخ الرئيس و مطبوع .

ديگرى كه فقط دو نسخه از آن موجود است (در سپهسالار (۲۳ / ۸۳۷۱) وموزهٔ بريتانيا (ورق ۳۸۱ – ۴۰۳) و موسوم است بترجمه معاد .

اين ترجمه مورد گفتگو هيچيك از آن دو نيست وسبك فارسى آن تازه است در كتابخانه مجلس نسخه‌اى ديگر از اين ترجمه موجوداست (ش:۶۳۱/۵)

اين رساله مانند اصل داراى ۱۶ فصل است بشرح ذيل :

فصل اول : دراقسام نفوس .

فصل دوم : نفس انسانى آنست كه او فاعل است باختيار .

فصل سوم : ادراكيت نفس انسانى مجرد است .

فصل چهارم: هر قوت که صورت دریابد آن قوت جسمانیست.

فصل پنجم: نفس انسانی مدرك معقولات کلی است.

فصل ششم: نفس انسانی انقسام محل.

فصل هفتم: ادراك نفس.

فصل هشتم: نفس انسانی حادث است بحدوث بدن.

فصل نهم: نفس انسانی باقی است.

فصل دهم: انتقال نفس ازبدن به بدن.

فصل یازدهم: حکم فیلسوف آنست که نقش یك جوهر است.

فصل دوازدهم: نفس انسانی صادر ازعقل فعال است.

فصل سیزدهم: نفس انسانی مستعد است قبول علم را ازجوهر.

فصل چهاردهم: نفس انسانی را استناد است درعالم کون وفساد.

فصل پانزدهم: نفس انسانی را بعداز مفارقت سعادت وشقاوتست.

فصل شانزدهم: اسرارنفس ادامه دارد.

آغاز: رساله شیخ الرئیس فی اقسام النفوس فصل اول، دراقسام نفوس وآن چهار است فلکی وحیوانی ونباتی وطبیعی اما دراقسام، فلکی آنست که قصد او بریك چیزاست وفعل اوبریك جهت اما حیوانی آنست که بعکس اینست امانباتی آنست که درفعل مساوی نفس حیوانیست ولیکن مخالف است دراختیار و اما طبیعی آنست که درفعل موافق نفس فلکیست ومخالف است دراختیار.

انجام: فصل شانزدهم صاحب این رساله بوعلی سینا قدس سره گفت این اسرارنفس را مابوجه پیدا کرده‌ایم تا اخوانی که بعدازما باشند دریابند وحرام کرده شد بر کسانی یاد دهند که دراین عالم متعصب ومعاند باشد و الحمد لله

رب العالمین وصلی الله علی نبیه محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین .

[۱۹۱۹]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص ۳۰ – ۳۳ دفتر است) فاقد اول

صناعیه (رساله...) **(عربی)**

از امیر ابوالقاسم فندرسکی معروف بمیر فندرسکی (م – ۱۰۵۰ یا ۱۰۴۹)

درهنرها وصناعات وحرف، وعلوم

این رساله بنام حقایق الصنایع وصنایع الحقایق بچاپ رسیده .

رجوع شود به الذریعة ج ۱۵–۸۹ فهرست دانشگاه ج ۳–۲۹۵ وفهرست مشار: ۵۷۱۰

آغاز: که بمرتبه شریفتر ازوست اورا بردارد ، موضوع عمل خود کند وبعلم جزاتاً بصناعتی برسد ، که چون عمل اودرآن تمام شود فعل طبعیت را ازآن جهت که بصورت اشرف رسد یا معین او باشد درفعل طبیعت وبر صناعتی که شده چنین باشد به اینطریق که درسلسلهٔ ازصناعات نباشد یا باشد وبصناعت چنین که گفتیم فرسد...

انجام : یعنی و فرومایگان بروجمعند از فرومایگی تمام شد کتابت این رساله ... بیدالضعیف . . . محمد قاسم بن عباس کالی فی یوم الاحد من شهر شوال سنه ۱۰۶۵ .

[۱۹۱۹]

نسخه شمارهٔ ۴ دفتر (ص ۴۰ دفتر است) ،

سئوال وجواب **(فارسی)**

سئوال وجوابی است درپیروی خرد وترك هوا، ازبابا افضل کاشانی .

آغاز: سئوال چون خواهند که خرد بر هوا مستولی باشد چه عمل باید کرد وبرچه طریق زندگانی باید کرد پیوسته. جواب هوا آرزوی کار های ناپاینده بود وچون بسیار شوند ...

پایان: و چون خرد غـالب شد آرزو هـای تن وکام ومراد وی کم شود و مغلوب گردد .

[۱۹۲۲]

نسخه شمـارهٔ ۲ دفتر (ص ۱۰۷ ـ ۱۷۹ دفتر است) . بخـط نستعلیق تحریری مورخ ۱۱۰۲ .

عین القواعد (ترجمه منطق ...) **(فارسی)**

عین‌القواعدازکاتبی‌قزوینی(م- ۶۷۵)است وبخش‌فلسفه‌اش بنام‌حکمة العین معروف است .منطق آن‌دارای‌یك‌مقدمه‌و۳باب‌است ونسخه‌ای از آن دراین فهرست باشمارهٔ۶/۱۸۲۰آمده .

رساله حاضر ترجمه بخش منطق‌عین‌القواعد است .

آغاز: بسم‌الرحمن‌الرحیم . دلالت بودن چیزاست بنحوی کـه ازدانستن‌او چیزی دیگر دانسته شوداول رادال گویند وثانی‌را مدلول چون دود که ازدانستن اوآتش دانسته شود وازاین تعریف معلوم شدکه میانهٔ دال ومدلول نهایت ربط و علاقه باید تادلالت‌متحقق‌شود والا دلالت کردن اوبر آنچیزنه برچیز دیگر ترجیح بلامرجح باشد...

انجام : چه مقصود اولا و بالذات دانستن‌چیزاست وثانیاً و بالعرض ابطال نقیض آن ، و در خلف اولانقیض دانسته میشود وبعد ازآن مقصود پـس مستقیم افضل از خلف است‌تمت‌الکتاب ۱۱۰۲ فی شهر ذی حجةالحرام .

[۱۹۲۳]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص۱۸۵ ـ ۲۰۳ دفتر) است . این نسخه نـاقص است و ازآغاز تهذیب تابخش پنجم رؤس ثمانیه دارد .

تهذیب المنطق **(عربی)**

از سعدالدین تفتازانی (م ــ۷۹۱) .

کشف الظنون ج ۱ــ۳۵۱ . فهرست مشار ص۲۳۰معجم المطبوعات : ۶۳۶ .

آغاز: بسمله ، وبه‌نستعین ، الحمدلله الذی‌هدانا سواء الطریق و جعل . . .
اما بعد ، فهذا غایة‌تهذیب‌الکلام فی‌تحریرالمنطق والکلام ...

انجام : المؤلف‌لیسکن‌القلب...الخامس‌من ای‌علم هولیطلب‌فیه مایلیق‌به.

[۱۹۲۳]

نسخه شمارهٔ ۲ دفتر (ص۱۴۱ــ۱۵۷ دفتراست) .

شق قمر (رساله در...) **(فارسی)**

از صائن‌الدین علی‌بن محمد ترکه م ــ۸۳۰
درفهرست دانشگاه۲ نسخه ازاین رساله‌معرفی شده و فهرست نگار یکبار آنرا ازجامی ودیگر باراز میرحسین . . ؟ دانسته .

الذریعة ج۱۴:۲۰۹ فهرست دانشگاه ۱۱۸۸ و۱۳:ص۳۸۲۲

آغاز: بسمله ، الحمدلولیه والصلوة علی محمد نبیه روزی از روزهـا که بیاری دولت و اقبال و همراهی ایشان بحکم فـرمودهٔ قل‌سیروا فی‌الارض عصایی بدست قبول گرفته سراپای عالم کون میگشت وبدیدهٔ اعتباردرهر بازارمینگریست و حاصل‌معامله ...

انجام : هزار نکته باریکتر زمو اینجاست ــ نه هر که سر بتراشد قلندری داند ، تفاصیل اینها همه از راه هدایت بما معلوم میشود و در لفظ ساعت اشعاری به‌اینها که گفتم هست بطریقیکه خدام ایشان را معلوم است . والصلوة علی محمد وآله الطاهرین ، تمت بعون‌الله توفیقه .

[۱۹۲۳]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر(ص۱۵۹–۲۱۱ دفتراست) .

معراجیه (فارسی)

از رساله‌های منسوب به‌شیخ‌الرئیس ابن‌سینا و در نسخه شماره ۱۸۰۷/۱۲ بنام رساله فی‌النبوة آمده .

رجوع شود به فهرست مصنفات ابن‌سینا از دکتر مهدوی ص ۲۹۷ – ۲۹۸ فهرست دانشگاه ج ۳ : ۳۶۳ فهرست فارسی مشار : ۱۴۵۹ و همین فهرست صفحه ۳۹۹ – ۴۰۰

آغاز: بسمله ، سپاس و ستایش خداوندزمین وآسمان را و دهندهٔ تن‌وجان را و درودبر پیغمبر برگزیده همه سروران محمدو آله افضل‌الصلوة واکمل‌التحیات . . . وبراهل‌بیت پاک‌او ، امـا بعد ، بهروقتی‌عزیزی از جمله دوستان ما در معنی معراج سؤالها میکرد و شرح آن بطریق معقول میخواست ومن‌بحکم‌خطر محترز میبودم چون در این وقت که‌بخدمت‌عالی‌علائی ...

انجام : روانیست که برخورداری جز عاقلان رانیست بر رمزهای‌این کلمات حقیقی.ایزد تعالی توفیق بدرست گفتن و بدرست‌داشتن ارزانی دارد بمنه و جوده فی شهر رجب‌المرجب ۱۲۹۴ .

[۱۹۲۴]

نسخه شمارهٔ ۱ دفتر (ص ۱ – ۸ دفتر است) .

سرالقدر (رساله...)

از ابن‌سینا درپاسخ ابوسعید ابوالخیر است وبچاپ رسیده .

رجوع شود به : الذریعة ج ۱۲ : ۱۶۹وفهرست عربی مشار – ۵۱۸ . دکتر مهدوی : ص۹

آغاز: رسالة للشيخ الرئيس فی تحقيق القضاء والقدر، بسمله ، وسأل ايضاقدس سره عن معنى قول الصوفيه من عرف سر الله فقد الحد فقال فی جوابه ان هذه المسئله فيها ادنی غموضه وهی من المسائل التی لم يزل...

انجام: والشر فی القدر لا فی القضاء لانه ليس ممامه بل هو تبع ضروری والله تعالى اعلم بالصواب انتهى .سوده فی يوم السبت احدعشر من شهر صفر المظفر الحمدلله تعالى نشكر الله بالحياة المستعار باق .

[۱۹۳۴]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص۲۵-۳۵ دفتر است) .

شرح رسالة زنون (عربی)

از ابو نصر فارابی محمد بن طرخان (م حدود ۳۴۰) بر رساله زنون بزرگ در علم اعلى .

مجلس ج ٤ : ۱۷۹،۷:۱۸۷ - ۱۹۳و دانشگاه ۳ : ۹۸ - ۹۹

آغاز: بسمله، قال المعلم الثانی ابو نصر الفارابی رايت از ينون الكبير تاميذارسطا- طاليس والشيخ اليونانی رسايل قدشرحها النصاری شروحا تركوا بعضها ...

انجام : مبهرج مزورمثله كمثل نحاس مطلی بالذهب فارقته نفسه بقيت فی حسرة وبلاء نعوذبالله من عذاب آلاخرة . كاتب سپس چنين افزوده :

در روز سيزده شهرصفر ۱۳۱۰ بعد از اوايل نمازصبح مشغول شدم حالا كه اول ظهر است باتمام رساندم كه انشاءالله تعالى نمازظهر خوانده و قبول درگاه احديت شود وبحمام بروم ادباری روز سيزده را بمدد دلاكها زايل نمايم .

[۱۹۳۴]

نسخه شمارهٔ ۴ (ص ۳۸ ـ ۵۸ دفتر) است .

تعلیقات (عربی)

از فارابی . (دانشگاه ج ۳:۲۰۶ فهرست مجلس ۶۸:۵ دکترمهدوی : ۶۳)

آغاز: بسمله، وبه ثقتی ورجائی، الحمد لله رب العالمین و صلوته علی نبیه خیر الخلایق محمد وآله الطاهرین ، الفصل الاول وجود کل موجود فهو الاول لانه فایض عنه ووجوده هوله فوجوده مباین لسایر الموجودات ...

انجام : والحقیقة والواحدة ساریة للحقیقه المطلقه ومن الله التوفیق ولواهب العقل الحمد بلانهایه وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین .

[۱۹۲۴]

نسخه شماره ۵ دفتر (ص ۵۰-۶۹ دفتر) است .

دفع الغم من الموت (عربی)

این رساله از رسایل منسوب به ابن سیناست و در فهرست ٤ این کتابخانه با همین نسبت یاد شده اما حقیقت آنست که این نسبت مسلم نیست.

این رساله بخشی است از تهذیب الاخلاق ازابن مسکویه . درفهرست دانشگاه اختلافهاییکه دربارهٔ آن آمده نقل شده.

فهرست مجلس ٤: ۱۸۹ دانشگاه ج ۳ : ٦٦١ دکترمهدوی : ۲۷٦ .

آغاز: بسمله ، الحمد لله رب العالمین وصلوته علی محمد النبی وآله الطاهرین لماکان اعظم ما یلحق الانسان من الخوف هو الخوف من الموت وکان هذا الخوف عاما وهو مع عمومه اشد وابلغ من جمیع المخاوف ...

انجام : ایضا شبه بشی واحدو الحمدلله رب العالمین تمت الرسالة الموسومة بدفع الغم من الموت من مؤلفات شیخ الرئیس ابی علی سینا.

[۱۹۲۴]

نسخه شماره ۶ دفتر (ص۷۲-۷۹ دفتر) است.

بقاء النفس (عربی)

از خواجه نصیر طوسی (م-۶۷۲).

رجوع شود به الذریعة ج ۳ : ۱۳۸ و احوال وآثارخواجه - ۲۶۱ .

آغاز: بسمله، قال الحکیم الفاضل الکامل افضل المتقدمین و المتأخـرین نصیرالملة والحق والدین محمد بن الحسن الطوسی نور الله مضجعه و مرقده رسم المولی الصدر ...

انجام : الکلام عنها ولله الحمد ملهم العقل ومفیض الخیر والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین (درروز جمعه که یوم بیماری بود تحریر افتاد، ربیع‌الاول ۱۳۱۰) .

[۱۹۳۵]

این نسخه ش ۲ (ص ۵۶ - ۱۵۷ دفتر) است .

طهارة الاعراق (عربی)

رسالهٔ معروف اخلاق ابوعلی مسکویه‌رازی (م - ۴۲۱) است ومکرربچاپ رسیده. نام کتاب برپشت نخستین برگ کتاب طهارة النفس فی‌الاخلاق آمده‌است .

الذریعه ج ۱۵ - ۱۸۸فهرست مشار عربی : ۶۱۰ .

آغاز: اللهم انا نتوجه الیك ونسعی نحوك ونجاهد الیك فی‌طاعتك‌وترکب الصراط المستقیم الذی نهجته لنا الی مرضاتك ...

انجام : فان التوفیق‌مقرون‌بالاجتهاد ولیس‌یتم‌احدهماالابالاخر تمت‌المقالة السادسة و الحمدلله رب‌العالمین ... وآله اجمعین .

[۱۹۳۶]

نسخه شمارهٔ ۱ (ص ۱ - ۱۳۲ دفتر) است .

الاستیعاب فی الاسطرلاب (عربی)

از ابوریحان بیرونی (۳۶۲ ـ ۴۳۰ یا ۴۴۰) .

رجوع شود به : الذریعه ج ۲ : ۳۶ و فهرست سپهسالار ۳ : ۱۲۳ مجلس ج ۲ : ۸۱ ، الاسطرلاب گورگیس عواد : ۱۵۷ .

آغاز: بسمله ، و به نستعین ... الحمدلله حق حمده و صلواته علی محمد نبیه و علی آله و اصحابه من بعده و سلم تسلیماً کثیراً و بعد فهذا کتاب محمد بن احمد البیرونی فی استیعاب الوجوه الممکنه فی صنعة الاسطرلاب للانفس الصافیه ...

انجام: انجاز الوعد بما وعدته و الوفا بما ضمنه بعونه و توفیقه و هو المحمود و علی کل حال و الصلوة علی محمد متصلا بالعشی و الاصال و علی آله و عترته اکرم عترة و اطهر آل تم کتاب الاستیعاب للوجوه الممکنه فی صنعه الاسطرلاب بیرونی .

(۱۹۲۶)

نسخه شمارهٔ ۳ (ص ۲۰۴ ـ ۲۲۷ دفتر) است .

تفسیر زوره (۱) (عربی)

برطبق نوشته دیباچه ، نویسنده این تفسیر آذر پژوه (نه اژرژوه که در فهرست دانشگاه آمده) است که از اصفهان و همزمان خسرو پادشاه ساسانی و از شاگردان بزرگمهر بوده و خسرو اورا فرمان داده تا کتابی از زردشت رابنام زوره که بزبان پهلوی نوشته و نزد شاه هند فرستاده و شاه هند به خسرو رسانیده ، تفسیر کند آذر پروه چون نامه را دیده، آنرا شناخته و این شرح نوشته و تقدیم خسرو کرده خسرو را این تفسیر پسند افتاده و نامه‌ای دیگر که نوشته دهقان خداپرست بود بدو

(۱) در فهرست ۵ در اثر غفلت این نگارنده ، کلمه زوره ، دوزه (مطابق موجود در نسخه) چاپ شده و در فهرست اعلام نیز در حرف دال قرار گرفته است .

داده‌وفرمودتاآنرا کوتاه کند . نامهٔ دهقان خداپرست و تفسیر آن درذیل برخی‌از نسخه های تفسیر زوره (واز آنجمله در نسخه ما موجود وبدان پیوسته است.در فهرست دانشگاه بطور جداگانه معرفی شده ودرذیل نسخه چاپی آن نیامده.دربارهٔ آذر پژوه اکنون چیزی نمیدانم جزاینکه مرحوم سعید نفیسی درفرهنگنامهٔ پارسی ازاوو تفسیر اوبرزوره یاد کرده ونوشته‌اند درافسانه های ایرانی نام آذر پژوه که همزمان خسرو ساسانی بوده و کتابی بنام زوره داشته دیده میشود .

درشارستان چهارچمن ازآذر پژوه معاصر ساسانیان یادشده میرزا بهرام رستم نصرآبادی تفسیرزوره رابا ۳ کتاب‌از کتب دساتیری بنامهای زردست‌افشار، خوبشتاب وزاینده رود، چاپ کرده.امازوره وتفسیر آن ازردیف کتب پیروان آذر کیوان وعقاید دساتیری نیست ومحتویات آن براصول عقاید ایران باستان وفلسفه مشرقی است وحتی یك واژه یامطلب دساتیری درآن دیده نمیشود .

میرزابهرام درمقدمه‌مجموعهٔ مذکور که‌بنام آیین هوشنگ نشرداده گوید: درخزانه کتب‌اکبرشاه که کتب بسیاری از بزبان زندوپازند وپهلوی وسنسکریت گردآمده و ازآنجمله‌است کتاب دبستان المذاهب که‌نخست بهمت آقاخان‌محلاتی منتشرشده ونیز شارستان چارچمن (۱) ردنباله سخن‌میرزابهرام چنین‌است :

دیگر از کتب خزانهٔ‌شاهنشاه مذکور اینچهار نسخه است که سه‌نسخه‌آنرا قریب سیصد سال قبل از پهلوی بفارسی ترجمه کرده‌اند و یك‌نسخهٔ آن در زمان ملك نوشیروان عادل شرح‌شده وقریب چهل سال قبل‌جناب عبدالعلیخان‌شوشتری درکلکته یافته بتوسط محمدعلیخان شوشتری خدمت مرحوم . سرجمشیدچی جی‌جی بهای بارونیت صاحب فرستاده و مرحوم مبرورسه نسخه از آن را درمیان ارباب علوم انتشار داد . چون این بنده بایران آمد بتفحص و تجسس کتب قدیم

(۱) چنانکه ملاحظه میگرد ومیرزا بهرام که خود ازعلاقمندان مکتب دساتیری‌است شارستان‌ودبستان‌المذهب راباتفسیرزوره ودیگر کتب‌دساتیری در یك ردیف آورده

همت گماشت و هر چهار نسخه را بدست کرده چند جلد از آن استنساخ و خدمت امنای دولت ابد مدت پیشکش نمود با این حال. همانگونه که اشارت رفت زوره و تفسیر آن بهیچوجه بادساتیر و مکتب پیروان آذر کیوان بستگی ندارد. و مضامین آن (که نگارنده بادقت کافی مطالعه کرده است) مطابقت با اصول فلسفه ایرانی و عقاید منقول از اوستادارد. وشاید براستی زوره (با این نام یا نام دیگر) ترجمه یکی از کتابهای زرتشت است اما، اصالت تفسیر سخت مورد تردید است وقرائن عدم اصالت وساختگی بودن در آن بچشم میخورد. وچون تفصیل سخن دربارهٔ این کتاب مناسب فهرست نیست تنها این چند نکته را باجمال یادآور میشوم:

الف- دربیشتر جایها زرتشت همان ابراهیم دانسته شده و این نکته بین متن وشرح مشترك است.

ب - در مقدمه کتاب از زبان خسرو چنین آمده است که «این سخن های چند است سر بسته که به پارسی نه، بزبان پهلوی نوشته» بنابر این لابد زرتشت با زبان پهلوی آنهم پهلوی عصر ساسانی کتاب نوشته بوده.

دیگر اینکه در زمان خسرو ساسانی اگر بفرض لهجه یا زبانی جز زبان پهلوی وجود داشته ولی زبان رایج مردم مسلماً پهلوی زبان بوده و مردم با آن آشنا بوده اند پس دلیل دشوار بودن آن بر دانشوران چگونه پهلوی بودن آن بوده. ودرهر حال زبانیکه کتاب تفسیر باآن نوشته شده مسلماً درعصر ساسانی معمول نبوده. (از این نظر وضع این کتاب کاملا شبیه به تفسیر دساتیر است که بادعاء معتقدان و مؤلفین آن اززمانهای بسیار دور عیناً باقی مانده).

ج - در متن زوره، گاه بجای «است» در آخر کلمه، «ها» افزوده ومقصود تشبه به کلمات پهلوی بوده، چنانکه نویسنده حاشیه نسخه چاپی پنداشته و گوید این گونه کلمات پهلوی در این کتاب فراوان است، و منظورش از کلمات پهلوی کلماتی،

است که درپایان آنها«ها»آمده . از این گذشته نویسندهٔ تفسیر ،کلماتی دیگر را ازقبیل زمهریر ، برزخ ، یخچه ، آتشچه‌را نیز پهلوی‌دانسته .

اما تنها در یک‌مورد گفته او حقیقت دارد و آن نام « فرشجواد جر» برای طبرستان‌است.(صورت‌اصلی‌این‌کلمه‌پذش،خوار ـ گر،است) .همچنین‌واژه‌های‌نادری مانند کمرا بمعنی فلك ثوابت ـ یا بنوشته مفسر،جای‌ستارگان بی‌روش ـ (درلغت بمعنی آسمان وفضای بالا) ونیز واژهایی از فلسفه شرقی مـانند اسپهبد وصنم در کتـاب دیده میشود.

د ـ دربارهٔ نام کتاب «زوره» (دریکی‌از نسخه‌های مجلس دوزه و در نسخه متعلق به کتابخانه خانقاه نعمةاللهی ژوره) ، در کنار نسخه چاپی آمده است که زوره فارسی سوره است ودریك حاشیه نیزبه کتابهای لغـت منسوب شده . اما در هیچیك ازلغات قدیم وجدید وهندی و ایرانی چنین‌چیزی نیافتم و تصورمیکنم این‌نام‌نیز ساختـگی وبتقلید سورهٔ قرآنی است و برای فارسی‌نشان‌دادن کتاب‌آن را زوره یاژوره کرده‌اند.

درپهلوی وسانسکریت سوره بمعنی قوی و قادر و دلاور آمـده است . (پورداودیشتها : مزدیسنا از دکتر معین :۳۲۹) . درپایان نامه دهقان‌خداپرست در آنجا که از پادشاهان خوب وبد یادشده ، یزدجرد جزء بدان آمده و تا آنجا که میدانیم پیش از خسرو در میان شاهان ایران ، شاهی بنام یزدگرد نبوده .

در آخرنامه دهقان خداپرست پس از نام یزدگرد چنین‌آمده «وبدانکه همیشه گاهی که مردم ایران آغاز ستم و نیروی نهاده‌اند پادشاهی از دست ایشان برفته ...وهمیشه مردم شمـا گاهی که بدیار بلندی رسیده‌اند اهرمن ایشان راراه میزده است و خیال‌بد در سر ایشان می‌انداخته و از افسانه‌جمشید وکاووس این‌را درست دان . و از این‌بود که کیخسرو چون بپایه بلند رسید و ترسید که مبادا اهرمن اورا ازراه‌ببرد پادشاهی‌را بلهراسب داد وخودبغاررفت...

وبدانکه روش ستاره چنین مینماید که پس از پادشاهی پادشاه فرزندان او بخوی پدرنباشند ومیان ایشان ناراستی درمیان آید ودور نیست که زیردستان با یشان دست درازی کنند واز بسیاری ناراستی در پادشاهی ، بزیردستان آسایش نماند و مردم همدیگررا بسیار بکشند وازفرزندان شما کسی برنیاید که سزای پادشاهی باشدوآنکه بود بد دل وترسناك وبسیارخوار وشیفته‌زن باشد وکاربجایی برسد که.. ازهرسوی مردم بایران دست درازی کنند وپادشاهی از مردم شما برود و پس از هزاروانددسال بازپادشاهی بفرزندان کیومرث رسد .

دقت دراین سطور نشان میدهد که نویسنده میخواهد ازحوادث آخرین روزهای ساسانیان پیش ازحمله عرب ، روزگاریزدگرد وآشفتگی مردم ، سخن بگوید ، نخست (شاید دراثربابی اطلاعی یا حرص فراوان برساختن کتابی بنام زردشت) با خسرو ازیزدجرد گذشته سخن گفته ..؟

پس ازآن از ضعیف شدن پادشاهان نادرست ودست درازی دیگران بایران وسرانجام ازبازگشتن پادشاهی به‌فرزندان ایران پس ازهزار واند سال که مطابق است باسلطنت اکبردر حدود ۱۰۰۰ ـ ه درهندوستان . واین فقرات پیشگوییهای دساتیر را راجع به از بین رفتن دین تا پس از هزار سال . . ؟ بیاد میآورد . (به فرهنگ ایران باستان ازپور داود ص ۳۰ رجوع شود) .

درهرحال ازاین زوره وتفسیرزوره ونامه دهقان خداپرست تا کنون درجایی ذکری نیافتم بجز (همانگونه قبلا اشاره شد)درفرهنگنامه پارسی ازسعید نفیسی. مرحوم نفیسی درذیل لغت ابراهیم چنین گفته :

درروایات ایرانی که ظاهراً درچهارپنج قرن پیش پیداشده، ابراهیم را همان زردشت پیامبر ایران قدیم دانسته‌اندو کتاب زندرا بدونسبت داده وحتی دربعضی از

مآخذ ضعیف ، ابراهیم زردشت نوشته‌اند و نیز کتابی مختصر درشرایع ابراهیم زردشت بنام زوره رواج داده‌اند که گویند برای پادشاه هند نوشته‌است .

آقای دکتر معین نیز درمزدیسنا همین سخن را ازمرحوم نفیسی نقل کرده‌اند (مزدیسنا ص ۸۹ فرهنگنامه پارسی ص ۹۱و۳۸۵) .

درمرکزی دانشگاه و کتابخانه فرهادمعتمد و خانقاه نعمة اللهی نسخه‌هایی از تفسیر زوره وتفسیر نامه دهقان خداپرست موجوداست .

رجوع به فهرست دانشگاه ۳ : ۵۰۵ و نشریه کتابخانه مرکزی شمارهٔ ۳ : ۳۲۲

در نسخه حاضر ازتفسیر زوره، متن بانشان م (متن) وتفسیر بانشان ش (شرح) نمایانده شده .

آغاز: تفسیر زوره از زردشت تصنیف آذر پژوه که انوشیروان او را زوره خوانده، بسمله، و به نستعین، بنام ایزد جان بخش روزی رسان چنین گوید آذر پژوه که من ازاصفهانم واز نژاد کیومرث واز ساسانیان واز اردشیر نیکوکار و مرا روزی پادشاه خسروپور قباد ساسانیان که اورا انوشیروان گویند خواند و درپیش خود نشاند و فرمود که دانای ایران که ابوذرجمهر است پیرشده است و آنچه میخواهم ازو نمی‌آید وآنرا ازتو بهتر شاگردی نیست میخواهم که تراکاری فرمایم گفتم پادشاه تویی ومابنده فرمان، گفت مارا سخن چند است ازسخنهای ابراهیم زردشت که پیغمبرایران بوده است ودانستن آن نامها برهمه دانشور دشوار است که سخنهای چنداست سربسته که به پارسی نه بزبان پهلوی نوشته و نزدشاه هند فرستاده بوده است ونام آن زوره‌است ودراین چند روزپادشاه هندآنرابه‌من رسانیده

است ومن‌خواهان‌آنم که آن سخنها را روشن گردانی تراهم بدانند و ترامزدی و یادگاری باشد گفتم‌آن زوره کدامست نامه رابرداشت وبمن‌داد ، درونگاه کردم و شناختم که چه میگوید وچیزی چند برونوشته نزدخسرو بردم واو را خوش‌آمد وبخشش فرمود نامه دیگری آورده بمن داد که این را دهقان خدا پرست نزد من نوشته اما سخن اودراز است اورا کوتاه گردان ودر سرانجام آنچه نوشته بنویس همچنان کردم تاخدا زردهد وابراهیم درآغاز نامه نوشته بود که ...

پایان نامه دهقان: و ازفرزندان شما کسی بر نیاید که‌سزای‌پادشاهی‌باشد ، وآنکه بودپادشاه‌بددل‌وترسناك‌وبسیارخواروشیفتهٔ زن باشد وکاربجائی‌رسد که‌زنان ... وازهرسو مردم بایران دست درازی کنند و پادشاهی ازمردم شمابردوپس از هزاروان‌دسال بازپادشاهی بفرزندان کیومرث رسد.

پایان تفسیرازوره: و بدن‌نیك‌باش‌ومباش ازبدان وآنکه ازیزدان راهنمایی خواستن و درهر کم وکاست‌دیندار آخریب ونیرنگ اوست ازجان ودل‌برداشتن وآن‌مردارپلید رابجان و دل نگماشتن .

[۱۹۲۶]

نسخه شمارهٔ ۴ (ص۲۲۷ ـ ۲۴۶ دفتر) است بیشتر برگهای نسخه وصالی شده ـ وبسیاری از سطور، خوانده‌نمیشود .

تفسیر زوره **(فارسی)**

تفسیری‌دیگراست‌برزوره که‌عنوان فقرات‌آن زوره (در نسخه:دوزه)است. این شرح مقدمه و دیباچه ندارد و از تفسیرزوره که قبلا یادشده ساده‌تر ، وخالی از تکلف‌است و واژهای نادر یا اصطلاحات ساختگی در آن کمتر است . دراین کتاب از(دین‌بهی) سخن‌رفته وعقایدوفلسفه ایرانی‌را شرح داده شده‌وچون خواهد لفظ تازی واژه‌ای را یاد کند ،گوید عربان چنین گویند :

نویسندهٔ این گزارش درآغاز هرفقره (زوره) عقاید ایرانیـان را بدینگونه نقل میکند: ازدین بهی است (یا) ایرانیان چنین میدانند. گاه نیز از «دانا» نقل سخن کرده است.

در این کتاب هرچند اززوره وخسرو وآذرپژوه وپادشاه هند یاد نشده امـا مطالبی که شرح شده همان مطالب گفته شده درزوره و تفسیر آن است.

درچند جا، از نامه بوزرجمهر یادشده، آغاز یکی از زوره ها این است:

«ازدین بهی است که آتش بسرخود عنصر نیست و آن هواست که آتش میشود...

آغاز: وآنچه دانایان گفته‌اند این است که هستی هرهست ازخدای آسمان وزمین است و یزدان‌خواستی بهشتی که پیکرها را هست مید همیشگی اماخواستی که وابسته پدیدآمدن آدمی است این نیست وآن خواست دیگریست واین سخن به‌آن راهنماید که کارآدم وهمه جانوران ازآدم وجانور میآید...

[۱۹۳۰]

نسخه شماره ۲ دفتر (ص ۳۲-۷۹ دفتر است) بخط نسخ تحریری محمدحسین فرزند حاج محمد هاشم طبیب، مورخ ۱۰۸۷.

اوصاف الأشراف

(فارسی)

از خواجه نصیرالدین طوسی (محمدبن محمد بن حسن م -۶۷۲).

ذریعه ۲: ۴۷۷، آثار و احوال‌خواجه: ۲۵۹ مشار: ۱۸۴۶.

آغاز: سپاس بی‌قیاس بارخدایی‌را که بسبب آنکه‌هیچ عقلی‌را قوت...

انجام: و در این مختصرایراد کنیم اینجاسخن منقطع شد والسلام‌علی‌من اتبع الهدی قدتم فی‌یوم الجمعه اثنین وعشرین من شهر ذی الحجه الحرام بعد ثمانین والف ابن‌حاجی محمد هاشم طبیب محمد حسینی.

[۱۹۳۰]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص ۸۲–۱۲۵ دفتر) است .

آغاز وانجام (فارسی)

از خواجه نصیر طوسی (م–۶۷۶) دارای ۲۰ فصل. بالای نسخه نام رساله «مبدأ و معاد» ثبت شده .

آثار واحوال خواجه ازمدرس رضوی: ۳۱۹ ذریعه ۱ :۳۶ فهرست مجلس ۷ : ۲.

آغاز: ربنالاتزع قلوبنا بعداذ هدیتنا وهب لنا ... شکر وسپاس آفریدگاری را که آغاز همه از اوست ...

پایان: ازدعای خیر دریغ ندارند و اصلاح سهوهایی که قابل اصلاح باشد بجای آرند .

[۱۹۳۰]

نسخه شمارهٔ ۴ (ص ۱۳۲–۱۶۶ دفتر) است .

عقائد (رساله در...) (فارسی)

ازخواجه نصیر طوسی. این رساله یکی ازچند رساله ایست که از خواجه دانسته شده و بر مذهب اسماعیلی است .

مؤلف که خود را محمد طوسی خوانده صورتی از اعتقادات خود را که از کتب وسخنان اسماعیلیان (که وی غالباً در این رساله آنانرا اهل تعلیم یا تعلمیان نیز خوانده است) گرفته، باذکر دلیل یاد کرده تا « بر دست مخدوم خود بمجلس ارفع محتشم ... ناصر الدوله والدنیا سلطان الرؤساء ... المظفر بن المؤید دام رفعته کـه اشفاق او برخود و احتیاط بر محافظت اسرار مخلصان میدانست انهاء کرد » .

وی چندبار با کمال ادب توصیه کرده که این راز افشار نشود (و نمونه آن همین چند کلمه است که در بالا نقل گردید) .

مؤلف پیش از شروع در ذکر صورت عقائد خود، نخست بعنوان مقدمه، سر گذشت خود را از نظر تحصیلات و عقائد و محیط پرورش با شرحی مبسوط و شیوه‌ای جذاب نوشته و برای یاد کردن مقدمه مزبور بدینگونه عذر آورده : «و پیش از خوض در مقصود از روی دلیری مقدمه ای که تثبیت آن مهم میداند آنرا ادا میکند و آن اینست که بحکم آنکه در ظاهر سبیل کسانی که در خویشتن مرضی یا المی جسمانی احساس کنند و خواهند که طبیبی که در ازالت انواع امراض و آلام ماهر بود بمعالجه ایشان اشارتی کند، آن باشد که شرح حال ظاهر خود را از مبدأ احساس آن عارضه تا بآخر پیش طبیب باز گویند تا چون بر اسباب و علامات واقف شود بتدبیر صواب اشارت کند ... درحقیقت نیز شرط کسانی که خواهند طبیب نفوس ضمیر ایشان را از اعتقادات فاسده ... خلاص دهد هم آن تواند بود که درپیش او شرح حال باطن خود را از مبدأ فکر... حکایت کند ... پس بنده کمترین اقتداء به این سنت کرد و شطری از احوال خود را از آنگاه باز که در خود اندك تمیزی احساس کرده است تا اینکه امروز هست عرضه داشت » .

وی در این سر گذشت گوید : در میان خاندانی سخت پای‌بند ظواهر شرع و مقلد قشری، پرورش یافته و تنها کسی که در تقلید آن قواعد مبالغه کمتر نمود و اورا به تحصیل فنون علم و اطلاع از سخن ارباب مقالات ترغیب میکرد ، یکی خال او شاگرد داعی الدعاة تاج الدین شهرستانی بود و یکی دیگر نیز کمال الدین محمد حاسب که ازدوستان پدرش و شاگردان افضل الدین کاشی بود که بسفارش پدر نزد او ریاضی خوانده و او « هروقت در اثنای سخن اهل ظاهر را کسری کردی و مناقضتی که مقلدان اوضاع شریعت را لازم آید بیان فرمودی و بنده را آن دلپذیر آمدی و چون خواستی که بغور سخن برسد از آن امتناع نمودی و گفتی آنچه ... حقیقت است هنوز با تو گفتنی نیست که تو کودکی وروزگار ندیده اگر عمر ـ و توفیق یافتی طلب کن تا بآن برسی و هروقت از روی نصیحت گفتی ممکن بود که

حق با کسانی باشد که درنظر اینجماعت که تومی‌بینی حقیرترین خلق باشند».(۱)

در سفری که از عراق بخراسان میکرده چند روزی « بر محروسهٔ معظمهٔ کوه‌گذری کرد وروزی دوسه‌خدمت او (یعنی‌داعی الدعاه‌شهاب الدین) دریافت و طرفی از سخن دعوت ازلفظ او استماع کرد ... و چون ملازمت خدمت او . . . بسبب موانعی که تذکرش احتیاج نیست‌مهیانشد ، ازآنجابخراسان‌آمد ...واتفاق را جلدی فصول مقدس علی ذکره‌السلام بخطی میانه‌وکاغذی کهنه دردست نااهلی دید که نمیدانست‌آن چیست وآنرابحیلتی‌بدست آورد وروزوشب‌خود رابرمطالعه آن وقف کرد... ودیدهٔ باطن گشاده‌شدپس‌همت برآنکه چون فرصتی‌یابدخویشتن را میان جماعت افکند مقصور گردانید » .

رجوع‌شودبه‌آثار واحوال‌خواجه ازمدرس‌رضوی‌ص ۳۱۸ودانشگاه۶ :۲۱۱۵

آغاز: بسمله ، رب انعمت فزد ، ربنا آتنا من لدنك رحمة وهب‌لنا من‌امرنا رشدا ، بزرگترین نعمتی وجسیم ترین موهبتی که عموم بندگان خداوند زمان محق وقت و نماننده بحق مظهرکلمة الله فی‌العالمین‌مولی الثقلین ... دراین‌روزگار مخصوص آن ذات است که زمام حل وعقد وعنان امرونهی ایشان در قبضه تقدیر وکف کفایت‌عالی قطب‌الحق والدین ... المظفربن محمد ... مدتی است‌تا کمترین بندگان محمدالطوسی‌میخواهد که نموداری ازصورت ...

انجام : حد گذشت و بندهٔ کمترین را یارای تمهید معذرت نتواند بود اما الحدیث ذوشجون والکلام یجرالکلام رای عالی درهمهٔ‌ابواب صائب‌تر وسایهٔ بزرگوار تامنقرض عالم پاینده وآفتاب اجلال از افق کمال‌تابنده والسلام‌علیکم ورحمة الله وبرکاته .

[۱۹۳۱]

نسخه شمارهٔ ۱ (ص ۱ ــ دفتر) است .

---

(۱) ص ۱۳۶ دفتربا اصلاح اغلاط .

مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة (بخشی از ...) **(عربی)**

ازرساله‌های منسوب بحضرت صادق (ع).

عبدالرزاق گیلانی بر مصباح الشریعه شرحی دارد که اخیراً بکوشش و با تعلیقات آقای سیدجلال محدث ارموی چاپ شده.

شروحی دیگر نیز دارد که آقای محدث در مقدمهٔ ممتع خود بر شرح گیلانی آورده‌اند.

ذریعه ۱۴:۶۸ فهرست دانشگاه ۳: ۴۹۵ مشار - عربی ۲ : ۸۹۲ . ومقدمهٔ آقای محدث برشرح گیلانی

آغاز: بسمله ، الحمدلله الذی نورقلوب العارفین بذکره وقدس ارواحنابه ... وبعد فهذا کتاب مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقه من کلام الامام الصادق ...

انجام : وصاحب المنیة الخالصة نفسه وهواه معه مقهورتان تحت سلطان تعظیم الله والحیآء منه وهومن طبعه وشهوته ومنیة نفسه .

[۱۹۳۱]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۷ - ۱۳۴ دفتر) است .

مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة **(عربی)**

این نسخه تقریباً کامل است ودارای حاشیه‌هایی است با نشان ص ن عفی عنه ، ح س ع ، م رد ، یا بدون نشان .

آغاز: بسمله ، الحمدلله الذی نورقلوب العارفین بذکره ...

انجام : شهواتها رفض الریاسته فاذا حصلت هذه الخصال بحقها فی نفس فهو من خاصة الله وعباده المقربین واولیائه حقاً .

[۱۹۳۱]

نسخه شمارهٔ ۴ (ص ۱۶۰ - ۳۰۱ دفتر) است .

اوصاف الاشراف (فارسی)

از خواجه نصیرالدین طوسی .

رجوع شود به‌ذریعه ۱ : ۴۷۷ و نیزص ۶۳۳ این فهرست .

[۱۹۳۲]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۲۵ ـ ۴۵ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق مورخ ۱۰۰۰ ـه

فصول نصیریه (فارسی)

ازخواجه نصیرالدین طوسی (م ـ ۶۷۲) درتوحید واصول عقاید .

این‌رساله بکوشش آقای دانش پژوه درایران چاپ شده است .

احوال وآثار خواجه ازمدرس رضوی : ۲۴۹ ـ ۲۵۲ ، دانشگاه ۶ : ۲۳۲۵،

۱۱: ۲۴۱۵ شمارهٔ ۳۴۰ذریعه ۱۶ : وص۳۹۲وهمین فهرست.

آغاز: بسمله ، وبه ثقتی ، اصل هر که از چیزی آگاهی یابد لامحاله از هستی ، آنچیز آگاه شده‌باشد ، چه بضرورة داند ....

انجام : خیرموفق ومعین الحمد لله رب‌العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین تمت الرسالة فی منتصف شهر محـرم‌الحرام سنه الف من الهجرة الخیرالبریه .

[۱۹۳۳]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص ۴۵ ـ ۴۸ دفتر) وفاقداول‌است .

منهاج الصلاح (بخشی از...) (عربی)

تألیف علامه حلی (م ـ ۷۲۶) و خلاصه ایست از مصباح شیخ ابـو جعفر محمدبن حسن طوسی (م ـ ۴۶۰).

علامهٔ حلی کتاب مصباح را در ده باب تلخیص و تحریر کرده و یك باب یازدهم بر آن افزوده که خود جداگانه بنام الباب الحادیعشر ، کتابی مستقل بشمار است و شرحها بر آن نوشته‌اند .

منهاج علامه حلی و مصباح شیخ طوسی هر دو بچاپ رسیده است .

کشف الحجب ۵٦٦ فهرست دانشگاه : ۵٤٣ ذریعه : ۵

آغاز: دعاء لطلب العافیه علمه النبی صلی الله علیه و آله علیاً علیه السلم اللهم انی اسئلك بانك سبوح قدوس و یسبحك سواد اللیل وضوء النهار ...

انجام : و آله قال اذا استبطاء احدکم الرزق فلیستکثر من قول لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ...

[۱۹۳۲]

نسخه شمارهٔ ٤ (ص۴۹-۶۱ دفتر است) نسخ مورخ ۹۹۹

آداب المتعلمین (عربی)

منسوب به خواجه است ولکن حق آن است که تألیف برهان الدین زرنوجی ، و تلخیص و تحریف آن است .

سپهسالار ۳ : ۱٦-۱۷ وهمین فهرست :

آغاز الحمدلله علی آلائه و بعد فکثیر من طلاب العلم لایتیسر لهم التحصیل وان اجتهدوا ولا ینتفعوا من ثمراته وان اشتغلوا ...

انجام : فی کتابه المسمی بطب النبی علی الله علیه و آله وسلم یجده من یطلبه والحمدلله رب العالمین تم فی عاشر شهر شوال سنه تسع و تسعین و تسعمائه .

[۱۹۳۳]

نسخه شمارهٔ ۵ (۶۲-۶۵ دفتر است)

دعاء صباح (عربی)

رجوع شود به: الذریعه ج۸-۱۹۰، ۱۳: ۲۵۳-۲۵۵ فهرست آستان قدس ۶: ۲۲۳

آغاز : بسمله ، دعای صباح حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام ، اللهم یامن دلع لسان الصباح بنطق تبلجه...

[۱۹۳۲]

نسخه شمارهٔ ۶ (ص ۶۵-۷۷ دفتر است)

دعاء ابوحمزهٔ ثمالی (عربی)

راوی این دعا هارون بن موسی تلعکبری، از ابوحمزه ثمالی که از یاران حضرت سجاد (ع) بوده نقل میکند که ابوحمزه گوید اودرشبهای ماه رمضان این نیایش را بدرگاه خدا میخوانده است. براین دعا گزارشهای چندی نوشته شده .

رجوع شود به: الذریعه ج۸: ۸۶، ۱۳: ۲۴۶ و فهرست آستان قدس:...

آغاز : بسمله، رب من ذا الذی دعاك فلم تجبه‌ام من ذا الذی سئلك فلم تعطیه‌ام من ذا الذی رجاك فخیبته‌ام من ذا الذی تقرب...

انجام: لی ماسالتك یاقدیر ولاحول ولاقوة الابالله العلی العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین

[۱۹۳۳]

نسخه شمارهٔ ۷ (ص ۷۷-۷۹ دفتر) است

شرح دعاء علوی مصری (فارسی)

منقول از کتاب مهج الدعوات سیدعلی بن طاووس (م -) باتلخیص وترجمه

آغاز : در کتاب مهج الدعوات مذکورست آنچه معنیش بدین راجع میشود

که روایت کرده حسن بن علی بن حمادالبصری که‌خبرداد مرا ابوعبدالله حسن بن محمدالعلوی که گفت حدیث کرد مرا محمدبن الحسن...

انجام: کردم دعا رایافتم دانستم که بد کرده بودم زنهار هر کس بدین دعا مواظبت نماید باید که همین قاعده مرعی دارد تا ازخوف ایمن باشد

[۱۹۳۲]

نسخه شمارهٔ ۸ (ص۷۹ دفتراست)

حدیث نوروز (عربی)

حدیثی است مشهور ومنسوب به‌حضرت صادق امام ششم (م) بروایت معلی بن‌خنیس دربارهٔ روزنوروز و آداب‌آن. عده‌ای ازدانشمندان‌رساله نوروزیه نوشته‌و این‌حدیث را مورد سخن قرارداده اند رساله‌های نوروزیه عمادالدین مسعودو مولی اسماعیل خواجویی ومیرزامهدی و سیداسماعیل خواتون‌آبادی ازاین‌باب‌است

همین فهرست ص ۳۲۲ و ذریعهٔ ۶ : ۳۶۷

آغاز : یوم‌النیروز نیروز الفرس روی‌المعلی بن خنیس عن مولانا الصادق علیه‌السلم فی‌یوم‌النیروز اذاکان یوم‌النیروز . . .

انجام: وتکثرمن یاذا الجلال والاکرام.

[۱۹۳۳]

نسخه شمارهٔ ۱ (۲-۱۷۳ دفتر) است بخط نسخ

امان الاخطار (عربی)

از سید رضی الدین علی بن طاووس (م-۶۶۴) در آداب و شرائط سفر ، و دستورهای حفظ الصحه از شرع‌وطب، خاصه‌برای مسافر و ادعیه‌واحراز.این کتاب (بشیوه دیگر مؤلفات ابن طاووس) حاوی نوادری‌ارزنده است و از آنجمله‌تمام

رساله حفظ الصحه قسطابن لوقا که آنرا برای حسن بن مخلد نوشته‌در باب ١٣ این کتاب وارد گشته. کتاب برء‌الساعة محمدبن زکریا رازی را نیز تماماً در باب یازدهم گنجانیده. کتاب‌قسطابن‌لوقا خود دارای ١٤ باب است که خود او فهرست ابواب را در آغاز رساله آورده و باب چهاردهم‌همین‌رساله‌است که در آخر کتاب امان الاخطار بچشم میخورد وبیننده را گمان میرسد که از ابواب امان‌الاخطار است وشاید بهمین‌سبب درذریعه آمده که این کتاب دارای ١٤ باب است.

این کتاب که نام کامل آن الامان من اخطارالاسفار و الازمان است، دارای١٣باب است وهرباب خود دارای چندفصل‌ومجموع‌فصلهای کتاب١٩٥است. اینك آغاز باب١٣ ورساله قسطابن‌لوقا میشود :

الباب‌الثالث عشرفیمانذکره من کتاب صنفه‌قسطابن اوقا لابی‌محمدالحسن بن‌مخلد فی‌تدبیرالابدان فی‌السفر اللسلام من‌المرض والخطر ننقله بلفظ مصنفه و اضافته الیه اداء للامانة وتوفیرالشکر علیه و هوماهذ الفظه (بسمله) کتاب قسطابن لوقا الیونانی الی ابی‌محمدالحسن‌بن‌مخلدفیماعلیه‌فی‌تدبیر بدنه‌فی‌سفره‌الی‌الحج ...

یکی از ابواب ارزندهٔ رساله قسطا بن لوقا باب نهم آنست در بیان طرز استفاده کردن ازآبهایی که قابل نوشیدن‌ومصرف‌نیستند (ص٨٢ دفتر).

همچنین دراین رساله ودر سراسر کتاب امان الاخطار نام‌عده‌ای از پزشکان قدیم و کتابهای پزشکی یاد شده.

صاحب ذریعه نسخه‌ای از این کتاب امان‌الاخطار را در کتابخانهٔ سیدحسن صدر (کاظمین عراق) ونیزنسخه‌ای دیگر دیده‌اند که تاریخ آن ١٠٩٢ بوده‌است.

فهرست دانشگاه شمارهٔ ١٣٨٩/١، ١٨٢٨ و ٤١٦٩. الذریعة ج ٢ ـ ٣٤٣ فهرست عربی مشار : ٩٠ آستان قدس ٦ : ٢١٣.

آغاز: بسمله، الحمدلله رب‌العالمین وصلوته ... یقول‌مولانا الافضل‌الاکمل ذوالمناقب نقیب نقباء آل ابیطالب فی‌الاقارب والاجانب رضی‌الدین ابوالقاسم علی

بن موسی بن جعفر بن محمد الطاووس العلوی ... الحمدلله الذی استجارت به الارواح بلسان الحال فی اخراجها من العدم فاجارها واستعانت به فی فك اسارها من هذا الظلم فاطلقها . . .

انجام : و رحمته من اقوی الوسایل الی اجانبه و عنایته و عافیة و صلی الله علی سید المرسلین محمد النبی و آله الطیبین الطاهرین ، اجمعین تم الکتاب بعون الله و توفیقه . . .

[۱۹۳۳]

نسخه شمارهٔ ۲ دفتر (ص۱۸۷–۲۸۳ دفتر است .

تهذیب (کلام) **(عربی)**

از سعدالدین مسعودبن عمر تفتازانی (م ـ ۷۹۲) . وی تهذیب رادر۲ بخش کلام و منطق نوشته که هر یك از آن خود کتابی جداگانه بشمار رفته وشرحها دارند .

بخش کلام تا باب ٥ در مقدمات و مباحث عامه و باب پنجم در الهیات است و باب ششم در سمعیات است شامل نبوت وامامت و دیگر عقاید سمعی ، دارای ١٤ فصل است وفصل ١٤ درامامت .

نسخه حاضر دومین بخش (کلام) است از تهذیب المنطق والکلام .

کشف الظنون ج ۳۵۱:۱ . معجم المطبوعات: ٦٣٦ .

آغاز: بسمله ، هذا قسم الکلام من التهذیب و علی السنة وقع التبویب . . . فی المقدمات . الکلام هوالعلم بالعقاید الدینیه من الادلة الیقینیه و موضوعه العلوم من حیث یتعلق بذلك والعلم لایحد لوضوحه و قیل لخفائه والتفسیر بمثل حصول صورة الشیء . . .

انجام : هذاغایة ضرب الساعه فلاینافی خیریه آخر الامه علی ما نال مثل امتی نیل المحظور لایدری اوله خیر اوآخره تمت .

[۱۹۳۳]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص۲۷۸-۴۱۳) دفتر است ، بخط شکسته نستعلیق وازپایان ناقص است .

حاشیة انوارالتنزیل (عربی)

ازعصام الدین ابراهیم بن محمدبن عربشاه اسفراینی حنفی اشعری م-۹۴۳ برانوارالتنزیل ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی .

کشف الظنون ج ۱:۱۶۵ فهرست سپهسالار ج ۱:۱۲۱ .

آغاز : الحمدلله الذی نزل الفرقـان علی عبده لیکون للعـالمین نذیرا اقتبس اقتباساً...

انجام : مع هذا الابهام عوده الی العبد لانه مندفع بقوله و ادعوا شهداء کم ان کنتم صادقین علی بعض الوجوه ولا یلایم قوله و ادعوا شهداء کم ای یلایمه علی بعض الوجوه لان الاعانه .

[۱۹۳۴]

نسخهٔ شمارهٔ ۱ دفتر (ص ۱-۴۶ دفتر است) بخط شکسته نستعلیق . در بسیاری از صفحات متن درحاشیه رفته است .

شرح حدیث زینب عطاره (عربی)

از مولی علی بن جمشید نوری (م -۱۲۴۶)

محمدبن یعقوب کلینی در روضهٔ کافی بطریق خویش ازامام صادق (علیه السلام) داستان زینب حولاء عطرفروش را که برای همسران ودختران پیغمبر (ص) عطر میاورد وبآنها میفروخت وسؤال و جواب پیغمبر (ص) بازینب که دربارهٔ عظمت دستگاه آفرینش واسرارخلقت ومحتوی رموزواشارات است نقل کرده وآغاز حدیث این است :

جائت زینب العطاره الحولاء الی نساء النبی (ص) و بناته و کانت تبیع منهن العطر فجاء النبی و هی عندهن فقال اذا اتیتنا طابت بیوتنا فقالت بیوتك بریحك اطیب یارسول الله قال اذا بعت احسنی ولا تغشی فانه اتقی وابقی للمال فقال یارسول الله ما اتیت من بیعی وانما اتیت اسالك عن عظمة الله فقال (ص) (١) ساحدثك عن بعض ذلك ثم قال ان هذه الارض بمن علیها عند التی تحتها کحلقه ملقاة فی فـلاة قی . . . والسبع الارضین بمن فیهن علی ظهر الدیك ... والدیك له جناح فی المشرق وجناح فی المغرب الی آخر الحدیث .

ملاعلی نوری پس از پایان متن حدیث ، نخست سخنی از صاحب وافی آورده که خلاصه‌اش اعتراف به عجز از درك معنی حدیث است. آنگاه خود به شرح حدیث غریب و توجیه تشبیه کرسی زمین در حدیث به پشت خروس و دیگر اشارات آن پرداخته است. وی در این رساله برخی از اشعار پارسی خود را نیز بمناسبت آورده و از آنجمله شعریست کـه از رساله خود در توحید نقل کرده و این شعر یك مثنوی است که بدینگونه آغاز میگردد :

آدم اگر زاده آب و گل است — زادهٔ آدم گل پـاك دل است
ماحصل از کشتهٔ این آب و خاك — خود دل روشن بود و جان پاك

و این است ابیات پایان این مثنوی:

تادل انسان نکند مریمی — روح نیارد کند عیسی دمی
خود دل اگر زاده آدم بود — زادهٔ دل عیسی مـریـم بود

از این رساله نسخه‌ای ندیدم جز ناقصی در دانشگاه (نسخه شمارهٔ ٣٠٩٢/٤) . در ذریعهٔ نیز ذکر نشده

فهرست دانشگاه ١١ : ٢٠٣٨

آغاز : الحمدلله الذی له ما فی السماوات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری...

(١) در نسخه‌ما : فقال جل جلاله آمده وغلط است

امـا بعد حمدالله الکافی . . یقول النـوری الحافی فـی‌الروضة من‌الکافـی حدیث زینب‌العطارة ...

پایان: و هو نشأةالقلم‌الادنی المعروف بین‌العام کالقصب المعروف بالقلمیه‌ـ وغیره من‌الاقلام المعروفة و مبدأ الکل و مرجعه تلك‌الحقیقة‌الالهیه‌المحمدیه و کذلك حکم‌اللوح و روح معناه‌الذی هـو‌اللوح‌الصالح لقبول‌الصور و النقوش بای وجه‌کان .

درنسخهٔ‌مابیش ازاین نیست وچنین‌پیداست که کار مصنف‌خودناتمام مانده .

[۱۹۳۴]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۴۹ ـ ۲۰۵ دفتر) است

شرح عرشیه **(عربی)**

شرح رساله صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (م ـ ۱۰۵۰) از مولی علی‌جمشیدنوری(م ـ ۱۲٤٦)

آغاز: بسمله ، و به ثقتی ، قوله تعالی ثم‌الله‌ینشیٔ‌النشأة الآخرة‌یعنی یوم القیمه‌الکبری‌یوم‌لمن‌الملك الیوم‌لله الواحدالقهار وهوالیوم الاول‌السابق‌علی‌الیوم الربوبی المتقدم علی‌الیوم الدنیاوی المسمی بالزمانی نزولا وبدوا والمتاخر عنها رجوعا وعودا الی‌ما‌نزل منه‌فهو‌بدو‌الخلق وآخره کمابدئکم تعودون ولکن‌الترتیب فی‌العود والرجوع علی‌عکس النزول فلهذا ...

انجام: فلك الافلاك المسمی بالفلك‌الاطلس هوالوجود‌الثانی للعرش‌الرحمانی.

قد تمت هذه الحواشی المکتوبه علی‌الرسالة التی هی‌من تصنیفات العلامة‌المرحوم الصدر الشیرازی اسکنه‌الله دارالجنان وهذه‌الحواشی من‌العلامة المنور بنورالله الماقد‌المسمی‌بالنوری‌المرحوم‌اسکنه‌الله‌فی‌روضات جنانه‌وغفرالله له‌ذنوبه‌وخطیاته .

[۱۹۳۵]

نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۱۹۳ ـ ۲۹۱ دفتر) است

اثنی عشریه (صلوتیه) **(عربی)**

از شیخ بهاءالدین محمدبن حسین عاملی (م ـ ۱۰۳۱)

ذریعه۱ : ۱۱۷دانشگاه ۵:۱۷۵۸ـ۱۷۵۹مشار - عربی

آغاز: بسمله :الحمدلله الذی‌وفقنا‌للاهتداء بشریعة‌اشرف‌النبیین وبعدیقول اقل‌العباد محمدالمشتهر ببهاءالدین العاملی عفی‌الله‌عنه . . .

انجام : ایا قعد بعضك علی بعض فلاتصبر للتشهد والدعاء تمت‌بعون الله‌تعالی سنه ۱۲۶۱ .

[۱۹۳۵]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص ۲۴۵ـ۲۷۵ دفتر) است

اثنی عشریه (صومیه) **(عربی)**

ازمحمدبن حسین عاملی= شیخ بهائی

فهرست مشـارعربی : ۱۸ ذریعه۱ : ۱۱۷

آغاز: بسمله ، الحمدلله‌الذی جعل‌الصوم جنة من‌النار والصلوة علی‌اشرف الخلایق محمدوآله الاطهار ، فیقول اقل‌العباد محمدالمشتهر‌ببهاءالدین...

انجام : فیه تسبیح ان‌من خفف عن مملوکه فیه خفف‌الله حسابه... الاقدام ثواب تلاوة آیةواحده فیه . . . ذی‌العقده الحرام من شهور ۱۲۸۰

[۱۹۳۶]

نسخه شمارهٔ ۲ دفتر (ص ۱۸ ـ ۲۲ دفتر است) .

تأویل آیهٔ نور **(عربی)**

ازمولی‌عبدالرزاق‌کاشانی(م ۷۳۶).کاشانی‌دراین رساله کوچك آیهٔ نور رابا اختصار وبشیوه عرفانی تفسیر کرده است .

درفهرست سپهسالار نسخه‌ای ازاین رساله باعنوان تفسیر آیهٔ نور معرفی شده . اما علم‌الهدی‌فرزند فیض‌کاشانی درنوشته‌ای که‌درپشت برگ رساله‌نخست‌این دفتر (١٩٣٦) دارد، ازاین رساله باعنوان تأویل آیةالنور یاد کرده است ومؤلف خود نیز درمقدمه گویددراز «من‌درخواست کرد تأویل‌آیهٔ را»(گ۹ ـ راست) .

عبدالرزاق‌کاشی این رساله‌را بدرخواست کسی نوشته که ازاو بدینگونه‌یاد کند «من‌وجب‌علی‌من طریق‌المروة اجابته اذحتمت عندی فی‌طلب‌التحقیق اصابته»

رجوع بشود به فهرست سپهسالار ۳ : ٤٦١

آغاز: بسمله ، وبه‌نستعلیق . الحمدللّه‌الذی اودع اسراره مطاوی‌التنزیل‌والم عباده فحاوی التأویل سدف علی‌الحقایق سجوف التمثیل‌فاوهم‌العوام ... فقدسالنی من‌وجب علی‌من طریق المروة اجابته ... تأویل‌قوله تعالی‌اللّه‌نورالسموات‌والارض الایة فعلقت له‌بعض ماسنح فی الخاطر ... فقال‌اللّه تعالی‌اللّه نور السموات والارض فاللّه اسم للذات مع جمیع الصفات والنور اسم لماله ظهور فی‌ذاته وبه ظهور لغیره وینقسم ...

انجام : لکن لایکون علی التمام والکمال‌الافی‌صورة الانسان الکامل .

[١٩٣٦]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص ۲۲ ـ ۲۳ دفتر) است .

تأویل آیهٔ امانت (عربی)

مختصریست دربیان مقصود ازعرض امانة برانسان واباء و اشفاق فرشتگان وتفسیرکلمه ظلوم و جهول بشیوهٔ‌عرفان ، پیوسته نسخه‌تفسیر آیه نورکاشانی‌است‌و شایدکاتب‌دفتراین‌رانیزازکاشانی‌دانسته.سیدحیدرآملی‌رساله‌ای‌دراین باب داردودر آغاز کتاب جامع‌الاسرار نیز درباره‌آن‌سخن گفته.علم‌الهدی‌دریادداشتی که‌درپشت گ۲ دفتر داردتنها ازدورساله (شمارهٔ ۱و۲ دفتر)یادکرده و از دیگررساله های

موجود در دفتر با اینکه باهمان خط وقلم اندواحتمال الحاق نمیرود نام‌نبرده .

آغاز: بسمله ، وبه‌نستعین، اناعرضنا الایة المراد بالعرض التجلی وبالامانة الذات مع الصفات ای‌الاسماء الالهیه معنی تجلینا باسمائنا الحسنی لسموات العالم العلوی‌وارض‌العالم‌السفلی وجبال الکاینات بینهمافابین‌ان‌یحملنها ...

انجام : تردنفسك الی طاهرة کما قبلتها منی طاهرة والله المستعان وعلیه التکلان تم .

[۱۹۳۹]

نسخه شمارهٔ۴ دفتر (ص۲۶ ــ ۴۹ دفتر است) بخط نسخ محمدبن‌محمدمؤمن‌کاشانی مورخ ۱۰۳۵ .

رساله درعرفان وتوحید (عربی)

ازداودبن‌محمود قیصری (م ــ ۷۵۱) . وی‌این رساله راپس ازشرح فصوص نوشته ودرچندجای این رساله ازشرح فصوص‌ومقدمات آن یاد کرده‌است .

این رساله دارای یك‌مقدمه (دردو فصل) وسه مقصد ویك خاتمه است وهر مقصد خود دارای سه‌فصل است .

فصل اول ازمقدمه:موضوع ومبادی ومسائل (باجمال) .

فصل دوم درپاره‌ای از اصطلاحات عرفا .

مقصد اول ــ وجود واسماء وصفات الهی .

فصل دوم : مراتب تنزلات وجود وحضرات خمس .

فصل سوم ــ تشریح عالم مثال .

مقصد دوم ــ طریق الوصول الی الاصول .

فصل اول ــ نبوت .

فصل دوم ــ ولایت .

فصل سوم : طریق اکتساب ولایت .

مقصد سوم ــ جمع وتوحید ومراتب توحید .

فصل اول ــ جمع ونتایج جمع .

فصل دوم ــ توحید ومراتب توحید .

فصل سوم ــ خلافت(این فصل مفصل ترین بخشهای این رساله است) .

خاتمه : ختم خلافت و معرفی خاتم الولایة .

این رساله بجزآنهاست که فهرست دانشگاه در (۵۱۰:۳ ، ۷۲۳:۸) آمده .

آغاز: بسمله ، وبه نستعین ، المقدمة فیها فصلان الفصل الاول فی موضوع هذا العلم ومبادیه ومسایله اعلم ایدنا الله وایاک ان الوصول الی الله سبحانه قسمان علمی وعملی والعملی مشروط بالعلمی ....

انجام : وفی هذه المباحث تحقیقات واسرار لایمکن اظهاره فمن اراد ذلک فلیطلب من شرح الفصوص الذی لنافقد بیناها هنالک مشبعا ... و الیه المرجع و المآب والصلوة علی محمد خیر من نطق بالصواب وعلی آله وصحبه خیر آل واصحاب و سلم تسلیما کثیراً کتبه محمد بن جلال الدین محمد الشهیر بمؤمن القاشانی عفی عنهما بمحمد وآله .

[۱۹۳۶]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص ۵ ــ ۵۷ دفتر است) بخط نسخ محمد بن محمد مؤمن بتاریخ ۱۰۲۵ .

حلیة الابدال (عربی)

ازمحیی الدین بن العرابی (م ــ ۶۳۸)

وی این رساله رایکبار نوشته وپس ازانتشارآن، بهنگامیکه درشهر (خانه) بوده چیزهایی برآن افزوده(که درنسخه حاضر موجود است) .

محیی الدین در این رساله از کتاب مواقع النجوم خود یاد کرده است .

کشف‌الظنون ج ۱ : ۴۵۲ فهرست مشار ـ عربی ـ : ۳۱۹ مجلس ۹ : ۲۹ فهرست مصنفات محی‌الدین ـ بکوشش گورگیس عواد در مجله مجمع‌علمی دمشق جلد ۲۹ :۵۲۹ .

آغاز: الحمدلله علی ما الهم وعلمنامالم نکن‌نعلم .. اما بعد فانی استخرت‌الله لیلة‌الاثنین‌من جمادی‌الاول سنه تسع و تسعین وخمسمایه بمنزل آل میه بالطائف فی‌زیارتنا عبدالله بن عباس .

پایان: منازل الاحسان‌انه هوالولی المنان

پس‌ازپایان‌رساله اشعاری بفارسی‌ازعطاروعلاءالدوله سمنانی نقل شده

[۱۹۳۶]

نسخه شمارهٔ ۶ (ص ۵۸ ـ ۶۱ دفتر) است .

نامه محیی‌الدین به‌رازی **(عربی)**

یکی ازشاگردان فخررازی که با ابن العربی دوستی داشته برای اوحکایت کرده که رازی روزی برمنبر گریسته وشاگردان از اوسبب گریه پرسیدندپاسخ گفت درمسئله‌ای که۳۰ سال اعتقادی داشتم‌اکنون‌برایم‌مسلم شد که اعتقاد۳۰ساله من درآن‌مسئله‌بخطابوده‌و گریه‌ام‌ازآن‌است که‌شایدهمین‌عقیده که‌اکنون‌دریافتم نیزبخطا باشد . محیی‌الدین‌این نامه‌را به رازی نوشته‌وباستناد همین گفته ، اورا به ترك علوم نظری و مباحث فکری و اتخاذ طـریقه ریاضت و سلوك و خلـوت خوانده است .

ابن‌عربی دراوائل این‌نامه ازغزالی با عنوان «سیدنا ابوحامد» یاد کرده و اورا ازخود دانسته .

درجایی دیگر گوید : « ازچه رو دراین ورطه ماندهای و درراه ریاضتها و مجاهدات وخلوات که با سنت رسول (ص) مطابق است وارد نمیشوی». آقای سید محمد باقر سبزواری بخشی ازاین نامه را ترجمه کرده واین ترجمه را درضمن ۱۴ رساله بچاپ رسانیده‌اند .

مایل‌هروی درشرح‌حال فخررازی ازاین نامه‌یاد کرده ونوشته درکشکول بهائی نقل‌شده‌و نیز گوید معلوم نیست فخررازی، باین‌نامه‌محیی‌الدین جواب داده یانه.

شرح حـال فخر رازی ازمایل‌هروی چاپ افغان ص ۱۱۲

آغاز: هذه رسالة للشیخ‌الامام الراسخ ... محمدبن علی بن العربی الطائی الاندلسی قدس‌الله‌روحه‌الحمدلله وسلام علی‌عباده‌الذین اصطفی ... اما بعد فانانحمد الیك الله الذی ، لااله الا هو و قال رسول الله اذا احب احدکم اخاه فلیعلمه ایاه وانا احبك ...

انجام : الا ذعان للحق و التسلیم له ان لم یکـن الایمان ، به و هذا تمام الرسالة والله ولی‌الکفایة والتوفیق والصلوة والسلم عـلی نبیه وصفیه محمد و آله وعشیرته .

[۱۹۳۷]

این نسخه ش ۲ (ص ۱۰۵ ـ ۱۳۴) دفتر است .

شرح شرح الوقایة (عربی)

= شرح وقت الزوال = رسالة فی‌معرفة اوقات‌الصلوة وسمت‌القبله‌ازسید حسین خلخالی (م ـ ۱۰۱۴) .

(۱) امام برهان‌الشریعة محمودفرزندصدرالشریعه‌اول‌عبیدالله خمولی‌حنفی

---

(۱) چون شروح وحواشی وقایه وشروح آن فراوان است ومؤلف ویکی از شارحان نزدیکی اسمی‌دارند آقای سیدابراهیم دیباجی بدرخواست من‌فهرست آنهارا بادقت وکوشش ازکشف‌الظنون‌ودیگرفهارس استخراج کرده‌اند .

که ازعلماء سدهٔ هفتم است ، کتاب وقایة الروایةفی‌مسائل‌الهدایة را درفروغ فقه حنفی برای پسردخترخود صدرالشریعه ثانی (عبیدالله بن مسعودبن تاج الشریعة محمود محبوبی حنفی م ـ ۷۴۵) نوشته است . این کتاب نزد اهل تسنن اهمیت بسزایی داشته واز کتابهایی است که مورد تدریس وقرائت ومراجعه دانشمندان قرار گرفته وبر آن تعلیقه‌هاوحاشیه‌ها وشرحهای بسیار نوشته‌اند که‌در کشف‌الظنون وفهرستها یاد شده وما برخی از آنهارا می‌آوریم ازشرحهای وقایه است :

۱ ـ توفیق العنایة فی شرح الوقایه از زین‌الدین جنیدبن شیخ سندل حنفی .

آغاز: الحمدلله الذی جعل‌الشرع دینا وضیاء ونوراً مضیئاً .

۲ ـ العنایة فی‌شرح الوقایة ازعلاءالدین علی‌بن عمرالاسود (م ـ ۸۰۰).در الشقایق‌آمده که شارح آنرا هنگامیکه درمدرسه از نبق بـه تدریس آن اشتغال داشته نوشته است . وی کتابی بنام حافل‌کامل لحل مشکلات‌الوقایة دارد که لطفی بیك زاده درحاشیه الشقایق ازآن یاد کرده است .

۳ ـ شرح‌الوقایة از مولی عبداللطیف‌بن عبدالعزیز معروف به (ابن مالك) وی درآغاز گوید این شرح نوشته‌هایی بود که من هنگامیکه الوقایة را به‌پسرم جعفرمیآموختم نوشتم . فرزند دیگرش محمد بن مالك گوید : پدرم شرحی بر الوقایة نوشته‌بود دریادداشتهایی ترسیدم ازبین‌برود لذا نوشته‌های اورابامُلحقاتی یك‌جا آورده شرحی دیگر ترتیب دادم ولذا دو شرح به ابن مالك نسبت داده‌اند نسخه‌ای ازشرح محمدبن عبداللطیف بن مـالك‌دردارلکتب سال ۱۹۳۶ ـ ۱۹۵۵ وجود دارد .

آغاز: الحمدلله الذی جعل‌العلم اربح المتـاجر والمکاسب .

٤ ـ شرح‌الوقایة . شرحی است در کتابخانهٔ خدیوی مصر که درسال ۸۰۵ نوشته شده ونام شارح درآن نیامده است .

۵ ـ الحمایة فی‌شرح‌الوقایة ازمولی یوسف‌بن حسین کرماستی .

٦ ـ العنایة فی‌شرح الوقایة از سید حسین‌بن سیدعلی قومناتی . وی این شرح رادرجمادی‌الاولی ۸۲۷ شروع کرد ودرصفر۸۳۲ بپایان رسانید .

آغاز: اللهم بحمدك افتتحت وبفضلك استتمت .

قومناتی گوید : وآنچه دراین شرح آورده‌ام از الهدایة و الکفـایة وغایة البیـان وزیلعی والکافی وصدرالشریعة است .

۷ ـ الاستغناء فی‌شرح‌الوقایة ازعلاءالدین علی طرابلسی .

۸ ـ التطبیق فی‌شرح‌الوقایة ازمولی قاسم‌بن سلیمان نیکدی (م ـ ۹۷۰) وی دراین شرح بسخنان واعتراضات‌ابن کمال پاشا پاسخ داده است .

۹ ـ الرعایة . شرحی است که نام مؤلف‌آن را کشف‌الظنون نیاورده‌است .

۱۰ ـ الاستیفاء . شرحی است ازمعین‌الحکام حسام الدین کوسج . این‌شرح را «الکوسجیة» نیز نام نهاده‌اند .

۱۱ ـ شرح الوقایة الکبیر از عبدالوهاب بن محمد نیشابوری مشهور بـه (ابن‌الخلیفه) وی‌درسنهٔ ۸۷۳ میزیسته است.

۱۲ـ شرح الوقایة (الصغیر) نیزازهمان‌ابن‌الخلیفه .

۱۳ـ شرح‌الوقایة ازقورد(کرد)افندی .

۱٤ـ شرح‌الوقایة (الکبیر) ازعزالدین طاهرشافعی

۱۵ـ شرح‌الوقایة (الصغیر) نیز ازهمان عزالدین طاهر .

۱٦ـ شرح‌الوقایة از شیخ علی‌بن محمد شاهرودی معروف به (مصنفك).وی این‌شرح‌رادرسال ۷۳٤دربسطام نوشت ودر «ادرنه» آنراپاکنویس نمود. لطفی‌بیك زاده درحاشیه الشقایق گوید مشهور اینست که مصنفك شرح مختصرالوقایة‌ساخته است و کسی راکه ازشرح الوقایة اوآگاهی داشته باشد نیافتم.

۱۷- شرح‌الوقایة ازصدرالشریعه ثانی این شرح به (صدرالشریعه) اشتهار دارد ومورد توجه بسیاری ازدانشمندان قرار گرفته وبر آن شرحها و حاشیه‌هایی آمده است. وی این شرح‌را درصفر ۷۴۳ بپایان رسانیده است. بر این شرح قره کمال شرح مبسوطی نگاشته است که آغازآن اینست:

الحمدلله‌الذی‌فقهنا فی‌الدین ...

(دونسخه‌از این شرح در کتابخانه آستان قدس‌وچندین نسخه در کتابخانه خدیویه موجود است‌یکی ازنسخه‌هـای‌آستان قدس در۹۸٦نوشته شده) .

حاشیه‌ها عبارتند از :

۱ - حاشیه صدرالشریعة از قاضی‌نورالله شوشتری شهید (۱۰۱۹) .

۲ - الذخیرة العقبی ازیوسف‌بن‌جنید معروف به (اخی چلبی)وی‌آنرادر ۸۹۱ شروع نمود وپس ازبیست سال‌بپایان رسانید .

۳ - حاشیه صدرالشریعة از مولی محمدقره باغی (م - ۹٤۲) .

٤ - حاشیه صدرالشریعة ازمولی یعقوب پاشابن مولی خضربیك (م-۸۹۱) (نسخه‌هایی ازاین‌حاشیه در کتابخانه‌خدیوی‌آمده است) .

٥ - حاشیه صدرالشریعة ازمولی عصام‌الدین ابراهیم بن محمد اسفراینی (م - ۹٤٤) که‌آنرابنابه تقاضای عبیدالله‌خان نوشته است . عصام‌الدین ازثلث‌اول کتاب در۹۳٤ فراغت یافته است .

آغاز: نحمدك یامن توجد من هدایتك‌وقایة ...

٦ - حاشیه صدرالشریعة ازمولی‌تـاج‌الدین ابراهیم بن‌عبیدالله حمیدی(م - ۹۷۳).وی‌ازآغازصدرالشریعة تا پایان کتاب‌الحج راحاشیه نوشته‌ودرآن گفته‌های ابن کمال را سست دانسته است .

۷ - حاشیه صدرالشریعة ازمولی‌صالح بن‌جلال (م - ۹۷۳) .

آغاز: الحمدلله‌الذی‌جعلنا علی فطرةالاسلام فی‌البدایة .

٨ ـ حاشیه‌صدرالشریعة‌ازمحمدبن پیرعلی‌معروف‌به(برکلی) متوفی ـ ٩٨١.

٩ ـ حاشیه صدرالشریعة ازمولی حسن‌چلپی‌بن‌محمدشاه فناری (م ـ٨٨٦)

١٠ ـ حاشیه صدرالشریعة از مولی محمد علی بن‌یوسف فناری (م ـ٨٣٩)

آغاز: الحمدلله ولی‌التوفیق ...

١١ ـ حاشیه صدرالشریعة ازمحیی‌الدین محمد بن‌خطیب قاسم .

١٢ ـ حاشیه صدرالشریعة از مولی‌بدرالدین احمد بن محمود معروف بـه (قاضی‌زاده م ـ ٩٩٨) .

١١ ـ حاشیه صدرالشریعه از سنان الدین یوسف شاعر. براین حاشیه مولی مصلح‌الدین قوجوی معروف به (شیخ‌زاده) متوفی٩٥١ شرح مبسوطی نوشته‌ودر ماه‌صفر ٩٣٩ ازتالیف آن‌فارغ شده است . آغازش چنین است :

الحمدلله رب‌العالمین .

١٤ ـحاشیه‌صدرالشریعة‌از مولی‌سیف‌الدین احمد بن محمد، حفیدتفتازانی (م ـ ٩١٠) .

١٥ ـ حاشیه‌صدرالشریعة‌ازمولی‌حسام‌الدین‌زاده که‌بنام الترشیح آمده‌است.

١٦ ـ حاشیه صدرالشریعة ازحافظ‌الدین محمد بن احمدعجمی .

١٧ ـ حاشیه صدرالشریعة ازسلیمان بن‌علی قرمانی (م‌ـ٩٢٤) .

آغاز: الحمدلله غامرالانام .

١٨ ـ حاشیه صدرالشریعة ازسید شریف جرجانی (علی بن محمد م‌ـ٨١٦)

١٩ ـ حاشیه‌صدرالشریعة‌ازمحمدبن ابراهیم حلبی‌معروف به (ابن‌الحنبلی م ـ ٩٧١) .

٢٠ ـ حاشیه صدرالشریعة ازمولی علمشاه بن عبدالرحمان(م ـ ٩٨٧) .

٢١ ـ حاشیه صدرالشریعة ازمولی زکریا بن‌بیرام (م ـ ١٠٠١) .

٢٢ ـ حاشیه صدرالشریعة ازمولی طورسون بن مراد (م ـ ٩٦٦) .

۲۳ ـ حاشیة صدرالشریعه از مولی خسرو (م - ۹٦۷) وی از فرزندان کرماستی است .

۲٤ ـ حاشیه صدرالشریعه از شمس‌الدین احمد بن حمزه معروف به(عرب چلبی م ـ ۹٥۰) بزبان ترکی .

۲٥ ـ المفاتیح.این حاشیه ازخود مؤلف یعنی صدرالشریعه است .

۲٦ ـ حاشیه صدرالشریعه ازمولی سنان‌الدین یوسف‌معروف‌به (قره‌سنان)

۲۷ ـ حاشیه صدرالشریعة از شیخ یحیی بن بخشی وی درحدود قرن دهم وفات نموده .

۲۸ ـ حاشیه صدرالشریعه ازمولی احمد بن موسی خیالی .

۲۹ ـ حاشیه صدرالشریعه ازبالی‌باشا بن محمد مشهور به مولایکان .

۳۰ ـ حاشیه صدرالشریعة ازیوسف‌بن جنید توقاتی معروف به (اخی چلبی م ـ ۹۰٥).وی این حاشیه را در۸٦۱ شروع نموده و در۹۰۲ بپایان رسانیده‌است.

۳۱ ـ حاشیه صدرالشریعة.نام محشی را کشف‌الظنون نیاورده است .

آغاز: الحمدلله رافع‌القبة الخضراء .

۳۲ ـ التشریح حاجی خلیفه نامی ازمحشی یادنکرده است . این‌حاشیه از آغاز تا پایان کتاب‌الوقف است .

آغاز: صدرا شرحته بحمد انوارایات سبحانه‌من اوراق‌الاطباق . . .

۳۳ ـ حاشیه صدرالشریعةازشرف‌الدین یحیی بن‌قره جارهاوی حنفی(نسخه از این حاشیه در کتابخانه‌خدیویه با کتابت ۱۰۹۷ دیده میشود) . کتاب الوقایه را صدرالشریعه ثانی مختصرنمود والنقـایة نامیده.درفهرست سپهسالار نسخه‌ای از النقایه که درتاریخ۱۲۷۸نوشته شده وجود دارد . محمد صلاح فرزند بدرالدین محمد جرجانی کتاب الوقایة را ازعربی بفارسی ترجمه نموده و بنام عبیدالله خان

ساخته است نسخه‌ای از این ترجمه در فهرست دانشکده حقوق آمده که در ۹۷۷ نوشته شده است.

کتاب حاضر شرحی است بر صدرالشریعه. از سیدحسین خلخالی (م-۱۰۱۴) که در ۱۰۰۵ پایان یافته. خلخالی یکی از شاگردان میرزاجان باغنوی (م-۹۹۹) و ریاضی‌دانان قرن ۱۰ است. رساله تشریح الفلك ورسم دائره هندیه را نگاشته، بخشی از شرح وقایه صدر الشریعه را که متعلق بتشخیص وقت زوال است ازروی دائره هندیه شرح کرده است وپس ازپایان این بحث دربارهٔ سمت قبله سخن گفته و روش تشخیص قبله را بوسیلهٔ دائرهٔ هندیه روشن ساخته است. این بحث اخیر ۱۴ صفحهٔ نسخه ما را فرا گرفته و در پایان آن، رساله نیز پایان یافته است. استاد عباس عزاوی نوشته است ازاین رساله نسخه‌ای دارم.

خلخالی در آغاز سبب تألیف این رساله و بر گزیدن شرح وقایه صدرالشریعه را برای تعلیق چنین بیان دانسته: ازآنجا که معرفة وقت زوال شرعاً واجب است واز میان راه‌های فراوانی که برای شناختن زوال یاد شده، تنها راه وشیوه‌ای که اهل رصد آنرا معتبر داشته و مجتهدان برآن اعتماد کرده‌اند همانا شیوه استفاده از دائره هندیه است که در شرح و قایه صدرالشریعه بیان‌شده وچون دانستن این طریقه تشخیص وقت زوال از دائره هندیه مبنی بردانستن مسائلی است که‌مورد توجه همگان نیست (اشاره به فن ریاضی‌است) عده‌ای ازبرادران که‌آشنایی مرا بدین فن میدانستند خواستند تا براین بخش از شرح وقایه‌شرحی بنویسم ...

صاحب ذریعه درذیل حرف (ق) ازرساله قبله سیدحسین خلخالی یاد کرده ونوشته‌اند درتهران چاپ شده و درشمار «شروح» نیز این رساله را تحت عنوان شرح‌وقت‌الزوال آورده ومؤلف‌آنرا نشناخته‌اند.

تاریخ نظم و نثر سعید نفیسی: ۴۰۰ علم الفلك فی العراق عباس عزاوی (مجله مجمع العلمی دمشق سال ۲۹: جزء ۳)، سالنامه پارس ۱۳۲۹ : ۱۴، فهرست حقوق : ۵۸ فهرست سپهسالار ج ۱ : ۵۱۴ الذریعه ج ۶ : ۱۳۷ و ج ۱۴: ۱۷۲، ۱۷: ۴۰ کشف الحجب: ۱۸۱ فهرست رضویه ج ۲ : ۸۰ کشف الظنون ج ۲ : ۶۴۰، ۶۴۳. مشار ـ عربی ـ ... معجم المطبوعات ۱۱۹۹، ۱۲۰۰ فهرست کتابخانه خدیوی ج ۳ ـ (فقه) : ۳۹، ۴۰، ۷۱، ۷۷، ۱۴۸، فهرست دارالکتب سال ۱۹۳۶ = ۱۹۵۵ ص ۸۹ .

آغاز: الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی نبیه محمد ... اما بعد فیقول ... حسین الحسنی الخلخالی لماکان اشرف الطاعات بعدالایمان هوالصلوة... واختلف المفسرون فی معنی دلوك الشمس ...

انجام : و انه لا یتأتی معرفة سمت القبلة بشی مـن الطرف المذکور فی المضع الذی عرضه تسعون درجه ویکون السنة الشمسیة هیهنا یوماً و لیلة او یتعین هذاالموضع شی من المشرق و المغرب والجنوب والشمال .

[۱۹۴۰]

این نسخه ش ۱ (ص ۱ ـ ۸۳) دفتراست (ناقص) .

الالفیة فی النحو (عربی)

ار جوزهٔ هزار بیتی در نحو از محمد بن مالك طائی (م ـ ۶۷۲)
معجم المطبوعات : ... مشار ـ عربی ـ : ۸۴ .

[۱۹۴۱]

نسخه شماره ۱ دفتر (ص ۱ـ۴۷ دفتراست) .

شرح شواهد شرح قطر (فارسی)

قطر الندی و بل الصدی را ابن هشام نحوی (م ـ ۷۶۱) نوشته وعده‌ای از

نحویان و خود ابن هشام آنرا شرح کرده اند. کتاب حاضر ترجمهٔ ابیاتی است که ابن هشام در شرح خود بر کتاب قطرالندی بعنوان شاهد آورده و مترجم نوشته که آن ابیات را برای کمك به نوآموزان ترجمه کرده .

نسخهٔ شمارهٔ ٤٥٢٤ مرکزی دانشگاه که آغاز آن افتاده ظاهراً همین شرح حاضر است زیرا چندکلمه از ترجمهٔ این بیت :

و طلوعها حمراء صافية ــ وغروبها صفراء کالورس، که در آغاز نسخه دانشگاه (و صفحه سوم نسخه ما) واقع و در فهرست آن کتابخانه نقل گردیده در هر دو نسخه مطابق است . پایان نسخه ما ناقص است (هرچندکاتب در ذیل آن نوشته تمت شرح الشواهد).درفهرست دانشگاه شرح فارسی دیگری برشواهد شرح قطر ابن هشام است محمد جعفر قاینی بشمارهٔ ۲۱۷۱ شناسانده شده که مؤلف آن شواهدی با شعر فارسی نیز از خود در آن درج کرده. شرح فارسی محمدجعفر قاینی درذریعه یاد شده و چند شرح نیز بعربی برشواهد شرح قطر ابن هشام شناسانده شده .

رجوع شود به ذریعه ۱۳: ۳۳ــ ۳٤ فهرست دانشگاه ۱۳ ص ۳۱۳۷ــ ۳۱۳۸ و ۳٤۷٤ .

آغاز: بسمله ، وبه نستعین ، این چند کلمه ایست نوشته شده بزبان فارسی از جهة بیان اشعار شرح قطر ابن هشام انصاری تا همه مبتدی معانی او را به آسانی دریابند و ثواب(۱) برای این عاصی عاید گردد، اذاقالت حذام فصدقوها ــ فان القول ماقالت حذام ــ ولولا المزعجات من اللیالی ــ لماترك القطاطیب المنام.التصدیق باور داشتن الازعاج برای منقوط جنبانیدن و برخیزانیدن ومراد اینجا هلاك گردانیدن است اللیالی جمع لیل و یاء زیاد شده برخلاف قیاس مثل اراضی که جمع ارض است ...

انجام : خطابر اوست وهمان پوشید کن ونادانی تمت الشرح الشواهد بعون الله تعالی ، تمام شد .

۱ــ درنسخه : صواب برای این عاصی .

[۱۹۴۱]

نسخه شماره۳ دفتر(ص۸۷ـ۲۳۳ دفتراست)

حاشیه تهذیب (منطق) **(عربی)**

از موای عبدالله بن شهاب‌الدین حسین یزدی شاه‌آبادی (م ـ۹۸۱) برمنطق تهذیب تفتازانی (م ـ۷۹۳) که‌بارها درایران چاپ‌شده .

رجوع شود به‌الذریعة ج ٦:٥٤ فهرست عربی‌مشار: ۲۷۵ حقوق : ۳۱۸ .

آغاز: بسمله ، قوله‌الحمدلله افتتح بحمدالله بعدالتسمیه ابتداء بخیرالکلام ، واقتداء بحدیث خیرالانام...

انجام : بفضله وجوده سعادة فی‌الدارین بحق محمدخیرالبریه تمت بعون مالك البرکات سنه ۱۲۰۲ فی شهرکاشان درحال تباهی .

[۱۹۴۲]

نسخه شمارهٔ ۱ دفتر (ص ۱ـ۱۰۸ دفتر) است .

حاشیه برتهذیب المنطق **(عربی)**

از ملاعبدالله‌یزدی شاآبادی (م ـ۹۸۱) برتهذیب المنطق‌تفتازانی ـ (همان کتاب بالا) .

[۱۹۴۳]

نسخه شمارهٔ۴ دفتر(ص ۱۳۲ـ۳۷۶ دفتر) است .

البهجة المرضیه فی‌شرح‌الالفیه **(عربی)**

شرح است برار جوزهٔ نحوابن مالك اندلسی (م ـ ٦۷۲) از جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی (م ـ۸۱۱) .

فهرست سپهسالارج ۳:۲۶۲ فهرست عربی مشار-۱۳٤ :معجم المطبوعات:۱۰۷٦

آغاز: بسمله، احمدك اللهم على نعمك واصلى واسلم على محمد خاتم انبيائك وعلى آله وصحبه والتابعين الى يوم لقائك ...

انجام : كما باركت على ابرهيم وآل ابرهيم فى العالمين انك حميد مجيد.

[۱۹۵۰]

نسخه شمارهٔ ۱ دفتر (ص۱-۱۹۸ دفتر) است

الرضوان **(عربی)**

از حاج شیخ هادی تهرانی (م - ۱۲۲۱)

وی نخست قطعه‌ای شعر شامل چند بیت به عربی بنام « الرضوان » در کلیات مسائل فقهی صلح گفته و سپس این کتاب را درشرح و توضیح آن ابیات نوشته وآن ابیات را نیز در آغاز شرح آن گذارده .

رجوع شود به الذریعة ج ۱۱ : ۲۳۹

آغاز: بسمله ، حمدالمن بالفقه اكمل النعم . . . الصلح فى الوضع هوالرجوع الى الموافقة وقطع الخصومة ...

انجام : فايدة ، كل سلطان للشخص على غيره يصلح للاسقاط بجنب ذاته . . . اماالحكم فانه ليس الا الاستيلاء على ... اجمعين من الان الى يوم الدين آمين .

[۱۹۵۰]

نسخه شمارهٔ ۲ دفتر (ص۳۰۶-۳۸۴ دفتر) است

شرح شرايع (كتاب التجاره) **(عربی)**

از شیخ محمدهادی تهرانی (مؤلف کتاب بالا) .

آغاز: (بسمله) ، الحمدلله رب العالمين وصلى الله على محمد . . و بعد فيقول المسكين ... ان هذه جملة مما خطر بالبال فى كشف الغطاء عما..

انجام: فتراضینا بابی حنیفه و اخبرته بالقصه فقال ... ماصنعت بالبغلة قلت رجعته سلیماقال نعم بعدخمسة عشر یوما .

[۱۹۵۰]

نسخه شمارهٔ ۳ دفتر (ص ۳۹۲-۴۰۸ دفتر) است

حق وحکم (رساله ..) (عربی)

از حاج شیخ هادی تهرانی (م - ۱۳۲۱) .بحث از تفاوت حق و حکم از نظر ماهیت و آثار ، از مباحث ارزنده و پرفایدهٔ حقوقی است که عده‌ای از فقها در بارهٔ آن رساله نوشته‌اند .

بنوشته ذریعه او نخستین کسی است که در این موضوع کتاب جداگانه ساخته است .

الذریعة ج ۷: ۳۹

آغاز: بسمله ، الحمدلله الذی احسن ما اندرست من اعلام الدین بالعلماء . . . امابعدفیقول المستکین ، محمدهادی بن محمدامین حشرهما ...

انجام: الذی هدانالهذاوما کنالنهتدی لولاان هدانالله والمرجومنه ان یجعله . . . تمت النسخة الشریفه فی ضحیة یوم الجمعة من شهرذی العقده الحرام من شهورالسنة الرابعة عشر بعدالالف و ثلثمایه من الهجرة النبویه علی هاجرها الف سلام وتحیة ۱۳۱۴

[۱۹۵۳]

این نسخه ش ۲ (ص ۳۹۰-۳۹۴ دفتر) است

وحدةالوجود (رسالة فی ..) (عربی)

از شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی . (ق : ۱۱ - ۹)

نسخه از این رساله در دانشگاه است مورخ ۱۱۰۴ و نسخه‌ای در کتابخانه رضویه‌است که در ۱۰۲۵ نوشته شده‌است .

فهرست آستان قدس ج ٤ ـ ١٥٢ دانشگاه ج ٣ ـ ٥١٧ و فلاسفه شیعه از عبدالله نعمه : ٢٥٥

آغاز: الحمدلله الذی هو نورسماوات العقول و النفوس وضوء ارض الاجرام...

انجام : ومن یبلغ الی هذه المرتبة من التوحید فهوهایم فی تیه الحیرة ولم یکن من الموحدین بالحقیقة والله اعلم بحقایق الامور .

[١٩٥٨]

نسخه شمارهٔ ٢دفتر (ص ٣٧٨–٤٠٨دفتر) است

مرآة الاخرة **(فارسی)**

از فیض کاشانی (محمدبن مرتضی) درچهار باب ویك خاتمه .

فهرست حقوق : ٤٥٨ فهرست فارسی مشار ـ١٤١٩

آغاز: بسمله ، الحمدلله الذی جعل الدنیا متاعاوالاخرة دارالقرار والصلوة... امابعدفیقول محمدبن مرتضی المدعو بمحسن ...

انجام : انتهی کلامه وتمام تحقیق المقام بطلب من کتابنا الموسوم بعین الیقین .

[١٩٥٨]

نسخه شمارهٔ ٣دفتر (ص٤٠٨–٤٢٦ دفتر) است

میزان القیامة **(عربی)**

ازفیض کاشانی که درآن از روز واپسین سخن گفته است.ایـن کتاب دارای شش باب است وچاپ شده .

فهرست کتابخانه دانشکده حقوق : ٤٩٠ .

آغاز: بسمله ، الحمدلله الذی رفع السماء ووضع المیزان الاتطغوافی المیزان

اما بعد فیقول محمدبن مرتضی المدعو بمحسن عفی عنه هذا ماالمیت به فی تحقیق میزان یوم القیمه ....

انجام : بالخیرات وختم اعمالنا بالباقیات الصالحات بحق محمدو آله موازین..

وفاز بمعرفة میزان القیمه مؤلفه محمدبن مرتضی فی شهر رجب الموجب من شهور سنة اربعین والف الهجریة واتفق لتاریخه عرف یزان ...

[۱۹۵۸]

نسخه شمارهٔ ۴ (ص ۴۲۶ ــ ٤۲۹ دفتر) است .

وجودیه (رساله ...) **(عربی)**

ازمصنفات مولانا عبدالرحمن جامی (م ــ ۸۱۷ ــ ۸٦۸) دانسته شده ودر دانشگاه بنام وجودالموجود آمده‌است .

دانشگاه ج ۳ : ۵۱۷ ــ رضویه ج ٤ : ۱۵۰ .

آغاز: الوجود ای‌ما بانضمامه الی المهیات یترتب علیها آثارها المختصه بها موجود بانه لولم یکن موجودا لم یوجد شی‌اصلا والتالی بط فالمقدم مثله‌بیان ...

انجام : موجود به فلا یخرج عن‌القسمه قلنا ینتقل المنع ح الی‌انحصار الوجود الواحد فی کونه قایما بکل‌واحد منها و کونه قایما بالمجموع فلایجدی نفعاً تمت‌الرساله الوجودیه من مصنفات مولانا عبدالرحمن الجامی .

[۱۹۵۸]

نسخه شمارهٔ ۵ (ص ۴۳۲ ــ ۴۶۰ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق .

آغاز وانجام **(فارسی)**

ازخواجه نصیرالدین طوسی . نام این‌رساله درصدرنسخه حاضر « تذکرة »

یاد شده و خواجه خود نیز درمقدمهٔ رساله آنرا تذکره خوانده اما نام‌مشهور آن همین «آغاز وانجام» ویا «مبدأ ومعاد» است ونام اخیر در قدیمترین نسخه رساله که تاریخ آن ٦٧٠ است آمده .

رجوع شود به همین فهرست فهرست ٧ : ١ ، دانشگاه :٤٠٢ ، آثارواحوال خواجه ازمدرس رضوی : ٢٧١ - ٢٦٢ .

آغاز: ربنا لاتزع قلوبنا ... سپاس آفریدگاریرا ...

پایان: والاخرة حرام علی اهل‌الدنیا وهما حرام علی اهل‌الله تعالی .

[١٩٥٨]

نسخه شمارهٔ ۶ (ص ۴۶۵ - ۵۵۵ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق محمدامین .

صناعیه **(فارسی)**

ازمیر ابوالقاسم فندرسکی (م - ١٠٥٠) این رساله با نام حقایق الصنایع یاصنایع الحقایق چاپ شده .

ذریعه ١٥ : ٨٩،فهرست دانشگاه ج ٣ : ٢٩٥ رضویه ج ٤ : ٢٠٤، مشار ،

آغاز: غرض ازاین رساله بیان حد صناعت است ومنفعت صناعت و اختلاف صنایع درمنابع که موجب اختلاف‌مراتب صانعانست...

انجام : زیرك و کتابهای زمانه اکثر دشخواریهای لفظی را جامع است با رکاکت معنی وفرومایگان بروجمع‌اند ازفرو مایگی ... یوم‌الاثنین‌علی ید محمد امین غفرالله‌له .

[١٩٥٩]

این‌نسخه ش ١ (ص ١ - ٤١) دفتراست.قسمتی از بالای صفحات این نسخه بصورت دست ویك شکل پاره ووصالی شده .

الوافی (بخشی از ...) **(عربی)**

جزئی است ازوافی (باب‌العقل والعلم) . تالیف فیض کاشانی (م-۱۰۹۱) دریادداشتی که بخط آقای سیدمحمد مشکاة برپشت برگ نخست این‌دفتر است ، این‌رساله مختصروافی‌و(یقیناً)بخط فیض دانسته شده .

آغاز: عن‌الباقر علیه‌السلام لما خلق‌الله العقل استنطقه ثم قال له‌اقبل‌فاقبل ثم قال له‌ادبرفادبر ثم قال وعزتی وجلالی ماخلقت خلقا ...

انجام : بیان مایحسنون من‌الاحسان بمعنی العلم ... والحکیم یتیقن ان الثناء علیه لایزیده کمالا ... وقدره وشرفه وفضله و کماله بقدرعلمه .

[۱۹۶۰]

این نسخه‌ش ۲ (ص ۱۴۵ - ۱۶۷) دفتراست بخط شکسته‌نستعلیق ، نسخ تحریری مورخ ۸۸۹ .

تفسیر سورة الاخلاص **(عربی)**

ازابن سینا (حسین بن عبدالله) .

فهرست عربی مشار : ۲۰۲ دکتر مهدوی : ٦٤ .

آغاز: بسمله قوله جل جلاله قل هوالله . الهوالمطلق هوالذی لایکون هویته موقوفه علی‌غیره.

انجام : وهذا هوالذی یبلغ العقل الیه فی‌هاتین السورتین والله تعالی اعلم باسراره ... اجمعین سنة ۸۸۹ فی‌شیراز .

[۱۹٦۰]

نسخه شمارهٔ (ص ۱٦۹ - ۱۸۳ دفتر است .

شرح قصة حی بن یقظان (عربی)

قصهٔ فلسفی حی بن یقظان را که ابن‌سینا در «فردجان» بدرخواست دوستان نوشته و چندبار چاپ‌شده ، چند شرح دارد که قنواتی ودکتر مهدوی ومحمد صغیر حسن معصومی درمقدمه چاپ شرح ابن‌ژیلا (که معصومی آنرا ازشیخ پنداشته) درمجله مجمع العلمی العربی دمشق یاد کرده‌اند .

ازجمله‌شرحهای این‌قصه ، شرح‌عربی‌عبدالباقی مقدسی‌است که‌من نسخه‌ای از آنرا ندیده‌ام وبنوشتهٔ دکتر مهدوی‌در کتابخانه‌سن‌ژزف بیروت موجوداست و احتمال میرود نسخه حاضر همان شرح مقدسی باشد .

شیخ‌الرئیس ابن‌سینا درآغاز رساله قضاء وقدر خود (دکتر مهدوی شمارهٔ ١٠٠ ، قنواتی شمارهٔ ١٩٣ همین فهرست ٣٩٨) ازشبحی‌سخن گوید که به‌ابن یقظان شباهت‌داشته وآرزوی دیدن‌مجدد اورا کرده.صاحب‌ذریعه رساله قضاء وقدرشیخ‌را، رساله حی‌بن یقظان ویامرموزه حی‌بن یقظان پنداشته ، اول وآخر رساله قضاء و قدررابرای‌معرفی رساله حی‌بن یقظان آورده وازشرح‌ابن‌ژیلا برآن یاد کرده و نوشته‌اند نسخه حی بن یقظان را درضمن مجموعه رسائلی‌بسیار نفیس بخط شهاب بحرانی دیده‌اند .

اما در مجلد ذریعه ١٧ رساله قضاءوقدر وقصه حی بن یقظان هریك درذیل عنوان‌درست‌خودبا شمارهٔ ٧٥٦ و یادشده .

محمد صغیر حسن درمقدمه‌سودمند خودبرچاپ‌شرح حی‌بن یقظان درمجله مجمع علمی‌دمشق (سال٢٩جزء٣)ازنسخ قصه‌وشروح ونیز نظائر این قصه(باهمین نام‌یابانامهای دیگر) یاد کرده‌امابا کمال‌تأسف‌دچارسهوی‌شده وشرح‌ابن‌ژیلاراز شیخ‌الرئیس پنداشته‌ودلائلی نارسا اقامه کرده.اهم‌این‌ادله عبارتی‌است‌ازشیخ‌الرئیس که‌معصومی آنرا ازصدر نسخهٔ‌شرح‌نقل کرده.عبارت مزبور اینست : «وبعد فان‌اصرار

کم‌علی واقتضای (۱) شرح قصه حی‌بن یقظان هزم لجاجی فی‌الامتناع» .

دراینکه این عبارت که معصومی آنرا ازصدر نسخه شرح ابن ژیلا (وبتصور اوشرح شیخ‌الرئیس که شرح‌ابن ژیلا مختصری است ازآن)نقل کرده ،سخن‌شیخ است تردید نیست اما درآغاز اصل قصه‌است‌نه در آغازشرح

ومقصود شیخ از «شرح» ، توصیف قصهٔ حی‌بن یقظان است . شایدشیخ ، طرح قصه فلسفی خودرا قبلابا شاگردان درمیان نهاده بوده و شاگردان همواره منتظر توصیف آن‌قصه وتألیف این‌رساله ازاوبوده واصرار میورزیده‌اند . درهرحال این جمله درآغـاز همه نسخ قصه حی بن یقظان (که تاکنون دیده‌ام) موجوداست و دور نیست که ابن ژیلا نیزآنرا عیناً درآغازشرح خودآورده‌باشد (هرچنددرنسخه های‌شرح که دردسترس من‌است دیده‌ام) (۲) . بنابراین‌عبارتی که معصومی بدان استناد جسته هرچند ازشیخ الرئیس است امامارا بدین نتیجه نمیرساند که شیخ خود قصه فلسفی خودرا شرح کرده است .

رجوع شود به کشف الظنون ۱ : ۵۴۹ذریعه۷:۱۲۸،۱۷:۹۲-۹۳ ، دانشگاه ۳ : ۲۵۶ - ۲۵۸ ، ۶ : ۲۴۰۵،فهرست‌مؤلفات‌ابن‌سینااز دکترمهدوی‌ص۹۶ - ۹۷.

آغاز: قوله انه‌قد تیسرلی . اراد بقوله‌لی هوالنفس الناطقة التی لیست من هذا العالم‌یعنی القوة العقلیة التی‌هی مجرده عن‌المادة التی بهاالانسان انسان وبها

---

۱ - در چند نسخه از این شرح‌که در این‌کتابخانه باشمارهٔ : ۴۵۴۷ موجود است نکته‌ای بچشم میخوردکه براثر عدم توجه فهرست نگار تحریف شده درآغاز نسخه ماکه مورخ ۱۰۲۱ - ه است ، باهمان قلم‌که تمام نسخه نوشته شده (پس ازبسمله) چنین آمده: « مختصر فی‌تفسیر معانی رساله حی‌بن‌یقظان من تعلیق ابن ژیله صاحب شرح الشفا» . این عبارت درفهرست مجلس(ج ۱۲ ص) بدینگونه‌محرف‌نقل شده :«شرح الشفا مختصرفی‌تفسیر معانی ... من تعلیق ابن ژیله» ،

يتميزعن سائر الحيوانـات قوله حين مقامی ببلادی اشارة الی وقت تعلق النفس بالبدن وتدبير هالمملكته اذهی يتجر عنه وقت المفارقة عندالموت برزة ای ظهور اثرفی عـالم الاجسام برفقائی ساير قوی الانسان التی هی الحيوانيه و النفسانيه والطبيعيه ممايو جدلسائر الحيوانات فالنفس الناطقه ...

[١٩٦١]

نسخه شمارهٔ ١ (ص١ دفتر) استوازاول افتادهدارد(١) بخط شکسته نستعلیق قرن ١١

سر القدر **(عربی)**

ازشیخ الرئیس ابن‌سینا درپاسخ ابوسعید ابوالخیر . (دکتر مهدوی ، فهرست مصنفات ابن‌سینا ص ٩) فهرست مجلس ٥ : ٤٦٤ .در کنار نسخه ما حاشیه ایست متعلق به‌سخن شیخ‌الرئیس دربـارهٔ ثواب و عقاب که « داستان ثواب وعقاب نه‌چنان است که متکلمان پنداشته‌اند ، سوختن به‌آتش ، دچار اغلال‌وحیات ودیگرانواع عذابها کردن شایستهٔ مقام خداوند نیست ... »

در کنارحاشیه مزبور این‌حاشیه که دارای‌نشان « ع ل » است دیده میشود : (علی‌صاحب‌هذاالاعتقادماعليه‌لمافيه من‌المخالفةالظاهرة لماعلم من‌الشريعةالمقدسة ضرورة) (٢).

١ـ دراول دفتر جای رساله ها وشمارهٔ ترتیب‌آنها تغییر و باشمارهٔ ترتیب‌آنهاکه‌در فهرست ٥ یادشده تفاوت یافته .

٢ـ آقاعلی حکیم مدرس زنوزی‌که این‌کتاب رادردست داشت در پاسخ این حاشیه نوشته است: (يشبه‌ان‌هذا المحشی کان عاميافی امثال هذه المسائل ولم يحقق مذهب جمهور المتكلمين فی‌هذه المسئله اوهو منهم اذالشيخ لم‌ينفی الثواب والعقاب مطلقا بل نفی‌مـاظنه

بقیه پاورقی در صفحه بعد

آغاز نسخه : افلاطون ان الجميع مقصود و مراد وان ورد به‌الامر والنهی فی‌العالم‌من افعال المكلفين فانما هو ترغيب من كان فی‌المعلوم انه تحصيل منه ...

انجام : ليتم نظام العالم الاترى ... ويختل نظام امور العالم بتولية‌المفحل عن القيدين فهدا ما حضرنی فی‌الجواب عن‌هذاالسئوال والله اعلم‌بالصواب .

[۱۹۶۱]

این نسخه شماره ش ۲ (ص ۲-۳) دفتر است .

قضاء الله تعالی **(عربی)**

پاسخ ابن سینا بشیخ ابو سعید ابوالخیر .

بقیه پاورقی از صفحه‌قبل :

المتكلمون فی‌هذا الباب من‌انه تعالی فاعل فی‌امثال ماذكر وغيرها بالقصدای بارادةمتجددة وان ترتب العقاب والثواب لعادةالله تعالی‌كسائر افعاله تعالی علی ظنهم ومقصود الشيخ ان الثواب والعقاب امامسبب عن‌الافعال اوهما نفس الاعمال‌كما فی‌الكلام الالهی من قوله : بما كسبت ايديهم ، هذاماكنزتم لانفسكم . و غيرها من‌الايات والشيخ صرح فی‌كتبه بان المعاد الجسمانی والاحوال التی يلازمه‌كلها حق‌لانه قداخبر عنها المخبر الصادق (ع) وقوله (ع) برهان علی ذلك وان‌لم يكن‌لنا برهان عقلی عليه ولم ينظر ايضاً هذا المحشی الی‌قول الشيخ فی‌هذه الرسالة ايضاً بعدا سطر : «ولان الناس‌ينبغی ان يكونوا مقيدين باحد القيدين‌اما بقيد الشرع اوبقيدالعقل» . وقدم قيدالشرع علی‌قيد العقل ولوكان عنده جائزاً ردالشرع بالعقل كمازعمه المحشی‌لم‌يكن‌اعتماد الاعلی العقل وهذا خلاف هذا الكلام‌صريحاً والاقدام‌علی‌امثال هذه‌الكلمات بالنسبة الی مثل الشيخ من‌اكابر علماء المذهب بل‌علی المسلم المؤمن من‌دون حمل‌كلامه علی محمل صحيح لايخلو من‌شح فی‌الشرع غفرالله للشيخ ولهذاالمحشی ايضاً ان كان من‌اصحابنا رضوان‌الله عليهم . علی المدرس عفی عنه .

این رساله مطابق است با شمارهٔ (ط) ازاجوبه ابن‌سینا به ابوسعیددرفهرست مصنفات ابن سینـا دکترمهدوی ص : ۱۰

آغاز: و کتب الیه ایضاً قدس‌الله روحه جزاك الله عنا خیراً فهمت ما کتبه المولی افضل المتأخرین سومه الله بسیاء السعادة والسلامه ... فی‌سر القدروماالیق بهذ االموضع ...

انجام : ولیس‌بیانه بیان غیره ولاحکمه حکم‌من سواه جل من‌ذلك‌لایسأل عما یفعل وهم یسألون وصلی‌الله علی محمد وآله .

[۱۹۶۱]

این نسخه ش ۳ (ص ۳) دفتر است .

الفرق بین القضاء والقدر والمشیة والاردة (عربی)

ابو سعید ابوالخیر از شیخ الرئیس فرق قضاء وقدر راپرسیده و شیخ پاسخ گفته.این پاسخ وپرسش بسیارمختصر درجایی دیده نشد .

آغاز: و کتب ایضاً قدس‌روحه العزیز کیف امیز بین‌القضاء والقدر والمشیة والارادة ... فاجاب ... و قال المشیة و الارادة الالهیة اختیارا انفاد القدرةبالجود علی مقتضی‌الرحمة ...

انجام : والتقدیر هو تهیة الاسباب للاقدار والشرفی‌القدر لافی‌القضاء لانه لیس‌لغایة بل‌هو تبع ضروری والله تعالی اعلم بالصواب .

[۱۹۶۱]

این نسخه ش ۴ (ص ۳ـ۴) دفتراست .

سبب اجابةالدعاء وکیفیة الزیارة وتأثیرها (رساله‌فی...) (عربی)

از ابن سینا درپاسخ پرسش ابوسعید ابوالخیر این‌رساله در فهرست دکتر

مهدوی با شمارهٔ(د)ازجمله‌جوابهای‌شیخ به‌ابوسعید ابوالخیرآمده است لیکن در این‌دفتر بخشی ازآن درص ۳ و ٤ نوشته وبخش‌آخر آن وارونه برروی آخرین برگ دفتر یادداشت شده .

آغاز: وکتب ایضاً الشیخ سلطان العارفین الی‌الشیخ الرئیس... وبعدفاسأل مولای ورئیسی... عن سبب اجابة الدعوات و کیفیة الزیارة و حقیقتها ... فاجاب الشیخ ... اعلم ان لهذه المسألة مقدمات ینبغی ان تعرف اولا ...

انجام : والاستدامة لسرور نورالله فی‌السر انکشاف الغمم المظلمة المتصلة للنفوس الناطقة ... من شوائب هذا المعرض للزوال انه لما یرید من کل خیر فعال... والله اعلم .

[۱۹۶۱]

این‌نسخه ش ۵ (ص ۶-۱۲) دفترو ناقص است .

دعاءاستفتاح (عربی)

متن دعاءِ استفتاح متعلق به نیمهٔ رجب (عمل‌ام داود) . شرح مختصری از فضیلت‌این‌دعا در کنارنخستین صفحهٔ‌آن نوشته شده است .

آغاز: یستحب‌یوم النصف من‌الرجب ان یدعوا بدعاءِ الاستفتاح ... صدق‌الله العظیم الذی لا اله الا هوالحی‌القیوم...

انجام : بائس مستکین بك مستجیر اللهم واسئلك .

[۱۹۶۱]

این نسخه شمارهٔ ۶ (ص۱۳-۱۴ دفتر) است بخط شکسته نستعلیق محمد علی تفرشی و مورخ ۱۰۵۳ .

تشکیک (رساله تحقیق درمسئله...) **(عربی)**

ازمیرزا رفیعا طباطبائی نائینی متوفی در ۱۰۷۸

این رساله در ۵ مقام است (فهرست اجمالی موضوعات این رساله در بخش اول این فهرست یادشده) .

نسخه حاضر تنها مقام سوم است تا پایان رساله .

رجوع شود به همین فهرست ... فهرست الهیات ... ذریعه ۱۱ :

آغاز: المقام الثالث فی ان الذاتی لایختلف الاختلاف التشکیکی بوجه من الوجوه اماالاولیة والاولوبة فلما مرفی المقام الثانی ...

انجام : و القناعة عن تحقیق الحقایق بالقیل والقال وکان الفراغ منه عشیة یوم الثلث التاسع من شهر ذی القعدة الحرام سنة ثلاث و خمسین و الف و قد فرغ مؤلفلها الحقیر ... محمد علی بن مولی التفرشی فی التاسع عشر من شهر ذی القعدة سنة ثلاث وخمسین والف من الهجرة .

[۱۹۶۳]

این نسخه شمارهٔ ۲ (ص ۱۲–۲۹۷ دفتر) است بخط نستعلیق مورخ ۱۰۱۵ .

شجرة الهیه **(عربی)**

از شمس الدین محمد شهرزوری (م - ...) درفلسفه .

شجرهٔ الهیه دارای ۵ رساله است (فهرست موضوعات رساله‌ها در فهرست۵ مجلس یاد شده است) ورسالهٔ چهارم آن در طبعیات ومشتمل است بر یك مقدمه و هشت بخش .

نسخه حاضر بخش طبیعیات از شجرهٔ الهیه است اماتمام رساله چهارم نیست وچنین پیداست که نسخه نخست کامل بوده وبعد ناقص شده است .

درفهرست ۵ مجلس دونسخه از کتاب‌شجرهٔ الهیه‌معرفی شده‌است(ص۲۸۹-۲۹۶).ونیز رجوع شود بفهرست اهلورث (کتابخانه دولتی برلین) شماره ۵۰۶۳ ، فهرست‌الهیات:۱۴۳ و۵۶۵ ، دانشگاه : ... دانشکدهٔ حقوق : ۵۰۹.

آغاز: وظاهره‌المسمی بالسطح فیأخذ قدرا من‌هذاالسطح الظاهر الذی .. الفصل الثالث فی‌البحث عن‌الهیولی والصورة وتحقیق‌الحق فیهما . لماثبت‌ان‌الجسم لایجوزان یترکب من‌الاجزاء المتناسبة ...

انجام : انواع‌السمك له دوف ولاحل ولك ... الرامور ... الـدلفین . . . فونس ... شیراناس ... والباقی فمنقول عن‌المعلم الاول و اتباعه الـی زمن الشیخ الرئیس ... وبحث عن هیأتها وافعالها وما آتاها الباری جل جلاله مـن‌العجایب ، ووهبها من‌الغرائب . قد فرغ من تحریره فی‌یوم‌الخمیس‌غرة شهرذی حجةالحرام سنة الف وخمس عشر ... وسلم .

[۱۹۶۶]

نسخه شمارهٔ ۱ (ص ۱ - ۳۲ دفتر) است بخط نسخ زیبای محمدحسین‌بن محمدعلی خوراسکانی مورخ ۱۱۷۲ .

صیغ النکاح (عربی)

از محمدبن حاج محمد زمـان کاشانی از دانشمندان نیمه دوم قرن ۱۲ و شاگرد سید محمدحسین خاتون‌آبادی متوفی ۱۱۵۱ (جد سیدمحمدحسین‌خاتون آبادی‌مؤلف خلق‌الافعال‌ورساله توحید شمارهای : ۱۸۲۵/۸ و ۱۸۲۵/۱۸ مجلس - فهرست ۵:۲۴۶و۴۵۵)

مؤلف این رساله نام ونسب خودرا درذیل یکی از مؤلفات خود بدینگونه آورده : «محمدبن‌محمد زمان‌بن حسین‌بن رضـابن شیخ حسام‌الدین» . صاحب

روضات از مؤلف و از رساله حاضر یاد کرده واین رساله را بهترین وکاملترین مؤلفات دراین باب دانسته است .

مؤلف،رساله‌ای دیگر در موضوع صیغ نکاح دارد بنام الحق الصراح فی ـ ایجاب النکاح (یا) القول السدید و نیز رساله‌های دیگر درفقه وفلسفه‌دارد که همه‌در دفترحاضر گردآوری شده اما صاحب روضات تصریح کرده که از مؤلفات او جز این رساله صیغ‌النکاح را ندیده است (۱) .

علاوه بردفترحاضر که شامل همه مؤلفات اواست ، در کتابخانه سردار کابلی نیز (بنوشته صاحب ذریعه) مجموعه کاملی ازمؤلفات وی موجود بوده ونیزصاحب ذریعه (درج ۵ با عنوان چهار رساله) از مجموعه‌ای شامل چهار رساله از مؤلف یاد کرده اما نام رساله‌های موجود درآن راجز رساله صیغ‌النکاح (که درآغاز آن‌دفتر بوده) نیاورده‌اند . در دفترشماره ۶۲۷ مجلس نیزرساله‌قبلهٔاو موجوداست.

دردفتر حاضر که‌درزندگی مؤلف‌وبسال۱۱۷۲ نوشته‌شده‌است،مؤلفات‌شیخ محمد کاشانی بدین ترتیب ، صیغ‌النکاح ، هدایةالمسترشدین ، القول السدید ، مرآة الازمان ، رساله اثبات زمان موهوم ، وقبلهٔ اثنی عشریه قرار گرفته .

صورت اجازه‌ای‌ازشیخ‌حسین‌ماحوزی (ازمشایخ‌اجازه مؤلف) دربرگ ۹۸ چپ نقل‌شده و تاریخ آن ۱۱۶۲ است . و نیزنامه‌ای از شیخ عبدالنبی قزوینی

(۱) تاریخ درگذشت شیخ محمدکاشانی درجایی ضبط نشده . صاحب ذریعه نوشته‌اند اجازه‌ای به شاگردش میرزا علی‌نقی بهبهانی داده‌که تاریخ آن ۱۱۷۲ است.دفتر حاضر نیزدر۱۱۷۲ نوشته‌شده وکاتب درپایان رسالهٔ نخست بقاء عمراوراخواسته ، بنابراین مسلماً مؤلف پس‌از ۱۱۷۲ درگذشته است .

دربارهٔ مؤلف رجوع‌شود به‌تاریخ اجتماعی‌کاشان تألیف حسن‌نراقی ، روضات :... وکواکب الامام (تألیف چاپ نشدهٔ علامه شیخ‌آقا بزرگ) .

(مؤلف تتمه امل‌الآمال) به مؤلف ، درذیل رساله مرآةالزمان نقل شده‌است‌وشیخ عبدالنبی دراین‌نامه مؤلف را درتألیف مرآةالزمان و اثبات زمـان موهوم ستوده واز خداوند توفیق‌خواسته تاشرحی‌برآن‌نویسد ودقایق ومعضلات‌آنرا‌روشن‌سازد .

قزوینی این‌نامه رابهنگامی نوشته که درقریه کاخك (خراسان) بـرای تدریس درمدرسه‌آن قریه اقامت داشته است .

بطوریکه از نوشته‌ای بر پشت‌برگ اول دفتراستفاده میشود ، رساله‌حاضر ارشاد الطالبین نام دارد ، اما درروضات و ذریعه و دیگر مراجع این‌نام راندیدم. حاشیه‌هایی از مؤلف بانشان منه مدظله ونیز از کتابهای ، ایضاح ، کفایه ، طراز کلمات طریفه ، تذکره ونیزحاشیه‌هایی بانشان م ت ق ، و ح‌عمیدی بر کنار این رساله‌دیده میشود . مؤلف دربرخی از حاشیه های خود از عقاید پدر خود نیزیاد کرده است.

رجوع‌شودبه ذریعه۵ : ۳۱۳ ، ۱۵ : ۱۱۱ـ‌فهرست‌مجلس۲:۲۸۷ـروضات:...

آغاز: بسمله ، الحمدلله‌الذی من‌علینا بالنعم الجسام ، وهدانا لدین‌الاسلام ، والهمنا الشکرعلی الاحسان والانعام ... واما بعد ، فان‌الفتی‌هذا فلان‌بن‌فلان ممن تشمرعن ساق‌الجد لاتباع حد من حدود الله عظیم والاستنان بسنة [نبیه] النبیـه الحلیم‌وهوالنکاح الذی دعا سبحانه الیه‌عباده...

انجام : و منهم من‌فصل کما فصل فی موضعه ... تم ما افاده العالم الحبرـ الکامل ... الحاج شیخ محمدبن حاج محمدزمان متع‌الله المؤمنیـن ... المـأمور بکتابته العبدالمذنب. المحتاج الی‌رحمة ربه الغنی ابن محمد علی محمد حسین الخوراسکانی ووقع‌الفراغ فی سلخ شهر صفرالمظفر من‌شهور سنه ۱۱۷۲

[۱۹۶۶]

نسخه شماره ۲ (ص۳۴ - ۶۴ دفتر) است.

هدایة المسترشدین (عربی)

از محمد بن محمد زمان کاشی (متوفی پس از ۱۱۷۱) در نفی حیز و مکان از حق تعالی.

از دیباچه فهمیده میشود که یکی از معاصران مؤلف مدعی شده است که اسناد حیز و مکان را به خدا در برخی از آثار از آیات و اخبار نمیتوان از مجاز دانست بلکه باید حمل بر حقیقت کرد و گفت خدا را نیز مکانی است اما نه همچون مکان موجودات جسمانی، و نسبت حق به حیز خود نه همچون نسبت اجسام است به حیزهای خود و این سخن را از آیهٔ استوا و نظائر آن بدیگر آیات و اخباری که از سمع و بصر و ید خداوند یاد کرده‌اند کشانیده. در برخی از عبارات معاصر مزبور که مؤلف نقل کرده، چنین آمده است که مکان خداوند مرتبه ظهور ذات اوست لذاته بذاته. و مؤلف در پاسخ او میگوید، لغت مکان هیچگاه بدینمعنی بکار نرفته و اگر اصطلاحی خاص از مدعی است نیز، وضع این اصطلاح نارواست و جسارت در دین است و در حقیقت با سخن مجسمه (که نجاست آنان مورد اختلاف بین علماء شیعه است) تفاوتی ندارد.

کاشانی در سراسر رساله از سخنان علماء بزرگ و فلاسفه و متکلمین خاصه از میرداماد و دیگر معاصران و نیز خطب و اخبار و آثار، بر بطلان اسناد حیز بحق بجمیع وجوه شاهدها آورده است.

رجوع شود به ذریعه ۵ : ۳۱۳

آغاز: بسماه، الله اکبر من ان یوصف بالأین والحیث والمکان والصلوة والسلام علی الهداة الی ارکان الایمان ثم ان بعض من وقع فی عصرنا هذا الذی شاع الجهل فیه وذاع و اندرس الحق وانطمس الدین وضاع ممن یقع فی العلماء الاعلام وینقم من کلام الافاضل العظام حیث لایقدر ان یحوم حوله ولا یستطیع ان یدرك منه المرام یترفع بذلك عند الهمج ... حتی قطع بان الله جل سلطانه اینما لاکالایون اتخذ خلاف القوم شعاره ...

انجام: و اذ قدو فقنا فصد عنا بما امرنا به من هداية المسترشدين و تخطئة المبلكفين ... وقد صادف فراغ افقر المربوبين ... محمد بن محمد زمان ... حتى ينفى عن هذا الدين تحريف الغالين ...

حشرهم فى زمرة المتقين فى بعض شهور السادسته بعد الستين من الثانية بعد الف سنين من مهاجرة اشرف المرسلين عليه و آله الصلوة والسلم ابد الابدين - ودهر الداهرين.

[۱۹۶۶]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص۶۶ - ۹۳ دفتر) است.

الحق الصراح فيما لابد منه فى ايجاب النكاح (عربى)

القول السديد، از محمد بن محمد زمان کاشانی و تاریخ تألیف آن سالهای آخر دهه ۶ از قرن ۱۲ - ه است.

رساله ای دیگر از همین مؤلف در صیغ نکاح و تفاصیل مربوط بدان با شماره ۱۹۶۶/۱ شناختیم. اما موضوع بحث در این رساله صیغ ایجاب نکاح است و اثبات اینکه صیغهٔ معروف ایجاب که از مادهٔ تزویج است و انکاح بدون ذکر قید دوام در عقد دائم کفایت میکند. در پایان رساله درذیل عنوان «ختام» در بارهٔ صیغ عقود و اینکه اخبار است یا انشاء و درذیل عنوان «تذنیب» دربارهٔ اعلام مرکب تحقیقاتی دارد.

رجوع به ذریعه ۷ : ۳۷ و ۱۷ : ۲۱۰ شود.

آغاز: بسمله، الحمد لله على نواله والصلوة و السلام على النبى وآله وبعد، فهذا هو القول السديد لمن القى السمع و هو شهيد يطلعك على الحق الصراح مما لا بد منه فى ايجاب النكاح والله الموفق للسداد ... فاقول لاخلاف بين العلماء فى ان كل واحد من صيغتى ...

انجام : فان الحسنات یذهبن السیآت ولقد اختتمت الرساله ... بید مؤلفها الراجی ... محمد بن محمد زمان ... لامام خلون من شهرالله الاصب رجب ... من السنین الاخره من السادس من التالیة من الثانی من الهجـرة المقدسة النبویه علی بن هاجرها صنوف الثنا والوف التحیه حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً .

[۱۹۶۶]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر(ص ۱۹۵ ـ ۲۴۰ دفتر) است .

زمان موهوم (رساله دراثبات ...) **(عربی)**

از محمدبن محمدزمان کاشانی مؤلف مرآة الازمان .

مؤلف درباب حدوث عالم واثبات زمان موهوم ودرحدوث دهری رساله ای دیگر مفصل‌تر نوشته بنام مرآة الازمان (یا مرآة الزمان) که با شمارهٔ ۱۹۶۶/٤ در فهرست ۵ معرفی گردید . وی در رسالهٔ حاضر نخست از حاشیهٔ آقا جمال خوانساری برحواشی خفری بر تجرید بخشی نقل کرده و آنگاه بنقل شش دلیل از میرداماد بر اثبات حدوث دهری و نفی زمان موهوم پرداخته و یکایك را پس از نقل رد کرده ودلیل هفتم را نیز از «بعضی محشین از فضلاء گیلان» که ظاهراً مولی شمسای گیلانی است. وهشتم را ازیکی از دوستان ومعاصران (شاید خاجویی) آورده و مردود دانسته. وی پس ازنقل ایرادات آقا حسین خوانساری بر داماد (بنقل از حاشیهٔ فرزندش آقا جمال) سخنانی ازیکی از معاصران خویش دررساله‌ای که دراین باب نوشته است ودر مقام تعریض بر آقا حسین ورد اعتراضات او بر آمده، نقل کرده . مقصود وی ظاهراً همان مولی اسماعیل خواجویی است که رساله‌ای درابطال زمان موهوم پرداخته وکاشانی همه‌جا از او با تعریض وتخفیف واز کوششهای آقا حسین خوانساری ومناظرات ومباحثات ونوشته‌های او برای اثبات زمان موهوم با تحسین یاد میکند. کاشانی در دنبال سخنان بالا میگوید «قول بحدوث دهری چنان در میان شاگردان وپیروان مخترع

آن شیوع یافت که نزدیك بود بر حدوث زمانی وزمان موهوم خط بطلان کشیده شود وبتدریج ازدیادها برود اما کوششهای بیدریغ وپی گیر محقق مذکور بنیان سخن تازه را ویران وارکان زمان موهوم را باردیگر استوارساخت . فرزندش او وجمعی‌ازشاگردان ومعاصرانش که سخن اورا صواب دیدند کوششهای اورا دنبال کردند وبار دیگر این سخن‌را زنده ساختند.»

با این همه‌درچند جابه غموض سخن میرداماد اعتراف کرده‌وچنین گوید: «آنچه سید داماد درباب حدوث دهری بیان کرده ازتصور من دور است من تمام سخن اورا نقل کردم شاید یکی ازمحصلین مدرك‌آن نائل گردد».

ازحکمة العارفین محمدطاهرقمی نیزعباراتی‌دراین باب آورده وازآنجمله این‌عبارت اوست :

«القول بالحدوث الدهری قول محدث احدثه بعض انصار الفلاسفه . . وهو اعتقادبین‌السخافه»

از این رساله تاکنون ذکری ندیده‌ام صاحب ذریعهٔ بوجود این رساله در مجموعه سردارکابلی‌تصریح نکرده‌اند. در نسخه‌ما (برخلاف دیگر رساله‌های این مؤلف که دراین دفتراست) خطبه ازخود اونیست،کاتب یادیگری خطبه‌ای درآغاز آن گذارده ونام برخی‌ازمؤلفات اورادرآن تضمین کرده پایان رساله نیز با دیگر رساله‌ها مشابهت ندارد وفاقد تاریخ تألیف است درکنار صفحات حاشیه‌هایی از مؤلف بانشان‌منه‌دام‌فضله‌یامنه‌دام‌ظله‌ونیزفقراتی‌منقول‌ازآقاجمال، قوشجی،انموذج دوانی،حواشی مولاناجلال‌الدین‌استرآبادی برحاشیه قدیمه دوانی،ریاض‌السالکین ونیزحاشیه‌هایی بدون نشان دیده میشود.

آغاز: (پس از بسمله) قال‌الشیخ الامام المخصوص من افاضل العصرو فضلاء الدهر بنورالهدی والقول‌للسدید فی‌هدایة‌المسترشدین ... شیدالله سبحانه‌فی‌ایضاح المنهج‌القویم‌من‌قبلدالمؤمنین منه‌الارکان‌واعزانصاره... اولی‌البصائرواصحاب‌الایقان

یقول احوج المربوبین . . ابوعبدالله یدعی الشیخ وهو محمدبن الحاج محمدزمان شرح الله صدره بنور الحکمه.. امابعدالتحمید للحمید المجید.. فقدقال اسوة الافاضل المحققین . جمال الدین محمدالخوانساری فیما کتبه علی التجرید ومایتعلق به قال المصنف... وجودالعالم بعدعدمه...

پایان: اذلایعتبرح ولایلزم منه نفی صحة الاعتبار اذلیس الاعتبار ازلیافتامل ولاتبادربالانکار قبل النظر والاعتبار فاعتبروا یا اولی الابصار

[۱۹۶۶]

نسخه شمارهٔ ۶ (ص۲۴۱-۲۸۰ دفتراست)

نورالهدی **(عربی)**

ازمحمدبن محمدزمان کاشانی مؤلف رسائل قبل، درزکوة غلات و در ۱۱۶۰ واندی ازتألیف آن فراغت یافته.

آغاز: بسمله، سبحان من زکی من زکی ، قدافلح من تزکی،وذکر اسم ربه فصلی علی نبیه خیرا وری و عترته مصابیح الدجی صلوة و ... مسئلة المعروف من مذهب علمائنا الامامیین ان الزکوة، انماتجب فی الغلات الاربع علی ما یحصل فی ایدی اربابهامن النماء والفامدة بعدوضع جمع المؤنات...

انجام : فلنختم الکلام حامدین لربنا المفضال ... وافق الفراغ منه . . علیها من المقصورات بالغوانی فی بعض الشهور من اعوام لسابع من الثانیه من الالف الثانی والحمدلله الفیاض بانجاح الامال فی الدارین والامانی..

[۱۹۶۶]

نسخه شمارهٔ ۷ (ص۲۸۷-۴۴۲ دفتراست)

قبلهٔ اثنی عشریه

(فارسی)

ازمحمد بن محمد زمان‌کاشانی و تاریخ تألیف آن ۱۱۶۳ ـ است ازدیباچه رساله چنین آمده «شخصی از مدعیان علم در نواحی بصره و خوزستان (۱) درباب قبله عراقین نظری ابرازداشته که انحراف فاحش ازقبله مسلمانان داشت وعده‌ای از مردم از اوپیروی کردند، تااینکه طایفه‌ای از اهل دین آن سرزمین ازاستاد مؤلف ، سیدحسین خواتون‌آبادی (دردیباچه‌از وچنین یاد شده:سیدالفضلاء،خاتم المجتهدین... شیخنا الاورع الاعلم‌السعید سمی‌جده‌ابی عبدالله‌الشهید . و در ذریعه آمده که مقصود همان خواتون آبادی است) درخواسته‌اند تااقوال فقهاء امامیه و وریاضیون و سبب اختلاف در علامات قبلهٔ عراقین را بتفصیل برای ایشان روشن گرداند. خواتون‌آبادی جوابی بمقتضای حال وبرسبیل اجمال، نوشته و تفصیل‌را به‌مؤلف که ازشاگردان اوست احالت کرده»

این‌رساله‌دارای ۱۲باب‌است‌وفهرست ابواب‌رامؤلف درآغازبدینگونه‌آورده

باب۱ـ درتحدید قبله‌ووجوب‌استقبال‌آن.

باب۲ـ وصوب تعلم علامات براهل‌ایمان.

باب۳ـ مسئله انحراف ازقبله مسلمانان.

باب٤ـ اتحادعلامت کوفه وبصره الی‌عبادان.

باب٥ـ عبارات مبهمه[فقها درامرقبله] ورفع‌ابهام‌آن.

باب٦ـ قبله‌عراق‌عجم وفارس خوزستان تاطبرستان وخراسان

باب۷ـ دراحوال جدی وقطب ازستارگان.

---

(۱) صاحب ذریعه نوشته‌اند دربرخی ازنسخه‌های این‌رساله ازآنجمله درنسخه‌اقبال آشتیانی تصریح‌شده‌که‌این شخص شیخ‌حسین خلف‌آبادی است.

(ذریعهٔ۱۷: ۴۳)

باب۸ـ سایرعلامات اهل عراق ومشارکین ایشان.

باب۹ـ بیان تیاسرعراقین وغیرایشان.

باب۱۰ـ درجو ازرجوع به‌علم هیئت واخذعلامات ازآن.

باب۱۱ـ دائره هندیه وانحراف بلدان.

باب۱۲ـ درطرق دیگر استعلام سمت‌آن.

درپایان باب۱۲ مؤلف این جداول ترتیب‌آمده:

الفـ نخست جدول‌سمت‌قبله منقول‌اززیج‌اشرفی تألیف سیف‌الدین یزدی.

ب ـ جداول طول وعرض ودرجات و اختلافات و انحرافات است که بالای آن نوشته «عمل‌مولانا محمد باقریزدی دررساله مطلع الانوار».

دراین نسخه مقدمه جدول پس‌از جداول‌اسامی بلادقرارگرفته.

ج ـ پس از فاصله دوصفحه ، باقی‌جدول اسامی بلاداست با دو خانه برای نشان دادن انحرافات ودرجات‌بلاد . این جداول ۱۳ صفحه است و پس ازآن۲۲ برگ است که‌جدول کشی شده اماچیزی روی‌آنها نوشته‌نشده و پس از آن بقیه جدول سمت‌قبله منقول ازمحمدباقر یزدی . در آخرباب یازدهم نیزجدولی است بسیار روشن و سودمند از خود مؤلف در ٤ صفحه که نشان دهنده اقالیم ، بلاد، طول ، عرض ، انحرافات از جنوب ، مسافات بین‌بلاد بفرسخ . در پایان باب۱۲ (پس از تمام‌شدن همه جداول) مؤلف ازدیگرطرق‌استعلام نقطه سمت‌قبله سخن گفته است .

در کتابخانه مجلس نسخه‌ای دیگر ازاین رساله درضمن مجوعه‌شمارهٔ۶۲۷ موجودات که این جدولها راندارد (بجزجداول خود مؤلف درپایان باب‌یازدهم ، ویك جدول‌نشان دهنده سمت قبله .) بقیه جداول را کاتب در پایان مجموعه بطور جداگانه آورده است این‌رساله دربرخی از مدارك بنام « اثناعشریه » نیزمعرفی شده‌ولی نام صحیح آن‌همین‌قبله‌اثنی‌عشریه است که دردیباچه بدان‌تصریح‌شده .

درحواشی نسخه حاشیه‌هایی‌است‌از مؤلف و فقراتی منقول از رساله قبله غیاث‌الدین منصور ، نهایة الادراك شیرازی ، روض‌الجنان،شیخ جعفر ، شیخ علی بیرجندی ، شرح‌شهیدثانی بر الفیه‌شهیداول رساله قبله شیخ حسین ، قبلة‌الآفاق ، رسالهٔ قبله شیخ حسین ؛ قبلة‌الآفاق ، رسالهٔ قبله شیخ حسین‌بن عبدالصمد ، شرح الفیه ازشیخ‌حسین،رساله‌قبله خراسان‌ازشیخ‌حسین ، ازاحة‌العلة،تفهیم ابوریحان، قانون ابوریحان ، تحفه شیرازی تذکره خفری رساله منصوریه در قبله (همان رساله قبله غیاث‌الدین‌منصور) زیج اشرفی سیف‌الدین یزدی .

رجوع شودبه ذریعه ۱ : ۱۱۸ - ۱۷: ۴۳-۴٤-۵ : ۳۱۳مجلس ۲ : ۳

آغاز: بسمله ، الحمدلله الذی ، جعل الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس فیه آیات بینات مقام‌ابراهیم والصلوة وسلام علی‌نبیه ... اما بعد . چون این‌اوان‌محنت نشان از صرصرحوادث ایام دروس معالم‌علماء اعلام قواعد مات را متزازل و رخنها در ارکان دین انداخته مبتدیان طلبه را متصدی امرخطیر فتوی که اکابرفضلاء خودرا درخورآن‌نیافته ساخته بمجردملاحظه کتب بعضی از متاخرین ... تا اینکه شخصی ازمدعیان ... تغمد هماالله تعالی بالاوایل‌من الثوانی ومن علیهمامن‌رضوانه بالغوالی حامداً مصلیاً مسلما مستغفراً .

انجام: و بر چهرهٔ شاهدان خال انتخاب نهاده تشریف تحسین‌پوشدوفی بعض اللیالی من‌اول الربیعین‌فی‌الاول‌من الثالث من‌الثالثیه من‌السابع من‌الثانیه من الالف‌الثانی اتفق فراغ مؤلفه محمدبن محمدزمان‌الاصفهانی

[۱۹٦٦]

نسخه شمارهٔ ۸ (ص ۴۴۳ - ۴۴۵ دفتر) است .

نامهٔ مردم بهبهان **(فارسی)**

این‌همان نامه است که شیخ محمدکاشی درمقدمه «قبله اثنی عشریه» ازآن یادکرده وبهنگام‌معرفی آن رساله بدان اشاره شد .

خلاصهٔ مضمون نامه این‌است که «دراینوقت‌شخصی شیخ حسین نام ازمردم خلف آباد که ازتوابع قصبه دورق است وارد بهبهان شده و ادعای اجتهاد ودانش فراوان دارد ومدعی شده که قبله‌فعلی‌بهبهان ـ که نزدیك‌به هفتصد سال است‌مردم بدانسوی نماز میگزارند وعلماء بزرگی مانند شیخ بهائی و محمدتقی مجلسی و دیگـران درمدتیکه‌در بهبهان اقامت داشته اندمانندهمه‌مردم آنجابهمانسوی نماز گزارده‌اند ـ نادرست است.علامت قبله قدیم‌بهبهان این است که جدی‌را بمحاذی (باقی‌الجمله میل)بعقب دوش میاندازند . اما عالم مزبور حرفش این‌است که اهل اهل بهبهـان ، کوهکیلویه‌رامهرمز، دورق، اهوازوبصره بهنگام‌استقبال قبله باید جدی‌را بخدا یمن بیندازند وبـاز هم تیامن بیشتری بـاید ، وی مدعی است که دراین باب خلافی بین علماء نیست » .

درنامه‌سپس چنین نوشته شده :

دوالتماس داریم احکام مسائل قبله‌را ونقل کلام علمای امامیه واهل رصد و سبب اختلاف کلام محققین دربـاب قبلهٔ اهل عراق همگی بتفصیل قلمی فرمایند وآیا ازبرای اهل‌این ولایت‌کافی است که بمجرد کلام یك شخصی چنین دست از قبله‌ای که قریب هفتصدسال و کمتر .. (بکشند)

شیخ محمدکاشی درآغاز رساله قبله اثنی عشر ـ چنـانکه دیدیم ازنامه‌ای سخن گفت که‌مردم‌خوزستان‌دربارهٔ ادعاهای شخصی بنام‌شیخ‌حسین خلف آبادی‌به سیدمحمد حسین خاتون آبادی نوشته وازاوخواسته بودند اقوال فقهاواهل رصدا درامر قبله مردم عراق بیان‌دارد ، وملاحظه نامه‌حاضر نشان میدهد که این‌همان نامه‌مذکور است .

ازاین‌نامه‌استفاده‌میشود که مردم بهبهان پیش‌ازاین ازملا زمان (پدرمؤلف رساله قبله شمارهٔ ۱۹۶۶/۷) دراین موردسؤال کرده بوده‌اند.

از آقا باقر بهبهانی نیز که در وقت وارسال این نامه در بهبهان زندگی میکرده چنین یادشده :

«این فقیران همه سرگـردان و متحیر ومجتهد را نمیشناسیم وشخصی که خاطر جمع باشد واطمینان داشته باشیم که تصدیق باجتهاد اونماید نداریم سوای یك شخص آقامحمد باقرولد ملامحمد اکمل اصفهانی که ظاهراً معروف ملازمان واونیز سبب بعضی موانع که متضمن مفسده است ممکن نشد که در مجلسی بـااو متکلم شود» .

نسخه های دیگر ازاین نامه در ضمن مجموعه شمـارهٔ ٦٢٧ این کتابخانه آمده که درفهرست (مجلد ٢) به‌آن اشاره نشده .

آغاز: بسمله ، بعرض میرسانند جمهور سکنه بهبهان بخدمت عالیجناب مقدس القاب علامی فهامی مجتهد الزمانی ادام‌الله ایام افادته که دراینوقت شخصی شیخ حسین نام‌ازمردم خلف‌آباد که از توابع قصبهٔ دورق‌میباشد وارد بهبهان شده وادعای‌اجتهادمینمایدبحدی که‌تسلیم‌ازبرای‌همه کس‌نمینمایدوخودرا مسلم‌میداند حتی اینکه برسرمنبر که میرود مینماید که هر کس هرمسئله که خواسته باشد بپوشد که من‌جواب میگویم ... وازجمله مسئله ای که درپیش گرفته امرقبله‌است وبحدی اصرار دارد که بشرح راست نمیآید واین فقیران همه سر گردان .

پایان: فرمـایند که هرآینه موجب اجرعظیم وثواب جزیل خواهد بود باقی ایام افادت باقی‌باد بربالعباد .

[١٩٦٦]

نسخه شمارهٔ ٩ (ص ٤٤٨ ـ ٤٤٩ دفتر) است .

قبله (گفتار در ...) (فارسی)

گفتار مختصریست درباره ظنی بودن معرفت قبله وحجیت ظن حاصل از تشخیص اهل رصد، و بیان انحرافات بلاد مستخرج ازمطلع الانوار محمدباقر یزدی.

نام نویسندهٔ این گفتار بارمز «م ت ق» نشان داده شده و مقصود محمدتقی مجلسی است نشان داده شده در ذیل نسخه های دیگر که در کتابخانه مجلس (شمارهٔ ۶۲۷/۳) صریحاً نام‌او یاد شده در کنار رساله قبله اثنی عشریه» ودیگر رساله های موجود دراین دفتر نیز حاشیه‌هایی‌باهمین نشان وحاشیه های بانشان « م ق ر » بتکرار دیده میشود.

درپایان گفتار ، برای نشان دادن خطاء اهل رصد ، از کسوفی که در تقاویم برای سال ۱۰۶۵ پیشگوئی شده وخلاف واقع بود سخن رفته واین نکته تأیید میکند که نویسنده مولی محمدتقی مجلسی است . پیشگویی مزبور بدین‌عبارات نقل شده :

«وازاین است که اقاویل ایشان در کسوف و خسوف واقع نمیشود صحیحاً چنانکه این‌چند روز درتقاویم کسوف نوشته بود درماه ربیع‌الاول سنه هزار و شصت وپنج هجری واقع نشدودوسه سال قبل ازاین نیز حکم کرده بودند کسوف وخسوف ووواقع نشد ».

آغاز: بسمله ، معرفت قبله ظنی است چون بناءآن برقول اهل رصد است واختلاف بسیار دراقاویل ایشان‌هست چنانکه درخصوص قبله اصفهان ، در مسجد جامع انحراف ازخط نصف‌النهار بنابر زیج قدیم است وآن سی‌وسه درجه و چهل دقیقه است و بنابر استخراج اززیج جدید الغ میرزا مسجد عباسی را برآن مقررساختند...

انجام : لیکن ظنونیکه ازاقاویل ، ایشان درمعرفت قبله بهم میرسد بیشتر است ازعلامات دیگر که علما ذکر کرده‌اند م ت . ق ر ه .

[۱۹۶۸]

این نسخه ش ۲ (ص۱۲ - ۴۸ دفتر) است ·

الاجوبة من مسائل ابی ریحان البیرونی (عربی)

پاسخ پرسشهای بیرونی است ودرفهرست نسخ مصنفات باشمارهٔ ٥ یادشده .

آقای دکتر مهدوی دربارهٔ این پاسخها که شیخ‌الرئیس به ۱۸ سؤال بیرونی داده ، تحقیق کافی کرده‌اند . واین بنده با استفاده کامل از مرقومات ایشان چند نکته کوچك را بعنوان ذیل میآورم :

الف - صورت موجود این سؤال وجواب درتمام نسخه‌های قدیم و جدیدی که بدست این بنده رسیده بدینگونه است که نخست سؤال بیرونی وسپس پاسخ شیخ و آنگاه اعتراض ابوریحان برپاسخ شیخ‌الرئیس نوشته (بجز در مسئله ٦ و۸و۱۸ که از ابوریحان بر پاسخ اعتراضی‌شیخ نقل نشده).مسلماً یکی از شاگردان شیخ یا کس دیگر ، اعتراضات ابوریحان را دررساله‌ای که تألیف شیخ بوده گنجانیده زیرا پیداست که اعتراضات مجدد ابوریحان پس از آن است که‌پاسخهای شیخ‌را دریافت کرده وشیخ خود در پایان رساله و در آخر پاسخ مسئله دهم از بیرونی خواسته است که اگر بر این‌پاسخها ، باز اعتراضی دارد ، بار دیگرسؤال کند و قول‌داده که اینبار بتفصیل جواب گوید.

نکته‌ای که بر ابهام مطلب میافزاید آنست که در یك‌مورد (در پاسخ‌سؤال ۱۵) ، اعتراض بیرونی در اثناء پاسخ نقل شده وسپس دنباله پاسخ ادامه یافته و چنین‌پیداست که پاسخ گوخودچنین کرده‌زیراپس از نقل اعتراض، گوید«ثم نعود الجواب عن‌المسئلة فنقول»ودنباله‌سخن‌پیش‌را گرفته»شگفت آنست که‌درهیچ‌جا از نسخ بدین تضمین‌اشاره‌ای نشده‌و کسی‌دراین باب سخن نگفته‌است .

ب - شیخ‌الرئیس در دیباچه و درپایان این رساله‌از تأخیری که‌درنوشتن ،

ارسال پاسخها روی داده عذر خواسته و بیان عذر خودرا بر عهده فقیه معصومی گذارده تا درنامه‌ای‌برای بیرونی بنویسد .ونیزدر دیباچه تصریح کرده که«برخی ازکارها و پیش‌آمدها مرا از تفصیل جواب باز میدارد» و بهیچوجه اشارتی بدین نکرده که « علت تأخیر درجواب مسامحه فقیه معصومی بوده » (۱). بلکه سخن شیخ درپایان رساله بکلی با این مطلب منافات دارد زیرا شیخ میگوید :

« در این‌پاسخها که نوشته‌ام اگر باز مشکلی داری ، لازم است بار دیگر بر من منت نهی و توضیح بیشتری بخواهی، تا هر چه زود تر پاسخ آنرا بفرستم، و امیداست که اینبار دیگر مانند این مسائل دچار تأخیر نگردد زیرا من دراین باره جز بر فقیه معصومی اعتمادنکنم ...»

عین عبارت شیخ چنین است :

فهذا جواب ما سالتنیه من المسائل و یحب ان اشکل علیك شیٔ من هذه الفصول ان تمن علی بمعاودة المطالبه بشرحها حتی اعجل فی ایضاحها و انفاذ ها الیك و ما عسی یتأخر تأخر هذه المسائل فانی لا ائتمن علیها الا الفقیه المعصومی مولای ایده الله اذا حدثنی بالفراغ عن نسخها کما فعل [..؟شایدصواب:فعلت!باشد] هذه المرة» .

البته درپایان سخن شیخ ابهامی هست خاصه در نسخه حاضر که اضافه‌ای دارد که در دیگرنسخ نیست .

در این نسخه که بخط مرحوم میرزا طاهر تنکابنی است (نمیدانم از روی چه نسخه‌ای) نوشته ،پس ازکلمه هذه المره،چنین آمده«انشاءالله حملته وقت الاصدار الی الحکیم الفاضل فکتب فیه هذا الفصل فی اخره بخطیده» .

---

(۱) دکترمهدوی ص۱۱۲ فهرست نسخه های مصنفات ابن‌سینا

(۱) آقای دکتر مهدوی این فقره را با حذف حرف استثنا نقل کرده‌اند بدینگونه فانی لا ائتمن علیها الفقیه المعصومی ولی نسخه حاضر ونسخه کهنه مجلس چنانست که نقل شد .

بنظر این نگارنده چنین میرسد که این جمله اخیر از فقیه معصومی است که پس از پاکنویس کردن رساله آنرا بنزد شیخ برده و او سطور نقل شده را در پایان رساله افزوده است.

ج ـ از نوشته‌های مکرر شیخ در پایان جواب سؤال دهم وسؤال هیجدهم چنین پیداست که جواب اعتراضات و سؤالات مجدد ابوریحان رانیز میخواسته‌است که خود بگوید، و در دیباچه‌ای که ابوسعید احمدبن‌علی (یا فقید معصومی) برای جواب به اعتراضات مجدد بیرونی نوشته نکته‌ایست که این مطلب راتأیید میکند. زیراچنین پیداست که نویسنده، پاسخ‌رااز روی نوشته‌ای استنساخ کرده‌واز عدم مقابله‌بااصل عذر خواسته و نیز میگوید آنچه‌را فرستادم به‌پیروی‌از میل اوفرستادم هرچند بدان معتقد نبودم ـ اینك متن این قسمت از دیباچه (که‌بعضی ازفقرات آن خالی ازغرابت‌نیست) نقل میگردد : «فقد کتبتها علی نهایة عجل ولم یتهیالی مقابلتها فان‌وجد فیها تصحیفا قوم اوده ولیجهد علی اخفاء ما اورده علیه من مثل هذه‌الهوسات عن شخص ظله فضلاعن‌غیره .. ؟ و انماانفذما انفذه اتباعا لهواه و ان لم اکن‌معتقدالشیٔ مما اقوله ولاجانحا الیه و اعوذ بالله من‌الحور بعدالکور»

بنابراین، این پاسخهانیز شایسته است جزء مؤلفات ابن سیناشمرده شود.

د ـ درپاسخ اعتراضات مجدد بیرونی که به ابوسعید احمدبن علی یا فقیه معصومی منسوب است بتکرار از مفقود شدن جوابهاییکه بر دست ابوالقاسم فرستاده شده یاد گردیده است. چنین پیداست که نخست رابط بین شیخ و بیرونی ابوالقاسم (شاید همان شیخ در مباحثات از او یاد کرده) بوده ـ در ذهن این‌نگارنده این سؤال پدیدآمد که این مطلب با تاخیر در ارسال جوابی که شیخ از اوسخن گفته ووعده داده‌بود که فقیه معصومی‌در نامه‌خودموجب تأخیر رابیان کند، آیاارتباطی‌ندارد. وآیا این‌خود قرینه‌آن نیست که‌نویسنده یا بازنویس کننده جوابهای اعتراضات مجدد بیرونی (بگفته بیهقی درتتمه‌صوان

الحکمه) همان فقیه معصومی است نه ابوسعید . البته برخی قرائن موجود است که مانع از حصول یقین بدین موضوع است که بر ناظر بصیر پوشیده نیست

آغاز: حاطك الله مغبوطا بنیل ماتهواه واسعفك لجمیع ماتتمناه وقسم لك سعادة الدارین.... المسئلة الاولی، سئلت اسعدك الله لم اوجب ارسطاطالیس للفلك عدم الخفة...

انجام : فهذا جواب ماسألتنیه .... کما فعل هذه المرة .. الی الحکیم الفاضل فکتب فیه هذا الفصل فی آخره بخط یده .

[۱۹۶۸]

نسخهٔ شمارهٔ ۳ (ص ۴۸-۶۹ دفتر) است .

جواب اعتراضات ابوریحان بیرونی (عربی)

همانگونه که در ذیل شمارهٔ ۱۹۶۸/۲ گفته شد ، شیخ در رساله گذشته بتکرار از ابوریحان خواست که اگر سراز ملاحظه پاسخها باز اشکالی بنظر میرسد بار دیگر سؤالات خودرا ارسال دارد تاخود جواب گوید . امادر نسخه ما و نسخه کهنه (مورخ ۵۰۰) مجلس، این جوابها از آن ابوسعید احمد بن علی و در تتمه صوان الحکمه ازفقیه معصومی دانسته شده و آنچه مسلم است دیباچه و ترتیب این پاسخها بدست یکی ازشاگردان شیخ انجام یافته .

در این رساله از اعتراض برجواب مسئله سوم پنجم و ششم یاد نشده (البته قبلا گفتم که ابوریحان برمسئله ششم اعتراضی نداشته یادر نسخه نقل نشده) . نسخه ما و نسخه دیگر مجلس همچنین است ومن نسخه‌ای دیگر ندیده‌ام رجوع به ص ... فهرست مصنفات ابن سینا و نیز ص ۶۹۰ این فهرست شود .

آغاز: لما تحققت اطال الله بقاء سیدی افتقاد ما اصدرته(۱) علی یدی ابی القاسم وعلمت تاسفه (۲) علی الاجوبه قصدت ان انقل من التسوید الذی بقی عندی . . . .

(۱) درنسخه : اصدریه

(۲) درنسخه : ماسبقیه

تسارعاالی رضاهومحبته وان لم یکن علی التشریح الاول الذی شرحته وبسطته . .. فقد کتبتهاعلی عجل ولم یتهیأ لی مقابلتها فان وجدفیها تصحیفا قوم اوده .. فاقول اما اعتراضك فی المسئلة الاولی و استدعاؤك زیادةالشرح فی عدم خفةالفلك وثقله ففی جواب الحکیم کفایة ...

انجام : امافی المسئلة الثامنة . اماطفو الجمد علی الماء مع کونه ابردفلاجزاء هوائیه . . . ثم انکان ذلك لایدخله هواء قط لم یجمدذلك الماء ایضاًوفی کتاب الاثار العلویة اذانظرت فیه شفاء عن هذه الشکوك والله اعلم . . . علی یدالعبد ... محمدالمدعو بطاهر فی سنة ۱۳۰۸ .

[۱۹۶۸]

این نسخه ش۴ (ص۶۹–۱۲۳دفتر) است

الادویة القلبیة (عربی)

فهرست نسخه‌های مصنفات از شیخ الرئیس ابن سینا .

دکتر مهدوی : ۲۳ فهرست دانشگاه ۷۱٦٤ .

آغاز : خیر المبادی مازین بالحمد ... اما بعدفان الله سبحانه وتعالی قدخلق التجویف الایسر من تجویفی ...

انجام : فهذا ما اختصرناه من الکلام فی الادویة القلبیة . . . قدحان لنا ان نتم هذه المقالة ... قدتم تحریر . . . محمدالمدعو بطاهر فی آخر نهار یوم الجمعة ثالث شهر رمضان المبارك من شهور سنة ۱۳۱۲ .

[۱۹۶۸]

این نسخه ش۵ (ص۱۲۴ – ۱۴۰) دفتراست ،

الاجوبة عن المسائل العشرة (عربی)

ازابن سینا شیخ الرئیس .

قنواتی این سؤالها را ازبیرونی دانسته وآقای دکترمهدوی منشاء اشتباه او را در فهرست نسخ مصنفات توضیح داده

رجوع به‌فهرست‌مصنفات : ۱۵وفهرست‌قنواتی:.. شود .

آغاز: الحمدلله‌الموفق والملهم ... العلة‌الاولی لماذافارقت‌العلل...

انجام : وفعلت فی‌الاقامة فعلها فهذا کاف ... من‌قال ان‌شیئا واحداً یکون عرضا وجوهراً... علی‌یدی... محمدالمدعوبالطاهر فی‌سنة ۱۳۱۵ .

[۱۹۷۱]

این‌نسخه ش : ۲ (ص۱۱۰ ـ ۱۸۹) دفتراست .

اوایح **(فارسی)**

از نورالدین‌عبدالرحمان جامی(متوفی۸۰۰) دارای ۳۵ لایحه و۷ رباعی .

دانشگاه ج ۳ ـ ۴۸۸ ، فهرست‌فارسی مشار ـ ۱۳۴۶.

آغاز: بسمله ، خداوندا سپاس تو بزبان نمی‌آریم وستایش به‌تو نمی‌شماریم هرچه درصحایف کاینات ازجنس ...

انجام : ای کز غمش اوفتاده خاکت بکفن .

آلوده‌مکن ضمیر پاکت بسخن

سمت انجام پذیرفت فی بیست‌وچهارم شهر . . . بیداقل‌السادات محمد علی ابن‌خلیل‌الله‌الشهیر به‌میرزا بزرگ سنه۱۲۸۵ ..

[۱۹۸۷]

این نسخه‌ش : ۲ (ص ۱۷ ـ ۲۵) دفتر است .

آداب المتعلمین **(عربی)**

ازبرهان‌الدین زرنوجی ومنسوب‌به‌خواجه‌نصیرطوسی .

رجوع شود به ص : . این فهرست و نیز فهرست دانشگاه ج ۶ : ۲۱۱۴ ذریعة ج ۱ : ۲۸ مشار عربی : ۴ .

[۹۹۷۳]

این نسخه ش ۲ (ص ۴۶ ـ ۲۰۲) دفتر و ناقص است .

المعارف **(عربی)**

فیض کاشانی (م ـ ۱۰۹۱) کتاب علم‌الیقین را در اصول دین (شناسائی خدا، پیامبران ، ملائکان کتابها و...) نوشت پس از چندی آنرا تلخیص نموده و آنرا کتاب المعارف (کتاب حاضر) نامداد . وی همچنین از کتاب علم‌الیقین گزیده‌ای ساخت و آنرا به انوارالحکمة موسوم گردانید .

آغاز کتاب حاضر با آغازیکه در الذریعة برای علم‌الیقین نقل‌شده یکیست .

الذریعة ج ۲ : ۴۲۵ و ج ۱۵ ـ ۳۲۶ . کشف‌الحجب : ۵۳۱

آغاز: بحمدك اللهم یامبدی یا معید والحمد من نعمائك . . . فیقول . . . محمدبن المرتضی المدعو بمحسن ...

انجام: اقول وذلك لمادریت ان‌الغرض الاصلی مـن بعثة الانبیاء والرسل تقویة الجنبة العالیة واستخدام الغیب للشهادة لامجرد السیاسة الحافظة .

[۱۹۷۴]

این نسخه ش ۳ (۲۰۶ ـ ۶۶۷) دفتر است .

عین الیقین **(عربی)**

از فیض کاشانی در اصول دین است والانوار والاسرار نیز نام دارد .

دانشگاه ج ۳ : ۳۱۲ فهرست عربی مشار : ۶۴۲ . الذریعة ج ۱۵ : ۳۷۴ .

آغاز: سبحان من حارت لطایف الاوهام فی بیداء کبریائه ... امابعدفیقول.. محمدبن مرتضی الملقب بمحسن...

انجام : وختم کتاب عین‌الیقین الملقب بالانوار والاسرار و اتفق لتاریخه کمل انوارالحکمة . والحمدلله اولا وآخراً ... قدفرغ من‌تسویده ... فی‌محروسة اصفهان فی‌شهرجمادی‌الاولی سنة ۱۲۳۵ .

[۱۹۷۳]

این نسخه ش ۱ (ص ۱ – ۱۸۸) دفترو ناقص است .

حاشیهٔ اصول فقه (عربی)

شرح‌یاحاشیه ایست بر مباحث‌الفاظ کتابی دراصول‌فقه‌شیعه وپس ازصاحب معالم ومیرزاجان نگارش یافته‌است‌وازاول وآخرآن اوراق بسیار افتاده .

در حاشیه ص ۹۸ نسخه این نوشته دیده میشود که خلاصه اش این است: تا اینجا (نیمه ص۹۸) را شیخ‌حسن سکوتی بارفروش مازندرانی در شب ۱۴ ذ ح ۱۲۶۱ نوشته شب باسلامت‌به‌خانه رفته وبامدادان درحمام جان سپرده» بقیهٔ کتاب بخط دیگر (وشایدازکاتب این یادداشت) است .

آغاز: الوضع. تخصیص‌الوضع‌بالشخص‌فی‌التقسیم مع‌مافیه‌من‌التعسف‌یقتضی خروج الافعال و الصفات والمثنی والمجموع وغیرها من‌المفردات ...

انجام : لکن هنا ادله و امارات یظهر منها حصول النقل و التغییر فی زمن الشارع کما یدعیه المثبتون للحقیقة الشرعیة ولولاه لکان القول‌بالنفی‌هو.

[۱۹۷۶]

نسخه شماره ۲ (ص۱۰۶–۱۷۷ دفتر) است .

حاشیه برشرح هدایه (عربی)

این شرح از محمود هروی خرزیانی (خیرزیانی) است. (۱)
در کشف الظنون چند حاشیه برشرح خیرزیانی یاد شده ودرمجلد ۵ مجلس نیز حاشیه ای بر آن معرفی شده رجوع شود بصفحه ۱۵۹ فهرست ۵ و کشف الظنون

[۱۹۸۴]

این نسخه ش ۲ (ص۹۲–۱۲۶) دفتراست .

عروض ابن مالك (عربی)

رساله مختصریست درعروض وقواعدشعر از بدرالدین محمدبن محمد نحوی (م-٦٨٦) معروف به ابن مالك . حاجی خلیفه عروض ابن مالك و عروض اندلسی تألیف محمدعبدالله (م – ٦٢٦) یاد کرده است واین بجزآن است است .

کشف الظنون ج۱-۱۱۲۰.دانشگاشمارۀ ۳٦۲۱/۷.قاهره۱۹٦۲ج۲:۱۲۴و۲۲۲

آغاز: بسمله قال الشیخ الامام العلامة بدرالدین محمدبن عبد الله رضی الله... عنه بن مالك الطایی رحمة الله اعلم ان الاوزان التی علیها مدار اشعار العرب...

انجام :

بلی نحن کنا اهلها فاجادنا   صروف اللیالی والجدود العواشر

قال الشیخ ... هذا آخر ما اردنا من هذا المختصر...

[۱۹۸۷]

نسخه شماره ۲ (ص ۱۷–۲۵ دفتر) است .

---

(۱)در مجلد ۵ فهرست ضبطهای مختلف این را نوشتیم بعدهادیدم حاج خلیفه در یك جا ، خیروزیانی(نسب ملازاده را) آورده بنا براین مخفف آن خرزیانی (باکسر خاء وسکون راء مطابق ضبط فلوگل) است

آداب المتعلمین (عربی)

منسوب به خواجهٔ طوسی . رجوع به ص ۶۲۲ این فهرست وفهرست سپهسالار ۳ : ۱۶ شود.

[۱۹۸۴]

نسخه شماره ۲ دفتر (ص ۲۸–۵۵ دفتر است) .

جبر و قدر (فارسی)

از خواجه نصیرالدین طوسی (مشتمل بر ده فصل) .

فهرست دانشگاه ج ۳ : ۲۲۲ ، مشار فارسی : ۴۷۸ .

آغاز: الحمد لله رب الارباب ومسبب الاسباب ومفتح الابواب ...

انجام: ومفهوم وموهوم و متخیل و محسوس خلق باشد از او سبحانه و تعالی مسلوب باشد و او از آن منزه و ازین تنزیه هم منزه اذا بلغ الکلام الی الله فاسکتوا تمت .

[۱۹۸۸]

نسخه شماره ۳ دفتر (ص ۵۵–۷۸ دفتر) است .

اسکندریه (رساله ...) (فارسی)

ازمیرسید شریف گرگانی اسکندر میرزا فرزند عمرشیخ فرزند تیمور از شریف گرگانی در مسائل فلسفی پرسشهایی نموده و گرگانی این پاسخ را داده است .

فهرست مجلس ۵ : ۴۹۷ فهرست سپهسالار ج ۳–۲۸۵ .

آغاز: بسمله ، الحمد لله رب العالمین ... وبعد این رساله بل مقالیست مبنی بر سؤالی چند که سلطان سعید امیرزاده اسکندر در تحقیق غوامض علوم حقیقی...

انجام: چون برق خاطف ظهور کند واشارات ایشان بتوحید از آنجا ناشی گردد والله الموفق للصواب والیه المرجع والمآب .

[۱۹۸۸]

نسخه شمارهٔ۴ (ص۷۸-۷۹ دفتراست)،

لغز القانون (عربی)

رجوع به‌فهرست دانشگاه ۲ : ٤٤٢ و ۳۹۱ - ۳۹۷ .

ازشیخ بهائی (محمدبن حسین عاملی م ۱۰۳۰)

آغاز: یقول اقل الانام بهاءالدین محمد العاملی عفی‌عنه ، ایها الاصحاب الکرام والاخوان العظام ان لی‌جلیساً جالینوسی المشرب بقراطی‌المطلب مسیحی الانفاس فلسفی القیاس ...

انجام : بالعلوالحسدلصارت الهرة بعض الازهار .

[۱۹۸۸]

نسخه شمارهٔ۵ (ص۷۹-۹۲ دفتراست)

لغز الزبدة (عربی)

ازشیخ بهائی (محمدبن‌حسین‌م-۱۰۳۱)

از عبارت پایان رساله مستفاد میشود که شیخ‌بهائی جوابی رساله در مشهد رضوی بپایان رسانیده و آنرا « رضویه » نامداده وتاریخ انجام یافتن آنهم کلمه « رضویه » است .

دانشگاه ج ۲-٤٤۲ سرگذشت بهائی ازسعیدنفیسی : ۱۰۷-۱۶۹

آغاز: امابعد الحمد والصلوة فیقول احوج‌الخلق الی رحمةربه الغنی محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی عفی‌الله عنه‌لا تخیفی علیکم ایهاالاصحاب العظام والا حباب الکرام المختصر...

انجام : الرضوی علی‌ساکنه السلام سنه‌الف واحدی وعشرین وتاریخ‌ذلك رضویه وهذااسمه ایضاً تمت .

[۱۹۸۸]

نسخه شمارهٔ۶ (ص۹۳-۹۴ دفتراست)وناقص‌است

جبروقدر **(فارسی)**

ازخواجه طوسی است وبنام قضا وقدر نیز آمده است
دانشگاه ج ۳-۲۲۲-فهرست فارسی مشار-۴۷۸ .
آغاز: الحمدلله‌رب‌الارباب ومسبب الاسباب.
انجام : قومی گویند هرچه مدح وذم آن راجع باین است و این را ... نوشته بودم.

[۱۹۸۸]

نسخه شمارهٔ۷(ص۹۵-۱۷۰ دفتراست)

صناعیه **(فارسی)**

ازمیرزا ابوالقاسم معروف به‌میرفندرسکی م - ۱۰۵۰
دانشگاه ج ۳:۲۹۵ رضویه ج۴:۲۰۴
آغاز: بیان صناعت است ومنفعت صناعت واختلاف‌صنایع‌درمنافع ...
انجام : فرومایگان برآن جمعند از فرومایگی تمت الرساله بعون‌الله تبارك و تعالی.

[۱۹۸۸]

نسخه شمارهٔ۸ (ص۱۷۱-۱۹۷ دفتراست)

تهلیلیه **(فارسی)**

ازجلال‌الدین دوانی (م-۹۰۷)

این تفسیر بشیوهٔ فلسفه وعرفان دربارهٔ کلمهٔ (لا الله الا الله) نگارش یافته است.

مجلس ٤ : ۱۸۲ دانشگاه ج۱_۷٤ الذریعهٔ ج ٤_٥١٦

آغاز: بسمله، آفتاب قدم از آن متعالیست که خفایش ظلمت سرای حدوث بنظر کلیل فکر ونظر مطالعه سبحات انوار آن تواند نمود لاجرم و در وصف آن هر معنی که عقل تصور...

انجام: بود همچنانکه درمرتبه اول ازافعال بافعال و این مرتبه از مرتبه اول اعلی چه صفات مبادی افعال اند پس توحید صفات مستلزم توحید.

[۱۹۸۸]

نسخه شمارهٔ ۹ (ص۱۹۶_۱۹۷ دفتر است) .

صلوة (بخشی از کتاب . . .) **(عربی)**

آغاز: انه قال لوان الناس اخذ واما امرالله بهفا نفقوه فیما نهاهم عنه ماقبله عنهم ولوا خذ و امانهاهم الله عنه فانفقوه فیما امرهم به ما قبله منهم حتی یأخذوه من حق وینفقوه فی حق فان ....

انجام: ومتعلق غیر الامر فهو الوجه فی الغصب فای شیٔ یوحب الافتراق. واجبب بان النهی فی الغصب انما یتعلق بالتصرف بالذات .

[۱۹۹۵]

نسخه شمارهٔ۲ دفتر (ص۱۷۹ - ۱۸۴ دفتراست) .

حدوث عالم **(عربی)**

از شیخ حسین تنکابنی که از شاگردان صدرای شیرازی .

مجلس ج ٥ : ۲۰۳ وفهرست ۹ : .

آغاز: بسمله ، الحمدلله المتفرد بوجوب وجوده عن کل عین المتعالی عن الزمان

والابن المخرج عن ظلمة العدم بنور ذاته اللمبری عن البطلان والشین والصلوة علی واسطة نزول . . . وبعد فیقول المحتاج الی عفو ربه الجلیل العبد الذلیل شیخ حسین بن ابراهیم التنکابنی عفی عنهما هذه رسالة . .

انجام : لوصح ما ذکر لکان الواجب موجودا وله تحقیق فی معنی کون الی موجوداً فی الزمان . . .

[۱۹۵۵]

نسخه شمارهٔ ۳ (ص ۱۸۲ – ۱۸۸ دفتر) است

جعل (رساله در . . .) **(فارسی)**

این رساله ترجمه رساله شمارهٔ ۱۹۵۵/٤ این دفتر است .

در این دفتر رسالهٔ دیگری بتازی در جعل آمده که این رساله ترجمه آنست.

در این رساله گوید که جعل شده فرد از برای جاعل نتواند بود زیرا طبیعت را نیاز بفرد است در هستی و چون طبیعت تنها چیزی جز خود نیست لذا کلیت و وحدت در آن دیده نشود و نیز درمیان گوید مجعول از هر جهت تحت حیطهٔ جاهل قرار دارد نه جزء آن تواند بود و نه مقابل آن و از هر جهت محتاج بجاعل است و ایون از جهت امکان مجعول است . سپس این شعر را گواه آورده است :

چه ممکن کـرد امکان برفشانـد بجز واجب دگـر چیزی نمـانـد

آغاز: بسمله ، نسبت مجعول بجاعل ممکن نیست که بنحو فردیت باشد چه فرد را که چه در تصور محتاج است بتصور طبیعت نهایت آنکه طبیعت محتاج است بفرد در وجوه عینی چه اگر هیچ فردی از آن طبیعت موجود نباشد ...

انجام : است آنچه فاعل است و این دو معنی باهم جمع است و منافاتی با یکدیگر ندارد و الله الموفق والمعین .

[۱۹۹۵]

نسخه شمارهٔ ۴ دفتر (ص ۱۸۸–۱۹۰ دفتر است) .

جعل (رساله در . . .) (عربی)

آغاز: بسملة لا یمکن ان یکون المجعول فرداً للجاعل لان الطبیعة محتاجه الی الفرد فی الوجود العینی وانکان فی التصور بالعکس ضرورة ...

انجام: اسناد الفعل الی غیره سبحانه والحکم بان کل الافعال فعله لانه فاعل الابذاته . تمت ،

[۹۹۹۵]

نسخه شمارهٔ ۵ دفتر (ص۱۹۱-۳۰۲ دفتر است) .

شرح حدیث عمران صابی (عربی)

ازمحمد خلیل فرزند اشرف قائنی اصفهان(م-۱۱۳۶) وی پس ازرها شدن از بیدادگری افغانها در سال ۱۱۳۶ بقزوین آمد و پس از دو سال همانجا بدرود حیات گفت .

حدیث عمران صابی که ازعیون اخبار الرضا رسیده عبارت ازپرسشهایی است که عمران ازحضرت رضا نموده و سپس پاسخ شنیده است این حدیث رابرخی از دانشمندان کرده‌اند که دربسیاری از کتابها آمده است .

نسخه‌حاضر شرح قائنی است وآنرا بدستور کسیکه ناگزیر بوده ازفرمانبرداری ازاو نگارش داده است وی این گزارش رابشیوهٔ عارفان و فیلسوفان بساخت ودر آن از:حدوث عالم ، ترتیب آفریده‌ها واثبات عقل ،بتفصیل سخن گفته و کوشیده تا دشواریهای آنرا آسان نمایدودراین میان گاهی شعرهای فارسی را گواه میآورد. دربارهٔ اینکه لطف خدا شامل همه ذاتهـا وآنرا نقصی نیست و کمبود و نقص درقوابل است این بیت حافظ راآورده :

هرچه هست ازقامت ناساز بی‌اندام ماست

ورنه‌تشریف توبر بالای کس کوتاه نیست

صاحب‌ذریعه نسخه‌هایی‌از این کتاب‌را که‌در کتابخانه حسینیه شوشتریها ودر کتابخانه بیرجندی‌ونزدسیدعلی‌شبر بوده‌بیان کرده است‌و گوید در نسخه‌ایکه نزد شبر است‌تاریخ پایان‌رسیدن کتاب،چهار شنبه۲۱ محرم ۱۱۲۳مؤلف‌در کتاب‌الداء که‌پس از این کتاب‌نگارش داد از این کتاب یاد نموده است.

الذریعه ج ۳ : ۵٤ و ج ۱۳ : ۲۰۳.

آغاز: بسمله، و به نستعین الحمدلله الذی هو نور کل‌شیء وحیوة کل شیء وبعدفیقول الفقیر المحتاج الی‌رحمة ربه‌الغنی محمد خلیل‌بن محمد اشرف القائنی انی‌مع‌قلة بضاعتی من‌المعارف الربانیه ...

انجام: الکلال لاولی الالباب‌والحمدلله رب‌العالمین اولاوآ اخراً وقدوقع الفراغ من‌تسوید هذه الاوراق یوم‌الجمعه تاسع شهر، شوال. سنه ۱۲۰۸.

[۱۹۹۵]

نسخه شمارهٔ ۶ (ص ۳۰۶-۴۳۰ دفتر) است

شرح خطبه توحید (عربی)

خطبهٔ توحید یا خطبةالرضا راصدوق در کتاب التوحید وعیون اخبار الرضا آورده است.

شأن صدوراین‌حدیث این‌است که مأمون خواست حضرت‌رضارابه‌ولایت‌عهد برگزینند ازاوخواست اوبرمنبر شودو خطبه‌ای‌انشاء کند.

براین خطبه‌گزارش هایی نوشته شده که‌صاحب‌ذریعه سه گزارش از آن‌یاد نموده است که هیچیك گزارش مورد گفتگو نیست.

نسخه‌حاضرشرح‌یحیی فرزند محمدرضا ساروی مازندرانی‌است‌و بنابرآنچه دراین‌نسخه‌است نگارنده آنرادرظهرروزدوشنبه پنجم شعبان ۱۲۰۷ نوشته است. شرح ومتن‌باهم ودارای‌هیچ عنوانی نیست. این گزارش بشیوه فیلسوفان ومتکلمان نگارش یافته و درآن‌کمتر نکته های ادبی دیده میشود.

در آغاز کتاب تمام متن خطبه را با سندآن آورده است .

الذریعة ج ۱۳ : ۲۱۲ - ۲۱۳ .

آغاز: بسمله ، وبه نستعین ، بحمدك اللهم یامن ضلت لطائف الاوهام فی بیداء کبریائه وجلاله وکلت السن الفصحاء و مصاقع الخطباء دون نعوت ذاته ووصف جماله و نضبت عن الاشارة الیه . . .

انجام : الغنی یحیی بن محمد علی بن محمدرضا السروی المازندرانی غفرالله له ولو الدیـه ولاخو انه المـؤمنین و الحمدلله وحده وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین سنه ۱۲۰۷ .

[۲۰۰۰]

این نسخه ش ۲ (ص۳۳۰-۴۹۷) دفتر است .

کاشف الغمة (عربی)

از محمد بن رضا قمی در ترجمهٔ احوال چهارده معصوم (ع) وگویا آنرا در مشهد مقدس شب ۱٦ ربیع الاخر ۱۰۷۵ نوشته است .

مؤلف در مقدمه گوید :

در گذشته رساله‌ای مختصر بنام مراصدالعصمة والضلالـة نگاشتم . سپس این کتاب اوکاشف الغمه‌رادر یك‌خاتمه و چند مقاله ترتیب دادم .

ازمؤلف نشانی یافته نشد جزاینکه حاج شیخ عباس قمی در فوایدالرضویه ترجمه حال محمدبن رضا القمی صاحب شرح منظومه (نجاح المطالب) را نقل کرده و احتمال داده است که‌این‌محمدبن رضاقمی‌همان صاحب تفسیر کنزالدقایق محمدبن محمد رضابن اسماعیل بن جمال الدین قمی باشد . ولی در این دوترجمه نامی از کاشف الغمه نیامده است . کتاب حاضر برطبق پایان کتاب و نوشته پشت نخستین برگ بخط مؤلف است . و در یك خاتمه و چهارده مقاله بـه این ترتیب ساخته شده است :

المقالة الاولى فى احوال النبى (ص) .

» الثانیه » فاطمة (ص) .

» » » علی بن ابیطالب (ص) .

دیگر مقالات نیز بهمین ترتیب تا مقاله چهاردهم، عنوان یکی از ۱٤ معصوم (ع) و خاتمه، دربیان غیبت حضرت قائم (ع) نوشته است .

فواید الرضویه ج ۲-۵۳٤ و ۶۱۸.

آغاز: الحمدلله الذی جعل محمداً خاتم الانبیاء وصیرا وصیائه خیار الاوصیاء... اما بعد فیقول ... محمدبن رضاالقمی ان افضل العلوم واهم المعلوم العلم بااحوال الائمة . . . فی رسالتی المسماة بمراصد العصمة والضلالة . . . وسمیتهابکاشف الغمة فی تاریخ الائمة ...

انجام: انه قال من رآنی بعد غیبتی هذه فقد کذب . . . و جعلنا فی زمرة الواثقین بعروته قد فرغ من تألیف تلك المقالات ... محمدبن رضا القمی ... لیله السادس عشر من ربیع الاخر بعد مضی خمس وسبعین والف ... فی مشهد ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثناء .

ذیل

این ذیل دارای سه بخش زیر است :

۱ ـ فهرست کتب معرفی شده در بخش اول ودوم

۲ ـ فهرست عمومی ـ نامهای کسان و کتابها و نامه‌ها وجایها و طوائف ـ

(فیشهای این دو فهرست بوسیله آقای سیدحسن ناصرآبادی تهیه و بدست آقای فریدون طهماسبی همکار فاضل وابسته به اداره بررسی و تحقیق تهیه گردیده)

۳ ـ تعلیقات و استدراکات

فهرست کتب معرفی شده در بخش اول و دوم مجلد ۹

بترتیب شماره

۲۹ـ اثبات‌الواجب از نظام‌الدین احمد فرزند ابراهیم بن سلام‌الله دشتکی شیرازی	عربی	«	۴۲۶
۳۰ـ اثبات‌الواجب قدیم از جلال‌الدین محمد دوانی	عربی	«	۴۷۷
۳۱ـ اثبات‌الواجب قدیم از جلال‌الدین محمددوانی	عربی	«	۴۱
۳۲ـ اثبات‌الواجب قدیم از جلال‌الدین محمددوانی	عربی	«	۵۲۰
۳۳ـ اثبات‌الواجب قدیم از جلال‌الدین محمددوانی	عربی	«	۵۲۱
۳۴ـ اثبات‌الواجب از شمس‌الدین محمدخفری شیرازی	عربی	«	۵۱۷
۳۵ـ اثبات‌الواجب از شمس‌الدین محمد خفری شیرازی	عربی	«	۵۱۹
۳۶ـ اثبات‌الواجب از شمس‌الدین محمدخفری شیرازی	عربی	«	۳۹۰
۳۷ـ اثبات‌الواجب از شمس‌الدین محمد خفری شیرازی	عربی	«	۲۷۵
۳۸ـ اثبات‌الواجب از شمس‌الدین محمدخفری شیرازی	عربی	«	۲۷۷
۳۹ـ اثبات‌الواجب و توحید از شمس‌الدین محمدمعروف به ملاشمسا گیلانی	عربی	«	۲۳۷
۴۰ـ اثبات واجب برمذاق اهل‌تصوف واشراق	عربی	«	۵۱۵
۴۱ـ اثبات وحدة مبدأ ازخواجه‌نصیرالدین‌طوسی	عربی	«	۴۷۱
۴۲ـ اثبات وحدة الواجب ازملا شمسای گیلانی	عربی	«	۲۴۴
۴۳ـ اثبات وحدة الواجب ازملاشمسای گیلانی	عربی	«	۴۴۱
۴۴ـ الاثنا عشریه (زکوتیه) ازشیخ‌بهاءالدین‌محمدعاملی	عربی	«	۲۴۶
۴۵ـ اثنی‌عشریه (صلوتیه) ازشیخ بهاءالدین‌محمدعاملی	عربی	«	۶۴۶
۴۶ـ اثنی‌عشریه (صومیه) ازشیخ بهاءالدین محمدعاملی	عربی	«	۶۴۶
۴۷ـ اثولوجیا (بخشی از...) منسوب به‌ارسطو	عربی	«	۴۶۲
۴۸ـ اثولوجیا (بخشی از...) منسوب به ارسطو	عربی	«	۱۷۲

٤٩ـ اجازه روایت ازصالح بن عبدالکریم بحرانی	عربی	«	٩٨
٥٠ـ اجتهاد وتقلید (رساله از...) ازشیخ حسین بن عبدالصمد حارثی	عربی	«	٤٨٨
٥١ـ اجوبة المسائل ازصدرالمتالهین شیرازی	عربی	«	٢٥٨
٥٢ـ اجوبة المسائل پاسخ صدرالمتالهین به مولاشمسا گیلانی	عربی	«	٢٥٦
٥٣ـ الاجوبة عن مسائل ابی ریحان البیرونی ازشیخ الرئیس	عربی	«	٦٨٨
٥٤ـ الاجوبة عن المسائل العشره ازابن سینا	عربی	«	٦٩٢
٥٥ـ رساله احکام (ترکی)	ترکی	«	٦٥
٥٦ـ احکام النجوم (رساله در...) ازاحمدبن محمدشکری	عربی	«	٥٢
٥٧ـ احکام نکاح (رسالة فی...)	عربی	«	١٢٦
٥٨ـ احکام نوروز ومحرم (بخشی ازجنات الخلود)	فارسی	«	٧٦
٥٩ـ رساله دراحوال پیامبر(ص) وائمه اطهار (ع)	وارسی	«	١٧٩
٦٠ـ رساله دراحوال شیخ الرئیس (بجزسرگذشت عبدالواحد گوزگانی)	عربی	«	٤٠٤
٦١ـ اختلاجات الاعضاء	عربی	«	٣٨٣
٦٢ـ اختیارات الایام ارمحمد تقی مجلسی	فارسی	«	٣٣٢
٦٣ـ اخلاق رساله در،	فارسی	«	٢٩٤
٦٤ـ اخلاق ازعضدالدین عبدالرحمن ایجی [1]	عربی	«	٣٧٠

١ ــ پس ازچاپ صفحهٔ ٣٧٠ فهرست دریافتم که این رساله همان اخلاق عضدیست. رجوع به صفحه ٣٧٠ و تعلیقات بخش اول ص ٤٠ شود .

۶۵ـ اخلاق شاهی ازسید مظفربی محمد حسین کاشی	فارسی	»	۱۱۴
۶۶ـ رساله در اخلاق ومواعظ	عربی	»	۲۱۴
۶۷ـ الادویة القلبیه ازشیخ الرئیس ابن‌سینا	عربی	»	۶۹۲
۶۸ـ ادویه مفرده ومرکبه ازحبیش تفلیسی	فارسی	»	۹۳
۶۹ـ الاربعون حدیثاً ازحسین بن عبدالصمدحارثی	عربی	»	۹۷
۷۰ـ رساله ارث از حاج‌شیخ هادی	عربی	»	۱۴۲
۷۱ـ ارجوزه فی اصول‌الفقه = نظم زبدهٔ بهائی ، از میرزا قوام الدین محمد فرزند محمد مهـدی حسینی‌سیفی قزوینی	عربی	»	۴۵۲
۷۲ـ ارجوزه‌ای در معانی و بیان از میرزا محمدبن محمدرضابن‌اسماعیل بن جمال‌الدین‌قمی‌مشهدی	عربی	»	۴۵۲
۷۳ـ ازاحةالعلة فی‌معرفة القبله‌ازشیخ رکن الدین‌محمدبن فضل‌بن شاذان	عربی	»	۱۶۴
۷۴ـ ازلیة النفس (مقاله فی...) ازابن کمونه سعدبن‌منصور	عربی	»	۵۰۲-۵۰۹
۷۵ـ ازهاق الباطل ازحاج محمد کریم خان کرمانی	عربی	»	۱۲۸
۷۶ـ اساس الاقتباس (بخشی از...) ازخواجه نصیرطوسی	عربی	»	۵۷۷
۷۷ـ استخراج تقویم ازحسین‌بن علی محمدرشتی‌طبیب	فارسی	»	۴۳۱
۷۸ـ استخراج تقویم ازاسماعیل‌موسوی منجم	فارسی	»	۴۳۱
۷۹ـ استخراج تقویم ازحسین‌حسنی (منجم ثانی)	ترکی	»	۹۱
۸۰ـ استخراج‌جدول لگاریتم ازمحمد علی‌قائنی بیرجندی	فارسی	»	۷۹
۸۱ـ استخراج دفین (رساله ...)	فارسی	»	۲۲۵
۸۲ـ الاستفتاء ـ پاسخ به‌استفتاء ازابن‌فهد	عربی	»	۱۲۵

عنوان	زبان		شماره
۸۳ـ استفتاء ـ پاسخ » »	عربی	»	۱۲۶
۸۴ـ الاستیعاب فی‌الاسطرلاب از ابوریحان بیرونی	عربی	»	۶۲۵
۸۵ـ اسرار الایات از محمد بن ابراهیم صدرالمتألهین شیرازی	عربی	»	۵۶۰
۸۶ـ اسرار الایات از محمد بن ابراهیم صدر المتألهین شیرازی	عربی	»	۲٤
۸۷ـ اسرارالایات و انوارالبینات ازصدرالمتألهین‌شیرازی	عربی	»	۲۵۱
۸۸ـ اسرار حج (حدیث در) منقول‌ازعلی‌بن‌الحسین (ع)	عربی	»	٤۳۲
۸۹ـ اسطرلاب (رساله‌ای مختصردر...)	فارسی	»	۱۸٤
۹۰ـ اسفار (بخشی از...) ازصدرالمتألهین شیرازی	عربی	»	۵۸٤
۹۱ـ اسفار (بخشی از...) ازصدرالمتألهین‌شیرازی	عربی	»	۵٤۱
۹۲ـ اسفار اربعه » »	عربی	»	۵۱۱
۹۳ـ اسفار (بخشی از...) ازصدر المتألهین‌شیرازی	فارسی	»	٤۲۰
۹٤ـ اسکندریه (رساله ...) از میرسید شریف گرگانی‌در پاسخ اسکندرمیرزا	فارسی	»	۶۹۷
اسماء رجال مشکوة	عربی	»	۳۵۰
۹۶ـ رساله اشتراك دروجود ازمولی‌رجبعلی تبریزی	فارسی	»	۲٤۷
۹۷ـ اصطلاحات صوفیه	فارسی	»	۳۱٤
۹۸ـ اصل برائت	عربی	»	۱۰۹
۹۹ـ رساله دراصل برائت ازشیخ انصاری	عربی	»	۱۰۵
۱۰۰ـ رساله اصناف مردم در معاد ازشیخ حسین تنکابنی	عربی	»	۳۰۸
۱۰۱ـ الاصول الاصفیه ازمولی‌رجبعلی تبریزی	عربی	»	۲۹۱

ـ ت ـ

از محبعلی یکانلو ـ ملقب به ناظم الملک	فارسی	»	۲۱۹
۲۰۲ ـ ترسل منظوم	فارسی	»	۱۱۴
۲۰۳ ـ تساعیه (رساله...) از شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی	عربی	»	۳۵۶
۲۰۴ ـ التشخص (رساله...) از ملاصدرای شیرازی	عربی	»	۵۳۹
۲۰۵ ـ تشخص از صدرالمتألهین محمدبن ابراهیم شیرازی	عربی	»	۲۵۴
۲۰۶ ـ تشریح الافلاك ازشیخ بهائی	عربی	»	٤۸۳
۲۰۷ ـ التشکیك از رفیع الدین محمدبن حیدر حسینی نایینی معروف به میرزا رفیعا	عربی	»	٥٤۰
۲۰۸ ـ تشکیك (رساله تحقیق در مسئله ...) از میرزا رفیعا طباطبائی نائینی	عربی	»	٦۷۳
۲۰۹ـ تصریف از زمخشری (رسالهٔ...)	عربی	»	۳۸۲
۲۱۰ـ التصوروالتصدیق از قطب رازی	عربی	»	٥٥۳
۲۱۱ـ تصوروتصدیق (رساله‌ای در بارهٔ ..)	عربی	»	۳۳۰
۲۱۲ـ تصوروتصدیق از صدرالمتالهین شیرازی	عربی	»	۲۹۱
۲۱۳ـ رساله در تصوف (بیان هفده سلسله تصوف)	فارسی	»	۲۸۲
۲۱٤ـ رساله تعارض از حاج شیخ هادی تهرانی	عربی	»	۱۹
۲۱٥ـ تعبیر خواب (گفتاری مختصر در . . .) بنقل از ابن بابویه	عربی	»	۱۲۷
۲۱٦ـ تعریف عصمت (رساله در . . .) نوشتهٔ خواجه نصیر الدین طوسی	عربی	»	٤۷۱
۲۱۷ـ تعریف مکان وزمان (رساله‌در...) ازخواجه نصیر الدین طوسی	عربی	»	٤٦۹

۲۳۵ـ تفسیر سوره اخلاص ازجلال الدین محمد دوانی عربی » ۳۵۵

۲۳۶ـ تفسیر سورهٔ اخلاص ازابن‌سینا عربی » ۶۶۶

۲۳۷ـ تفسیرسورهٔ توحید ازمولی‌علی نوری عربی » ۲۷۱

۲۳۸ـ تفسیر سورهٔ توحید ازشیخ الرئیس ابوعلی سینا عربی » ۳۹۴

۲۳۹ـ تفسیر سورهٔ جحد ـ مختصر ـ از جمال الدین محمد استرآبادی عربی » ۳۴۴

۲۴۰ـ تفسیرسورهٔ جمعه ازملاصدرای شیرازی عربی » ۵۱۴

۲۴۱ـ تفسیرسورهٔ جمعه (بخشی از ...)ازصدرالمتالهین شیرازی عربی » ۵۷۷

۲۴۲ـ تفسیر سورهٔ جمعه (بخشی‌از ...)ازصدرالمتالهین شیرازی عربی » ۵۷۳

۲۴۳ـ تفسیرسورهٔ جمعه از مولی صدرای شیرازی عربی » ۵۹۳

۲۴۴ـ تفسیر سورهٔ جمعه از محمدبن ابراهیم ملاصدرای شیرازی عربی » ۱۴۸

۲۴۵ـ تفسیرسوره خلق از شیخ الرئیس ابن سینا عربی » ۲۹۵

۲۴۶ـ تفسیرسورهٔ زلزال از مولی صدرای شیرازی عربی » ۵۹۲

۲۴۷ـ تفسیرسوره زلزله ازملاصدرای شیرازی عربی » ۱۵۰

۲۴۸ـ تفسیر سورهٔ سجده ازصدرالمتالهین شیرازی عربی صفحه ۵۱۴

۲۴۹ـ تفسیرسورهٔ سجده از صدرالمتالهین شیرازی عربی » ۵۷۶

۲۵۰ـ تفسیر سورهٔ سجده (بخشی از ...) از ملاصدرای شیرازی عربی » ۵۷۴

عنوان	زبان		شماره
۲۶۷ ـ تفسیر سوره فاتحه (بخشی از...) از شمس الدین محمد بن حمزهٔ فناری	عربی	»	۳۸۳
۲۶۸ ـ رساله در تفسیر معقولات ثانیه	عربی	»	۳۷۳
۲۶۹ ـ التفسیر الوسیط از ابوالحسن علی بن احمد نیشابوری (واحدی)	عربی	»	۱۸۷
۲۷۰ ـ تفسیر سورهٔ یس (منقول از تفسیر صدرا)	عربی	»	۵۱۱
۲۷۱ ـ تقدیسات از میر محمد باقر داماد	عربی	»	۳۸۸
۲۷۲ ـ تقریرات الفقه گویا از شاگردان شیخ انصاری باشد	عربی	»	۱۰۱
۲۷۳ ـ تقریرات الاصول گویا از شاگردان شیخ انصاری باشد	عربی	»	۱۰۰
۲۷٤ ـ تقریرات فقه گویا از تقریرات شیخ انصاری باشد	عربی	»	۱۰۳
۲۷۵ ـ تقریرات فقه	عربی	»	۱۰۳
۲۷٦ ـ تقریرات وفصول مقطعه از باباافضل کاشی	عربی	»	٤٤٤
۲۷۷ ـ رساله فی تقریر البرهان علی التوحید از ملا شمس گیلانی	عربی	»	۲۳۹
۲۷۸ ـ تقریظ فوائد مدینه از حسین بن حسن	عربی	»	٤۹۳
۲۷۹ ـ تقویم	عربی	»	٤٤۹
۲۸۰ ـ تقویم البلدان (بخشی از ...) از ابوالفداء اسمعیل بن علی حموی	عربی	»	۳۸۷
۲۸۱ ـ التکملة فی شرح التذکرة از شمس الدین محمد خفری	عربی	»	۷
۲۸۲ ـ تلقیح فهوم اهل الاثر (منتخب از ...) از ابوالفرج بن الجوزی	عربی	»	۳۷۵
۲۸۳ ـ تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب (شرح الفیه ابن مالك) از خالد بن عبدالله ازهری	عربی	»	٥٦۷

۲۸٤ ـ التنبیه علی غرایب من لا یحضره الفقیه از مفلح بن حسن الصیمری	عربی	»	۱۶۱
۲۸۵ ـ تنزیه الانبیاء از سید مرتضی علم الهدی	عربی	»	۱٤۵
۲۸۶ ـ رساله در توحید از میرداماد و تقریر خلیل قزوینی	عربی	»	۳۰۰
۲۸۷ ـ رساله در توحید از سید محمد حسین بن عبدالباقی بن محمد صالح خاتون آبادی	عربی	»	٤۵۵
۲۸۸ ـ توحید و اسم اعظم (رساله...) از صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی	عربی	»	۳٤
۲۸۹ ـ توحید و اسم اعظم (رساله...) از صدرالدین محمد اسحاق قونوی	عربی	»	۳٤
۲۹۰ ـ رساله در توحید و حل شبههٔ ابن کمونه از مولی شمسای گیلانی	عربی	»	۲٤٤
۲۹۱ ـ رساله در توحید و فرائض منسوب بحضرت علی بن موسی الرضا (ع)	عربی	»	۳۳۷
۲۹۲ ـ توضیح (رساله ...) از محمد باقر همدانی	فارسی	»	۱۹۶
۲۹۳ ـ تهذیب (کلام) از سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی	عربی	»	۶٤۲
۲۹٤ ـ تهذیب (منطق) از سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی	عربی	»	۶۲۰
۲۹۵ ـ تهلیلیه از جلال الدین محمد دوانی	فارسی	»	٤۸۷
۲۹۶ ـ تهلیلیه از جلال الدین محمد دوانی	فارسی	»	۶۹۹

ـ ث ـ

۲۹۷ ـ ثواب ادعیه و اذکار	فارسی	»	۱۰۱

- ج -

-ح-

۳۴۲ ـ حاشیه حاشیه ملا عبدالله (بر تهذیب) از اسحق . عربی » ۲۰۰

۳۴۳ ـ حاشیه رسالة الوضعیة (بخشی ...) حاشیه شریف
گرگانی عربی » ۴۰

۳۴۴ ـ حاشیه شرح [قوشچی بر] تجرید از جلال الدین دوانی عربی » ۲۸۰

۳۴۵ ـ حاشیه شرح تجرید از آقا جمال خوانساری عربی » ۵۴۸

۳۴۶ ـ حاشیه شرح حکمة الاشراق (بخشی از ...) از صدر
المتالهین شیرازی عربی » ۵۴۱

۳۴۷ ـ حاشیه شرح حکمة العین از میر سید شریف گرگانی عربی » ۲۳۵

۳۴۸ ـ حاشیه بر شرح شمسیه از برهان الدین بن کمال الدین
ابن حمید عربی » ۲۰۰

۳۴۹ ـ حاشیه شرح شرح مختصر المنتهی از میر سید شریف
گرگانی عربی » ۱۱۱

۳۵۰ ـ حاشیه بر شرح هدایه اثیریه از محمود هروی خرزیانی
(خیروزیانی) عربی » ۶۹۶

۳۵۱ ـ حاشیه بر عدة الاصول شیخ طوسی از مولی خلیل
قزوینی عربی » ۷۱

۳۵۲ ـ حاشیه قوانین میرزای قمی عربی » ۱۰۶

۳۵۳ ـ حاشیه کافی کلینی از میرزا رفیعا نائینی محمد بن میر حیدر
حسینی حسینی طباطبائی عربی » ۵۶۲

۳۵۴ ـ حاشیه کشاف (تفسیر زمخشری) از میر سید شریف
گرگانی عربی » ۱۲۱

۳۵۵ ـ حاشیه کشاف از مسعود بن عمر تفتازانی	عربی	»	۱۲۱
۳۵۶ ـ حاشیه کشاف ازمیر سید شریف گرگانی	عربی	»	۶۹
۳۵۷ ـ حاشیه کشاف ازمیرسید شریف گرگانی	عربی	»	۱۱۰
۳۵۸ ـ حاشیه کشف القناع ازخواجه نصیرالدین طوسی	عربی	»	۷۸
۳۵۹ ـ حاشیهٔ الفواید الضیائیه (بخشی‌از...)ازسیدنعمت‌الله جزایری باشد	عربی	»	۲۳۵
۳۶۰ ـ حاشیهٔ مطول ازمیرسید شریف گرگانی	عربی	»	۵۶۸
۳۶۱ ـ حاشیهٔ من‌لایحضره الفقیه ازشیخ بهاءالدین عاملی	عربی	»	۴۷۷
۳۶۲ ـ حبیب‌السیر (خاتمه...) میرزا غیاث‌الدین میرخواند	فارسی	»	۷۳
۳۶۳ ـ رساله حدیث اربعمائه از شیخ صدوق محمد بن علی‌بن بابویه	عربی	»	۴۹
۳۶۴ ـ حدوث عالم ازشیخ حسین تنکابنی	عربی	»	۵۴۴
۳٫۵ ـ حدوث عالم ازشیخ حسین تنکابنی (ازشاگردان ملاصدرای‌شیرازی)	عربی	»	۷۰۰
۳۶۶ ـ حدیث دربارهٔ روح ازطریحی	عربی	»	۵۲۹
۳۶۷ ـ حدیث رأس الجالوت ازصدوق	عربی	»	۴۲۸
۳۶۸ ـ حدیث کرخی	عربی	»	۵۰
۳۶۹ ـ حدیث ملحمه نقل ازامیرالمؤمنین (ع)	عربی	»	۴۹
۳۷۰ ـ حدیث نوروز منسوب بحضرت صادق (ع)	عربی	»	۶۴۰
۳۷۱ ـ حرفیه (رساله ...) ازمیر سید شریف گرگانی	عربی	»	۵۴۶
۳۷۲ ـ حرفیه (رساله ...) ازمیر سید شریف گرگانی	عربی	»	۵۹۸
۳۷۳ ـ حرفیه (رساله ...) ازمیرسید شریف جرجانی	عربی	»	۴۱

ـ خ ـ

۴۰۹ـ خطبهٔ عید	عربی	»	۵۶۰
۴۱۰ـ خلاصة الافکار و نقاوة الاسرار (جزئی از کشف الحقایق)	عربی	»	۱۳۵
۴۱۱ـ خلاصة الحساب ازشیخ بهاءالدین عاملی	عربی	»	۱۷۸
۴۱۲ـ خلسة الملکوت ازمیرمحمد باقرداماد	عربی	»	۵۲۵
۴۱۳ـ خلسة الملکوت ازمیرداماد	عربی	»	۳۰۳
۴۱۴ـ خلق الاعمال ازشمس الدین محمد ملاشمساء گیلانی	عربی	»	۲۲
۴۱۵ـ خواص سورهٔ یس ازسعدالدین حموی (ازخاندان حموی بحرآبادی)	فارسی	»	۴۵۷
۴۱۶ـ خوان یغما ـ ازحاج محمد رحیم پسرحاج کریم خان کرمانی	فارسی	»	۲۰۶
۴۱۷ـ خیرالوصیة (منظومه) ازشیخ محمدبن عبدالله بن رمضان احسائی	عربی	»	۵۴۱

ـ د ـ

۴۱۸ـ الدرالمنتخبه فی الطب والادویه المجربه	عربی	»	۱۸۱
۴۱۹ـ الدرالمنظومه (شرح برارشاد علامه حلی) از محمدبن محمد طاهر تنکابنی مازندرانی	عربی	»	۵۷۱
۴۲۰ـ الدرة الباهرة فی الاصلاف الطاهرة منسوب به محمدبن مکی شهید اول	عربی	»	۵۹۹
۴۲۱ـ دعای ابوحمزه ثمالی	عربی	»	۶۳۹
۴۲۲ـ دعای استفتاح (عمل ام داود)	عربی	»	۶۷۲
۴۲۳ـ دعای صباح ـ ازحضرت امیرالمؤمنین (ع)	عربی	»	۶۳۹
۴۲۴ـ دعاء هول قیامت	عربی	»	۵۲۷

۴۲۵ـ دعا وحرزمنسوب به حضرت رضا (ع)	عربی	»	۴۴۷
۴۲۶ـ دفع الغم من الموت (رساله ...)	عربی	»	۶۲۳
۴۲۷ـ دقایق الافکار	عربی	»	۱۳۶
۴۲۸ـ الدلائل فی احکام النجوم ازاحمدبن محمدبن عبدالجلیل سگزی	عربی	»	۵۱
۴۲۹ـ دماء ثلثه (رساله ...) حاج شیخ هادی تهرانی			
۴۳۰ـ ذخایر النبوة ازحاج شیخ هادی تهرانی	عربی	»	۳۸
۴۳۱ـ ذخائر النبوة (خیارات) ازشیخ هادی تهرانی	عربی	»	۱۳۹
ـ ذ ـ			
۴۳۲ـ الذخیرة الباقیه (بخشی از ...) ازشوشتری	عربی	»	۵۸۹
۴۳۳ـ ذکر البیوت وما ینسب الها (رساله در ...)	عربی	»	۲۲۴
ـ ر ـ			
۴۳۴ـ الرجعة (منتخب رساله ...) ازسید محمد مؤمن بن دوست محمد حسین استرابادی	عربی	»	۳۷۸
۴۳۵ـ الردعلی اهل الجبر والتفویض نقل ازحضرت هادی (ع)	عربی	»	۳۰۴
۴۳۶ـ رد بررساله حیل شرعی ربا (محاتیه) ازمیرزا محمد مهدی خراسانی)	عربی	»	۳۱۸
۴۳۷ـ رد شبهات ابلیسیه ازملاصدرا	عربی	»	۳۲۸
۴۳۸ـ رد یکی از منکران مسلك شیخیه (رساله در...) ازمولی محمد باقر همدانی	فارسی	»	۱۸۸
۴۳۹ـ رضاعیه (رساله در...) ازحاج شیخ هادی تهرانی	عربی	»	۱۹
۴۴۰ـ الرضوان ازحاج شیخ هادی تهرانی	عربی	»	۱۳۰
۴۴۱ـ الرضوان ازحاج شیخ هادی تهرانی	عربی	»	۶۶۱

- س -

۵۲۹- شرح زوراء از جلال‌الدین دوانی	عربی صفحه	۴۸۶
۵۳۰- شرح زیج الغ بیك (بخشی از...) شرح قوشچی یا بیرجندی برزیج الغ بیك	فارسی »	۳۸۷
۵۳۱- شرح شرایع (تجارت) ازحاج شیخ هادی تهرانی	عربی »	۳۸
۵۳۲- شرح شرایع کتاب التجارة از شیخ هادی تهرانی	عربی »	۶۶۱
۵۳۳- شرح الوقایه ازسید حسین‌خلخالی	عربی »	۶۵۱
۵۳۴- شرح الشفاء (الهیات) ازمولی مهدی‌نراقی	عربی »	۱۲
۵۳۵- شرح شواهدشرح قطر	فارسی »	۶۵۸
۵۳۶- شرح صد کلمه قصار از احمد فـرزند ابـوالحسن علی بن ابراهیم	عربی »	۶۷
۵۳۷- شرح عبارتی ازقواعد(یا)حل عبارة القواعد ازشیخ بهاءالدین عاملی	عربی »	۳۶۰
۵۳۸- شرح عرشیه ازمولی‌علی‌بن‌جمشید نوری	عربی »	۶۴۵
۵۳۹- شرح الفوائد الحکمیه از شیخ احمدبن زین‌الدین احسائی	عربی »	۵۷۰
۵۴۰- شرح قصاید سبع علویات	عربی »	۱۴۴
۵۴۱- شرح قصهٔ حی‌بن‌یقظان ـ احتمالا تألیف عبدالباقی مقدسی	عربی »	۶۶۷
۵۴۲- شرح قصیدهٔهائیه حمیری از سید مرتضی	عربی »	۱۰۴
۵۴۳ ـ شرح‌قصیده (شرح‌بخشهایی‌ازچندقصیده(درمدح حضرت مولی (ع)	عربی ص	۱۰۷

۵۵۹ ـ صلوة (بخشی از کتاب ...)	عربی	»	۷۰۰
۵۶۰ ـ الصلاةوالبشر فی الصلوة علی خیر البشر ازمجدالدین محمدبن یعقوب فیروز آبادی	عربی	»	۳۵۰
۵۶۱ ـ صلوة الجمعه از عزالدین حسین بن عبدالصمدحارثی عاملی	عربی	»	٤۸۹
۵۶۲ ـ رسالهٔ صلوة الجمعه از بهاءالدین محمدبن حسن اصفهانی	عربی	»	۱۵٦
۵۶۳ ـ رساله صلوة جمعه ـ شیخ زین‌العابدین شهیدثانی	عربی	»	۱٦٤
۵٦٤ ـ صناعیه (رساله ...) از امیر ابوالقاسم‌فندرسکی	عربی	»	٦۱۸
۵٦۵ ـ صناعیه از میر ابوالقاسم فندرسکی (این رساله با نام حقایق‌الصنایع یا صنایع‌الحقایق چاپ شده)	فارسی	»	٦٦۵
۵٦٦ ـ صناعیه از میرابوالقاسم میر فندرسکی	فارسی	»	٦۹۹
۵٦۷ ـ رساله صومیه ـ حاج محمد کریمخان	عربی	»	۱۳۰
۵٦۸ ـ الصیدیه	عربی	»	۱۱۲
۵٦۹ ـ صیغ النکاح از محمدبن حاج محمدزمان‌کاشانی	عربی	»	٦۷٤

ـ ض ـ

۵۷۰ ـ ضوابط ـ رضاع از میرمحمد باقر ـ میرداماد	عربی	»	۵٤

ـ ط ـ

۵۷۱ ـ طالع‌نامه	فارسی	»	٤۵۳
۵۷۲ ـ طباخی (رساله در ...)	فارسی	»	۲۲۲
۵۷۳ ـ الطرق‌الی‌الله(رساله‌در...) ازشیخ نجم‌الدین کبری	عربی	»	۳۰٦

عنوان	زبان		شماره
۵۹۲ ـ عقایداز خواجه نصیر طوسی	فارسی	»	۶۳۳
۵۹۳ ـ رسالهٔ عقاید ـ از محیی‌الدین طائی اندلسی		»	۳۰
۵۹۴ ـ عقائداهل‌سنت وجماعت‌از میرسید شریف گرگانی	فارسی	»	۵۹۶
۵۹۵ ـ عقاید عضدیه ازعضدالدین‌عبدالرحمان ایجی	عربی	»	۳۵۴
۵۹۶ ـ رسالةالعقیده ازامام محمد غزالی	عربی	»	۳۰
۵۹۷ ـ علاجات ـ از تفلیسی	فارسی	»	۹۵
۵۹۸ ـ رساله درعلل ومعلولات ازخواجه نصیر طوسی	عربی	»	۴۷۰
۵۹۹ ـ العلم منسوب بخواجه نصیرالدین‌طوسی	عربی	»	۵۴۴
۶۰۰ ـ علم ازلی (رساله در...) از خلیل‌قزوینی	عربی	»	۵۳۷
۶۰۱ ـ علم‌الالهی از ابونصر فارابی (رساله فی...)	عربی	»	۴۹۵
۶۰۲ ـ علم الهی از خلیل‌بن محمدزمان قزوینی	عربی	»	۵۳۱
۶۰۳ ـ رساله فی‌مسئله علم‌الباری ازمحقق خوانساری	عربی	»	۲۹۷
۶۰۴ ـ العلم بالشیء من وجه والعلم بذلك الوجه از میر سید شریف گرگانی	عربی	»	۶۱۵
۶۰۵ ـ علم‌اللدنی‌والکسبی ازخواجه نصیر طوسی	عربی	»	۳۰۹
۶۰۶ ـ علم‌الواجب از مولی شمساء گیلانی	عربی	»	۵۸۱
۶۰۷ ـ علم‌الواجب (رساله در....) از میر سید محمد باقر استرابادی	عربی	»	۵۸۲
۶۰۸ ـ عنقاء مغرب از محیی‌الدین عربی	عربی	»	۳۳
۶۰۹ ـ عنوان‌الحق و برهان الصدق	عربی	»	۱۳۶
۶۱۰ ـ عهدنامه از شیخ‌الرئیس‌ابن‌سینا	عربی	»	۳۷۴

٦٢٦ـ الفتن	عربی	»	٦٤
٦٢٧ـ الفتن	عربی	»	٦۵
٦٢٨ـ الفتن	عربی	»	٦٤
٦٢٩ـ الفتن والملاحم	عربی	»	٦٣
٦٢٠ـ الفتن والملاحم	عربی	»	٦٣
٦٣١ـ الفتن والملاحم	عربی	»	٦٢
٦٣٢ـ الفتن والملاحم	عربی	»	٦٢
٦٣٣ـ فتوت نامه	فارسی	»	٢٢٢
٦٣٤ـ فتوحات مکیه (بخشی از...) ازمحیی الدین اعرابی عربی	عربی	»	۵٤٦
٦٣۵ـ فرایدالقلاید فی شرح مختصر الشواهد ازبدرالدین محمودبن احمدعینی	عربی	»	١٧٤
٦٣٦ـ الفرق بین القضاء و القدر والمشیه و الارادة از شیخ الرئیس	عربی	»	٦٧١
٦٣٧ـ فروع دین برای مبتدی	فارسی	»	٤۵٤
٦٣٨ـ رسالهٔ در فرق میان کبائر وصغائر ازمحمدابراهیم بن سید معصوم حسینی	عربی	»	٣٠٢
٦٣٩ـ فرق بین واحد واحد ازطریحی	عربی	»	۵٢٩
٦٤٠ـ فصوص ازابونصر فارابی محمدبن محمدبن طرخان			
٦٤١ـ فصول (دراصول) ازخواجه نصیرطوسی	فارسی	»	٦٣٧
٦٤٢ـ فصول فی الالهی (فصول من الحکمة) ازشیخ الرئیس ابن سینا	عربی	»	٤٠٣

- ل -

- م -

۷۴۱ـ متشابه‌القرآن ازصدرالمتألهین محمدبن ابراهیم
شیرازی عربی » ۲۵۵

۷۴۲ـ مثالیهٔ نوریه‌ازبهائی‌لاهیجی (بهاءالدین‌محمد) فارسی » ۵۵۷

۷۴۳ـ مثلثات ـ ترجمه مثلثات ازقطرب عربی » ۱۷۱

۷۴۴ـ مثنوی درمرثیه ازهجری یزدی فارسی » ۲۸۴

۷۴۵ـ مجمع‌البحار ازمظفرعلیشاه کرمانی (محمد
تقی‌بن‌محمدکاظم) فارسی » ۲۷۲

۷۴۶ـ مجمع‌البحرین ازفخرالدین‌بن محمدبن علی‌بن
احمد طریحی عربی » ۹۰

٤٤۷ـ مجمع‌الفائدة والبرهان ازاحمدبن محمد اردبیلی عربی » ۱۶۶

۷۴۸ـ مجمع‌الفائدة والبرهان مولا احمد اردبیلی عربی ٥ ۳۰۴

۷۴۹ـ المحاسن والاداب ازاحمدبن محمدبن خالد
عبدالرحمان برقی عربی » ۵۶

۷۵۰ـ مختصر کتاب الزهد ازحسین‌بن سعید اهوازی عربی » ۴۸

۷۵۱ـ مدارج‌الکمال ازبابا افضل‌کاشانی فارسی » ۴۴۳

۷۵۲ـ مدارج‌النمل ازعبدالعلی‌بن ناصر مشعشعی عربی » ۳۴۰

۷۵۳ـ المدخل الکبیر (بخشی از ...) ازفارابی عربی » ۴۶۳

۷۵۴ـ مرآة الاخرة ازفیض‌کاشانی (محمدبن مرتضی) فارسی » ۶۶۳

۷۵۵ـ مرآت الحق ازمحمد جعفرفرزند صفرخان
همدانی‌قراگزلو عربی » ۲۸۵

۷۵۶- مرآةالحقایق ومجلی الدقایق ازغیاث‌الدین منصوردشتکی	عربی	»	۵۰۰
۷۵۷- مراتب قلب ازابوالقاسم حسینی شیرازی (راز)	فارسی	»	۲۸۷
۷۵۸- مراتب وجود ازشمسای گیلانی	عربی	»	٤٤۰
۷۵۹- مروج‌الذهب ومعادن‌الجوهر (بخشی از ...) از ابوالحسن علی‌بن حسین مسعودی	عربی	»	۲۳٤
۷۶۰- مسارالشیعه فی‌تواریخ‌الشریعه ازشیخ مفیدبغدادی	عربی	»	٤۹۲
۷۶۱- مسائل ازاثیرالدین ابهری	عربی	»	٤۶۲
۷۶۲- المسائل‌البغدادیه‌ازمحقق حلی	عربی	»	۱۶۲
۷۶۳- مسائل خمسه ازشیخ احمد بحرانی (مؤلف شرح حمدیه)	عربی	»	۹
۷۶٤- مسائل طبیعی یا رسالهٔ مابال منسوب به‌ارسطو	عربی	»	٤۱۷
۷۶۵- رساله درمسائل فلسفی ازحاج ملا علی نوری یا یکی ازاستادان او	عربی	»	۲۶۸
۷۶۶- مسائل قدسیه ازصدرالمتالهین شیرازی	فارسی - عربی	»	۳۸۹
۷۶۷- المسائل المصریه ازنجم‌الدین ابوالقاسم جعفر (محقق حلی)	عربی	»	۱۶۱
۷۶۸- مسائل فقهی ازشیخ بهاءالدین عاملی	عربی	»	۱۶۰
۷۶۹- مسئله فقهی ازشیخ‌الاسلام مولانا حسن جیلی	عربی	»	۲۰۹
۷۷۰- مسئله فقهی ازملاحسن جیلی	عربی	»	۲۰۹
۷۷۱- مشارق‌الاضواء ازمحمد علی‌بن اسماعیل حسینی بیرجندی قایینی	عربی	»	۷۶

۷۷۲- المشاعر از صدرالمتألهین شیرازی	عربی	«	۵۳۸
۷۷۳- المشاعر « « «	عربی	«	۲۷۳
۷۷٤- المشعشعة فی العروض از علی بن ناصر حویزی	عربی	«	۳۳۹
۷۷۵- مشکوة الادب ناصری از سپهر	فارسی	«	۱۱
۷۷٦- مشکوة الانوار ومصفاة الاسرار از امام محمد غزالی طوسی	عربی	«	۳٤٦
۷۷۷- مصباح الشریعه (بخشی از ...) منسوب به حضرت صادق (ع)	عربی	«	۵۵۱
۷۷۸- مصباح الشریعه ومفتاح الحقیقه (بخشی از ...) (یکی از رساله‌های منسوب بحضرت صادق (ع))	عربی	«	٦۳٦
۷۷۹- مصباح الشریعه ومفتاح الحقیقه منسوب بحضرت صادق (ع)	عربی	«	٦۳٦
۷۸۰- رساله درمعاد	عربی	«	۳۷۵
۷۸۱- المعارف از فیض کاشانی	عربی	«	٦۹٤
۷۸۲- رساله درمعانی طبیعت از خواجه نصیرالدین طوسی	عربی	«	٤۷۱
۷۸۳- معانی العقل از ابو نصر محمدبن طرخان فارابی	عربی	«	۵۰۹
۷۸٤- معراجیه منسوب به شیخ الرئیس ابن سینا	فارسی	«	٦۲۱
۷۸۵- مفهوم مشتق (تحقیق در...) از صدرای شیرازی	عربی	«	۵٤۲
۷۸٦- مقاله فی معرفة الاشخاص القائم واعتماد الجبال و ارتفاع الغیوم از ابوعلی بن هیثم	عربی	«	۲۰۹
۷۸۷- مصارع المصارع از خواجه نصیرالدین طوسی	عربی	«	۲۵۰

۷۸۸ـ مطلع نصوص الکلم فی شرح فصوص الحکم از داود قیصری	عربی	»	۲۸۱
۷۸۹ـ مظاهر انوار	فارسی	»	۴۲۹
۷۹۰ـ معادن وجواهر (گفتاردرشناخت ...) از یعقوب‌بن اسحاق کندی	عربی	»	۴۵۸
۷۹۱ـ معالم‌الاصول ازشیخ ابومنصورحسن فرزند شهید ثانی	عربی	»	۱۰۸
۷۹۲ـ معالم‌التنزیل (تفسیرفاتحه از ...) ازفراء بغوی	عربی	»	۳۳۳
۷۹۳ـ معراج نامه ازشیخ‌الرئیس ابن سینا	فارسی	»	۳۹۹
۷۹۴ـ معراجیه ازشیخ‌الرئیس ابن سینا	فارسی	»	۳۹۹
۷۹۵ـ معرفة فتح‌الابواب	عربی	»	
۷۹۶ـ رسالة‌المعلوم من عقاید علماءالرسوم ازشیخ محیی‌الدین‌بن عربی اندلسی	عربی	»	۳۰
۷۹۷ـ رساله فی‌معنی‌الامانة والامامه ازشمسای گیلانی	عربی	»	۲۴۱
۷۹۸ـ معنی رکن‌رابع [رساله در ...] ازحاج‌محمد کریم‌خان کرمانی	فارسی	»	۲۰۷
۷۹۹ـ معنی‌النفس (رساله فی ...) منسوب به‌ارسطو	عربی	»	۳۹۱
۸۰۰ـ المغیث فی‌الحدیث (بخشی از...) ازمحمودبن طاهربن مظفرسگزی	عربی	»	۳۷۶
۸۰۱ـ مفاتیح‌الغیب ازمحیی‌الدین عربی	عربی	»	۳۵
۸۰۲ـ مقداریه ازمحمد مؤمن‌بن علی‌حسینی جزائری	فارسی	»	۴۰۷

۸۰۳ـ مقدمهٔ اثبات نبوت خاصه ازحاج آقارضاهمدانی	فارسی	»	۲۸۵
۸۰٤ـ مقدمة الواجب ازمولی محمد باقرسبزواری	عربی	»	۱۵۱
۸۰۵ـ مقدمة الواجب از سید ماجدبن هاشم بحرانی	عربی	»	۱۵۱
۸۰٦ـ مناجات موسی	عربی	»	۵۲۹
۸۰۷ـ مناسخات الارث از عبدالمطلب بن محمدبن اعرج حسینی	عربی	»	٤۲
۸۰۸ـ مناظرهٔ انسان وحیوانات (طرب المجالس) ازمیرحسین حسینی هروی بن میرعالم (۱)	فارسی	»	۵۲۵
۸۰۹ـ مناقب ائمه	عربی	»	۱۰۸
۸۱۱ـ رسالهٔ منبع البیان لاهل الرضوان ازمحیی الدین بن العربی اندلسی	عربی	»	۲۸
۸۱۲ـ منبع الحیاة فی حجیة قول المجتهدین من الاموات ازسید نعمة‌الله جزایری	عربی	»	۱۵۲
۸۱۳ـ منتخب السامی فی الاسامی (لغت عربی بفارسی)	عربی	»	۳۳۲
۸۱٤ـ منتخب الطب	عربی	»	۱۸۱
۸۱۵ـ منتهی الافکار فی ابانة الاسرار	عربی	»	۱۳۵
۸۱٦ـ منتهی الافکار فی ابانة الاسرار	عربی	»	۱۳۳
۸۱۷ـ رساله فی مندوب الصیام ازشیخ عبدالله صیمری	عربی	»	۱٦۰

۱ ــ پس ازچاپ صفحه ۵۲۵ ازفهرست حاضر دریافتم که این نسخهٔ ناقص قسمتی است از طرب المجالس حسینی . رجوع به تعلیقات مجلد حاضر شود .

عنوان	زبان		شماره
۸۱۷- المنظومة السنیه فی بیان الاسماء اللغویه ناظم : ابواسحاق ابراهیم اظهری	عربی	«	۱۶۹
۸۱۸- منظومه نجومی	عربی	«	۴۴۹
۸۱۹- منظومه درنحو از ابوالفتح علی بن محمد بن علی بن عمران فاکهانی شافعی مکی	عربی	«	۴۵۰
۸۲۰- المنقذ من الضلال از امام ابوحامد محمد غزالی طوسی	عربی	«	۴۴۵
۸۲۱- منهاج الصلاح (بخشی از...) ازعلامه حلی	عربی	«	۶۳۷
۸۲۲- منهج السلامة ازابراهیم بن علی کفعمی	عربی	«	۱۶۸
۸۲۳- منهج النجاة (بخشی از..) ملامحمد حسن کاشانی	عربی	«	۳۶۸
المنهج المستقیم = شرح عینیه ابن سینا ازابن میثم - عربی :			
۸۲۴- منیة اللبیب (شرح برتهذیب علامه) ازسید عمیدالدین عبدالمطلب بن محمد الحسینی	عربی	«	۱۳
۸۲۵- منیة اللبیب فی شرح التهذیب ازعمیدالدین فرزند عبدالمطلب فرزندمحمدبن علی	عربی	«	۸۸
۸۲۶- منیة اللبیب ازسید عمیدالدین	عربی	«	۱۴۶
۸۲۷- منیة اللبیب ازسیدعمیدالدین اعرجی	عربی	«	۱۴۷
۸۲۸- منیة الممارسین (بخشی از .) ازشیخ عبدالله بن صالح بن جمعه سماهیجی	عربی	«	۵۸۷
۸۲۹- رساله موسیقی از عبیدالله خان	فارسی	»	۸۷
۸۳۰- رساله موضح ایضاح از محمدباقرهمدانی	فارسی	»	۱۹۴

- و -

عنوان	زبان		شماره
۸۸۰ ـ الواحد الحقیقی لایصدرعنه الا الواحد [رساله فی ان...] ازشمس الدین محمد شمسای گیلانی	عربی	»	۲۳۸
۸۸۱ ـ الواردات القلبیه ازملا صدرای شیرازی	عربی	»	۳۰٤
۸۸۲ ـ الوافی (بخشی از...) ازفیض کاشانی	عربی	»	٦٦٦
۸۸۳ ـ الوافی فی شرح الوافیه ازسیدمحسن فرزند حسن حسینی اعرجی	عربی	»	۱٤
۸۸٤ ـ وجود ذهنی (رساله در...) از ابوالحسن بن احمد ابیوردی	عربی	»	۳۹۳
۸۸۵ ـ وجود واجب ازشمس الدین سید (شمسای گیلانی)	عربی	»	٤۳۸
۸۸٦ ـ [وجودیه (رساله ...) وجود الموجود] از مصنفات مولانا عبدالرحمن جامی	عربی	»	٦٦٤
۸۸۷ ـ رساله دروجود	عربی	»	۵۱٦
۸۸۸ ـ رساله وجودیه ازمیرسید شریف گرگانی	فارسی	»	٤۳۷
۸۸۹ ـ وجیزه ازشیخ بهاءالدین محمد عاملی	عربی	»	۵۳۰
۸۸۰ ـ الوجیزه ازشیخ بهاءالدین عاملی	عربی	»	۱٦۳
۸۹۱ ـ وحدة واجب الوجود (رساله در...) ازخواجه نصیر طوسی	عربی	»	٤۷۲
۸۹۲ ـ وحدة الوجود (رساله فی ...) ازشیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی	عربی	»	٦٦۲
۸۹۳ ـ ودائع النبوة (کتاب الطهارة) ازحاج شیخ هادی تهرانی	عربی	»	۱٦۵

ـ هـ ـ

ـ ی ـ

فهرست عمومی

نامهای کتب ، کسان ، جایها و مدارك

فیشهای این فهرست بوسیله آقای سیدحسن ناصر آبادی تهیه و با کوشش آقای فریدون طهماسبی همکار ارزندهٔ ادارهٔ بررسی و تحقیق تنظیم شده است.

آ

ت

چ

ح

—ر—

- س -

-ض-

-ط-

غ

فهرست کتابخانه‌دانشکده الهیات‌تهران (بسیاری از جایها)

« « « بادلیان » « «

« « برلین (اهلورث)

« « « حقوق » « «

فهرست کتابخانه دانشگاه (مرکزی‌دانشگاه‌تهران) ۷، ۱۲، ۱۵، ۳۷، ۴۰، ۴۱

۴۳، ۴۶، ۵۱، ۲۳، ۵۵، ۶۵، ۶۷، ۷۷، ۸۰، ۸۵، ۱۰۴، ۱۲۳، ۱۲۵،

۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۷، ۲۰۸،

۲۱۲، ۵۳۲، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۰. ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۷،

۲۶۲، ۲۷۵ ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۷۹۷، ۲۹۸، ۳۰۴،

۳۰۶، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶،

۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۱. ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۲۴،

۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۰۹،

۰۱۱، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲،

۴۴۲، ۴۴۵، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۷۷،

۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۹، ۵۰۱،

۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۷، ۵۳۰، ۵۳۸، ۵۳۹،

۵۴۴، ۵۴۶، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۶۸،

۵۶۹، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳،

۶۱۵، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۸، ۴۴۱

۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۶۲، ۶۶۵، ۶۶۸، ۶۷۴، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۰

فهرست کتابخانه دیوان‌هند ۲۰۰، ۲۵۰، ۳۰۰

فهرست کتابخانه مجلس ۵، ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۴۱، ۵۳، ۶۵، ۸۹،

۹۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲،

۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۰ ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۹، ۲۰۰،

تعلیقات

استدراکات و توضیحات کتابشناسی بخش ۱و۲ مجلد ۹؛ فهرست

ص۳۵ـ رساله فیض‌المنان

سیدمحمدبن سیداحمدعقیلةمکی معروف به ابن عقیله و متوفی در ۱۱۵۰ مؤلف این رساله، مؤلفات بسیار، در عرفان دارد.

بغدادی‌هدیةالعارفین ۲ : ۳۲۳

ص ۱۰٤ شرح قصیدهٔ بائیه حمیری

این شرح از سیدمرتضی علم‌الهدی است که در مصر سال ۱۳۱۳ چاپ‌شده.

رجوع‌شود به ذریعه ۱٤: ۹ .

ص ۱۱۰ تعلیقات بر کشاف

مؤلف این‌تعلیقات همان سیدجمال‌الدین ازشهاب الدین‌احمدبن علی‌حسنی مؤلف عمدةالطالب فی‌اخبار آل‌ابی‌طالب ودر گذشته در۸۳۸ است .

فهرست‌مجلس ٤: ۳۱٦

ص۱۱۵ـفهرست کنوزالرموز

از کنزالرموزیا کنوزالرموز (که در فهرست ٦ و در این‌جا با نام فهرست کنوزالرموز آمده) چند نسخه در دانشگاه و ملك وچند کتابخانه دیگر هست و قدیم‌ترین‌نسخه (بنوشته وزیعه) در بادلیان است که تاریخ کتابت‌آن ۹٤٤وپس از آن نسخه کتابخانه ملك مورخ ۱۰٤٦ است .

رجوع شود به ذریعه ۱۸: ۱۵٦ و ۱۷۲ا‌ـ ۱۷۳، بادلیان: ....

ص ۲۲۰ دفتری شامل ۲۷ رساله از میرزاملکم‌خان.

این دفتر همان کتابچه غیبی یادفترتنظیمات است که در مجموعه‌ای از آثار ملکم باکوشش‌محیط طباطبائی چاپ شده است (سال۱۳۲۷ ش تهران) .

در کتابخانه آقای یحیی ذکاء نیز نسخه‌ایست که در فهرست آن‌درنشریه شمارهٔ ۳ بدرستی شناخته‌نشده است.

رجوع شود فهرست کتابخانه ملی تألیف سید عبدالله انوار : ۱۵۲ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ۳:شمارهٔ ۳۲۵۷/۱ مشار : ۱۳۸۵

ص ۱۹۱ رساله در جواب سؤالی در مسئلهٔ غیبت.

این رساله ازهمدانی در غیبت دیگران گفتن است نه غیبت کبری وصغری.

توجه به این نکته را رهین دقت نظروتذکار آقای احمد منزوی هستم.

ص۲۲۶ شرح دوازده مسأله رمل

خواجه حسن طبسی (قرن ۸) کتابی بزرگ در رمل دارد بنام مفتاح الکنوز که آنرا در ۷۳۵ تألیف کرده و محمد بن جلال معروف به شاه ملامنجم بر آن مقدمه‌ای بنام شاه طهماسب دد ۹۶۸ نوشته‌است. این دوازده‌خانه ظاهراً بخشی از همان مفتاح الکنوز است. رجوع به فهرست مجلد۱۰ : ٦ شود .

ص ۲۶۰- شرح حدیث هل رایت رجلا

میرزاعلی نقی احسائی پسرشیخ احمد احسائی (م-۱۲۰۰) و مؤلف رساله منهاج السالکین چاپ شده بسال ۱۳۷۵ درشرح و رسالهٔ توحید قطب الدین محمدبن عبدالکریم قادری گیلانی، این حدیث را نقل وشرح کرده است.

فهرست ۱۰ : ۹۵۹

ص ۲۸۲ کنه الراد - شرح قصیدهٔ بانت سعاد

در کشف الظنون شرح ابوالفضل احمد ابن حجر عسلانی بر «بانت سعاد» را با نام کنه المراد یاد کرده ، حاجی خلیفه در فهرست دارالکتب قاهره کنه المراد شرح بانت سعاد از سیوطی معرفی شده و در سر شماره .... مدینه (بنقل نشریه کتابخانه مرکزی) از سیوطی است .

فهرست دارالکتب : ... نشریه ٥. ...

ص ۲۹۵ انوار حکمت

ریو این کتاب‌را تألیف امام محمد جزلی دانسته در فهرست رضوی نسخه‌ای از این کتاب معرفی شده و بنوشته مؤلف فهرست آن کتابخانه، درآن نسخه نام کتاب نصایح یوسفی و نام مؤلف حکیم یوسفی (شایدهمان یوسفی صاحب بحر الجواهر

وطب یوسفی) ثبت شده.درفهرست بنگال نیز انوارالحکمه ازحکیم یوسفی دانسته شده است .

رجوع شود به فهرست ریو ۲ : ۱۸۳ بنگال ذیل : ۸۸ فهرست رضوی ۶ : ۳/۸-۳۸۹ .

ص ۳۳۳ تفسیر سورهٔ فاتحه .

بخشی از کتاب معالم التنزیل بغوی فراء (م-...) است.این نسخه جزء مجموعه ایست شامل ۱۲۸ رساله علاوه بر نوشته‌های پراکنده و بوسیله مردی از اهل فضل از قرن ۱۱ گردآوری شده و ازاین مجموعه نسختهای دیگر رونویس کرده‌اند، نسخه حاضررا که رساله‌های آنرا در فهرست ۵ ودراینجا می‌شناسیم مورخ ۱۲۵۰ است و نویسنده آن بیشتر عناوین و گاه سطور اول ویا آخر و یا تمام (۱) رساله‌های موجود دردفتر اصلرا حذف و شناختن آنهارادشوارساخته،وما ازبرخی از آنهابدون معرفی کامل گذشتیم. نسخه‌ای دیگر از این دفتر جامع و نفیس در کتابخانه مجلس داریم (و من بعداز تهیه این فهرست آنرا دیدم) که بسیار روشن تر و کامل‌ترست و در قرن ۱۳ - هـ رونویس شده و در عنوانهای صدر و ذیل رساله‌های موجود در آن تصرف و حذف نشده است.

رساله‌هایی نیز هست که در هردونسخه بدون نام اصلی و یا بدون ذکر نام مؤلف یاد کرده‌ایم مانند رساله سمرقندیه یا فرائدالفوائد لیثی سمرقندی که در مجموعه تازه بنام رساله‌فی‌ضبط‌الاستعارات وبدون نام مؤلف آمده و در فهرست کاملا شناسانده شده و نیز کتاب مشکاة الاسرار غزالی است که در هر دو دفتر بنامی ناصواب دیگر است و همانگونه که در فهرست بدان اشارت کرده‌ام در ذریعه وفهرست دانشگاه نیز بدرستی و با نام اصلی آن شناخته نشده. نا گفته نماند که‌نظیر این دو کتاب بسیار است که در هیچ یك از این دودفتر بدرستی شناسانده نشده وپیداست گرد آورنده اصلی (که درذیل بیشتر رساله‌های رقم وتاریخ اوهست) خودهمچنین نوشته است .

دفتر شمارهٔ ۶۲۸۶ (موقت) علاوه بر اینکه صحیح تر وروشنتر است با اصل مطابق تر نیز هست زیرا رساله‌ها و گفتارها و منقولات بسیار در آن هست که دفتر جای سخن فاقد آنهاست .

از جمله بخشهایی که در آن دفتر هست و در دفتر ۱۸۰۵ وجود ندارد: شرح ثمرهٔ بطلیموس (ازشرح کلمه ۲۱) ، غیبت شیخ صدوق ، بخشی از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و آداب المناظره و همچنین پس از تقویم البـلدان (که در دفتر ما آخرین بخش است) دردفتر شمارهٔ ۶۲۸۶ (موقت) علاوه بر نوشته‌ها و گفتارهای کوتاه این رساله‌ها موجوداست :

تحفهٔ شاهیه از قطب الدین شیرازی (بخشی از . . .)

منظومهٔ از عمر بن یحیی کرمانی .

ذخیره اسکندری (بخشی از ...)

منظومهٔ طبی ابن سینا .

خطبه شقشقیه (منسوب به حضرت مولی)

مناقب الطاهرین از عماد الدین طبری صاحب کامل بهائی

اینك شناسائی برخی از رساله های دفتر ۱۸۰۵ که کاملا شناخته نشده‌اند دراین تعلیقات با استفاده ازاین نسخه جدید (تاآنجا که ممکن است) تکمیل و اگر اشتباهی رفته تصحیح میشود و یکی از آن جمله همین تفسیر فاتحه ازمعان التنزیل است که در بخش اول فهرست کاملا شناخته نشد و باعنوان « تفسیر فاتحه ازیکی از علماء متشرعه عامه که بنظر میرسد بخشی از یك تفسیر کامل است» یاد گردید

ص ۳۳۵ انموذج العلوم .

این نسخه بخشی از انموذج العلوم دوانی نیست زیرا پس ازچاپ این صفحه آنرا با بخش از ثماطیقی (باب دهم) انموذج العلوم سنجیدم ومطابقت نداشت وظاهراً مستخرج از علم دهم انموذج العلوم دوانی

ص ۳۴۹ اسماء رجال مشکاة .

از عبدالحق بن سیف الدین بن سعدالله ترك دهلوی بخاری متخلص به حقی

مترجم وشارح سفر السعاده فیروزآبادی ومؤلف ترغیب اهل السعادات (م-۹۵۷-۱۰۵۲)

نخست مشکاة المصابیح (شرح مصابیح بغوی) را شرح کرده آنگاه این فهرست را برای اسامی رجال یادشده در مشکاة نوشته است .

حاجی خلیفه از این کتاب یاد کرده بدون اشاره بنام مؤلف - (همانگونه که در فهرست۹ یادشد) بحرف میم احالت داده اما در حرف میم و ذیل عنوان «مشکاة»- به این کتاب اشارتی نکرده است.

رجوع شود بفهرست دارالکتب قاهره چاپ ۱۹۲٤ ج ۱ : ۱٤۸

ص۳٦٤ - الناسخ والمنسوخ

در نسخه دیگر این دفتر ، کاتب این رساله رابه ابوالقاسم جهة‌الله بن سلامه منتسب داشته است .

ص ۳٦۵ - نسیم السحر (درخصائص لغت)

بتازگی نسخه‌ای دیگر دیده‌ام (شماره ۱۲/۰؛ ۳۳) که نام مؤلف آن (همانگونه که درفهرست دفتره زبور است) حسین بن ابراهیم ضمیری ضبط شده اما در نسخه شماره ۱۸۰۵/٦ همانگونه که در فهرست۹ اشاره رفت ، ازمؤلف یاد نشده وما نوشتهٔ اهلورث را در آنجا نقل کردیم .

ص۳٦۸ - منهج النجاة

در نسخه دیگر که در دفتر شمارهٔ ٦۲۸٦ (موقت) است و درفهرست آغاز آن دفتر نام مؤلف ملامحسن کاشی ضبط شده . و ظاهراً (همانگونه که در فهرست اشاره شد) صواب همین و مقصود ملامحسن فیض است نه ملاحسن کاشی که درنسخه ۱۸۰۵ ضبط است .

ص۳۷۲ - نبذة الادوات .

این رساله عربی آمیخته بفارسی است و درحاشیه نسخه ٦۲۸٦ (موقت) نوشته «شاید از میدانی باشد».

۳۸۲ ـ تصریف

درصدر نسخه دیگر کتابخانه ونیز درفهرست آن مجموعه نام این رساله «مفید» ضبطشده است وبه زمخشری منسوب شده .

در کشف‌الظنون وذیل آن‌وبرو کلمان کتاب بنام«المفید»اززمخشری ندیدم.

۳۸۳ ـ رساله فی بیان حکم التدخین

این رساله در ذریعه با همین‌نام آمده اما در نسخه جای سخن و در نسخه شماره۶۲۸۶ (گ۱۰۳پ) و درفهرست آن بنام محا کمه خوانده‌شده‌است .

۳۸٤ ـ گفتاری از بهائی .

این نوشته‌نامه‌ایست از شیخ بهائی به میرزا ابراهیم همدانی دانشمندمعاصر بهائی (برخی دیگر از مکاتبات این دو دانشمند درفهرست دانشگاه ثبت‌است) در نسخه‌جای سخن‌این‌نوشته‌عنوان ندارد. نسخه شمارهٔ ۱۸۳۰/۱ نیز همین نامه‌است

۳۸۵ ـ وصیة حضرت رسول (ص) به‌علی (ع)

فیروز آبادی‌درسفر السعاده‌و حسن‌بن محمدصغانی‌دررسالهٔ «احادیث‌موضوعه» این حدیث وصایا را که فقرات آن با جمله « یاعلی » آغاز میگردد ، در شمار احادیث موضوعه یاد کرده‌اند .

رجوع شود به‌نسخه شماره ۲۸۸۲/۱۰ ص ۲٦٤ این‌فهرست.

۳۸٦ ـ نامه واعظ‌الانام

این‌نامه از میرزا رفیع‌قزوینی واعظ مؤلف ابواب‌الجنان است که در نسخه ما باعنوان «نامه واعظ‌الانام» یادشده.

۳۸۷ ـ شرح زیج

این‌نسخه بدون تردید بخشی است ازشرح قوشجی برزیج الغ‌بیك . درصدر نسخهٔ شمارهٔ ۶۲۸۶ وفهرست آن‌مجموعه بدین‌نکته تصریح‌شده‌است .

ص ۳۸۹ - مسائل قدسیه

صدرالمتالهین شیرازی این رساله را پس از اسفار وپس از بیشتر آثارخود نوشته و مطالب فلسفی اشراق و ذوقی راکه در اسفار و دیگر آثار با استدلالات متداول وجدلیات فلسفه آمیخته ، دراین رساله بدون مزج باآن استدلالات آورده (با اینکه در مقدمه چنین التزام کرده ، بازگاه ازنقل ورد جدلیات ناچاربوده) .

ملاصدرادراین رساله دربارهٔ حقیقت وجود (با بیان ذوقی اشراقی ونه جدلی فلسفی) سخن گفته و سپس به اثبات وبیان حقیقت وجود ذهنی و عالم مثال ومثل پرداخته وبا اساسی که دراین دوباب نهاده بسیارمسائل فلسفه اولی ومشکلات مربوط بمعاد راحل کرده است .

فهرست مطالب رساله - برطبق نسخه‌ای که اکنون در دست سخن دارم ودرعصرصدرا یا نزدیك بزمان او کتابت‌شده - از این قراراست :

الجملة الاولی - فی‌الحکمة القصوی والعلم الاعلی و فیه‌مقالات :

المقالة الاولی فی‌الوجود واحکامه .

در این مقاله هفت فصل و چند عنوان « بحث‌وتفصیل » و « شك و تحقیق » و مانند آنست . دوفصل اول دربارهٔ موضوع و مسائل علوم وبشیوهٔ دیگر کتابهای فلسفی است (نه بشیوهٔ خـاص این کتاب) و در پایان بحث ازموضوع علوم و رد ایرادات برتعریف مشهور گوید «ولهذا الکلام زیادة تحقیق لایحضر فی‌الآن کشفه ووضوحه» در دیگر فصول این مقاله ، به اثبات حقیقة وجود در خارج و انتزاعی بودن ماهیت پرداخته،بتفصیل دربـارهٔ نسبت وجود بمهیه و اینکه از قبیل نسبت عرض بموضوع نیست سخن گفته ودرپایان این مقاله از« کتاب بزرگ خود اسفار اربعه » یاد کند و گوید :

« من خود پیشتر از این ، از قائلان بـه‌اعتباری بودن وجود و اصاله مهیت بشدت دفاع میکردم وخودسخت طرفدار آن بودم تااینکه باهدایت‌الهی‌دانستم که

حقیقت بر خلاف آن است ووجودات حقائق متصله وپرتوهای وجود احدی هستند وماهیتها حدود و مفهومات ذهنی وجودات است .

المقالة الثانیه فی احکام واجب الوجود بحسب المفهوم. در این مقاله دو فصل است ودرفصل دوم از برهان ذوقی واشراقی توحید که بسیط ترین ونیز عالیترین براهین توحیداست ونیز از شبهۀ ابن کمونه یـاد کند و گوید براساس این برهان ، راهی برای ورود شبهۀ ابن کمونه نیست . زیرا دراین برهان وحدة حقیقی همان کمال مطلق ووجود حقیقی مطلق است ودراین مرحله تعدد و شرکت قابل تصور نیست. وصدرا در این فصل نیز از « اسفار اربعه » خود یاد کرده است .

المقالة الثالثه فی اثبات الوجودالذهنی والظهور الظلی.

این مقاله مفصلترین وجالبترین مقالات کتاب است .

دراین مقاله نخست اثبات کرده است که نسبت نفس بصور ادراکیه فاعلیت است نه قابلیت، سپس براهین دیگر فلاسفه را درسه مسلك نقل کرده و سپس اشکالاتی را که بروجود ذهنی بنـابر مسالك و براهین قوم وارد میشود بچهار و چه در چهار مقصد ریشه کن کرده و درمقصد ٤ وجهی که اختصاصی والهامی خوداوست بیان داشته است و آنگاه بتوضیح و اثبات عالم مثال پرداخته وتنها راه حل مشکلات ایمان برزخ و معاد و رداشکالات وارده بروجودذهنی را ، ایمان بعالم مثال میداند، سخن شیخ اشراق[1] را دقیقاً نقل کرده وموارد اختلاف مشرب خود را بااو درضمن پنج « اشکال » بیان داشته است و در پایان بیان اشکال ۵ رساله را نیز پایان داده است .

درضمن بیان اختلافات مسلك خودباشیخ اشراق (که یازده صفحه نسخه حاضر را فراگرفته) دقیقترین وخالصترین نظرات خود را اظهار داشته و در ذیل بیان سومین تفاوت طریقۀ خودباطریقه شیخ اشراق (دراثبات وتفسیرعالم مثال) گوید «موضوع وجود رب النوع که افلاطون و اسلاف اوبه آن قائل بوده اند سخنی بسیار

۱ــ صدرا دراین رساله اورابا این القاب یـادکرده : الشیخ الالهی صاحب المکاشفات النوریه شهاب الدین المبرور .

صحیح وایرادات متاخران در اثر نفهمیدن مقاصد آنان است و نیز گوید « افلاطون واساتید واسلاف بزرگ او که همگی از بزرگترین حکماء و اولیاء خدایند هرچند بر وجود مثل نوریه برهان نیاورده‌اند و بشیوهٔ انبیاء و اولیاء بنقل مثل (آنهم برمز) بسنده کرده‌اند ، اما همین گفتهٔ آنان شایستهٔ اعتماد است واز آنان نباید برهان خواست همچنانکه منجمان متاخر واحکامیان ، سخنان بطلمیوس وابرخس را در بارهٔ اوضاع وتاثیرات ستارگان و تعداد افلاك پذیرفته‌اند و از آنان دلیل نخواسته‌اند خاصه آنکه سخنان این بزرگان اولیاء بر پایهٔ ریاضات وخلوات وکاوشهای عقلانی و از اغلاط واوهام بشری دورتر است واز این نظر اعتماد بدان بیشتر است .

یکی از ادلهٔ ملاصدرا بر اثبات وجود ذهنی (که وی آنرا از ملهمات خود میداند) آن است که طبایع مقولات وهمچنین بسائط عنصری وجواهر ، در حرکات خودداری مقصد وغایتی خاص هستند وغایت مقصد هر حرکت باید قبل از حرکت به نحوی وجود داشته باشد وچون درخارج این وجود نتواند بود، ناچار غایة ومقصود از حرکت بنوعی دیگر وجود خواهد داشت و آن وجود ذهنی است وهمین وجود ناقص غایة است که باعث شوق به تکامل جوهری یا تکامل عرضی است . صدرا در دنباله این سخن اعتراف میکند که برهان قائم است تحقیق مرتبه‌ای از شعور وادراك درجمیع اجسام طبیعی واینکه انکار شعور اجسام ناشی از استبعاد صرف وعدم عادت است باین فکر .

گویا صدرا آنچه میخواسته است در این رساله بیاورد ، نیاورده و ناتمام گذارده خود او در دیباچه تصریح کرده است که این کتاب در دو جمله است وجملهٔ اولی درعلم اعلی . بنابرین جمله دوم در مباحث عامه بوده ودر اثناء رساله نیز آنجا که سخن ازعله ومعلول است، به مباحث آینده احالت کرده است امـا در نسخه ما ـ ودر نسخه الهیات از جمله دوم ودیگر مباحث اثری نیست .

در این رساله علاوه بر اینکه دوبار از اسفار اربعه صریحا یاد کرده ، سه بار دیگر (درمقاله ۲و۳) به« کتاب کبیر» خود احالت کرده ویکی از این موارد، سطر آخر رساله است .

اینك چند سطر از عبارت ملاصدرا در بارهٔ افلاطون ومثل افلاطونی نقل میشود:
«وقد ذهب العظیم افلاطن و اشیاخه الذین هم سادات الحکماء الکرام و رؤساء الانام فیما تقدم من الایام الی ان لکل من الانواع الجسمانیه فردا فی العالم العقلی هورب سایر الافراد وصفو کدرها ومبدأ نوعها وواسطة وجودها من رب الارباب ووسیلة رزقها وبقائها من مسبب الاسباب ... والدلیل الدال علی ان افراد نوع واحد لا یختلف بالتقدم والتاخر والکمال والنقص ... علی تقدیر تمامه انما یتم بحسب نحو واحد من الوجود... وبالجمله قول افلاطن و اسلافه العظام فی غایة القوه والمتانه والاستحکام ولا یرد علیه شیٔ من نقوض المتاخرین ... ومنشاء ایراد تلك النقوض انما هو قصور المدارك عن درك شاوهم ومقامهم وفقد الاطلاع علی مقاصدهم .. وسوء فهم اللاحقین لدرك شأو السابقین المقربین انما هو لبناء مقاصدهم ... علی السوانح النوریه العلمیه ... التی لا یعتریها وصمة شك وریب ... لا علی مجرد الافکار البحثیه و الانظار التعلیمیه التی سیلعب بالمعولین علیها والمعتمدین بها الشکوك ... ولم یتصالحوا علیها ولا توافقوا بل کل امة دخلت لعنت اختها ..»

ص ٤٣٥ ــ شرح حدیث کنت کنزا ...

این شرح از صدر المتألهین شیرازی است و در پایان آن نام صدرا آمده است. محیی الدین خود براین حدیث شرح نوشته است.

رجوع شود به فهرست دانشگاه ۳ : ٤٦۹ و شمارهٔ ۲۸۳۰/۹ مجلس ۹ : ۳۵ـ۳٦

ص ٤٥٤ ــ رسالهٔ فروع دین برای مبتدی.

نسخهٔ حاضر بخشی اندك وتحریف یافته و پرغلط است از کتابی (بنام مسائل) که نسخهٔ کاملتری از آن دراین کتابخانه هست (شمارهٔ ۲۳۲۹/۱۰) و مانند این نسخه در دیباچه نام غزالی دارد بااین تفاوت که دیباچه آن نسخه کامل ومفصل است و درپایان آن تصریح دارد که «این مسئلها از کتابهای بزرگ و معتبر جمع شده است و در اول ماه محرم الحرام ۵۸۰ از جمع آن فراغت یافته» بنابراین این کتاب بیش از هشتاد سال پس از درگذشت امام ابوحامد محمد غزالی نوشته شده مگر

اینکه ترجمه از یکی از مؤلفات غزالی باشد ومؤیداین سخن شیوه دیباچه است که پیداست کسی دیگر ساخته و ازغزالی یاد کرده است (هرچندبرخی از مسائل آن مانندباب وضوء مطابق مذهب ابوحنفیه است وماامیدانیم که غزالی درفقه پیرومذهب شافعی بوده است).

در هرحال کتابی است بفارسی کهن ازقرن ۶ درفقه و اخلاق و از این نظر ارزنده است.

درآغاز رساله دیباچه‌ایست (که مسلماً ازغزالی نیست) در تشویق به دانش اندوزی وشریعت آموزی به‌فرزندان (وفقراتی ازاین دیباچه ونیزفقراتی ازخودرساله راکه بادعاء نویسنده دیباچه از امام غزالی است - برای بدست‌دادن نمونهٔ شیوهٔ فارسی آن در اینجا نقل خواهیم کرد) واینك فهرست مطالب کتاب:

باب۱- در مقدمات وضوء[1] طهارت ونجاست دارای یازده مسئله.

باب۲- دربیان‌وضوساختن. دارای یك مسئله.

باب۳- سنتهای‌وضوساختن.

مسئله - چون بقضاء حاجت رود.

مسئله - هرکسی‌صحبت کندبازن (درغسل وپس از آن هشت مسئله دیگر در مطالب مختلف ابواب فقه.

باب۳- مسح.

باب ٤ - تیمم.

باب ٥ - در فضیلت‌نماز.

باب ٦ - عقوبت تارك‌الصلوة.

باب ۷ - شرطهای نماز،

باب ۸ - فریضهای نماز(۲)

---

۱ - عنوان این باب در نسخه «دربیان وضوء ساختن‌است» مانند باب دوم ولی‌با توجه بمطالب آن، عنوان‌یادشده در بالا شایسته‌تراست.

۲ - درنسخه عنوان «شرطهای نماز» درباب۸ تکرارشده

باب ۹ ـ دعای نماز (درمسجد وديگرجا)

مسئله ـ اگر کسی با امام نماز گزارد. (پس از آن نيز يازده مسئله ديگر در مسائل مختلف مربوط به نمازوطهارت).

باب ۱۰ ـ در سجدهٔ سهو ـ در ذيل اين باب نه مسئله‌است در مطالب مختلف متعلق بسجده سهو و شرايط و اوقات نماز.

باب ۱۱ ـ نماز جمعه.

باب ۱۲ ـ نمازعيد.

باب ۱۳ ـ نماز مرده ـ دارای يك مسئله.

باب ۱٤ ـ در بيان زكوة ـ دارای دومسئله.

باب ۱۵ ـ صوم (وزكوة فطره) دارای۲مسئله.

باب ۱٦ ـ در احرام حج.

باب ۱۷ ـ در بيان رباخوردن.

باب ۱۸ ـ در بيان غيبت كردن.

باب ۱۹ ـ در بيان دشنام دادن.

باب ۲۰ ـ دربيان شراب خوردن.

باب ۲۱ ـ دربيان‌همسايه رنجانيدن.

باب ۲۲ ـ درگواهی دادن بدروغ.

باب ۲۳ ـ پدرومادر.

باب ۲٤ ـ درحسدبردن.

باب ۲۵ ـ كسيكه كسب كند برای‌خود.

باب ۲٦ ـ ثواب پرورنده‌وبزرگ كنندهٔ دختر.

باب ۲۷ ـ خانه كه درآن مهمان‌نرود.

باب ۲۸ ـ زنيكه شوهرش‌را خواهش باشد.

باب ۲۹ ـ روترشی زن با شوهر.

اینك نمونه‌ای ازدیباچه وابواب کتاب:

آغاز: بسمله این کتاب را امام محمد غزالی رحمة‌الله علیه ساخته از برای مبتدیان تا هر ساعت از دانشمندان سؤال نکنند ... وهر که این قدرعلم بخواند، و بداند وبدان عمل کند مسلمانی وی کفایت باشد ... پس مادر وپدر بایـد که غم فرزندان خورند وایشان را علم درآموزند تا خدای تعالی با ایشان عتاب نکنند ـ ومستوجب دوزخ نگرداند وآنکس که اینقدرعلم نیاموزد یعنی خودرا و فرزندان خود را خلاف امرخدای کرده باشد ... امـا خاصیت این کتاب آنست که هرچه درین کتاب است همه مسلمانانرا بدان حاجت هست وحق جل جلاله بر آن کس رحمت کند که اهل واولاد خود را این کتاب بیاموزند ونادانان را تعلیم کنند که این مسئلها از کتابهای بزرك و معتبرجمع شده است و نیـز حقتعالی برجمله مسلمانان رحمت کند ... وفارغ گشتم ازجمع کردن این مسئلها دراول ماه محرم الحرام‌سنهٔ‌ثمانین‌وخمسایه ...

آغاز رساله: باب دروضوءساختن،خواجهٔ هردوجهان سیدالمرسلین...چنین فرماید که هر که دراول وضوبگوید ...

اینك چند نمونه از کهن ترین فقرات رساله نقل میشود تا مگر کسی از اهل‌تحقیق نویسندهٔ آنرا بشناسد :

«مسئله نشایدچندان وسوسه برخودراه دادن‌درپاکی آب طهارت که‌بوسوسه انجامد وکاربرخود دشوار کند که امیرالمؤمنین عمررضی‌الله عنه ازسبوی نصرانی وضوء کردی‌وآب خوردی وبیشترین صحابه برآن بودندی که‌پاکی‌باطن کردندی ودرطهارت ظاهر گرفتندی وچون طعـام خوردندی دست بزیرپای مالیـدندی ، نشستندی و نماز کردندی ودرمسجدهـا پای برهنه رفتندی‌وفاضلترین صحابه را جامهٔ خواب نبودی وچون تکیه کردندی درزیرپهلوی ایشان بغیر اززمیـن هیچ نبودی ، وبودی که استنجا بسنك کردندی وبآب نکردندی وبا نعلین‌نماز کردند وازخوردن جوو گندم ناشسته احترازنکردندی» این فقره با برخی‌ازفقرات«زاد

آخرة»غزالی بی‌شباهت نیست همچنانکه‌فقره‌ای‌دیگر نیز از این رساله (شرح اوراد وضو) نیز با اندك تفاوتی همانست که در«اثر نفیس فارسی»زادآخرت غزالی است .

ص ٤٧٩ ازاو[صدرالدین ثانی فرزندغیاث‌الدین منصور] تالیفی یادنکرده‌اند جزالذکری .

دراینجاافزوده‌میشود که‌درمجلدات‌فهرست‌دانشگاه‌این‌مؤلفات‌ازاو‌یادشده :

جواهر نامه .

حل شبهۀ جذراصم .

حاشیۀ شرح تجرید .

حاشیۀ حاشیۀ لوامع الاسرار فی شرح مطالع‌الانوار .

زبر و بینات .

استخراج اسامی الائمه(ع)بحساب الابجد

اثبات الواجب .

باتوجه به سخن‌صاحب‌روضات،نسبت این مؤلفات رابه صدرالحقیقه (ونه‌به صدرالدین کبیر) قطعی‌نمیتوان دانست‌خاصه باوجود موارد اشتباهی که درفهرست یاد کرده‌ام .

ص ٤٩٤ صوان‌الحکمه وتتمۀ صوان

صوان الحکمه ازابوسلیمان‌منطقی‌وتتمه از بیهقی است ، بایادآوری‌آقای احمدمنزوی، سهوی‌را که درفهرست رفته‌متذکر گردیدم وازایشان‌تشکر دارم .

ص ۵۰۳ اللمعة‌الجوینیه ازابن کمونه ابن کمونه این کتاب رابه خواست شمس‌الدین محمد مؤمن قزوینی مستوفی‌برای کتابخانه بهاءالدین محمدجوینی نگاشته (دردوجمله هرجمله دوباب‌وهرباب ۵ فصل) . در این کتابخانه چندنسخه از این لمعه و نیزعکس‌نسخه کتابخانه مشهد موجود است . این کتاب درفهرست دانشگاه‌بنام «اللمعه» آمده (۳ : ۳۳۵) .

ص ۵۵۲ الماءوتحدیده ازقاضی بن کاشف الدین

ولی قلی بیك شاملو در کتاب نفیس قصص خاقانی سر گذشت قاضی و فهرست برخی از آثار اورا آورده و از این رسالهٔ او یاد نکرده. شاملو از مؤلفات او شرح مشکلات و لغات رسائل اخوان الصفا، شرح صحیفه سجادیه ، شرح اصول کافی و جام جم (نه جهان نما) یاد کند و گوید در اردبیل وفات یافت و در مقبرهٔ شیخ صفی الدین دفن شد (قصص الخاقانی نسخه خطی مجلس شمارهٔ ۱۵۰ موقت ص ۳۷۶)

ص ۵۲۵ ـ مناظرهٔ انسان وحیوان .

این منـاظره بخشی ازطرب المجالس میرحسین بن عالم غوری هروی است .

ص ۵۵۷ مثالیه نوریه

صاحب ذریعه رساله «مثالیه» از قطب الدین محمد لاهیجی یاد کرده است (۱۹ ص ۷۷)

ص ۵۶۵ ترجمه رسالهٔ تنکلوشا

نـالینو تلفظ صحیح این کلمه را ، تینکلوس یا تینکروس (هر دو تعریب توکروس) میتواند و معتقد است که تلفظ تنکلوشا مانند ارمیساو برهمانیا و انوحا و دیگر نامهای دروغین است که ابن وحشیه (یا خود ابوطالب زیات) آنرا در کتاب الفلاحة النطیه و این کتاب ساخته تا آنها را واژه‌های آرامی نشان دهد

سخن نالینو و استدلال او بر اتحاد تینکلوس که ابومعشر بلخی عقائد احکامیان ایرانی را از او نقل کرده با توکروس یونانی که در نیمه ۲ قرن یکم میلادی میزیسته جای خدشه و ایراد نیست ، زیرا اسنادی که بزبان یونانی از ازاصل کتاب توکروس بدست آمده بافصلی که ابومعشر از کتاب تنکلوشا نقل کرده بوسیله «بل» خاورشناس مطابقت داده و ثابت شده است این تنکلوشا همان توکروس است . مینورسکی در رساله خود درشرح قصیده خاقانی نیز این عقیده را ازرو ولسن یکی از دانشمندان قرن ۶ میلادی نقل کرده است . ولکن سخنان نالینو در بارهٔ کتابی که بنام صور درج و منسوب به تنکلوشای بابلی است وعلامه تقی زاده آنرا در گاه شماری آورده‌اند جای تامل است. نظرات نالینو دربارهٔ متن عربی این کتاب بطور خلاصه این است.

الف ـ این کتاب بخاطر مطالب عجیب و غریب و نادرست و بدون اساس که

دارد نمیتواند از توکروس باشد که دانشمندی است ستاره شناس

ب ـ مطالب این کتاب با آنچه ابومعشر از تینکلوس نقل کرده متفاوت است.

ج ـ این کتاب ساختهٔ دست ابوبکر ابن وحشیه (احمد بن علی متوفی ۲۹۶ـه) که ابوطالب زیان (قرن ٤) نقل کرده یا خود ساخته دست ابوطالب زیات است و او برای دوری از اتهام داشتن احساس ضد عربی آنرا به شخصیت ساختگی و دروغین ابن وحشیه نسبت کرده است...؟ مدرك سخن اخیر نالینو مقدمه الفلاحة النبطیه است (و به نقل علامه تقی زاده در صدر نسخه‌ای از متن عربی که در تهران است نوشته شده من کلام ابن وحشیه). بحث در بارهٔ این متن عربی که ساخته کیست و در چه زمان است را باجای دیگر میگذاریم و در اینجا تنها در بارهٔ ترجمه فارسی آن سخن میگوئیم: از این ترجمه فارسی دری در هیچ جا یادی نیافتم جز اینکه نالینو در ضمن سخن خود در باره متن عربی، از یك نسخه ترجمه فارسی «کتاب صور تنکلوشا» یاد کرده که در پایان آن نسخه نویسنده‌ای ناشناس چنین نوشته «در تاریخ تبری نبشته‌اند که این کتاب هشتاد سال بیشتر از هجرت نبوی نوشته شده». بنوشتهٔ نالینو شولسن با اعتماد به این نوشته معتقد شده که این کتاب در ۸۰ سال پیش از هجرت و در عهد شاهنشاهی انوشیروان به پهلوی ترجمه شده.

نالینو تعریف نسخهٔ ترجمه فارسی مزبور را از شولسن نقل نکرده و توضیحی نداده و بوریسو (۱) نیز که به این نسخه اشاره کرده و توضیح کافی ندارد.

نوشته مزبور هر چند از ناشناس است اما پیداست کهنه است و نیز معلوم است مقصود از فارسی در آن نوشته، پهلوی (پارسیك) است و شولسن نیز چنین فهمیده و در هر حال در مقدمهٔ این ترجمه فارسی از ابن وحشیه یا زیات یاد نشده و اصلا در مقدمه سخنی مشابه سخنان منقول از مقدمه «فلاحت نبط» یافت نمیشود. ارتباط درجات فلك و صور طالع در آنها با زندگی و روان مردم و نیز سر ساختن طلسمات، با بیانی

۱ـ ژورنال آسیانیك فرانسه سال ۱۹۲۵ ج ۲۲۶ مقالهٔ A.BORISSOV با عنوان: SUR LE TAINKALÜCHÄ

دقیق وعمیق باز گفته شده وجای برای استبعادات نالینو باقی نمیگذارد.

اینك چند سطر ازمقدمه دراین باب:

روان مردمی ازجمله جواهر روحانی است واورامناسبت وعلاقت تمام هست بانفوس افلاك وکواکب وهمچنانکه نفس فلکی رااثر است درکائنات نفس انسانی رانیزاثر باشد وخاص که نفس قوی وبشهوات طبیعی آلوده نباشد.»

(امام فخر رازی در کتاب ۸ از المطالب العالیه درباب تنکلوشا وارتباط این علم با سحر وطلسمات بتفصیل سخن گفته است). شیوه نثر کتاب ومقدمه آن کهن است ودرآن لغات کهنه فارسی بکاررفته. نمونه متن آن در مجلد ۷ فهرست نقل شده و دراینجا نمونه‌ای ازواژهای کهن فارسی آن نقل میگردد:

بزغ = وزغ	نیلوبر	نستوه
خشکار.	بابزن	خوشك
سیباج	خنور	جن = چون
بی‌فرمان	پرماه	تکل

رجوع شود به مجلهٔ معهد المخطوطات ۳: ٦۰ فهرست ۷: ۱۳٤ علم الفلك نالینو: ۱۹٦ - ۲۱۰ گاه شماری از تقی زاده. ۳۱۷ - ۳۱۹ سفینه راغب، فهرست آصفیه ج ۲: ٦۱ سبك شناسی بهار ۱: ۱۸ فهرست دانشگاه شماره: ۲۱۹۳ و ٤۰۹٦/٤ بادلیان - اته: ۹٤٤ برلین اهلورت ش: ٤۲٥٤ و ٥۸۹٥، برح. شماره ۳۰۳/۱۱ جامع شاهی: ۳:۱ (خطی)

ص ٦۰٥ کلمات عشرة

صاحب ذریعه درذیل عنوان مبدأ و معاد نیز از این کتاب یاد کرده و آنرا از خواجه نصیر طوسی دانسته و نوشته‌اند چاپ شده.

در فهرست دانشگاه نسخه‌ی از این کلمات بنام «مبدأ و معاد» بدون ذکر مؤلف (نسخهٔ شمارهٔ ۲٤۰۱/۳٥) ورساله‌ای دیگر بانام مبدأ ومعاد از ابهری یاد شده در دو بخش، بخش یکم در ۷ و بخش ۲ در ٥ فصل که جزاین است (شماره ۲٤۰۱/۳٤)

در دفتر ۱۱۲۰ (از مجموعه کتب اهدائی امام جمعه خویی به کتابخانه مجلس) نسخه‌ای از این رساله با نام « کلمات عشره یاده کامه » با چند رساله از میرسیدعلی همدانی ضمیمه است و این نگارنده این رساله را نیز از میرسیدعلی همدانی پنداشت اما اکنون ، نسبت آن را به اثیرالدین ابهری رحجان مینهم زیرا در بیشتر نسخه‌هایی که تا این زمان بنظر رسیده صریحا به او منسوب شده است .

رجوع شود به فهرست مجلس ۷ : ۳۲۲ ذریعه ۱۹ :۵۳ دانشگاه ۲۴۰۱/۳٤ و ۲٤۰۱/۳۵

ص ۶۱۰ ـ آداب البحث

در الهیات نسخه ای از این آداب البحث هست که بنوشتهٔ فهرست نگار تنها دارای دو فصل است (باحتمال قوی در تعداد فصلها اشتباه شده و یا عنوان فصلها دیده نشده است) در نسخه مزبور این رساله از خواجه حسن بقال دانسته شده و در فهرست نیز عینا آمده

رجوع شود به فهرست مجلس ۱۰ : دانشگاه ۳ : ۹ سپهسالار ۳ : ۹ مهر کتابخانه رضوی ۱ شماره ۸ (بخش منطق) فهرست الهیات : ۳۷۸

استدراك

ص ۲۹۲ ـ تعلیقات

این تعلیقات از قوام الدین محمد رازی مؤلف عین الحکمه است . (ص ۴۲۱ـ فهرست ۵) بـاین نکته با راهنمائی آقای احمد منزوی و تألیف پر ارج ایشان توجه یافتم .

A CATALOGUE OF
THE
MANUSCRIPTS IN THE PARLAMENT LIBRARY

(PERSIAN & ARABIC)

BY

ABDOL HOSSEIN HAERI

VOL . 9

PART 2

TEHERAN

1968 _ 1347

A CATALOGUE OF

THE

MANUSCRIPTS IN THE PARLAMENT LIBRARY

(PERSIAN & ARABIC)

BY

ABDOL HOSSEIN HAERI

VOL . 9

PART 2

TEHERAN

1968 - 1347